



جامعه‌مهدوی

دوفصلنامه علمی - ترویجی

سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱

۵

صاحب امتیاز:

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی)

www.isca.ac.ir

مدیر مسئول: نجف لکزایی

سر دبیر: حسین الهی‌نژاد

دبیر تحریریه: مسلم کامیاب

مجوز انتشار نشریه جامعه مهدوی در زمینه آینده پژوهی (تخصصی) به زبان فارسی و ترتیب انتشار دوفصلنامه به نام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۱۵ به شماره ثبت ۸۶۴۰۶ از سوی معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر گردید.

دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه‌مهدوی در بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)؛ سیویلیکا (Civilica)؛ مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)؛ پرتال جامع علوم انسانی؛ سامانه نشریه: jm.isca.ac.ir؛ کتابخوان همراه پژوهان (Pajoohaan.ir) و پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی (<http://journals.dte.ir>) نمایه می‌شود.

هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله‌ها آزاد است • دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقالات صرفاً نظر نویسندگان محترم است.

نشانی: پردیسان، انتهای بلوار دانشگاه، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، طبقه همکف، اداره نشریات. صندوق پستی: ۳۶۸۸/ ۳۷۱۸۵ * تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۶۹۰۹ سامانه نشریه: jm.isca.ac.ir

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب



اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سیدمجید امامی

دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام

حسین الهی نژاد

دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

غلامرضا بهروزی لک

استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

سیدمسعود پورسیدآقایی

استاد حوزه علمیه قم

نعمت الله صفری فروشانی

استاد جامعه المصطفی العالمیه

نجف لکزایی

استاد دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

سیدرضی موسوی گیلانی

دانشیار دانشگاه ادیان و مذاهب

محمدهادی همایون

استاد دانشگاه امام صادق علیه السلام

حسن یوسفیان

دانشیار مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه

مهدی یوسفیان

استادیار مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

□

داوران این شماره

حسین الهی نژاد، غلامرضا بهروزی لک، خدا مراد سلیمیان، محمد شهبازیان، رضا عیسی نیا قاسم آباد - قنبر فتح شهبازی، مسلم کامیاب، محمود ملکی راد و احمد رضا یزدانی مقدم.

فراخوان دعوت به همکاری

دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی بر اساس مصوبه هیئت امنای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های علمی و فکری مراکز حوزوی و دانشگاهی و با هدف تولید دانش و معرفت علمی، ترویج و انتشار یافته‌های پژوهشی و آثار اندیشمندان در حوزه مهدویت و آینده‌پژوهی معطوف به دین و امور حوزوی، با صاحب امتیازی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی منتشر می‌شود.

دوفصلنامه علمی - ترویجی **جامعه مهدوی** در عرصه مباحث مهدویت و آموزه‌های مهدوی و ناظر به اهداف ذیل منتشر می‌شود:

۱. تعمیق فرهنگ مهدویت در جامعه؛
۲. توسعه تحقیقات و پژوهش در حوزه مهدویت؛
۳. پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و مسائل مهدویت؛
۴. ارتقای سطح معرفتی مردم نسبت به مباحث مهدویت؛
۵. بسترسازی جهت پرورش مهدی‌پژوهان و محققان مهدوی؛
۶. آسیب‌شناسی و نقد جریان‌های انحرافی مهدویت؛
۷. تبیین مبانی فلسفی، کلامی و اعتقادی مهدویت؛
۸. تولید محتوای مباحث جدید مهدویت؛
۹. تبیین و توسعه مباحث درجه دو مهدویت؛
۱۰. بسترسازی جهت نظریه‌پردازی و مرجعیت علمی در حوزه مهدویت.

اولویت‌های پژوهشی فصلنامه با رویکرد دینی، اعتقادی و تطبیقی

۱. بسط و تبیین مباحث اعتقادی مهدویت؛
۲. توسعه و تحلیل مسائل علمی و درجه دو مهدویت؛
۳. پردازش و تحقیق مسائل فرا مذهبی و فرا اسلامی در حوزه مهدویت؛
۴. تبیین و تحلیل مسائل عقلی و فلسفی مهدویت؛
۵. پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات مهدویت.

از صاحب نظران، استادان و پژوهشگران علاقمند به موضوعات و مباحث مهدویت و آموزه‌های مهدوی دعوت می‌شود تا آثار و مقالات خویش را جهت بررسی و چاپ در دوفصلنامه جامعه مهدوی بر اساس ضوابط و شرایط مندرج در این فراخوان از طریق سامانه نشریه به آدرس jm.isca.ac.ir ارسال نمایند.

راهنمای تنظیم مقاله

شرایط اولیه پذیرش مقاله

- ✓ نشریه **جامعه مهدوی** در پذیرش یا رد و ویرایش علمی و ادبی مقالات، آزاد است.
- ✓ مقالات ارسالی به نشریه **جامعه مهدوی** نباید قبلاً در جای دیگری ارائه یا منتشر شده و یا همزمان جهت انتشار به نشریات دیگر ارسال شده باشند.
- ✓ با توجه به اینکه همه مقالات فارسی ابتدا در سامانه سمیم نور مشابهت‌یابی می‌شوند، برای تسریع فرایند داوری بهتر است نویسندگان محترم قبل از ارسال مقاله، از اصالت مقاله خود از طریق این سامانه مطمئن شوند.
- ✓ نشریه **جامعه مهدوی** از دریافت مقاله مجدد از نویسندگانی که مقاله دیگری در روند بررسی دارند و هنوز منتشر نشده، معذور است.
- ✓ مقاله در محیط Word با پسوند DOCX یا قلم Noorzar نازک ۱۳ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ (برای انگلیسی) حروف‌چینی شود.
- **شرایط مقالات استخراج شده از آثار دیگر:** چنانچه مقاله مستخرج از هر کدام از موارد ذیل باشد، نویسنده موظف است اطلاعات دقیق اثر وابسته را ذکر کند. در غیر این صورت در هر مرحله‌ای که نشریه متوجه عدم اطلاع‌رسانی نویسنده شود، مطابق مقررات برخورد می‌کند:
 - **پایان‌نامه** (عنوان کامل، استاد راهنما، تاریخ دفاع، دانشگاه محل تحصیل، دانشکده، گروه تحصیلی)
 - **مقاله ارسالی از دانشجویان (ارشد و دکتری)** به‌تنهایی قابل پذیرش بوده و ذکر نام **استاد راهنما** الزامی می‌باشد.
 - **طرح پژوهشی** (عنوان کامل طرح، تاریخ اجرا، همکاران طرح، سازمان مربوطه)
 - **ارائه شفاهی در همایش و کنگره** (عنوان کامل همایش یا کنگره، تاریخ، سازمان مربوطه)
 - **روند ارسال مقاله به نشریه:** نویسندگان باید فقط از طریق بخش ارسال مقاله سامانه نشریه جهت ارسال مقاله اقدام کنند، به مقالات ارسالی از طریق ایمیل یا ارسال نسخه چاپی ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ✓ برای ارسال مقاله، نویسنده مسئول باید ابتدا در بخش «**ارسال مقاله**» اقدام به ثبت نام در سامانه نشریه نماید.
- ✓ نویسندگان باید همه مراحل ارزیابی مقاله را صرفاً از طریق صفحه شخصی خود در سامانه مجله دنبال نمایند.
- **قالب و موضوع مقالات مورد پذیرش**
 ۱. نشریه **جامعه مهدوی** فقط مقالاتی را که حاصل دستاوردهای پژوهشی نویسنده و حاوی یافته‌های جدید است را می‌پذیرد.
 ۲. نشریه از پذیرش مقالات مروری صرف، گردآوری، گزارشی و ترجمه معذور است.
- **فایل‌هایی که در زمان ثبت نام نویسنده مسئول باید در سامانه بارگذاری کند:**
 ۱. فایل اصلی مقاله (بدون مشخصات نویسندگان)
 ۲. فایل مشخصات نویسندگان (به زبان فارسی و انگلیسی)
 ۳. فایل **تهدنامه** (با امضای همه نویسندگان)
 ۴. فایل مشابه‌یاب مقاله
 ۵. فایل عدم تعارض منافع

تذکر: (ارسال مقاله برای داوری، مشروط به ارسال سه فایل مذکور و ثبت صحیح اطلاعات در سامانه است).

○ حجم مقاله: **واژگان کل مقاله:** بین ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ واژه؛ **کلیدواژه‌ها:** ۴ تا ۸ کلیدواژه؛ **چکیده:** ۱۵۰ تا ۲۰۰

واژه (چکیده باید شامل هدف، مساله یا سوال اصلی پژوهش، روش‌شناسی و نتایج مهم پژوهش باشد).

○ نحوه درج مشخصات فردی نویسندگان: نویسنده مسئول در آثاری که بیش از یک نویسنده دارند باید حتماً

مشخص باشد. عبارت (نویسنده مسئول) جلوی نام نویسنده مورد نظر درج شود. فرستنده مقاله به‌عنوان

نویسنده مسئول در نظر گرفته می‌شود و کلیه مکاتبات و اطلاع‌رسانی‌های بعدی با وی صورت می‌گیرد.

○ **وابستگی سازمانی نویسندگان باید دقیق و مطابق با یکی از الگوی‌های ذیل درج شود:**

۱. **اعضای هیأت علمی:** رتبه علمی (مریی، استادیار، دانشیار، استاد)، گروه، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.

۲. **دانشجویان:** دانشجوی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، دانشگاه، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.

۳. **افراد و محققان آزاد:** مقطع تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری) رشته تحصیلی، سازمان محل خدمت، شهر، کشور، پست الکترونیکی سازمانی.

۴. **طلاب:** سطح (۲، ۳، ۴)، رشته تحصیلی، حوزه علمیه/مدرسه علمیه، شهر، کشور، پست الکترونیکی.

○ **ساختار مقاله:** بدنه مقاله باید به ترتیب شامل بخش‌های ذیل باشد:

۱. **عنوان؛**

۲. **چکیده فارسی** (تبیین موضوع/مساله/سوال، هدف، روش، نتایج)؛

۳. **مقدمه** (شامل تعریف مساله، پیشینه تحقیق (فارسی و انگلیسی)، اهمیت و ضرورت انجام پژوهش و دلیل جدید بودن موضوع مقاله)؛

۴. **بدنه اصلی** (توضیح و تحلیل مباحث)؛

۵. **نتیجه‌گیری** (بحث و تحلیل نویسنده)؛

۶. **بخش تقدیر و تشکر:** پیشنهاد می‌شود از مؤسسه‌های همکار و تأمین‌کننده اعتبار بودجه پژوهش نام برده شود. از افرادی که به نحوی در انجام پژوهش مربوطه نقش داشته، یا در تهیه و فراهم‌نمودن امکانات مورد نیاز تلاش نموده‌اند و نیز از افرادی که به نحوی در بررسی و تنظیم مقاله زحمت کشیده‌اند، با ذکر نام، قدردانی و سپاس‌گزاری شود. کسب مجوز از سازمان‌ها یا افرادی که نام آنها برای قدردانی ذکر می‌شوند، الزامی است؛

۷. **منابع** (منابع غیرانگلیسی علاوه بر زبان اصلی، باید به انگلیسی نیز ترجمه شده و بعد از بخش فهرست منابع، ذیل عنوان **References** درج شوند).

○ **روش استناددهی:** **APA** (درج پانویس، ارجاعات درون متن و فهرست منابع) می‌باشد که لینک دانلود فایل

آن در سامانه نشریه (راهنمای نویسندگان) موجود می‌باشد.

فهرست مقالات

- استبعادگرایی در انتظار و مهدویت..... ۸
حسین الهی‌نژاد
- بررسی مدل برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی..... ۳۱
جلال ریزانه - رضا باقریان
- وجوه معنابخش مقاومت در مواجهه با مداخله فکری - عملی بازیگران خارجی در توسعه افراط‌گرایی
معاصر..... ۹۰
مختار شیخ‌حسینی
- قدرت متعالی در نظام سیاسی مهدوی در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام..... ۱۱۳
رضا محمدزاده - رضا لکزایی
- ماهیت، مبانی و کارویژه‌های دولت اسلامی در جامعه منتظر در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام ... ۱۴۴
رضا عیسی نیا
- کتاب‌شناسی تحلیلی «منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر»..... ۱۷۷
محمدهادی منصوری

Improbability in the Waiting and Mahdiism

Hossein Elahinejad¹

Received: 19/01/2023

Accepted: 21/02/2023



Abstract

Mahdiism and its teachings, in addition to the achievements and good results it has for Mahdavi believers, have faced problems and challenges based on some distortions and misunderstandings, including the challenge of improbability, which depends on various factors, such as "negativity about the role of man in the reappearance (of Imam Mahdi)", "Disappointment of human preparation and reformation for reappearance", "the reappearance relying on despair in the narratives" and "lack of awareness of the wisdom of delaying the reappearance ". In general, among Mahdavi believers, there are three attitudes of improbability, immediacy and moderation. Improbability itself is based on two negative attitudes of seeking deadline and delaying. In order to get out of this challenge and individual and social problem, it is necessary to promote an approximate and hopeful attitude, to make people optimistic about the reappearance and turn their despair into hope. In this study, the conceptual and analytical recognition of improbability, delaying and immediacy has been done with a descriptive and analytical method in order to reach the conclusion that these three attitudes are negative and the solution to deal with is to promote the attitude of moderation in the matter of reappearance.

Keywords

Mahdiism, the waiting for Imam Mahdi, reappearance, improbability, immediacy, moderation.

1. Full Professor of Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. h.elahinejad@isca.ac.ir.

* Elahinejad, H. (1401 AP). Improbability in the Waiting and Mahdiism. *Journal of Mahdavi Society*, 3(5), pp. 8-28. DOI: 10.22081/JM.2023.65754.1063

استبعادگرایی در انتظار و مهدویت

حسین الهی‌نژاد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

چکیده

مهدویت و آموزه‌های آن علاوه بر دستاوردها و نتایج خوبی که برای باورمندان مهدوی دارد، بر اساس برخی کجروی‌ها و بدفهمی‌ها دچار مشکلات و چالش‌هایی شده است؛ نظیر چالش استبعادگرایی که متفرع بر عوامل مختلفی است، مثل «منفی‌گرایی در مورد نقش انسان در ظهور»، «نامیدی از آمادگی و اصلاح بشر برای ظهور»، «مبتنی شدن ظهور بر یأس در روایات» و «عدم آگاهی از حکمت تأخیر ظهور». به‌طور کلی در میان باورمندان مهدوی سه نگرش استبعادگرایی، استعجال‌گرایی و اعتدال‌گرایی مطرح است. استبعادگرایی خود متفرع بر دو نگرش منفی استیصال‌گرایی و استبطاء‌گرایی است. برای برون‌رفت از این چالش و مشکل فردی و اجتماعی، لازم است با ترویج نگرش تقریب‌گرایانه و امیدوارانه، مردم را به رخداد ظهور خوشبین و یأس آنها را تبدیل به امیدواری کنیم. در این تحقیق به بازشناسی مفهومی و تحلیلی استبعاد، استبطاء و استعجال با روش توصیفی و تحلیلی پرداخته شده است تا به نتیجه و برابندی چون منفی‌بودن این سه نگرش و راهکار مقابله با آن که همان ترویج نگرش اعتدال‌گرایی در امر ظهور است، برسیم.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، انتظار، ظهور، استبعادگرایی، استعجال‌گرایی، اعتدال‌گرایی.

h.elahinejad@isca.ac.ir

۱. استاد تمام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

* الهی‌نژاد، حسین. (۱۴۰۱). استبعادگرایی در انتظار و مهدویت. دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۵)،

DOI: 10.22081/JM.2023.65754.1063

صص ۸-۲۸.

مقدمه

در بحث انتظار و ظهور، مباحث مختلفی با رویکرد آسیب‌شناسانه مطرح است. بحث استبعاد‌گرایی با ترادفات استیجال‌گرایی و استبطاء‌گرایی از جمله آنها است که با رویکرد آسیب‌شناسی مطرح و از آن بحث و گفتگو می‌شود. «استیجال» در کتاب‌های لغت به معنای زمان‌خواستن، وقفه‌خواستن و مهلت‌خواستن آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۱؛ بستانی، ۱۳۷۵، ص ۵۱) و «استبطاء» به معنای کندشدن، دیرشمردن، درنگ کردن و کاهل‌شمردن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۴) و «استبعاد» به معنای دوردانستن، دورشمردن، دوری‌خواستن، گمان‌نبردن، بعیددانستن آمده است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۶۰؛ بستانی، ۱۳۷۵، ص ۵۲).

در مطلع بحث این نکته شایان ذکر است که در خصوص بحث انتظار و ظهور به‌طور کلی سه نگرش «اعتدال‌گرایی»، «استعجال‌گرایی» و «استبعاد‌گرایی» مطرح است. در بحث استعجال‌گرایی به موضوع انتظار و ظهور، به‌صورت افراطی نگاه و بر اساس توهمات و منویات شخصی در خصوص زمان ظهور تصمیم‌گیری می‌شود؛ یعنی به تقدم‌بخشی زمان ظهور بدون توجه به مقدمات و تمهیدات لازم اعتقادورزی می‌شود. در مقوله استبعاد‌گرایی که با مقولاتی چون استیجال‌گرایی و استبطاء‌گرایی همراه است، بر خلاف استعجال‌گرایی به رخداد ظهور نگاهی تفریطی می‌شود و بر اساس نگرش‌های مادی و بشری، زمان ظهور بعید و دور از دسترس دانسته می‌شود. میانه این دو نگرش افراطی و تفریطی نگرش اعتدال‌گرایی قرار دارد که معتقد است اولاً ظهور در زمان منطقی خودش به وقوع می‌پیوندد؛ ثانیاً ظهور در رخدادش نیاز به مقدمات و تمهیدات بشری است؛ ثالثاً در صورت آمادگی انسان و درخواست واقعی او از خدا، قطعاً لطف الهی شامل حال بشر می‌شود و خدا زمان ظهور را تقدم می‌بخشد.

در خصوص نگرش سه‌گانه، روایتی از امام جواد علیه‌السلام نقل شده است که راوی از حضرت می‌پرسد: «فَقُلْتُ لَهُ وَ لِمَ سُمِّيَ الْمُتَنَظِّرُ قَالَ لِأَنَّ لَهُ عَيْبَةً تَكْثُرُ أَيَّامَهَا وَ يَطُولُ أَمْدُهَا فَيَتَنَظَّرُ حُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ يَنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ وَ يَسْتَهْزِئُ بِذِكْرِهِ الْجَاهِدُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ؛ عرض کردم: چرا او را منتظر

گویند؟ فرمود: زیرا او غیبتی طولانی خواهد کرد و مخلصین در انتظار او به سر برند و آنها که تردید دارند، ظهورش را منکر می‌شوند و دشمنان وجود او را به مسخره گیرند و آنها که وقت ظهورش را تعیین می‌کنند دروغگو باشند و کسانی که در آمدنش شتاب دارند، به هلاکت افتند و آنان که تسلیم تقدیر الهی هستند، از آن ورطه نجات یابند» (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۷۸).

در این روایت امام جواد علیه السلام گروه‌های مختلفی را با مواضع گوناگونی نام می‌برد که برخی به نام مخلصون هستند که با اخلاص در انتظار ظهورش به سر می‌برند و برخی دیگر که شکاکان‌اند در مورد ظهور امام زمان علیه السلام شک دارند و در نهایت شکشان تبدیل به انکار می‌شود و برخی افراد که منکران‌اند، وجود حضرت و نام او را با کنایه و سخره یاد می‌کنند و گروه دیگر که وقت گذران‌اند، برای ظهور بدون علم و آگاهی تعیین وقت می‌کنند که این افراد در زمره دروغ‌گویان معرفی می‌شوند و گروه دیگری به نام مستعجلین هستند که با شتاب‌زدگی و بدون منطق، زمان ظهور را به جلو می‌اندازند و در آخر گروه نجات‌یافتگان هستند که در برابر حکمت خدا تسلیم‌اند و در انتظار ظهور در موعد خودش به سر می‌برند. بعد از بیان گروه‌های مختلف و وجود سه گروه «مرتابون»، «مستعجلون» و «مسلمون» که با سه نگرش استبعاد‌گرایی، استعجال‌گرایی و اعتدال‌گرایی توجیه می‌شوند، در این نوشتار به گروه اول که گروه مرتابون با نگرش استبعاد‌گرایی است، توجه شده و بحث و گفتگو فقط درباره آنها است. این نگرش یعنی نگرش استبعاد‌گرایی دارای عوامل مختلفی نظیر «طولانی‌شدن غیبت»، «بی‌تأیید دانستن نقش مردم»، «نامیدی از آمادگی و زمینه‌سازی ظهور از ناحیه مردم»، «عدم آگاهی از حکمت الهی در غیبت و ظهور» و «عدم اطلاع از زمان رخداد ظهور» است که به‌نوعی زمینه استیصال و استبعاد‌گرایی را در میان مردم فراهم می‌کند و پیامدهایی منفی دارد، از جمله اینکه منتظران و جامعه منتظر را دچار چالش و آسیب می‌کند، نظیر «یأس و نامیدی»، «ترزل و سستی درباره مهدویت و انتظار»، «خوگرفتن مردم به شرایط موجود»، «فراهم‌شدن زمینه انکار مهدویت» و... که در ادامه به بیان تبیینی و تحلیلی آنها مبادرت می‌شود.

۱. عوامل استبعادگرایی

استبعاد و استبعادگرایی که به نوعی نتیجه و برآیند استیصال و استیصال‌گرایی، استبطاء و استبطاء‌گرایی است، به معنای دورانگاری و تأخیرورزی در رخداد ظهور است و در بستر عوامل مختلف اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. به طور کلی دو نکته از محتوای روایات مهدویت و نیز از آموزه‌های مهدویت برداشت می‌شود که این دو نکته در واقع عوامل نگرش استیصال، استبعادورزی و استبطاء در رخداد ظهور است:

۱. طولانی بودن زمان غیبت؛ ۲. نامعلوم بودن زمان ظهور. بی‌تردید اصل این دو نکته که از واقعیات مهدویت است و شواهد قرآنی و روایی (که در ادامه بدان اشاره می‌شود) آن را تأیید می‌کنند، برای مهدویت و باورمندان مهدوی هیچ‌گونه چالشی را به همراه ندارد و به نوعی مورد قبول همه منتظران و باورمندان مهدوی است. در واقع زمانی این دو نکته چالش‌برانگیز و مشکل‌ساز می‌شود که با نگرش‌ها و بسترهای فکری انحرافی و منفی همراه شود و از آنها تأثیرپذیری داشته باشد؛ نظیر اعتقاد به بی‌خاصیتی و بی‌تأثیری منتظران در رخداد ظهور، یعنی منتظران در زمان رخداد ظهور هیچ‌گونه نقش و تأثیری ندارند، اعم از اینکه در این مسیر تلاش و کوششی داشته باشند یا خیر و اعم از اینکه به دنبال زمینه‌سازی ظهور رفته باشند یا خیر و اعم از اینکه با اعمال صالح و با روحیه اصلاح و اصلاح‌گیری به استقبال ظهور رفته باشند یا خیر، هیچ تفاوتی در این میان نیست و ظهور در زمان خودش بدون توجه به تلاش‌ها و کوشش‌های مردم به وقوع می‌پیوندد. در واقع پیامد این نوع نگرش نامیدی و یأس را به همراه دارد و صاحبان این دیدگاه در واقع رخداد ظهور را امری ماورایی و دور از دسترس تلقی می‌کنند و با استبعادورزی آن را در افق‌های بسیار دور جستجو می‌کنند. بی‌شک همه این نگرش‌ها و افکار منفی که منجر به دورانگاری و استیصال‌ورزی در امر ظهور شده، در واقع به عدم معرفت و آگاهی صاحبان این دیدگاه به حکمت و تدبیر الهی در خصوص مهدویت و آینده بشریت بازمی‌گردد که در ادامه به صورت تفصیلی به عوامل و خاستگاه این نگرش‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱. نگرش منفی به نقش انسان در ظهور

از جمله عوامل که زمینه‌ساز استبعادورزی در مقوله ظهور می‌شود، کنار گذاشتن انسان در سرنوشت تاریخی خویش و بی‌خاصیت جلوه‌دادن تلاش و کوشش او در رخداد ظهور است.

به‌طور کلی در خصوص نقش آفرینی انسان در امر ظهور سه نگرش وجود دارد:

الف) تفویض امر ظهور به خدا و کنار گذاشتن انسان به‌صورت مطلق.

ب) تفویض امر ظهور به خدا به‌صورت مقید؛ یعنی انسان نقش دارد؛ ولی نقش او در تقدم‌بخشی و تأخر بخشی زمان ظهور بی‌تأثیر است.

ج) تفویض امر ظهور به خدا به‌صورت مقید؛ یعنی انسان علاوه بر نقش داشتن در زمان ظهور نیز می‌تواند مؤثر باشد.

سه نگرش بالا را به عبارت دیگر چنین می‌توان بیان کرد: اولاً امر ظهور به‌صورت مطلق به خدا واگذار شده و بشر در این خصوص هیچ‌گونه مسئولیتی ندارد؛ ثانیاً ظهور به‌صورت مقید به خدا واگذار شده که خود بر دو قسم است: ۱. انسان در این خصوص مسئولیت دارد؛ ولی انجام مسئولیت او هیچ‌گونه تأثیری در زمان رخداد ظهور ندارد. ۲. انسان در این خصوص مسئولیت دارد و انجام مسئولیت او در زمان رخداد ظهور تأثیر دارد.

از آنجایی که نگرش اول (که به‌صورت مطلق، ظهور و زمینه‌سازی ظهور را امری ماورایی و فعل الهی را تنها تأثیرگذار در آن می‌داند) تفاوت ماهوی با دو نگرش دیگر دارد و در میان شیعیان طرفداران بسیار کمی دارد، از طرح آن در اینجا خودداری می‌کنیم و تنها به دو نگرش دیگر که در آن به مسئولیت‌داشتن انسان در امر ظهور و زمینه‌سازی ظهور تأکید می‌شود، خواهیم پرداخت که نگرش اول را در قالب «نگرش وظیفه‌گرایی مطلق» و نگرش دوم را در قالب «نگرش وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور» تعبیر می‌کنیم.

۲. نگرش وظیفه‌گرایی مطلق و وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور

بی‌شک بعد از اثبات مسئولیت‌داشتن انسان در فرایند رخداد و زمینه‌سازی ظهور، دو

نظریه «وظیفه‌گرایی مطلق» و «وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور» در میان مهدی‌باوران مطرح می‌شود. در نگرش اول تنها به انجام وظیفه با اعتقادورزی به عدم تأثیر انجام وظیفه در تقدم‌بخشی به زمان ظهور پرداخته می‌شود و در نگرش دوم وظیفه با اعتقادورزی به تأثیر داشتن اعمال صالح در تقدم‌بخشی به ظهور انجام می‌شود.

۱-۲. نگرش وظیفه‌گرایی مطلق

در نگرش وظیفه‌گرایی مطلق، هدف تنها انجام وظیفه است آن هم به صورت مطلق؛ یعنی فعالیت‌ها و تلاش‌هایی که مردم در قالب زمینه‌سازی انجام می‌دهند همه با رویکرد مطلق‌گرایانه (نه با رویکرد خاص ظهور) صورت می‌گیرد؛ به بیان دیگر صاحبان این نظریه، زمینه‌سازی را به صورت مطلق و با اعتقاد به اینکه هیچ‌گونه ارتباط خاصی با شکل‌گیری و رخداد ظهور ندارد، می‌دانند و انجام می‌دهند و در واقع هدفشان از انجام زمینه‌سازی، خود زمینه‌سازی است یعنی زمینه‌سازی برای زمینه‌سازی نه زمینه‌سازی برای تقدم‌بخشی ظهور؛ پس به‌طور کلی در نگرش وظیفه‌گرایی مطلق، «انسان‌ها مأمور به وظیفه هستند نه مأمور به نتیجه». وظیفه اولیه منتظران تنها انجام کارهای صالح و نیک است.

مثلاً در کتاب راز پنهانی و رمز پیدایی به این موضوع اشاره شده است و از محتوای آن، حمایت و پایبندی به این نگرش برمی‌آید. نویسنده محترم در جای‌جای این کتاب به‌نحوی به صحیح‌بودن این دیدگاه اشاره می‌کند و می‌نویسد ظهور عمل و فعل الهی است و امام زمان علیه السلام و مردم نه در اصل ظهور و نه در زمان ظهور دخالت ندارند و در واقع هم‌چنان که مردم منتظر ظهورند، خود امام زمان علیه السلام نیز منتظر ظهور است. همه اعمالی که بندگان انجام می‌دهند می‌تواند مقدمه‌ای برای صدور فرمان خداوند در مورد ظهور باشد. بیش از این، تأثیری در آن ندارد (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۵). بعد همو در ادامه می‌نویسد: در مورد اصل ظهور و زمان آن اگر بخواهیم به‌طور دقیق سخن بگوییم، می‌توان گفت زمان ظهور به اراده تکوینی حق متعال تعیین و تقدیر می‌شود و امام زمان معجری فرمان الهی است (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۶). ایشان در جای دیگر ظهور را بدون

شرایطی که مرتبط با مردم باشد، معرفی می کند و می گوید نه اصلاح و اصلاح گری مردم و نه عدالت و عدالت خواهی مردم هیچ کدام شرط ظهور نیستند (بنی هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۹).

مطلب مهم دیگری که نویسنده کتاب بر آن اصرار می ورزد، خارق العاده بودن ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام است که به دلیل عظیم بودن قیام حضرت و اجرایی شدن همه اعجاز انبیا علیهم السلام توسط ایشان، مردم هیچ نقشی در امر ظهور نخواهند داشت.

در پاسخ گفته می شود: اگر بنا باشد که ظهور و قیام و حکومت امام زمان علیه السلام فقط با معجزه انجام شود، تأخیر طولانی بودن آن بدون حکمت است؛ زیرا در زمان پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و امامان بزرگوار دیگر، خداوند با معجزه، دین خود را بر کل جهان منتشر می کرد؛ البته مراد از این کلام، عادی جلوه دادن انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیست؛ اما نباید بدون بررسی همه جانبه اصول و سنت های الهی در زندگی بشر، جانب افراط را در پیش گرفت و قیام حضرت را چنان خارق العاده و معجزه آسا دانست که انسان ها هیچ نقشی در آن نداشته باشند (لطیفی و مولایی، ۱۳۸۱، ص ۳۵). در خصوص لزوم تمهید و آمادگی برای ظهور که ظهور بدون آن رخ نمی دهد، امام صادق علیه السلام به جمعی از شیعیان می فرماید: «فِي أَي شَيْءٍ أَنْتُمْ هَيَّاتَ هَيَّاتَ لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُعْرَبُوا لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَحَّضُوا لَا وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَيَّرُوا؛ شما در مورد [ظهور] چه چیز سخن می گوید؟ هیهات! هیهات! آنچه گردن های خود را به سوی می کشید (منتظر آن هستید)، واقع نخواهد شد تا اینکه غربال شوید، [هیهات] و آنچه گردن های خویش را به سوی آن می کشید، واقع نمی گردد تا اینکه صاف شوید و آنچه گردن های خود را به سوی می کشید، واقع نخواهد شد تا اینکه پاک سازی شوید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۷۰).

از این روایت و امثال آن به خوبی برداشت می شود رخداد ظهور بدون آمادگی مردم حاصل نمی شود و در واقع میان رخداد ظهور با آمادگی مردم رابطه وجود دارد و این رابطه، رابطه لزومی است؛ یعنی با آمادگی مردم زمینه رخداد ظهور فراهم می شود و این آمادگی نیز در قالب خودسازی، پاک سازی و غربال گری نمایان می شود.

نگرش دوم، نظریه وظیفه گرایی معطوف به ظهور است. در این نگرش، هدف از

زمینه‌سازی، فقط انجام وظیفه به صورت مطلق نیست، بلکه انجام وظیفه با عطف به ظهور صورت می‌گیرد و این انجام وظیفه مترتب بر نتیجه‌ای به نام تقدم‌بخشی ظهور است؛ یعنی انجام کارهای صالح و نیک که به‌عنوان تمهیدات ظهور و زمینه‌سازی ظهور صورت می‌گیرد، در رخداد ظهور نقش دارد و زمان ظهور که متغیر است، با عمل صالح و رفتار صحیح که در قالب زمینه‌سازی و آمادگی مردم تبلور دارد تغییر می‌کند.

۲-۲. نگرش وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور

بی‌شک نگرش وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور با توجه به وجود معیارهای صحیح و دلایل قوی که آن را همراهی می‌کنند و با عنایت به فواید و کارکردها بیشتری که در حوزه فردی و اجتماعی منتظران دارد، بیشتر مورد اقبال باورمندان اسلامی است و بیشتر مورد اذعان و پذیرش اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است که در ذیل به تبیین آن پرداخته می‌شود.

بی‌تردید قائلان به دیدگاه وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول کسانی هستند که صریحاً اعتقاد به این نظریه دارند و به‌طور واضح به تأثیرگذاری نقش مردم در تقدم‌بخشی و تأخر‌بخشی ظهور اعتراف می‌کنند، نظیر کتاب سنت‌های تاریخ در قرآن به تألیف سیدمحمدباقر صدر و کتاب اختیاری‌بودن ظهور به قلم علی‌رضا نودهی و کتاب مسئله لزوم و عدم لزوم زمینه‌سازی برای ظهور به تألیف خلیل نعمتی، نیز مقاله «زمینه‌سازی برای ظهور؛ آرمان انقلاب اسلامی» چاپ‌شده در ماهنامه موعود شماره ۱۰۸ به قلم ابراهیم شفیعی سروستانی و مقاله «زمینه‌سازی ظهور» در مشرق موعود شماره ۱۰ به قلم سیدمسعود پورسیدآقایی و مقاله «مهندسی بلوغ اجتماعی و زمینه‌سازی ظهور» در مشرق موعود شماره ۲ به قلم فرامرز سهرابی.

ولی گروه دوم در این خصوص افرادی هستند که به‌صورت تلویحی به این نظریه اذعان و اعتراف می‌کنند و آن را در قالب مباحث سه‌گانه «آمادگی مردم»، «دعا برای ظهور» و «علت تأخیر ظهور» مطرح می‌نمایند؛ مثلاً بحث آمادگی مردم را مطرح می‌کنند و رخداد ظهور را مشروط بر تحقق آن می‌دانند. همچنین بحث دعا برای تعجیل

در ظهور را مطرح می‌کنند و دعای منتظران را در تعجیل بخشی ظهور مؤثر می‌دانند. نیز بحث تأخیر ظهور را مطرح کرده، قدرناشناسی مردم و فقدان یاران کافی برای امام زمان علیه السلام را سبب تأخیر ظهور می‌دانند. در نتیجه در صورتی که مردم به آمادگی کامل رسیده باشند و قدر امام و جایگاه او را در نظام هستی بدانند و از روی التماس و اصرار برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند، خداوند زمینه ظهور امام زمان علیه السلام را فراهم می‌کند و با کاستن زمان غیبت، زمان ظهور را به جلو می‌اندازد.

در این خصوص آیت‌الله آصفی در کتاب الانتظار الموجه در بحث علت تأخیر ظهور می‌نویسد: علت تأخیر ظهور به جهت فراگیر نشدن ظلم و ستم نیست، بلکه نبود یاران کافی از نظر کمی و کیفی و نبود آمادگی مردم، زمینه به تأخیر افتادن ظهور امام زمان علیه السلام شده است و اگر این مشکل برطرف شود، ظهور بدون تأخیر زودتر به وقوع می‌پیوندد (آصفی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۸).

آیت‌الله مکارم شیرازی در کتاب حکومت جهانی امام زمان در پاسخ به طولانی شدن غیبت می‌گوید: برای تحقق یک انقلاب همه‌جانبه در سطح جهان تنها وجود یک رهبر شایسته انقلابی کافی نیست، بلکه آمادگی عمومی نیز لازم است و هنوز متأسفانه دنیا آماده پذیرش چنان حکومتی نشده است و به محض آمادگی، قیام او قطعی است (مکارم، ۱۳۷۶، ص ۲۱۲).

اصفهانی در کتاب مکیال المکارم می‌نویسد آمادگی مردم یکی از شرایط و ارکان ظهور است. باید قدم اول را در این مسیر مردم بردارند و ظهور را از خدا طلب نمایند تا خداوند ظهور را تحقق بخشد (اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱). همو در ادامه می‌نویسد: دعاهایی که مردم برای تعجیل بخشی ظهور می‌کنند، در تقدم بخشی ظهور تأثیر دارد (اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۴۵۲).

فقیه ایمانی در کتاب لواء الانتصار روایاتی را که درباره دعا برای تعجیل ظهور وارده شده، به پنج قسم تقسیم می‌کند و در قسم اول می‌نویسد: در بعضی روایات تصریح شده است دعای مؤمنین و طلب فرج آن حضرت علیه السلام موجب تعجیل در فرج می‌شود و ترک آن موجب تأخیر در فرج می‌شود (فقیه ایمانی، ۱۳۸۳، ص ۴۵).

بنابر نظر سیدمحمدباقر صدر در کتاب رهبری بر فراز قرون موفقیت هر کاری برای تغییر ساختار جامعه، به یک سلسله شرایط و زمینه‌های خارجی نیاز است. اگرچه تغییرات اجتماعی که سرچشمه الهی دارد، ربطی به عوامل خارجی ندارند، از جنبه‌های خارجی به شرایط بیرونی متکی هستند؛ پس با اینکه خدا توانایی هموار کردن مسیر برای ظهور را دارد، ولی از این روش استفاده نخواهد کرد؛ پس باید منتظر شرایط باشیم و برای اجرای چنین تحولی وجود رهبر صالح به‌تنهایی کافی نیست (صدر، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵).

سروش در کتاب مدارا و مدیریت به شرایط رخداد ظهور اشاره کرده و می‌گوید اگر مردم از نظر آمادگی در کف و در نقطه کمترین قرار داشته باشند، ظهور رخ نمی‌دهد، بلکه ظهور زمانی به وقوع می‌پیوندد که مردم در اوج آمادگی باشند؛ یعنی اوج آمادگی مردم ظهور را به همراه می‌آورد (سروش، ۱۳۷۶، ص ۳۸۹).

۳. تفاوت‌های غایت‌شناختی و کارکردشناختی دو نگرش

تفاوت اساسی نگرش وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور با نگرش رقیب یعنی نگرش وظیفه‌گرایی مطلق در دو رویکرد غایت‌شناختی و کارکردشناختی قابل‌بازشناسی است.

۳-۱. تحلیل غایت‌شناختی

نظریه وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور دارای هدف و غایتی است. هدف این نظریه تأثیرگذاری در رخداد ظهور و تغییر زمان ظهور از حیث تقدم و تأخر است؛ یعنی براساس این نظریه اگر منتظران به وظیفه فردی و اجتماعی خویش خوب عمل کنند و با اعمال صحیح و رفتار اسلامی به آمادگی فردی و اجتماعی برسند، می‌توانند در زمان رخداد ظهور تأثیرگذار باشند؛ پس هدف در این نظریه تغییردادن زمان ظهور و تعجیل‌بخشی در آن است؛ ولی در نظریه رقیب یعنی نظریه وظیفه‌گرایی مطلق از آنجایی که منتظران انجام‌دادن کارها و وظایف محوله را به قصد تغییر در رخداد ظهور صورت نمی‌دهند، تأثیرگذاری در زمان رخداد ظهور و تقدم‌بخشی آن جزو اهداف آنها تلقی نمی‌شود و شاید بهتر باشد این‌طور بیان شود که نظریه رقیب اصلاً در این خصوص

به دنبال هدفی در رخداد ظهور نیست، بلکه زمینه‌سازی را برای زمینه‌سازی که به‌عنوان یک وظیفه کلی و مطلق تلقی می‌شود، انجام می‌دهد.

شایان ذکر است مقصود از تأثیرگذاری در رخداد ظهور و تغییرپذیری آن که منجر به تقدم‌بخشی ظهور می‌شود، علم کلی به تقدم‌بخشی است نه علم جزئی و دقیق؛ یعنی علم به تقدم‌بخشی ظهور در قالب دو ساحت علم تفصیلی و علم اجمالی نمایان می‌شود. مقصود از تقدم‌بخشی که جزو اهداف این نگرش است، نوع تفصیلی و جزئی نیست، بلکه مقصود علم کلی و اجمالی به رخداد ظهور است؛ یعنی ما منتظران که نگرش وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور را قبول کردیم، باور داریم اعمال و رفتار اسلامی ما در رخداد ظهور تأثیرگذار است و این تأثیرگذاری به‌طور کلی موجب تغییر در زمان ظهور و تقدم‌بخشی آن می‌شود نه به‌طور جزئی و تفصیلی که اگر این نگرش دقیق و تفصیلی مقصود باشد، مذمت روایات «کذب الوقاتون» شامل این نگرش می‌شود؛ پس نتیجه گرفته می‌شود نگرش وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور هدفمند و غایتمند است و هدف آن تأثیرگذاری کلی در رخداد ظهور است و از این تأثیرگذاری کلی، تغییرات کلی در زمان رخداد ظهور حاصل می‌شود و نتیجه این تغییرات در واقع علم به کلیت تقدم و تأخر بخشی زمان ظهور است که از آن به تقدم‌بخشی و تأخر بخشی کلی و اجمالی ظهور اطلاق می‌شود.

۲-۳. تحلیل کارکردشناختی

بر اساس تحلیل کارکردشناختی، نگرش وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور دارای آثار و مؤلفه‌هایی است که نگرش رقیب از آن محرم است، نظیر امیدواری، انگیزه‌مندی، پویایی، بالندگی و نشاط که با این نگرش قابل‌بازیابی است؛ زیرا وقتی منتظران با باورمندی به این مسئله که اعمال و رفتار انسان در مقوله ظهور تأثیرگذار است و هرچه این اعمال و رفتار بیشتر در راستای تعالیم اسلامی و منطبق با فرهنگ دینی باشد، این تأثیرگذاری بیشتر خواهد بود و از طرفی باورمندان مهدوی به این اذعان برسند که زمان رخداد ظهور غیرثابت و متغیر است و متفرع بر تلاش‌ها و حرکت‌های اصلاحی انسان

است، به‌طور قطع با انگیزه‌مندی و امیدواری تمام به سوی انجام کارهای خوب و پسندیده گام برداشته و با روحیه پرنشاط و پویا به سوی زمینه‌سازی ظهور حرکت می‌کنند؛ اما وقتی نظریه رقیب یعنی وظیفه‌گرایی مطلق مطرح شود، بالتبع عکس این باورها در میان مردم اشاعه پیدا می‌کند که در فرایند رخداد ظهور ما تنها مأمور به انجام وظیفه یعنی زمینه‌سازی هستیم؛ حال این زمینه‌سازی منجر نتیجه یعنی ظهور بشود یا خیر و این زمینه‌سازی، ظهور را تقدم ببخشد یا خیر. در این مورد بشر هیچ‌گونه تکلیفی نداشته و ندارد؛ چراکه زمان ظهور ثابت و تغییرناپذیر است و با اعمال و رفتار بشر تغییری در آن حاصل نمی‌شود. بی‌شک بر اساس این نظریه وقتی ارتباط میان زمینه‌سازی با ظهور نفی شود و زمینه‌سازی بشر در ظهور بی‌تأثیر و بی‌خاصیت انگاشته شود، یعنی مردم در خصوص زمینه‌سازی برای ظهور چه تلاش بکنند و چه نکنند، تفاوتی در نتیجه به وجود نمی‌آید و ظهور به دلیل ثابت‌بودن زمانش در مقطع زمانی خاص خودش به وقوع می‌پیوندد. به‌طور قهری با اشاعه این نگرش و نهادینه‌شدن آن در جامعه به‌نوعی روحیه یأس، ناامیدی و بی‌رغبتی در میان مردم رواج پیدا می‌کند و فرهنگ خمودی و ایستایی بر مردم مستولی می‌شود که نتیجه آن ترویج روحیه استبعادورزی و دورانگاری در مورد رخداد ظهور در میان مردم است.

۴. ناامیدی از آمادگی و اصلاح بشر برای ظهور

دومین عاملی که بستر استبعادورزی و دورانگاری ظهور را در میان مردم موجب می‌شود، ناامیدی از آمادگی و اصلاح بشر است. بر اساس نگرش وظیفه‌گرایی معطوف به ظهور که در قسمت قبلی به تفصیل بیان شد، مردم در رخداد ظهور نقش تمهیدی و مقدماتی دارند و زمینه‌سازی ظهور که همان نقش تمهیدی بشر است، متفرع بر فعل و اراده بشر می‌باشد که اگر فعل و اراده جمعی بشر به سوی زمینه‌سازی ظهور هدایت نشود و بشر در این مسیر ناموفق و ناکام نمایان شود، قطعاً به شایستگی ظهور نخواهد رسید و عدم شایستگی ظهور، قطعاً عدم بایستگی ظهور را به همراه دارد که به‌طور کلی همیشه عدم شایستگی ظهور، عدم بایستگی ظهور و عدم بایستگی ظهور، ناامیدی از

رخداد ظهور و نامیدی از رخداد ظهور به برابری چون استبعاد و دورانگاری ظهور منتهی می‌شود. بر این اساس در این خصوص دو نگرش مثبت و منفی مطرح می‌شود که قائلان به نگرش مثبت، به بشر و عملکرد او امیدوارند و حرکت بشر را رو به جلو و تعالی‌بخش می‌دانند و قائلان به نگرش منفی، از بشر و عملکرد او ناامیدند و بشر را در مسیر زمینه‌سازی ظهور کاهل و بی‌رُمق می‌دانند که نتیجه آن دوری از ظهور و تقویت روحیه استبعادورزی و استیصال‌گرایی در میان مردم است.

علت روی آوردن استبعادورزان به نگرش منفی که از عملکرد مردم ناامید شده و اصلاح بشر را به ظاهر ناممکن می‌دانند، این است که می‌گویند اولاً تحقق ظهور بدون آمادگی مردم ممکن نیست؛ ثانیاً آمادگی مردم به معنای آمادگی کامل، جامع و فراگیر مقصود است؛ ثالثاً تحقق آمادگی کامل و فراگیر مردم بسیار بعید و غیرممکن است؛ پس امیدآوری در مورد رخداد ظهور در کوتاه‌مدت امری بیهوده و واهی است.

در پاسخ گفته می‌شود آمادگی مردم برای ظهور از دو طریق آگاهانه و جاهلانه حاصل می‌شود. در مسیر آگاهانه که باورمندان مهدوی قرار دارند تلاش و کوشش‌شان از روی معرفت و آگاهی کامل است و با این نگاه به سوی آمادگی و زمینه‌سازی ظهور امام زمان علیه السلام پیش می‌روند. در برابر آنها که پیروان سایر ادیان آسمانی و غیرآسمانی اعم از ابراهیمی و غیرابراهیمی قرار دارند و در واقع جمعیت‌شان به مراتب بیشتر از گروه اول است، براساس ناآگاهی به منجی واقعی یعنی امام زمان علیه السلام به سوی آمادگی پیش می‌روند. شایان ذکر است حرکت گروه دوم به سوی اصل ظهور در واقع آگاهانه است؛ ولی به سوی منجی مسلمانان که امام زمان است، ناآگاهانه است؛ پس به طور کلی مردمان جهان به دو صورت شناختاری و غیرشناختاری به سوی آمادگی ظهور امام مهدی علیه السلام به پیش می‌روند و از آنجایی که گروه دوم اعتقادی به ظهور امام مهدی علیه السلام ندارند و دارای جمعیت بیشتری نیز هستند، برای استبعادورزان این تداعی ایجاد شده است که چطور ممکن است آنها را با معرفت‌افزایی به سوی آمادگی و زمینه‌سازی پیش برد. در واقع با وجود تنوع در آمادگی و تقسیم آن به شناختاری و غیرشناختاری پاسخ این پرسش نیز داده می‌شود؛ یعنی همه مردم جهان به سوی آمادگی و زمینه‌سازی به

پیش می‌روند و همه آنها نیز به نوعی اعتقاد به ظهور و حرکت کردن به سوی آن را دارند. تنها تفاوت در مصداق منجی است.

۵. مبتنی‌شدن ظهور بر یأس در روایات

در برخی از روایات مهدویت که اشاره‌ای به سختی دوران غیبت و سختی آمادگی و صلاحیت برای ظهور شده است، زمینه یأس و ناامیدی برای اصلاحگری و تمهیدگری مردم برای ظهور برداشت می‌شود؛ بر این اساس کسانی که نگرش منفی به عملکرد بشر دارند و مردم را ناتوان و ناشایست در این خصوص می‌دانند، با تمسک‌جستن به این نوع روایات، در توانمندی و قدرت بشر برای زمینه‌سازی ظهور تردید می‌کنند و بستر یأس و ناامیدی در خصوص رخداد ظهور و ترویج روحیه استبعاد‌گرایی و استیصال‌گرایی را در میان مردم دامن می‌زنند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يَا مَنْصُورُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى تُمَيِّزُوا لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى تُمَحَّضُوا وَلَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى يَشْقَى مَنْ شَقِيَ وَ يَسْعَدَ مَنْ سَعِدَ؛ ای منصور صاحب‌الامر نخواهد آمد مگر بعد از آنکه به کلی مأیوس شوید. نه به خدا نمی‌آید مگر بعد از آنکه خوب و بد شما امتیاز یابند، نه به خدا نمی‌آید مگر موقعی که پاک شوید، نه به خدا او نمی‌آید مگر هنگامی که آن کس که شقی است، شقاوتش آشکار گردد و آن کس که سعادت‌مند است شناخته شود» (صدوق، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۴۶).

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «فَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَجِيءُ الْفَرْجُ عَلَى الْإِيَّاسِ؛ بر شما باد که صبر کنید؛ زیرا فرج در نومیدی می‌آید» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸۱).

در این دو روایات که به سختی دوران غیبت اشاره شده است، علاوه بر شدت بردباری و صبوری منتظران به جایگاه «تمیز» و «تمحص» برای رسیدن به ظهور نیز می‌پردازد و اوج این صبوری، تمیز و تمحص در مقوله یأس نمایان می‌شود که فرایند غیبت برای رسیدن به ظهور، فرایند بسیار سخت و طاقت‌فرسایی است که به آسانی نمی‌توان به آن رسید؛ زیرا اولاً همراه با تمیز و جداسازی است؛ ثانیاً همراه با تمحص و

پاکسازی است؛ ثالثاً همراه با تمایز شقاوت‌ها از سعادت‌ها است. بی‌شک ظاهر این قبیل روایات که به نوعی دلالت بر وجود یأس و ناامیدی و سختی خاصی در عصر غیبت برای تحقق ظهور می‌کند، زمینه برخی نگرش‌های منفی نظیر استبعاد‌گرایی و استیجال‌گرایی را به همراه دارد و بستر برخی سوءاستفاده‌ها را فراهم کرده است. در پاسخ گفته می‌شود اولاً واژه یأس در روایات به معنای مأیوس‌شدنی که به برابری چون استبعاد‌گرایی و استیجال‌گرایی برسد، نیست، بلکه به نوعی بیانگر این است که تحقق ظهور به آسانی صورت نمی‌گیرد؛ زیرا در روایت اول، ابتدا واژه یأس آمده است و بعد آن را با آوردن واژه‌های تمیز و تمحص که بیانگر سختی تحقق ظهور باشد، تبیین کرده است؛ ثانیاً حتی اگر قبول کنیم واژه یأس در معنای خودش به کار رفته، ولی باید گفت متعلق آن یأس از تحقق ظهور نیست، بلکه متعلق آن یأس از کارآمدی مکاتب و ایسم‌های بشری است که بشر را با وعده‌های واهی و غیرواقعی دلخوش کرده و با ناکارآمدی و ناموفق بودن در هدف‌رسانی، زمینه یأس و ناامیدی را در بشر و هدایت او به سوی نهلیسم و پوچ‌گرایی را فراهم کرده است. بر این اساس انسان‌های معاصر با پی‌بردن به بی‌ثمر بودن مکاتب و ایسم‌های بشری از آنها ناامیده می‌شوند و به سوی برنامه‌های الهی و آسمانی که از طریق منجی به ارمغان آورده می‌شوند، گرایش پیدا می‌کنند؛ ثالثاً روایات فراوانی داریم که از نظر شمارگان از دو روایات بالا بیشترند که به بیان امیدواری به رخداد ظهور پرداخته‌اند و این امیدواری را به صورت شبانه‌روزی توصیه کرده‌اند.

چنان‌که امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: «إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ يَوْمًا لَا تَرَى فِيهِ إِمَامًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَأَحِبِّ مَنْ كُنْتَ تُحِبُّ وَ أَبْغِضْ مَنْ كُنْتَ تُبْغِضُ وَ وَالٍ مَنْ كُنْتَ تُؤَالِي وَ أَنْتَظِرِ الْفَرَجَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً؛ هرگاه صبح و شام کردی و امامی را از آل محمد در آن وقت ندیدی، همان کس را که دوست می‌داشتی، دوست بدار و همان را که دشمن می‌داشتی دشمن بدار و با هر کس که پیوند ولایت داشتی، داشته باش و صبح و شام منتظر فرج باش» (نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸).

با امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعِبَادُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَرْضَى مَا يَكُونُ عَنْهُمْ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ لَمْ يَظْهَرْ لَهُمْ وَ لَمْ يَعْلَمُوا بِمَكَانِهِ وَ هُمْ فِي ذَلِكَ

يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَمْ تَبْطُلْ حُجَّةُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَلَا مِيثَاقُهُ فَعِنْدَهَا فَنَوَقَعُوا الْفَرَجَ صَبَاحًا وَ مَسَاءً فَإِنَّ أَشَدَّ مَا يَكُونُ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى أَعْدَائِهِ إِذَا افْتَقَدُوا حُجَّةَ اللَّهِ فَلَمْ يَطْهَرُوا لَهُمْ وَ قَدْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ لَا يَزْنَتَابُونَ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّهُمْ يَزْنَتَابُونَ مَا غَيَّبَ حُجَّتَهُ عَنْهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ؛ نزدیک‌ترین حالتی که بندگان نسبت به خدای تعالی دارند و خشنودترین هنگامی که خدا از آنان است، هنگامی است که حجت خدای عز و جل را از دست بدهند و برای آنان ظاهر نگردد و جایگاهش را ندانند و در عین حال اعتقاد داشته باشند که نه حجت خدا جل ذکره باطل می‌شود و نه پیمان‌ش. در چنین وقت هر بامداد و شبانگاه به انتظار فرج باشید که سخت‌ترین خشم خدا به دشمنانش هنگامی است که حجت او را گم کنند و برای آنان هویدا نباشد و خدا می‌داند که دوستانش شک نمی‌کنند و اگر می‌دانست که آنان به شک می‌افتند، حجت خویش را یک چشم به هم‌زدن غایب نمی‌کرد» (نعمانی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۱).

همچنین در دعایی امام صادق علیه السلام توصیه می‌کند در چهل صبحگاه خوانده شود: «اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجِّلِ اللَّهُمَّ طُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَزُونُهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ خدایا! این غم و اندوه را [که بر اثر غیبت او به ما رسیده] با حضور او برطرف نما و در ظهور او شتاب کن. دشمنان ما ظهور آن حضرت را بعید می‌دانند؛ ولی ما آن را نزدیک می‌دانیم» (مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۶۶۵).

۶. عدم آگاهی از حکمت تأخیر ظهور

آگاه‌نبودن از حکمت تأخیر ظهور (یعنی طولانی شدن غیبت) از جمله عواملی است که زمینه‌ساز نگرش استبعادورزی و استیجال‌گری در ظهور شده است. برای توضیح این بحث لازم است به این نکته توجه شود که فعل غیبت بسان هر فعل دیگری دارای سه مؤلفه اساسی یعنی «علت»، «حکمت» و «غایت» است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۴۳۱). علت آن چیزی است که همیشه وجود فعل دایر و مدار وجودش است (محقق داماد، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۱۳۳)؛ یعنی با وجود علت، فعل وجود پیدا کرده و با نفی آن فعل نیز منتفی می‌گردد. حکمت که از آن به فایده و فلسفه نیز تعبیر می‌شود (مرکز اطلاعات و

مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۶۰۵)، دائر و مدار مصالح و مفاسد فعل است که وجودش تداعی گر فعل، ولی عدمش فقدان فعل را به همراه ندارد. غایت که همان هدف فعل است، در واقع مرتبط با علت و حکمت است و از طریق آن دو توجیه می‌شود؛ یعنی غایت در واقع همان هدفی است که از دل علت و حکمت بر می‌خیزد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۶۰).

به بیان دیگر هر کدام از مؤلفه‌های سه‌گانه بالا دارای شاخصه‌های مختلفی است، مثلاً شاخصه‌های علت این موارد است: ۱. علت ایجادکننده فعل است؛ ۲. علت ظاهر و واضح است؛ ۳. علت قبل از فعل وجود دارد؛ ۴. علت در مقام عمل پیش از حکمت و غایت وجود دارد. و شاخصه‌های حکمت نظیر این موارد است: ۱. حکمت از خواص خود فعل است؛ ۲. حکمت به‌طور قهری از فعل منتج می‌شود؛ ۳. حکمت مخفی و غیرظاهر است (زیدان، ۱۴۲۰ق، ص ۲۰۳)؛ ۴. حکمت بعد از علت و قبل از غایت شکل می‌گیرد. شاخصه‌های غایت این موارد است: ۱. غایت نتیجه علت و حکمت است؛ ۲. غایت با قصد فاعل شکل می‌گیرد؛ ۳. غایت در مقام عمل بعد از علت و حکمت است؛ ولی در مقام ذهن قبل از علت و حکمت است.

غیبت امام زمان علیه السلام دارای علت، حکمت و غایت است که علت آن به تصریح روایات به مردم و نافرمانی آنها باز می‌گردد و حکمت غیبت همان فایده و فلسفه غیبت است که در برخی روایات با بیان مصادیق نظیر «تمحیص»، «تمییز» و «تغریب» مطرح شده و در برخی روایات دیگر به اسرار و مخفی بودن آن نظر داده شده است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَمْ يَنْكَشِفْ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِيمَا أَتَاهُ الْحَضِرُ عَ مِنْ حَزَقِ السَّفِينَةِ وَ قَتْلِ الْعُلَامِ وَ إِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى عَ إِلَى وَقْتِ افْتِرَاقِهِمَا؛ حکمت غیبت او همان حکمتی است که در غیبت حجت‌های الهی پیش از او بوده است و وجه حکمت غیبت او پس از ظهورش آشکار گردد؛ هم‌چنان‌که وجه حکمت کارهای خضر علیه السلام از شکستن کشتی و کشتن پسر و به‌پاداشتن دیوار بر موسی علیه السلام روشن نبود تا آنکه وقت جدایی آنها فرارسید» (صدوق،

۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۸۲؛ اما غایت غیبت نیز همان تنبیه و مجازاتی است که خدا به عنوان فاعل غیبت آن را قصد کرده و برای مردم نافرمان در نظر گرفته است.

نتیجه گیری

درباره غیبت و ظهور سه نگرش استعجال گرایی، استبعاد گرایی و اعتدال گرایی مطرح است؛ استعجال گرایی به دنبال رفع غیبت و تحقق ظهور به صورت زودهنگام و استبعاد گرایی به دنبال رفع غیبت و تحقق ظهور به صورت دیر هنگام و اعتدال گرایی به دنبال رفع غیبت و تحقق ظهور به صورت منطقی و واقع گرایی است. استبعاد گرایی که خاستگاه‌هایی نظیر استعجال گرایی و استبطاء گرایی دارد، در بستر دو مقوله «طولانی شدن غیبت» و «عدم آگاهی از زمان غیبت» همراه با توجیه انحرافی و نگرش منفی به آن دو شکل گرفته است و دارای عواملی نظیر «نگرش منفی به نقش انسان در ظهور»، «ناامیدی از آمادگی و اصلاح بشر برای ظهور»، «مبتنی شدن ظهور بر یأس در روایات» و «عدم آگاهی از حکمت تأخیر ظهور» است. در رد نگرش استبعاد گرایی گفته شد که طولانی شدن زمان ظهور و عدم آگاهی مردم از آن نه تنها زمینه یأس و ناامیدی را در مهدی‌باوران فراهم نمی‌کند، بلکه اشتیاق را برای انجام کارهایی که به نوعی زمینه‌ساز ظهور باشند، در مردم زیاد می‌کند. به عوامل استمرار نگرش استبعاد گرایی نیز مفصل در متن اشاره شد که اولاً مردم در بحث زمینه‌سازی و رخداد ظهور نقش مهمی در قالب نقش تمهیدی دارند؛ ثانیاً بشر در مسیر زمینه‌سازی ظهور با دو نگرش عالمانه و جاهلانه به پیش می‌رود؛ ثالثاً روایات فراوانی در منابع حدیثی مهدویت آمده است که به نوعی نویدگر ظهور و ایجادگر امید و امیدواری در میان مهدی‌باوران است؛ رابعاً بر اساس فلسفه و حکمت غیبت که در روایات مختلفی آمده است، طولانی شدن زمان ظهور خللی بر اعتقادات مهدوی مسلمانان به خصوص شیعیان ایجاد نمی‌کند.

فهرست منابع

۱. ابن منظور. (۱۴۱۶ق). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی، مؤسسه التاریخ العربی.
۲. اصفهانی، محمد تقی. (۱۳۸۷). مکیال المکارم (چاپ هفتم). قم: مسجد مقدس جمکران.
۳. آصفی، محمد مهدی. (۱۴۱۸ق). الانتظار الموجه. بیروت: الغدیر.
۴. بستانی، فؤاد افرام. (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی (چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلامی.
۵. بنی هاشمی، سید محمد. (۱۳۸۴). راز پنهانی و رمز پیدایی. تهران: نیک معارف.
۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس. بیروت: دارالفکر.
۷. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
۸. زیدان، عبدالکریم. (۱۴۲۰ق). الوجیز فی اصول الفقه. بیروت: دارالکتب.
۹. سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۶). مدارا و مدیریت. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۰. صدر، سید محمد باقر. (۱۳۷۹). رهبری بر فراز قرون. تهران: نشر موعود.
۱۱. صدوق، محمد. (۱۳۷۷). کمال الدین و تمام النعمه (ج ۲). تهران: اسلامی.
۱۲. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۱). اصول فقه شیعه (ج ۱). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
۱۳. فقیه ایمانی، محمد باقر. (۱۳۸۳). لواء الانتصار. اصفهان: عطر عترت.
۱۴. کلینی، محمد. (۱۴۰۷ق). کافی (ج ۱). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. لطیفی، رحیم؛ ملائی، حسن. (۱۳۸۱). جایگاه اختیار و تلاش انسان در پدیده ظهور. مجله انتظار موعود، (۳)، صص ۸۹-۱۱۲.
۱۶. محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۳). قواعد فقه (ج ۴، چاپ دوازدهم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۷. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. (۱۳۸۹). فرهنگ نامه اصول فقه. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۸. مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹ق). مزار کبیر. قم: جامعه مدرسین.
۱۹. مکارم، ناصر. (۱۳۷۶). حکومت جهانی امام زمان علیه السلام. قم: نسل جوان.
۲۰. نعمانی، محمد. (۱۳۹۷ق). غیبت نعمانی. تهران: نشر صدوق.

References

1. Asefi, M. M. (1418 AH). *Al-Intizar al-Mowajah*. Beirut: Al-Ghadir. [In Arabic]
2. Banihashemi, S. M. (1384 AP). *Hidden secret and Found password*. Tehran: Nik Ma'aref. [In Persian]
3. Bostani, F. A. (1375 AP). *Abjadi Dictionary* (2nd ed.). Tehran: Eslami Publications. [In Persian]
4. Dar, S. M. B. (1379 AP). *Leadership on the Centuries*. Tehran: Mow'oud Publications. [In Persian]
5. Esfahani, M. T. (1387 AH). *Makyal al-Makarim*. (7th ed.). Qom: The Holy Mosque of Jamkaran. [In Arabic]
6. Faqih Imani, M. B. (1383 AP). *Lawa' al-Intisar*. Isfahan: Atr Etrat. [In Persian]
7. Fazel Lankarani, M. (1381 AP). *Usul Fiqh Shia* (Vol. 1). Jurisprudential Center of Pure Imams. [In Persian]
8. Hamiri, A. (1413 AH). *Qorb al-Asnad*. Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
9. Hosseini Zobeidi, M. M. (1414 AH). *Taj al-Arous*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
10. Ibn Manzour. (1416 AH). *Lisan al-Arab*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi, Al-Tarikh al-Arabi Institute. [In Arabic]
11. Koleyni, M. (1407 AH). *Al-Kafi*. (Vol. 1). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]
12. Latifi, R., & Molaei, H. (1381 AP). The place of authority and human's attempt in the phenomenon of reappearance of Imam Mahdi. *Journal of Intizar Mow'oud*, 3, pp. 89-112. [In Persian]
13. Makarem Shirazi, N. (1376 AP). *The Global Government of Imam Zaman*. Qom: Nasle Jawan. [In Persian]
14. Mashhadi, M. (1419 AH). *Mazar Kabir*. Qom: Society of Teachers. [In Arabic]
15. Mohaghegh Damad, M. (1383 AP). *Principles of Fiqh*. (Vol. 4, 12th ed.). Tehran: The Center for Publications of Islamic Sciences. [In Persian]

16. Nomani, M. (1397 AH). *Nomani Occultation*. Tehran: Nashr Sadough. [In Arabic]
17. Sadough, M. (1377 AP). *Kamal al-Din va Tamam al-Na'amah*. (Vol. 2.). Tehran: Eslamiyah. [In Persian]
18. Soroush, A. (1376 AP). *Tolerance and Management*. Tehran: Sirat Cultural Institute. [In Persian]
19. The Center for Islamic Information and Documents. (1389 AP). *Dictionary of Usul Fiqh*. Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
20. Zidane, A. (1420 AH). *Al-Vajiz fi Usul al-Fiqh*. Beirut: Dar al-Kotob. [In Arabic]

An Examination of Personal Branding Model in Shahid

Soleimani's School of Thought

Jalal Rizaneh¹ Reza Bagherian²

Received: 15/05/2022

Accepted: 21/02/2023



Abstract

Personal branding is soft power. By adopting an appropriate model, people can go through the path of excellence more smoothly and quickly. In the current study, it has been tried to examine the studies carried out in Shahid Soleimani's School of Thought, so that by knowing the attitude, skills and knowledge of Shahid Soleimani, one can achieve the dimensions of Shahid Soleimani's personal branding model. This research is of an applied type and the research method is based on a descriptive-analytical (documentary) research design, through the meta-composite method. After collecting and analyzing the sources, the researcher selected 35 eligible articles as sources and by extracting 197 codes, 17 dimensions and 6 categories, he has designed the dimensions of the personal branding model in Shahid Soleimani's School of Thought as well as their results in the organizational arena. "Social-Cultural Knowledge", "Spiritual Attitude", "Jihadist Management", "Religious Vision", "Cognitive and Perceptual Competencies" and "Cognitive-Analytical Power" are the dimensions of personal

1. Assistant Professor, Department for Future Studies of Religion and Religiosity, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (Corresponding author). rizaneh1358@yahoo.com.

2. Full Professor of Health Psychology Department, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran. bagherian@med.mui.ac.ir.

* Rizaneh, J., & Bagherian, R. (1401 AP). E An Examination of Personal Branding Model in Shahid Soleimani's School of Thought. *Journal of Mahdavi Society*, 3(5), pp. 31-86.

DOI: 10.22081/JM.2023.63923.1053.

branding model in the school of Shahid Qasem Soleimani, which can introduce a successful model for individual development and an example of jihadi management style to realize "administrative system health", "self-improvement", "idealism", "human resource productivity" and "optimization of decision-making".

Keywords

Personal branding, Shahid Soleimani's School of Thought, competency model, jihadi management, jihadi lifestyle.

بررسی مدل برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی

جلال ریزانه^۱ رضا باقریان^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

چکیده

برندسازی شخصی، یک قدرت نرم است. افراد با درپیش گرفتن مدلی مناسب می‌توانند مسیر تعالی را هموارتر و سریع‌تر طی کنند. در پژوهش حاضر تلاش شده است مطالعات صورت گرفته در مکتب شهید سلیمانی بررسی شود تا بتوان با شناخت نگرش، مهارت‌ها و دانش شهید سلیمانی به ابعاد مدل برندسازی شخصی شهید سلیمانی دست یابیم. این پژوهش از نوع کاربردی و شیوه بررسی بر اساس طرح تحقیق، توصیفی - تحلیلی (اسنادی)، بر پایه روش فراترکیب انجام شده است. محقق پس از جمع‌آوری و تحلیل منابع، ۳۵ مقاله حایز شرایط را به عنوان منبع انتخاب کرده و با استخراج ۱۹۷ کد، ۱۷ بعد و ۶ مقوله به طراحی ابعاد مدل برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی و نتایج حاصل از آن در حوزه سازمانی پرداخته است. «شناخت فرهنگی - اجتماعی»، «نگرش معنوی»، «مدیریت جهادی»، «بصیرت دینی»، «شایستگی‌های شناختی و ادراکی» و «قدرت شناختی - تحلیلی» ابعاد مدل برندینگ شخصی در مکتب شهید قاسم سلیمانی هستند که می‌توانند معرفی‌کننده الگویی موفق برای توسعه فردی و نمونه‌ای از سبک مدیریت جهادی برای تحقق «سلامت نظام اداری»، «خودبهبودی»، «آرمان‌گرایی»، «بهره‌وری منابع انسانی» و «بهینه‌سازی تصمیم‌گیری» باشند.

کلیدواژه‌ها

برندسازی شخصی، مکتب شهید سلیمانی، الگوی شایستگی، مدیریت جهادی، سبک زندگی جهادی.

۱. استادیار گروه آینده‌پژوهی دین و دینداری، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

rizaneh1358@yahoo.com

۲. استاد تمام گروه روان‌شناسی سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. bagherian@med.mui.ac.ir

* ریزانه، جلال؛ باقریان، رضا. (۱۴۰۱). بررسی مدل برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی. دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۵)، صص ۳۱-۸۶.

DOI: 10.22081/JM.2023.63923.1053



مقدمه

«برند» به معنای یک نام، واژه، نشانه، طرح، سمبل و یا هر ویژگی دیگری که سبب متمایزسازی ارائه دهنده خدمات و محصولات از سایرین تعریف می‌شود. امروزه برندها نمادی از هویت محصولات و حتی انسان‌ها به شمار می‌روند و اهمیت برند در شکل‌گیری ارتباطات و جریان‌های مرتبط با کسب و کار غیرقابل انکار است. برند تنها در انحصار محصولات و سازمان‌ها نیست و اشخاص نیز می‌توانند برند شخصی برای خود داشته باشند.

ویژگی‌های شخصی هر فرد، تصویر برند شخصی او را می‌سازند. یک برند شخصی آمیزه‌ای از عوامل درونی فرد مثل نظام ارزش‌ها و آرمان‌ها و اهداف و نیز نمادهای بیرونی او مثل چهره، زبان بدن و شبکه ارتباطات است. به عبارت دیگر، هر فرد دارای برند شخصی منحصر به خود است که در نام، نشان و ویژگی‌های ظاهری و دیگر خصوصیت‌های همراه وی نظیر مهارت‌ها و داشته‌های حرفه‌ای، مختصات شغلی، سبک تعامل، ظاهر، و ویژگی‌های شخصیتی، علایق، فعالیت‌ها، دوستان، خانواده و ... او تجلی می‌یابد و لذا برند شخصی افراد عبارت از کلیه ادراک ذهنی مخاطبان از ویژگی‌ها، تجربیات و شایستگی‌های یک شخص است (صائمیان، ۱۳۹۳، ص ۵۳).

برندساز شخصی^۱ یکی از موضوعات جدید در زمینه برندسازی است و هر فرد با در نظر گرفتن اهداف مشخص شده خود و استفاده از راهکارهای مناسب می‌تواند از یک برند شخصی پایدار برخوردار باشد. برندسازی شخصی به عنوان یک مفهوم کلیدی به افراد حرفه‌ای کمک می‌کند تا تصویر و وجهه متمایزی برای خود ایجاد کرده و خود را به شرکت‌های مختلف ارائه نمایند (Ogutu & Ougo, 2016). برای تحقق این امر افراد بایستی متمایز بوده، ویژگی‌های منحصر به فردشان را تعریف کنند و خود را شخصی برند، حول آن‌هایی که ارزش تعریف کرده‌اند، بسازند (Figurska, 2016). این مهم لزوم توجه هر چه بیشتر به این موضوع را نمایان می‌سازد که در برندسازی شخصی به افکار ناملموس،

1. Personal Branding.

احساسات و ادراکات توجه می‌شود. از طرفی دیگر بیانگر آن است که افراد بایستی اقداماتی را برای ایجاد برند شخصی قوی و واقعی خود انجام دهند (Figurska, 2016). شهید قاسم سلیمانی یکی از بارزترین فرماندهان و مدیرانی بود که با سبک زندگی خود توانست برند ویژه‌ای را تعریف نماید که با ایجاد اعتماد ملی موجب انسجام و وحدت و یکپارچگی در ایران و دیگر ملت‌های مسلمان منطقه شود. لذا بررسی و شناخت برند شخصی ایشان، اهمیتی ویژه دارد که می‌تواند به عنوان یک الگوی برای موفقیت معرفی گردد و به افراد کمک نماید تا در مسیر تعالی با شاخص‌هایی درست حرکت نمایند و بتوانند در راه سعادت کامیاب شوند.

۱. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱. برندسازی شخصی

تاریخ برندسازی به سال ۱۸۰۰ برمی‌گردد. زمانی که در ایالات متحده شرقی دامداران^۱ حیوانات اهلی^۲ را با نمادهای مشخص علامت‌گذاری می‌کردند تا از دزدیده شدن آنها جلوگیری کنند و حیوانات گم شده را شناسایی کنند. برندسازی مصرف‌کننده^۳ در اواخر قرن نوزدهم، آغاز شد و در بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰ به اوج خود رسید. محصولات برند به عنوان کالاهایی منحصر به فرد با ایجاد امتیازات و منابع منحصر به فرد برای مصرف‌کنندگان به فروش رفتند و این نام برند بود که یک محصول را متمایز می‌کرد. بنابراین، جنبش برندسازی شخصی یک بسط و امتداد طبیعی از برندسازی مصرف‌کننده است که یک پکیج فردی از ویژگی‌های منحصر به فرد و ویژه درباره یک فرد را ایجاد می‌کند (Lair, & et al, 2005).

اگرچه برندسازی شخصی در رشته بازاریابی ایجاد شد، اما امروزه بیش از یکصد مقاله در طیف وسیعی از رشته‌ها منتشر شده است. این مقالات به رشد بدنه ادبیات

1. Ranchers.
2. Livestock.
3. Consumer branding.

مربوط به برندسازی شخصی در حوزه‌های تعریف برند شخصی، توضیح چگونگی کارکرد آن و مفهوم‌سازی آن در ارتباط با متغیرهای ورودی و خروجی متعدد کمک می‌کند (Gorbatov, & et al, 2018).

نخستین استفاده از واژه برندسازی شخصی به مقاله تام پترز^۱ (۱۹۹۷) در مجله فست کامپنی^۲ برمی‌گردد. پترز باب گفتگویی را درباره برندسازی شخصی در مقاله‌اش با عنوان «برند به نام تو»^۳ مطرح کرد (Sagdati, 2015; Ward, & Yates, 2013). در آن مقاله مسئله حوزه فردی^۴ را که تأکیدش بر برند شخصی است، مورد بررسی قرار داد (Luca, & et al, 2015).

از اواخر همان سال، برندسازی شخصی به طور فزاینده‌ای شهرت یافت و موضوع کتاب‌های خودپنداری، وب سایت‌ها و خدمات مشاوره قرار گرفت (Khedher, 2015). با این وجود، خدهر (۲۰۱۴) اشاره می‌کند که برخی نویسندگان متذکر شده‌اند که این واژه به طور غیرمستقیم در سال ۱۹۵۹ توسط اروینگ گافمن^۵ معرفی شده است. (گافمن، ۱۹۵۹:ص ۷۷) در کتابش با عنوان «معرفی خود در زندگی روزمره»^۶ به افراد به عنوان بازیگرانی می‌نگرد که در اقدامات مربوط به زمینه‌های گوناگون مشارکت می‌کنند که کار آن‌ها توسط مخاطبان دیده می‌شود. بازیگر بر روی صحنه قرار دارد و به نحوی اقدام می‌کند که مطلوب‌ترین احساس را ایجاد کند و بنابراین واکنش دیگران از این احساس تأثیر می‌پذیرد. از سال ۱۹۹۷ به بعد، این مفهوم (برندسازی شخصی) اقتباس شده، غنی شد و فراتر از ایده اولیه پترز که - یک فرد باید بخواهد فراتر از مجموعه مهارت‌ها از سوی یک کارفرما ادراک شود - مورد تفسیر قرار گرفت (Rangarajan, Gelb & Vandaveer, 2017). در مورد ساختن یک برند شخصی در دنیا صحبت‌های زیادی شده است. برندینگ شخصی

-
1. Tom Peters
 2. Fast Company
 3. The Brand Called You
 4. Individual's Era
 5. Goffman
 6. the presentation of self in everyday life

استراتژی خیلی پیچیده‌ای ندارد اما مانند هر چیز نتیجه بخش، با چالش‌های خود روبرو است. در ابتدا شما باید بدانید چه کسی هستید و به دنبال چه چیزی می‌گردید و در نهایت برای یافتن راه‌هایی که شما را قابل مشاهده می‌کنند، تلاش کنید. یادتان باشد در برندسازی شخصی باید محبوبیت بدست آورید و شناخته شوید (Thomas, 2016).

برندسازی شخصی مترادف با بازاریابی فرد در جامعه در نظر گرفته شده است و از سال ۲۰۰۰ به بعد به عنوان نوعی رفتار کاری فعال و کنش‌گرایانه وارد حوزه مطالعات سازمانی و حرفه‌ای شده است (Johnson, 2017). برندسازی شخصی به عنوان فرایند ساخت هویت شخصی منحصر به فرد، توسعه روابط فعال یک برند با بازار هدف خاص خود، ارزیابی تأثیر آن بر وجهه و اصالت فرد و همچنین ابزاری برای تحقق اهداف شخصی و حرفه‌ای است (Khedher, 2014).

برند شخصی فرد کلیه ارتباطات و مناسبات وی را تحت تأثیر قرار داده و نوع ادراک و تصور دیگران نسبت به وی را شکل می‌دهد. منزلت، احترام، محبوبیت و شأن اجتماعی افراد، وابستگی تنگاتنگی با برند شخصیشان دارد (Lair & et al, 2005).

آنچه که در تمامی این ادبیات به صورت مشترک یافت می‌شود این است که برای کسب موفقیت و تحقق اهداف، (چه صورت فردی و یا اهداف گروهی) برند می‌تواند مسیر را هموارتر و در تعامل محیطی و مدیریت ارتباطات بیار مؤثر واقع گردد. در بررسی ابعاد و مؤلفه‌های برند شخصی می‌توان به اهمیت شایستگی‌ها، چشم انداز، سبک رفتاری و مدیریت افراد، خودشناسی، مدیریت افراد پی برد و توجه مطالعات به حوزه فردی و اجتماعی را مشاهده نمود. پیشینه مطالعات بندسازی شخصی به همراه مؤلفه‌ها و ابعاد برندسازی شخصی در پژوهش‌های مختلف، ضمن مقایسه با نتایج حاصل از پژوهش در جدول شماره (۷) ارائه شده است.

۲-۱. مکتب شهید قاسم سلیمانی

تعریف مکتب با دو رویکرد «هستی‌شناسی» و «اجتماعی» قابل شناسایی و توصیف است. در نگاه هستی‌شناسی مکتب مجموعه جهان‌بینی و باور انسان است که به تفسیر

انسان و جهان می‌پردازد؛ هنجارهای انسانی را مشخص و معین می‌سازد؛ نیاز انسان را به جهان‌بینی برطرف، و در نهایت نظام ارزشی برای زیستن و چگونگی زیستن ارائه می‌کند. استاد شهید مطهری در تعریف مکتب می‌نویسد مکتب یک نظریه کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها در آن مشخص است و خاستگاه الهام تکالیف و مسئولیت‌ها برای همه افراد است و نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌نماید، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به‌شمار می‌رود. این زیرساز و تکیه‌گاه اصطلاحاً جهان‌بینی نامیده می‌شود. هدف‌هایی که یک مکتب عرضه می‌دارد و به تعقیب آن‌ها دعوت می‌کند و راه و روش‌هایی که تعیین می‌کند و بایدها و نبایدهایی که انشا می‌کند و مسئولیت‌هایی که به‌وجود می‌آورد، همه به‌منزله نتایج لازم و ضروری جهان‌بینی است که عرضه داشته است (مطهری، ۱۳۶۸ ج ۲، ص ۵۳) از آنجا که انسان امروز جهت‌گذار و وحدت‌بخش انسان فردا است، آرمان مشترک می‌دهد؛ مالک خیر و شر و باید و نبایدها است، فلسفه زندگی انتخابی آگاهانه مجهز به استدلال و باور جامع و کامل است؛ لذا مکتب و باور از ضروریات حیات اجتماعی است و چون اسلام باوری انسانی است، منشأ آن فطرت انسان است و مخاطبش تمام مردم هستند و به حکم اینکه مذهب است و دین خاتم بیش از هر مذهب آسمانی دیگر برای برپاداشتن عدالت اجتماعی آمده است (حدید، ۷۳ و اعراف، ۱۱).

در حوزه اجتماعی، مکتب را می‌توان مجموعه‌ای از اعتقادات محکم و منسجم، رفتارهای مرتبط و نمودهای برخاسته از اعتقادات، خلیقات و رفتار است به‌گونه‌ای که از فرد شخصیتی الگو و جامع ارائه می‌کند، تعریف نمود. در این تعریف مکتب به معنای تاسی جستن و اجراسازی اصول هستی‌شناسی در زمان‌های مختلف است. مکتب امام خمینی علیه السلام در اجراسازی ارزش‌های والای اسلام در زمان معاصر شکل‌گیری می‌شود و به عنوان یک سیره و مشی معرفی می‌گردد. ارزش‌های اجتماعی برخاسته از شریعت مقدس اسلام که در لباس زمان با تعابیر روز جامعه‌ارایه می‌شود و می‌تواند

مطالبات جامعه را پاسخ گو باشد. از آنجایی که سیره و سبک اجرایی این سردار شهید در تحقق همان اهداف والای انقلاب اسلامی دارای الگویی موفق است می توان آن را در نگاه اجتماعی، و در طول مکتب امام خمینی، مکتب شهید سردار سلیمانی نامید. لذا شهید سلیمانی را می توان با نگاه اول به این ویژگی ها، شخصیتی «فیلسوف» از ایشان استنباط می شود در حالی که ایشان فیلسوف و یا دارای مشرب و سبک فلسفی خاصی نبود؛ هر چند می توان از همه رفتارهای ایشان به اصلی از اصول فلسفه اشاره کرد. وی به صورت مألوف در مدرسه علمیه یا دانشگاه تحصیل نکرده بود؛ هر چند می توان ایشان را فرزند حوزه های علمیه و دانشگاه دانست و می توان برای هر باور و رفتار و روش های ایشان تفسیری دینی و علمی ارائه کرد. همان طور که در بیان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و در بیانیه شهادت ایشان آمده بود، شهید حاج قاسم پیرو مکتب حضرت امام خمینی علیه السلام بود و از این نظر هر آنچه در آموزه های دینی و سیاسی، اجتماعی آمده بود در وجود و رفتار این شهید تجلی داشت. شهید سلیمانی به عنوان شاگرد این مکتب توانست جامع ارزش های اخلاق فردی و اجتماعی باشد و این امر اهمیت بسیار زیادی دارد؛ چون این وجه امتیاز «دینداری انقلابی» از «دینداری عافیت طلبانه» و «انقلابی گری سکولار» است. شهید سلیمانی نمونه موفق از جمع بین «معنویت دینی» و «جامعه گرایی» ارائه کرد؛ عرفان را با سیاست و مبارزه گره زد و در مقام عمل آن را در حوزه نظامی نیز اعمال کرد (علم الهدی، ۱۳۹۸/۱۱/۱۲).^۱ همچنین می توان بیان کرد که شهید سلیمانی شخصیتی متدین بود؛ اما به افکار تحجر آمیز آلوده نبود. ایشان شخصیتی نواندیش و مبتکر بودند؛ اما به تجدد مآبی آلوده نبود و همانطور که در بیانات حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) نسبت به شهید سلیمانی بیان شد، شهید سلیمانی را تربیت یافته «اسلام» و «مکتب امام خمینی» معرفی کردند و ایشان را فراتر از فرد، بلکه مکتب معرفی کردند و فرمودند: «به شهید حاج قاسم به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم» (خامنه ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

1. <https://sccr.ir/News/10037/1>

در خصوص معرفی مدل برندینگ شهید قاسم سلیمانی تاکنون مطالعه ای یافت نگردیده است ولی در خصوص ویژگی‌ها و شایستگی‌ها سردار شهید مقالات متعددی به نگارش در آمده است که در بین آنها می‌توان به مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در دفاع از حریم اهل بیت (موسوی، ۱۳۹۸)، واکاوی سبک رهبری سردار شهید حاج قاسم سلیمانی الگوی متعالی رهبری خدمتگزار (قره باغی و ازگلی، ۱۳۹۹)، تبیین الگوی شایستگی مدیران جهادی تمدن ساز (مورد مطالعه: شهید قاسم سلیمانی) (پهلوان شریف و کاظمی، ۱۳۹۹)، چارچوبی برای تحلیل جنبه‌های انسانی مکتب شهید سلیمانی، (پورقیومی و علویان، ۱۳۹۹) رهبری اخلاص مدار؛ جوهره مکتب شهید سلیمانی (مقیمی، ۱۳۹۹)، تدوین الگوی فرماندهی شهید قاسم سلیمانی (دهقانی‌پوده و پاشایی، ۱۳۹۹)، رهبری معنوی و متواضعانه در مکتب تربیتی شهید سلیمانی (کریمی‌خویگانی، ۱۳۹۹)، سیره شهید سلیمانی در افزایش سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عنصر اعتماد (نصیری، ۱۳۹۹)، الگوی تفکر راهبردی مدیران جهادی بر اساس وصیت نامه الهی سیاسی شهید قاسم سلیمانی (جلیلیان، ۱۳۹۹)، روش موردکاوی به مثابه الگوی آموزش دلالت‌هایی برای تبیین مکتب شهید سلیمانی (لطیفی، ۱۳۹۹) و واکاوی مؤلفه‌های سبک زندگی شهید سلیمانی (تاجبخش، ۱۴۰۰)، اشاره نمود که مکتب ایشان را مورد بررسی قرار داده‌اند.

۲. روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش نوع تحقیق بر اساس اهداف تحقیق، کاربردی و شیوه بررسی بر اساس طرح تحقیق، توصیفی-تحلیلی (اسنادی) بر پایه روش فرا ترکیب انجام شده است. بر این اساس محقق در تلاش بوده است با استفاده از روش فراترکیب به استخراج مقالات (ابعاد)، مفاهیم (مؤلفه‌ها)، و کدهای (شاخص‌های) برندسازی شخصی را از طریق مرور سیستماتیک ادبیات استخراج کرده و مدل پیشنهادی خود را ارائه دهد. روش فراترکیب از انواع مختلف راهبردهای کیفی تحقیق می‌باشد. فراترکیب رویکرد سیستماتیکی برای محققان فراهم می‌سازد تا تحقیقات را ترکیب و تم‌ها و

استعاره‌های پنهان را شناسایی کند و از این طریق دانش موجود را توسعه دهد و دیدی جامع و گسترده ایجاد کند.

سوال اصلی تحقیق، چگونگی مدل برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی می‌باشد. بر این مبنا ابتدا مؤلفه‌های برندسازی شخصی در منابع کلاسیک بررسی شد، با بررسی محقق در بین ۲۴۶ مقاله کیفی ارائه شده در خصوص سبک زندگی، مدیریت، فرماندهی و رهبری شهید قاسم سلیمانی، در نهایت بر اساس محتوا، روش تحقیق و کلید واژگان تحقیق ۳۵ مقاله حایز شرایط قرار گرفت و داده‌های مربوط با کدگذاری اولیه استخراج گردید و در نهایت با دسته‌بندی مفهوم‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی استخراج شد. در این پژوهش به منظور تحقق این هدف، از روش هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو^۱ (۲۰۰۷م) استفاده شده است. گام‌های هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل ۱: فرآیند هفت مرحله‌ای فراترکیب سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷)

مراحل فراترکیب: فراترکیب مستلزم آن است که پژوهشگر بازنگری دقیق و عمیقی را نسبت به سند مورد مطالعه انجام دهد و پژوهش‌های قبلی را با یکدیگر ترکیب کند. سندلوسکی و باروستو الگوی هفت مرحله‌ای را به این منظور ارائه داده‌اند:

۱-۲. تنظیم سؤالات پژوهش

اولین گام در روش فراترکیب، طرح سؤالاتی است که پژوهشگر در فرآیند تحقیق خود به دنبال پاسخ به آن است بنابراین سوال این پژوهش بصورت زیر مطرح شده است:

1. Sandelowski & Barros

جدول ۱. سوالات پژوهش

پارامتر	سوال پژوهش
چه چیز (what)؟	شاخص‌ها و مؤلفه‌های برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی کدامند؟
چه یا چه کسی (who)؟	ابعاد برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی مشتمل بر چه مواردی است؟
چه وقت (when)؟	اثر بخشی مؤلفه‌ها در زمان حیات و بعد از شهادت سردار سلیمانی چگونه‌اند؟
چگونه (how)؟	اهمیت ابعاد برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی چگونه است؟

۲-۲. بررسی نظام‌مند متون

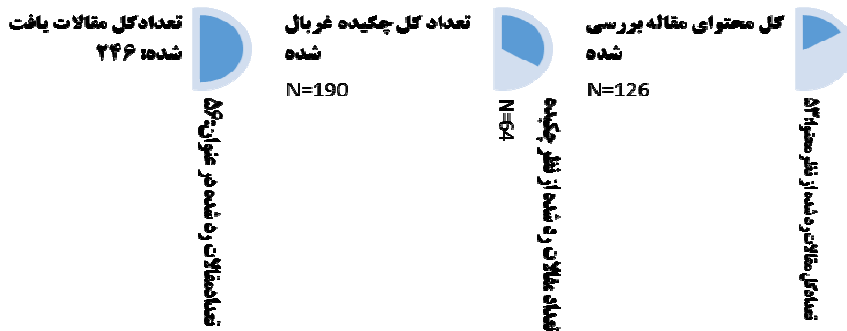
در این مرحله جستجوی نظام‌مند کتب و مقالات منتشر شده در پایگاه‌های معتبر داخلی و خارجی و نیز منابع عمومی و سایت‌های معتبر خارجی و داخلی با هدف تعیین اسناد معتبر، موثق و مرتبط در بازه زمانی مناسب می‌پردازد. در این رابطه ابتدا کلمات کلیدی مرتبط گزینش می‌شوند.

جدول ۲. کلیدواژه‌های جستجو شده

کلمات کلیدی	Keywords
برندسازی شخصی	Personal Branding
مکتب شهید سلیمانی	Shahid Soleimani School
الگوی شایستگی	Competency model
مدیریت جهادی	Jihadi management
سبک زندگی	life style

۲-۳. جستجو و بررسی مقالات مرتبط

در این مرحله با بررسی پایگاه‌های اطلاعاتی نسبت به جستجوی مقالات و منابع علمی بر اساس واژگان کلیدی اقدام شده است. انتخاب مقاله‌های مناسب براساس پارامترهای مختلفی مانند؛ عنوان، چکیده، محتوی، دسترسی و کیفیت روش پژوهش انجام شده است.



نمودار ۱. نتایج جستجو و انتخاب محتوا (مقالات)

۲-۴. استخراج اطلاعات متون منتخب

به واسطه بازبینی‌های مکرر ۳۵ متن نهایی در روش فراترکیب و پس از چندین مرتبه بررسی پژوهش‌ها، اطلاعات مورد نظر از این متون استخراج شد و اطلاعات آنها به صورت کد بازیابی شدند. منابع مورد استفاده در این مرحله در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. مقالات منتخب برای استخراج داده

ردیف	عنوان پژوهش	سال	پژوهشگران
۱	گفتمان مقاومت شهید قاسم سلیمانی در دیپلماسی و روابط بین الملل	۱۳۹۸	امیری و کیانی
۲	تحلیلی کوتاه بر شاخصه‌های سبک زندگی سردار	۱۳۹۸	دشتی و حیدری نیا

ردیف	عنوان پژوهش	سال	پژوهشگران
	شهید سلیمانی		نایینی
۳	الگوی تفکر راهبردی مدیران جهادی بر اساس وصیت‌نامه الهی سیاسی شهید قاسم سلیمانی	۱۳۹۹	جلیلیان
۴	رهبری اخلاص مدار؛ جوهره مکتب شهید سلیمانی	۱۳۹۹	مقیمی
۵	شاخصه‌های مکتب شهید سلیمانی در اندیشه آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)	۱۳۹۹	رجبی
۶	الگوی مطلوب ارتباطات میان فردی در سلسله مراتب فرماندهی: مورد مطالعه شهید حاج قاسم سلیمانی	۱۳۹۹	بیات و سیدطباطبایی
۷	واکاوی سبک رهبری سردار شهید حاج قاسم سلیمانی الگوی متعالی رهبری خدمتگزار	۱۳۹۹	قرباغی و ازگلی
۸	بررسی مهمترین شاخصه‌های امنیتی- نظامی مدیریت جهادی سردار سلیمانی از تشکیل لشکر ۴۱ ثارالله در سال ۱۳۶۰ تا مبارزات برون مرزی با داعش	۱۳۹۹	شفیعی
۹	عشق به وطن در ادبیات مقاومت با الگوپذیری از سردار دل‌ها شهید قاسم سلیمانی	۱۳۹۹	میرحقی و علی نژاد
۱۰	مبانی فکری، اعتقادی و سیاسی شهید سپهد قاسم سلیمانی	۱۳۹۹	خوش‌فر و موسوی‌زاده
۱۱	شناخت مؤلفه‌های سبک زندگی شهید سپهد قاسم سلیمانی	۱۳۹۹	حقانی و حمیدیان
۱۲	تبلور مدیر تراز اول انقلابی در سردار شهید سلیمانی	۱۳۹۹	فاضلی و پاک سرشت
۱۳	نقش درونی‌سازی ارزش‌های دینی به عنوان مؤلفه‌های قدرت نرم برای فرماندهان نظام جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی زندگی سردار شهید قاسم سلیمانی)	۱۳۹۹	محمدیان و صادقی
۱۴	بررسی ویژگی‌های بزرگمرد سجاده و جهاد، حاج قاسم سلیمانی	۱۳۹۹	مرادی و همکاران

ردیف	عنوان پژوهش	سال	پژوهشگران
۱۵	سیره شهید سلیمانی در افزایش سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر عنصر اعتماد	۱۳۹۹	نصیری
۱۶	چارچوبی برای تحلیل جنبه‌های انسانی مکتب شهید سلیمانی	۱۳۹۹	پورقیومی و علویان
۱۷	واکاوی هوش معنوی (SQ) در سبک زندگی سپهبد شهید قاسم سلیمانی	۱۳۹۹	جلالی نژاد
۱۸	نقش استراتژیک سپهبد قاسم سلیمانی بر تغییر موازنه قدرت در منطقه و روابط بین الملل	۱۳۹۹	اخلاقی
۱۹	شناسایی عوامل شکوفایی فضایل اخلاقی حکمران مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی	۱۳۹۹	گنج بخش
۲۰	حکمرانی دفاعی - منطقه‌ای با اندیشه امت محور سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی در بحران‌های ژئوپلیتیکی غرب آسیا	۱۳۹۹	عابدی درچه
۲۱	شهید سردار سلیمانی و محور مقاومت	۱۳۹۹	قلی پور
۲۲	دیپلماسی انقلابی در الگوی رفتار منطقه‌ای سردار سلیمانی	۱۳۹۹	متقی و امینی
۲۳	اصول راهبردی حاکم بر مکتب سلیمانی	۱۳۹۹	بابایی طلائی
۲۴	ارائه الگوی مدیریتی در تراز انقلاب برای مدیران عالی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سبک مدیریتی شهید سپهبد قاسم سلیمانی	۱۳۹۹	محمدظاهری
۲۵	شناسایی ویژگی‌های مدیر جهادی بر اساس رویکرد تحلیل محتوا با نگاهی بر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی	۱۳۹۹	مزروعی نصرآبادی و وحیدی
۲۶	تبیین الگوی مدیریتی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بر اساس نامه ۵۳ نهج البلاغه	۱۳۹۹	کاردار پور، کرباسی، محمدی

ردیف	عنوان پژوهش	سال	پژوهشگران
۲۷	سنترپژوهی مؤلفه‌های رهبری تحول آفرین در مکتب شهید سلیمانی	۱۳۹۹	اصغری و جعفری هرندی
۲۸	تدوین الگوی فرماندهی شهید قاسم سلیمانی	۱۳۹۹	دهقانی پوده، پاشایی هولاسو
۲۹	اخلاص و توکل رمز پیروزی در مکتب شهید سلیمانی	۱۳۹۹	هاشمی نیا، یارمحمدی و محمدی سلیمانی
۳۰	تبیین الگوی شایستگی مدیران جهادی تمدن‌ساز (مورد مطالعه: شهید قاسم سلیمانی)	۱۳۹۹	پهلوان شریف و کاظمی
۳۱	اصول و مبانی و مؤلفه‌های مدیریت جهادی مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی	۱۳۹۹	حسین زاده
۳۲	بررسی راز محبوبیت سردار حاج قاسم سلیمانی از دیدگاه رهبر و پیروانش	۱۴۰۰	رحمانی
۳۳	واکاوی مؤلفه‌های سبک زندگی شهید سلیمانی	۱۴۰۰	تاج بخش
۳۴	شاخصه‌های جامعه‌شناختی انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی	۱۴۰۰	چراغی کوتیانی
۳۵	شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های نفوذ اجتماعی در سبک رهبری شهید قاسم سلیمانی	۱۴۰۰	روح الهی

۲-۵. تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی

در این مرحله چارچوب مفهومی پیشنهادی تدوین و با نظر خبرگان تعدیل شد. نتیجه این مفهوم پردازی در جدول (۴) آورده شده است.

جدول ۴. چارچوب مفهومی با استفاده از طبقه‌بندی یافته‌ها از مطالعات متمرکز

بر مدل برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی

ردیف	نظریه پردازان و پژوهشگران	کدهای استخراجی
۱	امیری و کیانی	گشودگی، همدلی، حمایتگری، مثبت-گرایی و مساوات طلبی، شیوه-ای ستودنی از ارتباطات و دیپلماسی را به وسیله دعوت مردم، نخبگان داخلی و خارجی و قبایل برای مبارزه با تروریسم جهانی با روش مسالمت-آمیز سیاسی و پیمان های مختلف
۲	دشتی و حیدری نیا نایینی	برخوررداری از حسن خلق و تواضع در برابر مردم، ظلم ستیزی و دشمن شناسی، ولایت پذیری و ارادت به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ، هوش استراتژیک و موقعیت شناسی فنون مذاکره، مهارت کلامی، مهارت اجتماعی (قدرت هدایت و رهبری-کنترل و نظارت، بازرسی و ارزیابی)
۳	جلیلیان	۱. دین مداری ۲. ولایت مداری ۳. فرهنگ شهادت طلبی ۴. وحدت گرایی اسلامی ۵. حکمرانی خدامحورانه ۶. اقتدار نظامی و دفاعی
۴	مقیم	رفتارهای خالصانه، امت سازی، مکتب سازی، جاودانگی، برکت، تجلیل همگان و تضعیف جبهه استکبار
۵	رجبی	ایمان توحیدی، شهادت طلبی، مجاهدت، تقوا، اخلاص، شجاعت، تدبیر، انقلابی گری، تعاون و همکاری، ایثار و فداکاری و دشمن شناسی توانایی درک اثربخش جریان های سیاسی و جهت گیری ها، آینده شناسی، درک ارزش های متنوع افراد، توانایی تشخیص مصلحت
۶	بیات و سیدطباطبایی	«جایگاه افراد در سلسله مراتب فرماندهی»، در طیفی از «قاطعیت و رسمیت تا صمیمیت و عدم رسمیت»

ردیف	نظریه پردازان و پژوهشگران	کدهای استخراجی
۷	قرباغی و ازگلی	«مهرورزی با مردم»، «تکلیف گرایی»، «تخلق به ارزش‌های الهی»، «تمرکز بر ماموریت»، «معنویت فردی»، «شخصیت با صلابت»، «پرورش کارکنان»، «داشتن آرمان متعالی»، «اخلاص در عمل» و «بصیرت زیاد»
۸	شفیعی	۱- همکاری با نیروهای کرد عراق؛ ۲- حضور موثر، هماهنگی و شهادت؛ ۳- آموزش نیروهای مردمی و تقسیم راهبردی و سرزمینی آنها؛ ۴- تأسیس نیروهای مردمی و آرمان آزادی قدس؛ ۵- تاثیر تعیین کننده در عملیات‌های مربوط به حلب؛ ۶- طراحی عملیاتی‌های پیچیده چریکی در لبنان و تبدیل شدن به بازیگر اصلی در ژئوپلیتیک منطقه؛ ۷- اتحاد نیروهای مردمی خاورمیانه علیه داعش؛ ۸- شجاعت، بی‌باکی و تحمل مشکلات و فشرده‌گی‌های حاصل از نبردهای نظامی
۹	میرحق و علی نژاد	میهن پرستی، نمونه بارز آزادگی و شجاعت، تلاش‌های بی‌وقفه و خستگی ناپذیر، عشق به وطن، تبیین و شناخت وضعیت موجود و ترسیم وضع مطلوب، توانایی شناخت ذینفعان کلیدی، حساسیت محیطی، پیوند فیمابین تفکر کوتاه‌مدت و بلندمدت، مشارکت دادن افراد ذینفع اصلی در اجرا
۱۰	خوش‌فر و موسوی‌زاده	توحید محوری و اخلاص، اهل نماز شب و حضرت زهرايي بودن، احترام به والدین و همسر و اهل صله رحم، مذهب‌مداری، زنده نگاهداشتن یاد شهدا و رسیدگی به جانبازان و خانواده شهدا و محرومین، دیدار با علما، اهل مطالعه و کوهنوردی، پیروخط امام راحل <small>علیه‌السلام</small> ، پایبند به نظام جمهوری اسلامی ایران، مقید و مدافع ولایت فقیه، انقلابی بودن به‌تمام معنا و مخالف سرسخت با استکبار جهانی

ردیف	نظریه پردازان و پژوهشگران	کدهای استخراجی
۱۱	حقانی و حمیدیان	ولایت و ولایت‌مداری، روحیه‌ی سلحشوری و شهادت‌طلبی، ساده‌زیستی و مردمی‌بودن، ارتباط عمیق با خانواده و خوش‌خویی، ارتباط با جوانان، پرهیز از سیاست‌زدگی، توجه به جوانان انقلابی، فرهنگ علوی و عاشورایی
۱۲	فاضلی و پاک‌سرشت	ساده‌زیستی؛ شجاعت؛ بصیرت؛ اخلاص و عمل به مبانی انقلاب، رفتارهای علوی، تدبیر و شجاعت، الگوپذیری و ولایت‌مداری، بصیرت، مردم‌داری و ساده‌زیستی، توکل به خداوند، ظرفیت پرهیزگاری،
۱۳	محمدیان و صادقی	بهره‌گیری از الگوهای دینی و معنوی، ولایت‌پذیری و خدامحوری، نگرش مبتنی بر علت و معلول، رعایت اخلاق حرفه‌ای
۱۴	مرادی و همکاران	اخلاص، ولایت‌مداری، ساده‌زیستی، کارآمدی، مردم‌دوستی و خدمت به مردم
۱۵	نصیری	ساده‌زیستی، صداقت و ایشارگری در سیره فردی، وحدت‌گرایی، مردم‌داری و مردم‌باوری در سیره اجتماعی و حفاظت از منافع ملی و امانت‌داری و حفاظت از بیت‌المال، مبارزه با هوای نفس، کار را توفیق خدمت دانستن، صفات پرهیزگاران، توجه به معاد و پاسخگویی به خدا
۱۶	پورقیومی و علویان	جریان تعاملات اجتماعی (در تعامل بین انسان ذی‌حق و انسان صاحب کرامت)، جریان عبودیت (در تعامل بین انسان ذی‌حق و انسان به مثابه خلیفه‌الله) و جریان هدایت (در تعامل بین وجه خلیفه‌اللهی انسان و وجه صاحب کرامت بودن او)
۱۷	جلالی نژاد	به خود متعالی رسیدن و حفظ ایمان، خودآگاهی، رشد معنوی

ردیف	نظریه پردازان و پژوهشگران	کدهای استخراجی
۱۸	اخلاقی	ظلم ستیزی، استکبارزدایی، همزیستی مسالمت آمیز و مبارزه با انواع رفتارهای برتری طلبانه، داشتن برنامه مشخص و برنامه محوری، برنامه ریزی بر اساس خردجمعی و مشاهدات عینی، سازماندهی مطلوب کارها، سبک مشارکتی، اهمیت به تیم‌های تخصصی و تیم‌سازی و توجه به نتایج تیمی
۱۹	گنج بخش	عوامل خانوادگی و محیطی، تاثیر اراده، رعایت اخلاقی در ارتباط فردی، بازخورد شفاف به افراد، سازگاری با مردم، شوخ طبعی، جلب اعتماد سایرین، انتقادپذیری، مهارت کلامی، توسعه ادراک،
۲۰	عابدی درچه	تکیه بر رویکرد امام و امت، امت اسلام را به عنوان سیاست دینی، ضرورت درک اصل ولایت فقیه، ولایت‌پذیری، ثابت قدم و انقلابی، جریان شناسی سیاسی، پرهیز از سیاست‌زدگی، توجه به جوانان انقلابی، توجه به اهداف بزرگ انقلاب اسلامی
۲۱	قلی پور	تفکری نظامی، اندیشه استراتژیک، شجاع و دلاور، دیپلمات زیرک، نماد محور مقاومت، شناخت جریان‌سازی در منطقه، تابع دیدگاه‌های ولی فقیه، در جریان اخبار روز بودن، توجه به اتفاقات پیرامونی، عدم تاثیرپذیری از پارادایم‌های فکری دشمن
۲۲	متقی و امینی	استکبار ستیزی، صدور انقلاب و بهینه‌سازی قدرت نرم انقلاب اسلامی، رهیافت رهایی، تبیین و شناخت وضعیت موجود و ترسیم وضع مطلوب، توانایی شناخت ذینفعان کلیدی، حساسیت محیطی
۲۳	بابایی طلائی	خدااباوری و یقین به وحدانیت او، تفکر راهبردی ولایی و آخرت‌نگری، اخلاص در گفتار و عمل، روحیه جهادی و انقلابی‌گری و التزام عملی به دین، تقوا و ادب الهی، استقامت علوی گونه و مدیریت دینی، ولایت‌مداری (ولی فقیه)، عشق به خدا و دیدار او و تصمیم‌گیری راهبردی ولایی

ردیف	نظریه پردازان و پژوهشگران	کدهای استخراجی
۲۴	محمدظاهری	مبانی اعتقادی، زمینه‌های فردی، مشی‌های سیاسی فرهنگی اقتصادی و سیاسی، زمینه‌های شغلی
۲۵	مزروعی نصرآبادی و وحیدی	ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های اخلاقی، ویژگی‌های ارتباطی، ویژگی‌های فکری، ویژگی‌های روحی و معنوی، ویژگی‌های رزم‌آوری
۲۶	کاردار پور، کرباسی، محمدی	ساختارگرایی سازمانی، رفتارگرایی بنیادی، محیط‌گرایی استراتژیک
۲۷	اصغری و جعفری هرندی	نفوذ آرمانی، انگیزش الهام بخش، ترغیب ذهنی، ملاحظات فردی
۲۸	دهقانی پوده، پاشایی هولاسو	معنوی و ارزشی، فردی و رفتاری، فرماندهی و مدیریتی، نظامی و تأثیرگذاری (عملکردی)، سعادت و شهادت
۲۹	هاشمی نیا، یارمحمدی و محمدی سلیمانی	اخلاص و توکل، گسترش و تقویت ایمان، دعا و استغاثه، انس با قرآن، توجه به امام زمان، دائم الوضو بودن، توجه به بعد فرامادی، توسل
۳۰	پهلوان شریف و کاظمی	شخصیت معنوی، فضایل اخلاقی، شخصیت قوی و تأثیرگذار؛ روحیه جهادی در کارها، نگاه راهبردی، انسان‌مدار بودن؛ انقلابی بودن، شخصیت جامع‌الاطراف داشتن، مردم‌داری، مسئولیت‌پذیری، جذب حداکثری و اقدام فراتر از مرزها
۳۱	حسین زاده	روحیه ایثارگری، کار و تلاش مضاعف، مسئولیت‌پذیری، وجدان‌کاری، شجاعت و قاطعیت در امور، خودباوری، از جنس مردم بودن، قناعت، ساده‌زیستی و حسن خلق

ردیف	نظریه پردازان و پژوهشگران	کدهای استخراجی
۳۲	رحمانی	صداقت ، اخلاص، عارف بی نظیر، مردمی بودن ، ساده زیستی، انس با قرآن، اعتماد به خدا، بصیرت و ایثار و گذشت
۳۳	تاج بخش	سبک زندگی فردمحور (مهربانی، تواضع و فروتنی، ساده زیستی، شهرت گریزی، دنیاگریزی، عزت نفس، قاطعیت، آرامش و طمأنینه)، سبک زندگی اجتماع محور (مردمی بودن، وحدت آفرینی، کمک به هم نوعان)، سبک زندگی مدیریت محور (توانمندی و نبوغ نظامی، دشمن شناسی، شجاعت، مدیریت جهادی، قدرت تدبیر، مهارت ارتباطی)، سبک زندگی سیاست محور (همگرایی منطقه‌ای، استکبار ستیزی، فراجناحی و قدرت تحلیل و درک شرایط سیاسی، ولایت مداری)، سبک زندگی دین محور (خودسازی معنوی و خدامحوری، روحیه شهادت طلبی، تفکر عاشورایی، ارادت و تمسک به معصومین <small>علیهم السلام</small>)
۳۴	چراغی کوتیانی	بهره‌مندی از رویکرد تمدن‌سازی اسلامی؛ عقلانیت معطوف به ارزش؛ ولایت‌پذیری؛ نگاه راهبردی؛ عمل‌انگاری انتظار؛ استقامت‌ورزی؛ ایجاد همبستگی اجتماعی؛ مدیریت عواطف و احساسات و جهاد همه‌جانبه
۳۵	روح الهی	جنبه‌های الهام‌بخش، درک نیازها و علائق مخاطب و همراهی با آن، جلب محبت و مهرورزی، مدیریت و تصمیم‌گیری مشارکتی، مردم‌باوری و تعامل سازنده با طیف‌های گوناگون مردم، و رهبری پیشرو

۲-۶. کنترل کیفیت (روایی و پایایی)

اعتبار روش فراترکیب مانند بسیاری از روش‌های پژوهش کیفی منوط به معیارهایی مانند شفافیت، ساختار اجرای پژوهش، حوزه مورد بررسی و فواید کاربردی یافته‌هاست.

در پژوهش حاضر جهت حفظ کیفیت در خصوص کنترل مفاهیم استخراج شده، بررسی صحت و کنترل کیفیت یافته‌های پژوهش، اقدام به تشکیل پنل خبرگان شده است. لذا با تشکیل پنلی از خبرگان (برابر اطلاعات در جدول ۵) نسبت به بررسی روایی و پایایی کدهای استخراجی و همچنین طبقه‌بندی صورت گرفته اقدام شده است.

جدول ۵: اطلاعات پنل خبرگان

تعداد افراد پنل	تحصیلات	جنسیت	رشته تحصیلی
۶	دکترای تخصصی	مرد	گروه مدیریت ۳
		زن	گروه جامعه‌شناسی ۲
	گروه روان‌شناسی ۱		

۳. یافته‌های پژوهش

بر مبنای بررسی و تحلیل انجام شده، در نهایت ۱۹۷ کد، ۱۷ تم و ۶ مقوله استخراج و شناسایی گردید و در ادامه نتایج بدست آمده با کمک خبرگان تفکیک و مؤلفه‌ها و شاخص‌ها به صورت مدل مستخرج شده است. یافته‌های پژوهش بیان می‌دارد که مدل برندسازی شخصی شهید سلیمانی دارای مقوله‌های «شناخت فرهنگی - اجتماعی»، «نگرش معنوی»، «رویکرد مدیریتی»، «بصیرت دینی»، «شایستگی‌های شناختی و ادراکی»، «قدرت شناختی - تحلیلی» می‌باشد.

جدول ۶: یافته‌های پژوهش: کدهای استخراجی، تم‌ها و مقوله‌ها

مقوله‌ها	تم	ترکیب کدها
شناخت فرهنگی - اجتماعی	هوش فرهنگی	توانایی کار در فرهنگ‌های متفاوت/ درک فرهنگ‌ها/ شناخت ارزش‌ها و آداب و رسوم در حوزه‌های مختلف/ شناخت تفاوت‌های قومیت‌ها، اقلیم‌های متفاوت، باورهای متفاوت، ادیان و مذاهب
	مهارت ارتباطی	مهارت ارتباطی (برقراری ارتباط با دیگران/ اعتماد و اطمینان/ تکریم شخصیت/ تشویق و تنبیه/ حمایت افراد/ کیفیت برخورد صحیح با استعداد/ مشورت‌گیری/ مهارت مذاکره/ ارتباط با مهر و محبت/ سخن‌وری/ رعایت اخلاقی در ارتباط فردی/ بازخورد شفاف به افراد/ سازگاری با مردم/ شوخ‌طبعی/ جلب اعتماد سایرین/ انتقادپذیری/ مهارت کلامی/ توسعه ادراک/ آگاهی از زبان بدن خود و دیگران/ نداشتن حس رقابت منفی/ پوشش مناسب/ انتقال مثبت انرژی/ اعتمادسازی/ صداقت در کلام/ ارتباط غیر کلامی موفق/ توجه به رفتار خود/ رفع خطاهای ادراکی
	کار گروهی	انگیزش/ همراهی با دیگران در کارها/ ارتباطات سالم/ کار گروهی در میدان/ گروه‌های کاری ارزش‌مدار/ ایجاد علاقه متقابل با همکاران/ شناخت ادبیات مشترک با دیگران/ پذیرش و کار با دیگران/ شناخت هنجارها/ پرهیز از ناهنجاری در کارها
ارتباطات سازمانی		احترام به قوانین (قانون‌مداری)/ اعتماد اجتماعی/ اطلاع‌رسانی شفاف/ ارتباطات گسترده و صمیمانه با سایر قسمت‌ها/ باز بودن درب اتاق/ در دسترس رزمندگان/ تعامل با مدیران قبلی/ عدم برقراری روابط غیراصولی/ توانایی کار کردن مؤثر با افراد بالادستی و پایین‌دستی/ توانایی شبکه‌سازی/ شناخت تمام قسمت‌های سپاه/ در دسترس بودن برای اکثر اқشار جامعه/ کمک به سازمان‌های دولتی/ توسعه روابط در درون نظام

مقوله‌ها	تم	ترکیب کدها
نگرش معنوی	بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی	کار و تلاش بدون توقع (مادی و معنوی) / مقاوم در برابر پیشنهاد های مادی / زندگی کردن همانند توده عادی مردم / فارغ از حب دنیا / ساده زیستی / به کم قانع بودن / قناعت و اعتدال / عدم پذیرش هدیه / فرهنگ علوی
	معنویت در کار	توکل به خداوند / ظرفیت پرهیزگاری / مبارزه با هوای نفس / کار را توفیق خدمت دانستن / صفات پرهیزگاران / توجه به معاد و پاسخگویی به خدا / گسترش و تقویت ایمان / دعا و استعاذه / انس با قرآن / توجه به امام زمان / دائم الوضو بودن / توجه به بعد فرامادی / توسل
مدیریت جهادی	به کار گیری دانش	دانش عمومی (رشد و توسعه فردی) / دانش تخصصی (داشتن چشم انداز شخصی) / دانش ضمنی / بازنگری فرآیندها / حفظ نخبگان / به کارگیری بازنشستگان مجرب / کسب تجارب از بزرگان / مستندسازی تجارب / رویکرد استاد - شاگردی / توجه به ایده‌های زیردستان / معرفی شهدا به عنوان الگوهای موفق
	فنون مدیریتی	استفاده از اصول مدیریت / نوع دوستی / جانشین پروری (پرورش فرماندهان آینده / آماده‌سازی افراد برای موقعیت بعدی / تفویض اختیار) / توان برنامه‌ریزی / رعایت اصل تقسیم کار و توانایی سازماندهی / داشتن برنامه مشخص و برنامه‌محوری / برنامه‌ریزی براساس خرد جمعی و مشاهدات عینی / سازماندهی مطلوب کارها / سبک مشارکتی / اهمیت به تیم‌های تخصصی و تیم‌سازی و توجه به نتایج تیمی / نظارت مستقیم به امور / نظارت سیستمی / پرهیز از پرداختن به جزئیات / شناسایی نقاط استراتژیک کار / تلاش برای تأمین منابع و استفاده درست از آن / مهارت بکارگیری دیگران و استفاده مؤثر از افراد / استفاده از مشاورین با تجربه / شناخت کافی از موضوعات و مسلط بودن به کار / پیگیری بودن امور تا حصول نتیجه / انجام کارها در زمان مقرر / شناخت راهبرد / گرفتن بازخورد از محیط عملیاتی

مقوله‌ها	تم	ترکیب کدها
	نگرش سیستمی	توانایی درک پویایی‌های محیط کار/ توانایی درک همه جزئیات در کنار یکدیگر/ درک شبکه ارتباطات/ توجه به دلایل توسعه ظرفیت‌های قضایی در مناطق/ آمادگی ذهنی برای مدیریت/ توسعه همه جانبه/ درک خواسته‌های قسمت‌های متفاوت مبارزه/ توجه به علت افزایش حرکات دشمن در آینده در برخی مناطق/ بکارگیری افراد بومی و تحصیل کرده/ ضرورت آموزش وطی دوره برخی فرماندهان در خارج از کشور
	شایسته محوری	تفکر شایستگی مبتنی بر عمل/ تقدم شایستگی محوری/ حسن ولایت و انتخاب اصلح/ جایگاه دادن به افراد مستعد
بصیرت دینی	تعهد	تقوی فردی/ خویشتن کار/ تعهد به ارباب رجوع/ تعهد به جامعه/ توجه امر به معروف و نهی از منکر/ توجه به وضعیت دیگران/ خیرخواهی برای دیگران/ تعهد به خویشتن/ تعهد به خدا/ تعهد به مردم و نظام جمهوری اسلامی/ در نظر داشتن حق شهدا/ متعهدانه کار کردن/ انجام تمام و کمال کارها براساس تعهد/ عهد و پیمان با وجدان خود
	ولایت‌مدار انقلابی	ضرورت درک اصل ولایت فقیه/ ولایت‌پذیری/ ثابت قدم و انقلابی/ جریان‌شناسی سیاسی/ پرهیز از سیاست زدگی/ توجه به جوانان انقلابی/ توجه به اهداف بزرگ انقلاب اسلامی/ پیمان با امام و رهبری/ دشمن‌شناسی/ فرهنگ علوی و عاشورایی/
شایستگی‌های شناختی و ادراکی	تحمل پیچیدگی و ابهام	نگرش مبتنی بر علت و معلول/ درک پیچیدگی امور/ ریسک‌پذیری و مسئولیت‌پذیری/ رعایت اخلاق حرفه‌ای/ شناسایی فرصت از دل تهدیدها/ تحلیل آینده مبتنی بر سناریو/ تصویرپردازی از آینده‌های مرجح/ تحلیل روند در فرصت‌ها و تهدیدها/ توجه به امدادهای غیبی

مقوله‌ها	تم	ترکیب کدها
قدرت شناختی - تحلیلی	هوش هیجانی	شناخت افراد و توانایی درک احساسات آن‌ها/ کنترل احساسات و فریب نخوردن از افراد/ درک افراد در هنگام مراجعه/ کنترل خشم/ درک احساس دیگران و خود را در شرایط فرد گذاشتن/ تأمل و تفکر/ تجربه/ نگاه نافذ/ کلام حکیمانه/ از نگاه دیگران به خود نگرستن/ خودآگاهی/ خوش بینی/ نگرش مثبت
	قدرت مذاکره	فنون مذاکره/ مهارت کلامی/ مهارت اجتماعی (قدرت هدایت و رهبری- کنترل و نظارت، بازرسی و ارزیابی/ ارتقاء انعطاف‌پذیری/ دوران‌دیشی/ مسئولیت‌پذیری/ اطاعت‌پذیری/ توسعه استعدادها/ تعهد و پاسخگویی)، قدرت تشخیص و حل مسئله (آگاهی به امور)
	آگاهی محیطی	توانایی درک اثربخش جریان‌های سیاسی و جهت‌گیری‌ها/ آینده‌شناسی/ درک ارزش‌های متنوع افراد/ توانایی تشخیص مصلحت/ میانجی‌گری/ شناخت جریان‌سازی در منطقه/ تابع دیدگاه‌های ولی فقیه/ در جریان اخبار روز بودن/ توجه به اتفاقات پیرامونی/ عدم تأثیرپذیری از پارادایم‌های فکری دشمن
	راهبردی	توانایی انطباق با شرایط/ آینده‌نگری/ قدرت تحلیل و شناخت نقاط قوت و ضعف/ توانایی شناخت شبکه‌های غیررسمی/ شناخت فرصت‌ها و تهدیدها/ تبیین و شناخت وضعیت موجود و ترسیم وضع مطلوب/ توانایی شناخت ذینفعان کلیدی/ حساسیت محیطی/ پیوند فیما بین تفکر کوتاه‌مدت و بلندمدت/ مشارکت دادن افراد ذینفع اصلی در اجرا

شناخت فرهنگی - اجتماعی: یکی از مقوله‌های مورد شناسایی در برند شخصی، شناخت فرهنگی - اجتماعی است و برای شکل‌گیری چنین شناختی نیازمند تقویت «هوش فرهنگی»، «مهارت ارتباطی»، «کارگروهي» و «ارتباطات سازمانی» است.

نگرش معنوی: شکل‌گیری نگرش معنوی یکی از مقوله‌های مدل برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی است که با «بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی» و «معنویت در کار» بوجود می‌آید.

رویکرد مدیریتی: مدیریت افراد دارای مدل‌های متفاوت و رویکردهای متعددی است آنچه در بین این تفاوت‌ها قابل اولویت و توجه می‌باشد «بکارگیری دانش»، به کارگیری «فنون مدیریتی»، افزایش «نگرش سیستمی» و «شایسته‌محوری» می‌باشد.

بصیرت دینی: داشتن بصیرت دینی از دیگر مقوله‌های برندسازی شخصی است. داشتن «تعهد» و تبعیت از ولی فقیه و «ولایت‌مدار انقلابی» بودن، ایجاد بصیرتی برای تشخیص صراط مستقیم و حرکت در مسیر حق و الهی می‌نماید.

شایستگی‌های شناختی و ادراکی: شناخت و ادراک یکی از مهمترین ابعاد برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی است. «تحمل پیچیدگی و ابهام» با افزایش «هوش هیجانی» و بالا بردن «قدرت مذاکره» از مهمترین تم‌های این مقوله می‌باشند.

قدرت شناختی - تحلیلی: افزودن «آگاهی‌های محیطی» و «اندیشه راهبری» از مهم‌ترین لوازم این مقوله شناسایی شده است.

همچنین یافته‌های پژوهش بیان می‌دارد که در صورت تحقق مدل برندینگ شخصی در مدیران می‌توان پیامدهای سازمانی «سلامت نظام اداری»، «خود بهسازی»، «آرمان‌گرایی»، «بهره‌وری منابع انسانی»، «بهینه‌سازی تصمیم‌گیری» را مورد انتظار داشت.

جدول ۷. پیامدهای برندسازی شخصی مکتب شهید سلیمانی در اصلاح نظام سازمانی

مولفه	ابعاد	
عدالت سازمانی	سلامت نظام اداری	پیامدهای برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی
شایسته سالاری		
شفافیت سازمانی		
خودآگاهی	خود بهسازی	
هویت فردی		
هویت اجتماعی		
چشم انداز فردی	آرمان گرایی	
ترقی طلبی		
استراتژی فردی		
هویت شغلی	بهره‌وری منابع انسانی	
فعالیت تیمی		
نگرش سیستمی		
توانمندسازی		
رضایت شغلی		
تعهد سازمانی		
کیفیت زندگی کاری		
توانایی حل مسأله	بهینه‌سازی تصمیم‌گیری	
قدرت تصمیم‌گیری		

نتیجه‌گیری

برند شخصی سردار شهید قاسم سلیمانی به عنوان مصداقی موفق در مسیر تعالی است که موفقیت‌های شگرف از جمله نابودی داعش را پدید آورد، بعد از شهادت ایشان و روشن تر شدن ابعاد گسترده تری از شخصیت و مأموریت وی، مدل برند شخصی ایشان به عنوان سبکی متناسب با ذات انقلاب اسلامی، بیشتر مورد توجه قرار گرفت. همچنین مکتب شهید سلیمانی به عنوان یک چهره بین‌المللی در جمهوری اسلامی و مدیری راهبردی در عرصه نظامی، سیاسی و امنیتی، بسیاری از توطئه‌های دشمنان در منطقه غرب آسیا و علیه جهان اسلام را خنثی کرد.

در مقایسه ابعاد احصا شده با مدل‌های برندینگ شخصی می‌توان شباهت‌های بسیاری را مشاهده نمود. ولی در مدل برند شخصی شهید سلیمانی مقوله‌های «بصیرت دینی» و «مدیریت جهادی» دارای ابعاد تازه‌تر و کارآمدتری در ساختن مدل برندینگ شخصی می‌باشند.

جدول ۸: بررسی و تطبیق یافته‌های پژوهش با مدل‌های برندسازی شخصی

ردیف	منبع	مؤلفه‌ها و ابعاد	تشابه یافته‌ها
۱	آکر (۱۹۹۶م)	هویت برند، موقعیت‌یابی برند، ارزیابی تصویر برند	آگاهی محیطی هوش فرهنگی اندیشه راهبردی خودبهبودی
۲	آکر (۱۹۹۷م)	صداقت، هیجان، شایستگی، فرهیختگی و رضایت	هوش هیجانی شفافیت سازمانی مهارت ارتباطی کیفیت زندگی کاری رضایت شغلی

ردیف	منبع	مؤلفه‌ها و ابعاد	تشابه یافته‌ها
۳	آکر (۱۹۹۹م)	خلوص ^۱ (بی‌آلایش و واقع‌بین ^۲ ، صادق، تندرست، خوشرو)؛ هیجان (شایسته، قابل اعتماد، باهوش و موفق)؛ فرهیختگی و مهارت (وابسته به قشر بالای جامعه ^۳ ، جذاب)؛ سرسخت ^۴ و استوار.	کیفیت زندگی کاری مهارت ارتباطی خودآگاهی معنویت در کار شفافیت سازمانی
۴	مک‌نالی و اسپیک ^۵ (۲۰۰۴م)	شایستگی‌ها، استانداردها و سبک‌ها	شناخت فرهنگی - اجتماعی شایستگی‌های شناختی و ادراکی قدرت شناختی - تحلیلی
۵	مایلز و منگولد (۲۰۰۵م)	رسالت و ارزش‌های سازمان، تصویر برند مطلوب، سیستم مدیریت منابع انسانی، فرهنگ، همکاران، رهبران و مدیران سازمانی، تبلیغات، بازخورد گرفتن از جامعه هدف، ذهنیت، قرارداد روانشناختی، تصویر برند کارمند، رضایت شغلی کارمند و رضایت مخاطبان، جایگاه سازمانی، جابه‌جایی شغلی، وفاداری، شهرت.	کارگروهی ارتباطات سازمانی شایسته محوری آگاهی محیطی اندیشه راهبردی سلامت نظام اداری خودبهبودی آرمان‌گرایی بهره‌وری منابع انسانی بهینه‌سازی تصمیم‌گیری

1. sincerity
2. down-to-earth
3. upper class
4. ruggedness outdoorsy
5. McNally & Speak

ردیف	منبع	مؤلفه‌ها و ابعاد	تشابه یافته‌ها
۶	مونثویا و واندهی (۲۰۰۵م)، رامپرساد (۲۰۰۸م)	شهرت، اصالت، یکپارچگی، انسجام، تخصص، ارتباط، آشکاربودن ^۱ ، پایداری و مقاومت ^۲ و حسن نیت ^۳	شایسته محوری آگاهی محیطی عدالت سازمانی شایسته‌سالاری رضایت شغلی توانایی حل مسأله
۷	رامپرساد (۲۰۰۸م)	بینش فردی، خودشناسی، ویژگی‌های شخصیتی، خودآموزی، تفکر، تغییر ذهنیت، یکپارچگی درونی، خرسندی، اشتیاق، تسهیم دانش، اعتماد و عشق.	معنویت در کار تعهد هوش هیجانی هویت فردی ترقی طلبی هویت شغلی رضایت شغلی
۸	نیل، هوگ و دن (۲۰۰۸م)؛ سندرز (۲۰۱۱م)	ارزش‌ها، ویژگی‌ها، شخصیت و منافع	چشم‌انداز فردی هوش هیجانی هویت فردی ترقی طلبی هویت شغلی

1. visibility
2. persistency
3. goodwill

ردیف	منبع	مؤلفه‌ها و ابعاد	تشابه یافته‌ها
۹	بالاکریشان و میشل (۲۰۱۱م)	شخصیت برند (یکپارچگی)، اشتیاق، اعتماد به نفس، جزئی گرای، تعهد، نیروی اراده، غلبه بر ترس از شکست، تمایل به یادگیری، برند هاله‌ای (دارایی‌های ارتباطی، توانایی شبکه‌سازی و نقش تیم‌ها)، ارزش برند (نگرش بلندمدت، توانایی استفاده از تجارب گذشته و انگیزه درونی، توانایی داوری انتقادی).	شناخت فرهنگی - اجتماعی شایستگی‌های شناختی و ادراکی قدرت شناختی - تحلیلی خودبهبودی
۱۰	رفتاری و امیری (۲۰۱۴م)	وبلاگ‌های شخصی، شبکه‌سازی، برگزاری کنفرانس و کارگاه و شبکه‌های اجتماعی	مهارت ارتباطی ارتباطات سازمانی هویت فردی هویت اجتماعی
۱۱	ویلیامز (۲۰۱۴م)	مهارت‌ها، باورها، ارزش‌ها و اقدامات، برند کارفرما، برندسازی کارمند، مدیریت استعداد، پویایی، ارتقا و بهبود	به کارگیری دانش شایسته‌محوری هوش هیجانی هویت فردی هویت اجتماعی استراتژی فردی کیفیت زندگی کاری

ردیف	منبع	مؤلفه‌ها و ابعاد	تشابه یافته‌ها
۱۲	سقدتی (۲۰۱۵م)	ارزش‌ها، تن صدا، شبکه‌سازی اجتماعی و تجاری، رویکرد بازاریابی، کانال‌های ارتباطی، برندهای مرتبط، فرآیندهای کسب و کار، فلسفه خدمت به مشتری و مخاطب، نوع/کیفیت محصولات و خدمات، شخصیت برند؛ هویت بصری و ابعاد رنگ‌ها، استفاده از فضا، فن بیان با نشانه‌های رمزی، آراستن، شبیه‌سازی. پیغام‌ها و سخنان، تصاویر، تعامل و تجربه	هوش هیجانی آگاهی محیطی هویت اجتماعی فعالیت تیمی نگرش سیستمی
۱۳	میلوانویک، بالتازارویک و میلوانویک (۲۰۱۶م)	صداقت، خرد، دانش، همدلی، پشتکار، خودآگاهی	هوش هیجانی هویت اجتماعی نگرش سیستمی خودآگاهی
۱۴	گش و کولشرستا (۲۰۱۶م)	توانمندسازی، تعهد سازمانی، سرمایه انسانی و تعلیم و تربیت	به کارگیری دانش تعهد توانمندسازی تعهد سازمانی

ردیف	منبع	مؤلفه‌ها و ابعاد	تشابه یافته‌ها
۱۵	گوردون، زین‌الدین و مگی ^۱ (۲۰۱۶م)	مسئولیت‌پذیری، فعالیت، پشتکار و تکاپو، فروتنی، احساساتی بودن	هوش هیجانی خودآگاهی تعهد
۱۶	احمد، هاشم و هارون (۲۰۱۶م)	بیش فردی، رسالت فردی، نقش‌های کلیدی فردی، اهداف برند شخصی، تخصص‌گرایی شغلی، خدات، صفات برجسته، حیطة و دامنه، بیانیه و روایت برند شخصی، موفقیت فردی، مقاصد فردی، شاخص‌های عملکرد فردی، اهداف فردی و بهبود عملکرد، شهرت، مسؤلیت‌پذیری، ارتباط و تصویر حرفه‌ای.	کار گروهی به کارگیری دانش آگاهی محیطی هویت فردی هویت اجتماعی چشم‌انداز فردی استراتژی فردی
۱۷	پاوار (۲۰۱۶م)	تصویر، تجربه، اعتماد، ارتباط، چشم‌انداز، رسالت، ارزش‌ها، اعتبار، یکپارچگی، شفافیت.	شفافیت سازمانی آگاهی محیطی هویت اجتماعی چشم‌انداز فردی
۱۸	رانگارا جان، گلب و وانداویر (۲۰۱۷م)	برند شخصی مطلوب، برند شخصی فعلی، برند مناسب کارفرما، استراتژی تغییر، کاربرد ماهرانه	آگاهی محیطی هویت اجتماعی چشم‌انداز فردی
۱۹	تارنوسکایا ^۲ (۲۰۱۷)	محیط، شخصیت، برند محصول، عناوین معمول ^۳ ، تن صدا، علائم تجاری	آگاهی محیطی هویت اجتماعی قدرت مذاکره

1. Gordon, Zainuddin & Magee.

2. Tarnovskaya.

3. Typical Topics.

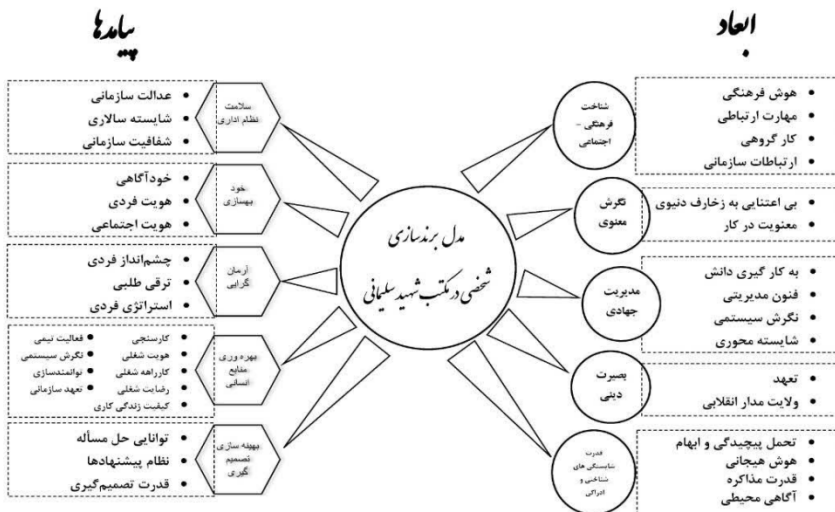
ردیف	منبع	مؤلفه‌ها و ابعاد	تشابه یافته‌ها
۲۰	عزیزی و سوجونو (۲۰۱۷م)	تخصص گرایی، رهبری، شخصیت، تمایز، آشکارپذیری، وحدت، پایداری و حسن نیت	هوش فرهنگی به کارگیری دانش
۲۱	ایوانز (۲۰۱۷م)	برند فردی ایدئال، برند فردی ادراک شده و برند فردی واقعی (آموزش، سابقه شغلی، سمت‌های سازمانی، مسئولیت‌های شغلی، عضویت‌های حرفه‌ای، مهارت‌ها در موقعیت رهبر یک تیم، سطح انگیزه، سهم فرد در موفقیت سازمان، موقعیت شغلی، مراحل شغلی، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، توصیه‌های دیگران)	آگاهی محیطی هویت اجتماعی استراتژی فردی هویت شغلی فعالیت تیمی توانمندسازی
۲۲	بوتار و علی ^۱ (۲۰۱۸م)	اعتمادپذیری ^۲ ، یکپارچگی، ثبات و پایداری، تخصص، قدرت، تمایز، مطابقت، قابلیت دید ^۳ (دیدپذیری)، ماندگاری، حسن نیت، عملکرد	تحمل پیچیدگی و ابهام هوش هیجانی آگاهی محیطی

1. Butar & Ali.
2. Authenticity.
3. Visibility.

ردیف	منبع	مؤلفه‌ها و ابعاد	تشابه یافته‌ها
۲۳	گورباتو، خاپوا و لیسوا (۲۰۱۸م)	عوامل اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی، محرک‌های فردی و محرک‌های نقش - شغل، افزایش خود آگاهی، تجزیه و تحلیل نیازها و موقعیت یابی، ایجاد ساختار برند، بازاندیشی، جستجوی باز خورد و معنابخشی، پیامدهای فردی و سازمانی برند.	هویت اجتماعی استراتژی فردی هویت شغلی آگاهی محیطی
۲۴	فرندیکا، سول و کوسمان ^۱ (۲۰۱۸م)	شایستگی، استاندارد، دیدپذیری، انطباق، معمولی بودن، منحصر به فرد، سبک‌ها.	شایستگی‌های شناختی و ادراکی قدرت شناختی - تحلیلی خود بهسازی
۲۵	صفار، عظیم‌زاده و کفاش‌پور (۱۳۹۳)	رفتار جوانمردانه، مهارت، سبک رقابت، پیروزی‌ها، جذابیت، داستان زندگی، اعتماد، ارتباطات، مسئولیت اجتماعی	تعهد اندیشه راهبردی کیفیت زندگی کاری قدرت تصمیم‌گیری
۲۶	صائمیان (۱۳۹۳)	ارزش‌ها و باورها، الگوهای انگیزشی، سبک زندگی، تحمل ابهام، جمعیت‌شناسی، سطوح خانوادگی، هنجارهای اجتماعی، منابع قدرت، توانمندسازی، الگوهای ارتباطی	تحمل پیچیدگی و ابهام هوش هیجانی هویت اجتماعی چشم‌انداز فردی توانمندسازی مهارت ارتباطی
۲۷	قاسمی و صائمیان (۱۳۹۶)	شفافیت، مداومت، پیوستگی	خود بهسازی

ردیف	منبع	مؤلفه‌ها و ابعاد	تشابه یافته‌ها
۲۸	دلیری (۱۳۹۶)	صفات، منافع، ارزش‌ها، تجربه، رفتارها، شخصیت	هوش فرهنگی چشم‌انداز فردی استراتژی فردی
۲۹	اسکندری و همکاران (۱۳۹۸)	ارزش‌های فردی، ارزش‌های سازمانی، ارزش‌های تخصصی، ارزش‌های فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های ایرانی-اسلامی.	تعهد آگاهی محیطی اندیشه راهبردی

نظر به پژوهش صورت گرفته می‌توان نتیجه گرفت؛ پیامدهای برندسازی در مکتب شهید سلیمانی، توانمندی و توسعه در شاخص‌های سلامت نظام اداری، خودبهبودسازی، آرمان‌گرایی، بهره‌وری منابع انسانی و بهینه‌سازی تصمیم‌گیری را به‌همراه خواهد داشت. مدل احصا شده در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۲: مدل برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی

ارایه و تبیین ابعاد مدل برندسازی شخصی حاصل از مکتب شهید سلیمانی می‌تواند به عنوان الگویی موفق برای تعالی فردی و همچنین تعالی سازمانی مورد استفاده و مورد توجه قرار گیرد. مطالعه انجام شده در برندسازی شخصی در مکتب شهید سلیمانی موید این نکته می‌باشد که تعالی سازمانی در گرو تعالی فردی است و زمانی این مهم محقق می‌شود که بالاترین هدف کسب رضایت خالق باشد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. اخلاقی، محمدنبی. (۱۳۹۹). نقش استراتژیک سپهبد قاسم سلیمانی بر تغییر موازنه قدرت در منطقه و روابط بین‌الملل. بجنورد: دومین همایش ملی ادبیات مقاومت با محوریت شهید عالی مقام سپهبد قاسم سلیمانی. <https://civilica.com/doc/1263564>.
۲. اسکندری، کریم. (۱۳۹۶). طراحی مدل برندسازی منابع انسانی برای سازمان‌های دولتی ایران. پایان‌نامه منتشر نشده دکتری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، ایران.
۳. اسکندری، کریم؛ جزنی، نسرین؛ معمارزاده طهران، غلامرضا؛ موسی‌خانی، مرتضی و محتشمی، علی. (۱۳۹۸). طراحی مدل برندسازی منابع انسانی در سازمان‌های دولتی ایران به روش فراترکیب. فصلنامه مشاور شغلی و سازمانی، ۱۱(۴۱). صص ۱۵۹-۱۹۴.
۴. اصغری، ملیحه؛ جعفری هرندی، رضا. (۱۳۹۹). سنتز پژوهی مولفه‌های رهبری تحول‌آفرین در مکتب شهید سلیمانی. سلسله همایش‌های بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی. (مقالات برگزیده دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب)، صص ۱-۲۷.
۵. امیری، سروش؛ کیانی، جواد. (۱۳۹۸). گفتمان مقاومت شهید قاسم سلیمانی در دیپلماسی و روابط بین‌الملل. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۵(۲)، صص ۹-۳۰.
۶. بابائی طلائی، محمدباقر. (۱۳۹۹). اصول راهبردی حاکم بر مکتب سلیمانی. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۸(۸۲)، صص ۳۵۷-۳۸۲.
۷. بیات، عبدالحمید؛ سیدطباطبایی، سیدمهدی. (۱۳۹۹). الگوی مطلوب ارتباطات میان فردی در سلسله مراتب فرماندهی: مورد مطالعه شهید حاج قاسم سلیمانی. مدیریت اسلامی، ۲۸(۴)، صص ۱۶۹-۱۸۵.

۸. پورقیومی، ایوب؛ علویان، مجتبی. (۱۳۹۹). چارچوبی برای تحلیل جنبه‌های انسانی مکتب شهید سلیمانی. مطالعات راهبردی جهان اسلام، (۸۲)، صص ۱۰۷-۱۲۴.
۹. پهلوان شریف، محمدامین؛ کاظمی، محمدحسین. (۱۳۹۹). تبیین الگوی شایستگی مدیران جهادی تمدن‌ساز (مورد مطالعه: شهید قاسم سلیمانی). فصلنامه مدیریت اسلامی، (۴)۲۸، صص ۱۴۱-۱۶۸.
۱۰. تاج بخش، غلامرضا. (۱۴۰۰). واکاوی مولفه‌های سبک زندگی شهید سلیمانی. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، (۱)۷، صص ۱۳۷-۱۵۸.
۱۱. جلالی نژاد، مریم. (۱۳۹۹). کاوی هوش معنوی (SQ) در سبک زندگی سپهبد شهید قاسم سلیمانی. بجنورد: دومین همایش ملی ادبیات مقاومت با محوریت شهید عالی‌مقام سپهبد قاسم سلیمانی. (۲)۲۲، صص ۳۵۱-۳۶۷.
۱۲. جلیلیان، حسین. (۱۳۹۹). الگوی تفکر راهبردی مدیران جهادی بر اساس وصیت‌نامه الهی سیاسی شهید قاسم سلیمانی. مدیریت اسلامی، (۴)۲۸، صص ۹۳-۱۱۱.
۱۳. چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۴۰۰). شاخصه‌های جامعه‌شناختی انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی. جامعه مهدوی، (۱)۲، صص ۱۱۵-۱۴۵.
۱۴. حسین زاده، محمد صالح. (۱۳۹۹). اصول و مبانی و مولفه‌های مدیریت جهادی مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی. سلسله همایش‌های بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی، ۲ (مقالات دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب). صص ۱-۲۲.
۱۵. تاج بخش، غلامرضا. (۱۴۰۰). واکاوی مولفه‌های سبک زندگی شهید سلیمانی. فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، (۱)۷، صص ۱۳۷-۱۵۸.
۱۶. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸). رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، سخنرانی خطبه‌های نماز جمعه، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44695>
۱۷. خوش‌فر، محسن؛ موسوی‌زاده، احترام‌السادات. (۱۳۹۹). مبانی فکری، اعتقادی و سیاسی شهید سپهبد قاسم سلیمانی. بجنورد: دومین همایش ملی ادبیات مقاومت با محوریت شهید عالی‌مقام سپهبد قاسم سلیمانی. (۱)۱، صص ۵۳۵-۵۵۵.

۱۸. دشتی، غلامحسین؛ حیدری‌نیا ناینی، هادی. (۱۳۹۸). تحلیلی کوتاه بر شاخصه‌های سبک زندگی سردار شهید سلیمانی. یزد: سومین همایش ملی سبک زندگی و سلامت. <https://civilica.com/doc/1231785>
۱۹. دهقانی پوده، حسین؛ پاشایی هولاسو، امین. (۱۳۹۹). تدوین الگوی فرماندهی شهید قاسم سلیمانی. فصلنامه مدیریت اسلامی، ۲(۲۸)، صص ۱۳-۳۷.
۲۰. دلیری، جواد. (۱۳۹۶). بررسی شاخص‌های برندسازی شخصی و سیاسی ترامپ و بازنمایی رسانه‌ای آن با تأکید بر رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۱۶ ایالات متحده. فصلنامه رسانه، ۲۸(۲)، صص ۲۵-۵۱.
۲۱. رحمانی، پروانه. (۱۴۰۰). بررسی راز محبوبیت سردار حاج قاسم سلیمانی از دیدگاه رهبر و پیروانش. تاکستان: نخستین کنفرانس آموزش و پرورش و دفاع مقدس. <https://civilica.com/doc/1294394>
۲۲. رجیبی، محمد. (۱۳۹۹). شاخصه‌های مکتب شهید سلیمانی در اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی). بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۷(۵۵)، صص ۳۱-۵۶.
۲۳. رفیعی، مجتبی؛ علی‌احمدی، علیرضا؛ موسوی، محمد و کرمانی، محمد. (۱۳۹۲). رهبری اخلاق‌مدار، ثمره پارادایم مدیریت اسلامی. فصلنامه پژوهش‌نامه اخلاق، ۶(۲۰)، صص ۴۳-۷۶.
۲۴. روح‌اللهی، مهدی. (۱۴۰۰). شناسایی ابعاد و مولفه‌های نفوذ اجتماعی در سبک رهبری شهید قاسم سلیمانی. نشریه علمی مدیریت اسلامی، ۱(۲)، ۵-۴۲.
۲۵. شفیعی سیف‌آبادی، محسن. (۱۳۹۹). بررسی مهمترین شاخصه‌های امنیتی-نظامی مدیریت جهادی سردار سلیمانی از تشکیل لشکر ۴۱ ثارالله در سال ۱۳۶۰ تا مبارزات برون مرزی با داعش. سلسله همایش‌های بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی، ۲ (مقالات دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب)، صص ۱-۱۷.
۲۶. صائمیان، ص. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل مؤثر بر شایستگی‌های برند شخصی در حوزه سرمایه‌های انسانی. فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، ۳(۳)، صص ۱-۱۰.

۲۷. صفار، یاسر؛ عظیم‌زاده، سیدمرتضی و کفاش‌پور، آذر. (۱۳۹۵). تحلیل عوامل مؤثر در شکل‌دهی تصویر برند ورزشکاران حرفه‌ای. دوفصلنامه مدیریت و توسعه ورزش، ۱۵(۱)، صص ۱۰۲-۸۵.

۲۸. عابدی‌درجه، محسن. (۱۳۹۹). حکمرانی دفاعی - منطقه‌ای با اندیشه امت‌محور سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی در بحران‌های ژئوپلیتیکی غرب آسیا. فصلنامه تخصصی حکمرانی متعالی، ۱(۱)، صص ۱۶۹-۱۹۳.

۲۹. علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۹۸). سخنرانی. <https://sccr.ir/News/10037/1>

۳۰. فاضلی، محمدرضا؛ پاک‌سرشت، علی. (۱۳۹۹). تبلور مدیر تراز اول انقلابی در سردار شهید سلیمانی. دومین همایش ملی ادبیات مقاومت با محوریت شهید عالی‌مقام سپهبد قاسم سلیمانی، بجنورد، ۱(۲)، صص ۱۱۰۹-۱۱۲۱.

۳۱. قاسمی، حمید؛ صائمیان، فاطمه. (۱۳۹۶). مقایسه وضعیت خودبرندسازی و مهارت‌های ارتباطی دانشجویان رشته تربیت بدنی با سایر رشته‌ها. پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، ۶(۲۳)، صص ۴۳-۵۲.

۳۲. قلی‌پور، هاشم. (۱۳۹۹). شهید سردار سلیمانی و محور مقاومت. ساری: کنفرانس ملی پژوهش در روان‌شناسی، ساری.

۳۳. قراباغی، میثم؛ و ازگلی، محمد. (۱۳۹۹). واکاوی سبک رهبری سردار شهید حاج قاسم سلیمانی الگوی متعالی رهبری خدمتگزار. مدیریت اسلامی، ۲۸(۴)، صص ۱۱۳-۱۳۹.

۳۴. کاردارپور، محسن؛ کرباسی، علی و محمدی، مهدی. (۱۳۹۹). تبیین الگوی مدیریتی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بر اساس نامه ۵۳ نهج البلاغه. سلسله همایش‌های بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی (مقالات دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب)، ۲(۲)، صص ۱-۲۷.

۳۵. کرمی، محمدرضا؛ میرکمالی، سیدمحمد؛ و پورکریمی، جواد. (۱۳۹۵). بررسی و تبیین رهبری اخلاقی و ابعاد آن (مورد مطالعه: کارکنان دانشگاه تهران). فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، ۷(۲۲)، صص ۵۶-۶۷.

۳۶. کریمی خوبیگانی، ر. (۱۳۹۹). رهبری معنوی و متواضعانه در مکتب تربیتی شهید سلیمانی. تهران: دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی: مکتب شهید سلیمانی، الگوی تربیتی مدیران جهادی تمدن‌ساز. (۲)، صص ۱-۲۹.
۳۷. گنج‌بخش، محمود. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل شکوفایی فضایل اخلاقی حکمران مبتنی بر مکتب شهید سلیمانی. فصلنامه حکمرانی متعالی، (۱)، صص ۱۱-۳۲.
۳۸. لطیفی، م. (۱۳۹۹). روش موردکاوی به مثابه الگوی آموزش دلالت‌هایی برای تبیین مکتب شهید سلیمانی. فصلنامه مدیریت اسلامی، (۴)، صص ۹-۳۲.
۳۹. متقی، ابراهیم؛ امینی، حسن. (۱۳۹۹). دیپلماسی انقلابی در الگوی رفتار منطقه‌ای سردار سلیمانی. تهران: دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی: مکتب شهید سلیمانی؛ الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز، (۳)، صص ۱-۲۷.
۴۰. محمدظاهری، محمد. (۱۳۹۹). ارائه الگوی مدیریتی در تراز انقلاب برای مدیران عالی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر سبک مدیریتی شهید سپهد قاسم سلیمانی. نشریه مدیریت اسلامی، (۱)، ۲۹، صص ۲۱-۴۶.
۴۱. محمدیان، عباس؛ صادقی، ریحانه. (۱۳۹۹). نقش درونی سازی ارزش‌های دینی به عنوان مولفه‌های قدرت نرم برای فرماندهان نظام جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی زندگی سردار شهید قاسم سلیمانی)، بجنورد: دومین همایش ملی ادبیات مقاومت با محوریت شهید عالی‌مقام سپهد قاسم سلیمانی، (۲)، صص ۱۵۵۵-۱۵۷۹.
۴۲. مرادی کوچی، محسن و قناعت پیشه، مرضیه و برزویی نژادلنگرودی، سمیه. (۱۳۹۹). بررسی ویژگی‌های بزرگمرد سجاده و جهاد، حاج قاسم سلیمانی. بجنورد: دومین همایش ملی ادبیات مقاومت با محوریت شهید عالی‌مقام سپهد قاسم سلیمانی. (۲)، صص ۱۵۸۱-۱۵۹۱.
۴۳. مزروعی نصرآبادی، اسماعیل و وحیدی، فاطمه. (۱۳۹۹). شناسایی ویژگی‌های مدیر جهادی بر اساس رویکرد تحلیل محتوا با نگاهی بر سردار شهید حاج قاسم سلیمانی. تهران: دومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی. تهران: مکتب شهید سلیمانی؛ الگوی تربیت مدیران جهادی تمدن‌ساز، (۲)، صص ۱-۱۶.

۴۴. مقیمی، سیدمحمد. (۱۳۹۹). رهبری اخلاص مدار، جوهره مکتب شهید سلیمانی. مدیریت اسلامی، ۲۸ (۴)، صص ۳۳-۹۲.
۴۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۸). مجموعه آثار (ج ۲). قم: صدرا.
۴۶. میرحق جو لنگرودی، سعیده؛ و علی نژادچمازکتی، فاطمه. (۱۳۹۹). عشق به وطن در ادبیات مقاومت با الگوپذیری از سردار دل‌ها شهید قاسم سلیمانی. بجنورد: دومین همایش ملی ادبیات مقاومت با محوریت شهید عالی‌مقام سپهبد قاسم سلیمانی، صص ۱۷۱۹-۱۷۳۰.
۴۷. موسوی، س. (۱۳۹۸). مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در دفاع از حریم اهل بیت علیهم‌السلام. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۵، صص ۷۵-۱۰۰.
۴۸. نصیری، علی اصغر. (۱۳۹۹). سیره شهید سلیمانی در افزایش سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر عنصر اعتماد. مطالعات راهبردی بسیج، ۸۹، صص ۱۱-۲۱.
۴۹. هاشمی‌نیا، محمد مسیح؛ یارمحمدی، محمد و محمدی سلیمانی، یوسف. (۱۳۹۹). اخلاص و توکل رمز پیروزی در مکتب شهید سلیمانی. تهران: ششمین همایش بین‌المللی مطالعات دینی و علوم انسانی در جهان اسلام، (۲)، صص ۱۱۲-۱۲۱.
50. Aaker, D. A. (1996). *Building Strong Brands*, The Free Press. New York.
51. Aaker, J. L. (1997). Dimensions of brand personality. *Journal of marketing research*, 34(3), pp. 347-356.
52. Ahmad, R., Hashim, L. & Harun, N. (2016). Criteria for effective authentic personal branding for academic librarians in Universiti Sains Malaysia libraries. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (224), pp. 452-458.
53. Azizi, Z., & Sujono, F. K. (2017, November). Law firm brand marketing communication in Jakarta (Case study in Ihza & Ihza Law Firm Jakarta). In: *Proceeding of International Conference on Communication, Culture and Media Studies (CCCMS)*, pp. 159-166.
54. Balakrishnan, M. S., & Michael, I. (2011). Abraaj capital limited: celebration of entrepreneurship (CoE). *Emerald Emerging Markets Case Studies*, 1(4), pp. 1-2.

55. Butar, C. R. B., & Ali, D. S. F. (2018). Strategi personal branding selebgram non selebriti. *PROfesi Humas*, 2(2), pp. 86-101.
56. Banet-Weiser, S. (2012). *Branding the Postfeminist Self: The Labor of Femininity, Authentic™: The Politics of Ambivalence in a Brand Culture*. New York: NYU Press.
57. Frendika, R., Sule, E. T., & Kusman, M. (2018). The power of personal values and cultural competence towards personal branding of employees. *Academy of Strategic Management Journal*, 17(1), pp. 1-10.
58. Figurska, I. (2016). Personal Branding as an Element of Employees, Professional Development. *Human Resources Management & Ergonomics, Pomeranian University, Faculty of Social Sciences*, 3(13), pp. 33-47.
59. Evans, J. R. (2017). Branding in perspective: Self-branding for professional success. *Hofstra University: Hempstead*, pp. 1-27.
60. Ghosh, D. K., & Kulshrestha, S. S. (2016). Employee Branding–Becoming a New Mantra for Employee Engagement. *International Journal of Science and Research*, 5 (6), pp. 2081 – 2086.
61. Goffman, E., & Idea, M. (1959). The Presentation of Self in Everyday Life (pp. 1-77). *Garden City, NY: Anchor*.
62. Gorbatov, S., Khapova, S. N., & Lysova, E. I. (2018). Personal branding: interdisciplinary systematic review and research agenda. *Front. Psychol.* Available at 9: 2238. doi: 10.3389/fpsyg.2018.02238.
63. Gordon, R., Zainuddin, N., & Magee, C. (2016). Unlocking the potential of branding in social marketing services: Utilising brand personality and brand personality appeal. *Journal of Services Marketing*, 30(1), pp. 48-62
64. Gorbatov, S. Khapova, S. N., & Lysova, E. I. (2019). Get Noticed to Get Ahead: The Impact of Personal Branding on Career Success. *Frontiers in Psychology*, 10(2662), pp. 1-13.
65. Johnson, k. (2017). The Importance of Personal Branding in Social Media: Educating Students to Create and Manage their Personal Brand. *International Journal Education and Social Science*, 4(1), pp. 21-27.

66. Khedher, M. (2014). Personal branding phenomenon. *International journal of information, business and management*, 6(2), pp. 1- 29.
67. Khedher, M. (2015a). An inspiring resource for developing personal branding phenomena. *Marketing Review*, 15(1), pp. 117-131.
68. Kucharska, W., & Thomas, J. (2016-2017, July). Personal Branding and Brand Loyalty, Social Network Users Brand Identification: Polish-French Model. In ECSCM 2017 4th European Conference on Social Media (p. 170). Academic Conferences and publishing limited.
69. Lair, D. J., Sullivan, K., & Cheney, G. (2005). Marketization and the recasting of the professional self: The rhetoric and ethics of personal branding. *Management Communication Quarterly*, 18(3), pp. 307- 343.
70. Luca, F. A., Ioan, C. A., & Sasu, C. (2015). The importance of the professional personal brand. The doctors' personal brand. *Procedia economics and finance*, (20), pp. 350-357.
71. McNally, D., & Speak, K. D. (2002). *Be your own brand*. Berrett-Koehler Publishers.
72. Miles, S. J., & Mangold, W. G. (2005). Positioning Southwest Airlines through employee branding. *Business horizons*, 48(6), pp. 535-545
73. Milovanovic, S., Baltezarevic, B., & Milovanovic, N. (2016). Personal branding through leadership. *International Review*, (3-4), pp. 75-81.
74. Montoya, P., & Vandehey, T. (2005). *The brand called you: The ultimate personal branding handbook to transform anyone into an indispensable brand*. Peter Montoya Pub.
75. Montoya, P., & Vandehey, T. (2008). *The brand called you: Make your business stand out in a crowded marketplace*. McGraw Hill Professional, 1st Edition Neale, L., Hughes, A., & Dann, S. M. (2008). Exploring the application of personal brands and opinion leadership in political marketing. Proceedings of Australia and New Zealand Marketing Academy Conference, The Australian National University
76. Ogutu, R. P. & Ougo, R. T. (2016). The Relationship Between Personal Branding and Career Success: A Case of Employees at Geothermal

- Development Company in Kenya. *International Journal of Economics, Commerce and Management*, 12(8), pp. 282-306.
77. Philbrick, J. & Cleveland, A. (2016). Personal Branding: Building Your Pathway to Professional Success Personal Branding: Building Your Pathway to Professional Success. *Medical Reference Services Quarterly*, 34 (2), pp. 181-189.
78. Pawar, A. (2016). The Power of Personal Branding. *International Journal of Engineering and Management Research (IJEMR)*, 6(2), pp. 840-847.
79. Rangarajan, D., Gelb, B. D., & Vandaveer, A. (2017). Strategic personal branding—and how it pays off. *Business Horizons*, 60(5), pp. 657-666.
80. Rampersad, H. K. (2008). A new blueprint for powerful and authentic personal branding. *Performance Improvement*, 47(6), pp. 34-37.
81. Sagdati, M. (2015). The role and importance of personal branding in career development. *Bachelor Thesis, International Business, Valkeakoski, university of applied sciences*.
82. Saunders, K. M. (2011). *A Case Study of Four Entrepreneurs on Their Quest to Achieve Professional Success in the Age of the Personal Brand*, Doctoral dissertation, University of North Carolina Wilmington.
83. Shafiee, M, Gheidi, S, & Khorrami. M., S. (2020). Proposing a new framework for personal brand positioning. *European Research on Management and Business Economics*, 26(1), pp. 45-54.
84. Thomson, M. (2006). Human brands: Investigating antecedents to consumers' strong attachments to celebrities. *Journal of marketing*, 70(3), pp. 104-119.
85. Thompson-Whiteside, H., Turnbull, S., & Howe-Walsh, L. (2018). Developing an authentic personal brand using impression management behaviours. *International Journal of Qualitative Market Research*, 21(2), pp.166-181.
86. Ward, C., & Yates, D. (2013). Personal branding and e-professionalism. *Journal of Service Science (JSS)*, 6(1), pp. 101-104.
87. Williams, B. B. (2014). *Personal brand & the branding process: From hype to actual benefits for human resources and talent management leaders*. A dissertation in Work-Based Learning University of Pennsylvania.

References

* The Holy Quran

1. Aaker, D. A. (1996). *Building Strong Brands*, The Free Press. New York.
2. Aaker, J. L. (1997). Dimensions of brand personality. *Journal of marketing research*, 34(3), pp. 347-356.
3. Abedi Darcheh, M. (1399 AP). Defense-regional governance with the nation-centered thought of General of Guards Martyr Haj Qassem Soleimani in the geopolitical crises of West Asia. *Journal of Supreme Governance*, 1(1), pp. 169-193. [In Persian]
4. Ahmad, R., Hashim, L. & Harun, N. (2016). Criteria for effective authentic personal branding for academic librarians in Universiti Sains Malaysia libraries. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 224, pp. 452-458.
5. Akhlaghi, M. N. (1399 AP). *The strategic role of Lieutenant General Qassem Soleimani on changing the balance of power in the region and international relations*. Bojnourd: The second national resistance literature conference centered on Lieutenant General Qassem Soleimani, <https://civilica.com/doc/1263564>. [In Persian]
6. Alam Al-Hoda, J. (1398 AP). Speech From: <https://sccr.ir/News/10037/1>. [In Persian]
7. Amiri, S., & Kiani, J. (1398 AP). The discourse of martyr Qassem Soleimani's resistance in diplomacy and international relations. *Journal of Sacred Defense Studies*, 5(2), pp. 9-30. [In Persian]
8. Asghari, M., & Jafari Harandi, R. (1399 AP). *Synthesis of transformational leadership components in Shahid Soleimani school of thought*. Series of International Conferences on the Second Phase of the Islamic Revolution (Selected Articles of the Second International Conference on the Second Phase of the Revolution), pp. 1-27. [In Persian]
9. Azizi, Z., & Sujono, F. K. (2017, November). Law firm brand marketing communication in Jakarta (Case study in Ihza & Ihza Law Firm Jakarta). In: *Proceeding of International Conference on Communication, Culture and Media Studies (CCCMS)*, pp. 159-166.

10. Babaei Talatape, M. B. (1399 AP). Strategic principles in the Soleimani school of thought. *Strategic Defense Studies*, 18(82), pp. 357-382. [In Persian]
11. Balakrishnan, M. S., & Michael, I. (2011). Abraaj capital limited: celebration of entrepreneurship (CoE). *Emerald Emerging Markets Case Studies*, 1(4), pp. 1-2.
12. Banet-Weiser, S. (2012). *Branding the Postfeminist Self: The Labor of Femininity, Authentic™: The Politics of Ambivalence in a Brand Culture*. New York: NYU Press.
13. Bayat, A., & Seyed Tabatabaei, S. M. (1399 AP). The ideal pattern of interpersonal communication in the hierarchy of command: the case study of martyr Haj Qassem Soleimani. *Islamic Management*, 28(4), pp. 185-169. [In Persian]
14. Butar, C. R. B., & Ali, D. S. F. (2018). Strategi personal branding selebgram non selebriti. *PROfesi Humas*, 2(2), pp. 86-101.
15. Cheraghi Kotiani, E. (1400 AP). Sociological indicators of strategic waiting in Shahid Soleimani school. *Mahdavi Society*, 2(1), pp. 115-145. [In Persian]
16. Daliri, J. (1396 AP). An Examination of the indicators of Trump's personal and political branding and its media representation with an emphasis on the 2016 US election campaign. *Journal of Media*, 28(2), pp. 51-25. [In Persian]
17. Dashti, Q. H., & Heidarinia Naeini, H. (1398 AP). *A short analysis on the characteristics of Shahid Soleimani's lifestyle*. Yazd: The third national conference on lifestyle and health. From: <https://civilica.com/doc/1231785>. [In Persian]
18. Dehghani Poudeh, H., & Pashaei Holasu, A. (1399 AP). Compilation of the model of the martyr Qassem Soleimani's command. *Islamic Management*, 2(28), pp. 13-37. [In Persian]
19. Eskandari, K. (1396 AP). *Designing a human resource branding model for Iran's government organizations*. Unpublished PhD Thesis, Faculty of Management and Accounting, Qazvin Islamic Azad University, Iran. [In Persian]

20. Eskandari, K., & Jazni, N., & Memarzadeh Tehran, Q., & Musakhani, M., & Mohtashami, A. (1398 AP). Designing the branding model of human resources in Iran's government organizations using a hybrid method. *Journal of Career and Organizational Consultant*, 11(41), pp. 194-159. [In Persian]
21. Evans, J. R. (2017). Branding in perspective: Self-branding for professional success. *Hofstra University: Hempstead*, pp. 1-27.
22. Fazeli, M. R., & Pakseresht, A. (1399 AP). *The formation of the revolutionary first-rate leader in Shahid Soleimani*. Bojnourd: The second national resistance literature conference focusing on General Qassem Soleimani, 2(1), pp. 1109-1121. [In Persian]
23. Figurska, I. (2016). Personal Branding as an Element of Employees, Professional Development. *Human Resources Management & Ergonomics, Pomeranian University, Faculty of Social Sciences*, 3(13), pp. 33-47.
24. Frendika, R., Sule, E. T., & Kusman, M. (2018). The power of personal values and cultural competence towards personal branding of employees. *Academy of Strategic Management Journal*, 17(1), pp. 1-10.
25. Ganjbakhsh, M. (1399 AP). Identifying the flourishing factors of the ruler's moral virtues based on the school of Shahid Soleimani. *Transcendent Governance*, 1(1), pp. 11-32. [In Persian]
26. Ghasemi, H., & Saemian, F. (1396 AP). Comparing the status of self-branding and communication skills of physical education students with other fields. *Applied Researches in Sports Management*, 6(23), pp. 52-43. [In Persian]
27. Ghosh, D. K., & Kulshrestha, S. S. (2016). Employee Branding—Becoming a New Mantra for Employee Engagement. *International Journal of Science and Research*, 5(6), pp. 2081 – 2086.
28. Goffman, E., & Idea, M. (1959). The Presentation of Self in Everyday Life (pp. 1-77). *Garden City, NY: Anchor*.
29. Gorbatov, S. Khapova, S. N., & Lysova, E. I. (2019). Get Noticed to Get Ahead: The Impact of Personal Branding on Career Success. *Frontiers in Psychology*, 10(2662), pp. 1-13.

30. Gorbatov, S., Khapova, S. N., & Lysova, E. I. (2018). Personal branding: interdisciplinary systematic review and research agenda. *Front. Psychol.* Available at 9: 2238. doi: 10.3389/fpsyg.2018.02238.
31. Gordon, R., Zainuddin, N., & Magee, C. (2016). Unlocking the potential of branding in social marketing services: Utilising brand personality and brand personality appeal. *Journal of Services Marketing*, 30(1), pp. 48-62.
32. Hasheminiya, M. M., & Yarmohammadi, M., & Mohammadi Soleimani, Y. (2019). *Sincerity and trust are the keys to victory in the school of Shahid Soleimani*. Tehran: The 6th International Conference on Religious Studies and Human Sciences in the Islamic World, (2), pp. 112-121.
33. Hosseinzadeh, M. S. (1399 AP). *Principles and foundations and components of jihadi management based on the school of Martyr Soleimani*. Series of International Conferences on the Second Phase of the Islamic Revolution, (Articles of the Second International Conference on the Second Phase of the Revolution), (2), pp. 1-22. [In Persian]
34. Jalalinejad, M. (1399 AP). *An Exploration of spiritual intelligence (SQ) in the lifestyle of Lieutenant General Qassem Soleimani*. Bojnourd: The second national conference of resistance literature centered on General Qassem Soleimani, (2) 22, pp. 351-367. [In Persian]
35. Jalilian, H. (1399 AP). The pattern of strategic thinking of Jihadi managers based on the divine political will of Martyr Qassem Soleimani. *Islamic Management*, 28(4), pp. 111-93. [In Persian]
36. Johnson, k. (2017). The Importance of Personal Branding in Social Media: Educating Students to Create and Manage their Personal Brand. *International Journal Education and Social Science*, 4(1), pp. 21-27.
37. Karami, M. R., & Mirkamali, S. M., & Pourkarimi, J. (1395 AP). An examination and explanation of ethical leadership and its dimensions (case study: University of Tehran employees). *Journal of Public Policy Making in Government*. 7(22), pp. 17-34. [In Persian]
38. Kardarpour, M., & Karbasi, A., & Mohammadi, M. (1399 AP). *Explanation of the management model of Hajj Qassem Soleimani based on letter 53 of Nahj al-Balaghe*. Series of International Conferences on the Second Phase of

- the Islamic Revolution (Articles of the Second International Conference on the Second Phase of the Revolution), (2), pp. 1-27. [In Persian]
39. Karimi Khoigani, R. (1399 AP). Spiritual and humble leadership in the educational school of Shahid Soleimani. Tehran: The Second International Conference on the Second Phase of the Islamic Revolution: Shahid Soleimani's School, *the Educational Model of Civilizing Jihadist Managers*, 2(2), pp. 1-29. [In Persian]
40. Khamenei, S. A. (1398 AP). *Tehran Friday prayer sermons*. Ayatollah Khamenei's Works Preservation and Publication Information Website. From: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44695>. [In Persian]
41. Khedher, M. (2014). Personal branding phenomenon. *International journal of information, business and management*, 6(2), pp. 1- 29.
42. Khedher, M. (2015a). An inspiring resource for developing personal branding phenomena. *Marketing Review*, 15(1), pp. 117-131.
43. Khoshfar, M., & Mousavizadeh, E. (1399 AP). *Intellectual, Belief and Political Foundations of Martyr Qassem Soleimani*, Bojnourd: Second National Conference of Resistance Literature centered on General Qassem Soleimani, (1) 1, pp. 555-535. [In Persian]
44. Kucharska, W., & Thomas, J. (2016-2017, July). Personal Branding and Brand Loyalty, Social Network Users Brand Identification: Polish-French Model. In ECISM 2017 4th European Conference on Social Media (p. 170). Academic Conferences and publishing limited.
45. Lair, D. J., Sullivan, K., & Cheney, G. (2005). Marketization and the recasting of the professional self: The rhetoric and ethics of personal branding. *Management Communication Quarterly*, 18(3), pp. 307- 343.
46. Latifi, M. (1399 AP). Case study method as a model of teaching implications to explain the school of Shahid Soleimani. *Journal of Islamic Management*, 28(4), pp. 32-9. [In Persian]
47. Luca, F. A., Ioan, C. A., & Sasu, C. (2015). The importance of the professional personal brand. The doctors' personal brand. *Procedia economics and finance*, (20), pp. 350-357.

48. Mazrouei Nasrabadi, E., & Vahidi, F. (1399 AP). Identifying the characteristics of a Jihadi manager based on the content analysis approach with a look at Shahid Haj Qassem Soleimani. The second international conference on the second phase of the Islamic revolution. Tehran: Shahid Soleimani School; *The model of training Jihadist Civilization-maker managers*, (2), pp. 1-16. [In Persian]
49. McNally, D., & Speak, K. D. (2002). *Be your own brand*. Berrett-Koehler Publishers.
50. Miles, S. J., & Mangold, W. G. (2005). Positioning Southwest Airlines through employee branding. *Business horizons*, 48(6), pp. 535-545
51. Milovanovic, S., Baltezarevic, B., & Milovanovic, N. (2016). Personal branding through leadership. *International Review*, (3-4), pp. 75-81.
52. Mir Haqjoo Langroudi, S., & Alinejad Chamazkati, F. (1399 AP). *Love for the country in the literature of resistance by following the example of the commander of hearts Shahid Qassem Soleimani*, Bojnourd: the second national conference of resistance literature centered on General Qassem Soleimani, (2), pp. 1719-1730. [In Persian]
53. Moghimi, S. M. (1399 AP). Sincerity-oriented leadership is the essence of the school of Shahid Soleimani. *Islamic Management*, 28(4), pp. 92-33. [In Persian]
54. Mohammad Zaheri, M. (1399 AP). Presenting a management model at the level of the revolution for top managers of the Islamic Republic of Iran based on the management style of Shahid Qassem Soleimani. *Journal of Islamic Management*, 28(1)29, pp. 21-46. [In Persian]
55. Mohammadian, A., & Sadeghi, R. (1399 AP). *The role of internalizing religious values as components of soft power for the commanders of the Islamic Republic of Iran (case study: the life of Shahid General Qassem Soleimani)*. Bojnourd: The second national conference of resistance literature focusing on the Shahid General Qassem Soleimani, (2), pp. 1579-1555. [In Persian]

56. Montoya, P., & Vandehey, T. (2005). *The brand called you: The ultimate personal branding handbook to transform anyone into an indispensable brand*. Peter Montoya Pub.
57. Montoya, P., & Vandehey, T. (2008). *The brand called you: Make your business stand out in a crowded marketplace*. McGraw Hill Professional, 1st Edition Neale, L., Hughes, A., & Dann, S. M. (2008). Exploring the application of personal brands and opinion leadership in political marketing. Proceedings of Australia and New Zealand Marketing Academy Conference, The Australian National University
58. Moradi Kochi, M., & Qena'at Pisheh, M., & Borzoei-Nejad Langroudi, S. (1399 AP). *Examining the characteristics of the great man of Sajjadeh and Jihad, Haj Qassem Soleimani*. Bojnourd: The second national conference of resistance literature centered on Shahid Qassem Soleimani. (2), pp. 1581-1591. [In Persian]
59. Motaghi, E., & Amini, H. (1399 AP). Revolutionary diplomacy in Sardar Soleimani's regional behavior pattern. Tehran: The Second International Conference on the Second Phase of the Islamic Revolution: Shahid Soleimani School; *The model of training Jihadist Civilization-maker managers*, (3), pp. 1-27. [In Persian]
60. Motahari, M. (1368 AP). *Collection of works* (Vol.2). Qom: Sadra. [In Persian]
61. Mousavi, S. M. (1398 AP). School of Shahid Haj Qassem Soleimani in defense of the privacy of Ahl al-Bayt: *Journal of Islamic Awakening Studies*, 15, pp. 75-100. [In Persian]
62. Nasiri, A. A. (1399 AP). Shahid Soleimani's career in increasing the social capital of the Islamic Republic of Iran system by emphasizing the element of trust. *Strategic studies of Basij*, (89), pp. 11-21. [In Persian]
63. Ogutu, R. P. & Ougo, R. T. (2016). The Relationship Between Personal Branding and Career Success: A Case of Employees at Geothermal Development Company in Kenya. *International Journal of Economics, Commerce and Management*, 12(8), pp. 282-306.

64. Pahlavan Sharif, M. A., & Kazemi, M. H. (1399 AP). Explaining the model of competency of civilizing Jihadi managers (case study: Martyr Qassem Soleimani). *Islamic Management Quarterly*, 28(4). pp. 141-168. [In Persian]
65. Pawar, A. (2016). The Power of Personal Branding. *International Journal of Engineering and Management Research (IJEMR)*, 6(2), pp. 840-847.
66. Philbrick, J. & Cleveland, A. (2016). Personal Branding: Building Your Pathway to Professional Success Personal Branding: Building Your Pathway to Professional Success. *Medical Reference Services Quarterly*, 34(2), pp. 181-189.
67. Pourqayoumi, A., & Alavian, M. (1399 AP). A framework for analyzing the human aspects of Shahid Soleimani's school of thought. *Islamic World Strategic Studies*, 82, pp. 107-124. [In Persian]
68. Qarabaghi, M., & Ezgoli, M. (1399 AP). Analyzing the leadership style of Shahid Haj Qassem Soleimani, the transcendent model of servant leadership. *Islamic Management*, 28(4), pp. 139-113. [In Persian]
69. Qolipour, H. (1399 AP). *Shahid Soleimani and axis of resistance*. Sari: National Research Conference in Psychology. [In Persian]
70. Rafiei, M., & Ali Ahmadi, A., & Mousavi, M., & Kermani, M. (1392 AP). Ethical leadership is the fruit of the Islamic management paradigm. *Journal of Ethics Studies*, 6(20), pp. 43-76. [In Persian]
71. Rahmani, P. (1400 AP). *Investigating the secret of Sardarhaj Qassem Soleimani's popularity from the perspective of the leader of Iran and his followers*. Takestan: The first conference on education and holy defense. From: <https://civilica.com/doc/1294394>. [In Persian]
72. Rajabi, M. (1399 AP). Characteristics of Martyr Soleimani's school in the thought of Ayatollah Khamenei. *Islamic Insight and Education*, 17(55), pp. 31-56. [In Persian]
73. Rampersad, H. K. (2008). A new blueprint for powerful and authentic personal branding. *Performance Improvement*, 47(6), pp. 34-37.
74. Rangarajan, D., Gelb, B. D., & Vandaveer, A. (2017). Strategic personal branding—and how it pays off. *Business Horizons*, 60(5), pp. 657-666.

75. Roholahi, M. (1400 AP). Identifying the dimensions and components of social influence in the leadership style of Qassem Soleimani. *Journal of Islamic Management*, 2(1), pp. 5-42.
76. Sa'emian, S. (2013). Identifying factors affecting personal brand competencies in the field of human capital. *Human Resources Education and Development*, (3), pp. 131-153.
77. Safar, Y., & Azimzadeh, S. M., & Kafashpour, A. (1395 AP). An Analysis of effective factors in shaping the brand image of professional athletes. *Journal of Sports Management and Development*, 5(1), pp. 102-85. [In Persian]
78. Sagdati, M. (2015). The role and importance of personal branding in career development. *Bachelor Thesis, International Business, Valkeakoski, university of applied sciences*.
79. Saunders, K. M. (2011). *A Case Study of Four Entrepreneurs on Their Quest to Achieve Professional Success in the Age of the Personal Brand*, Doctoral dissertation, University of North Carolina Wilmington.
80. Shafiee, M, Gheidi, S, & Khorrami. M., S. (2020). Proposing a new framework for personal brand positioning. *European Research on Management and Business Economics*, 26(1), pp. 45-54.
81. Shafiei Seifabadi, M. (1399 AP). *An examination of the most important security-military indicators of Sardar Soleimani's jihadist management from the formation of the 41st Tharullah Division in 1360 to the cross-border campaigns against ISIS*. Series of International Conferences on the Second Phase of the Islamic Revolution 2 (Articles of the Second International Conference on the Second Phase of the Revolution), (2), pp. 1-17. [In Persian]
82. Taj Bakhsh, Q. (1400 AP). An analysis of the lifestyle components of Martyr Soleimani. *Journal of Sacred Defense Studies*, 7(1), pp. 137-158.
83. Tajbakhsh, Q. (1400 AP). An Analysis of the lifestyle components of Shahid Soleimani. *Journal of Sacred Defense Studies*, 7(1). pp. 137-158. [In Persian]
84. Thompson-Whiteside, H., Turnbull, S., & Howe-Walsh, L. (2018). Developing an authentic personal brand using impression management behaviours. *International Journal.of Qualitative Market Research*, 21(2), pp.166-181.

85. Thomson, M. (2006). Human brands: Investigating antecedents to consumers' strong attachments to celebrities. *Journal of marketing*, 70(3), pp. 104-119.
86. Ward, C., & Yates, D. (2013). Personal branding and e-professionalism. *Journal of Service Science (JSS)*, 6(1), pp. 101-104.
87. Williams, B. B. (2014). *Personal brand & the branding process: From hype to actual benefits for human resources and talent management leaders*. A dissertation in Work-Based Learning University of Pennsylvania



Meaningful Aspects of Resistance Facing Intellectual-practical Intervention of Foreign Actors in the Development of Contemporary Extremism

Mokhtar Sheikh Hosseini¹

Received: 25/02/2023

Accepted: 26/02/2023



Abstract

One of the most important challenges of the contemporary era in the Islamic world is the growth and development of contemporary extremist currents, and the experience of gaining power, and the decline of ISIS is considered as the latest example. A comprehensive analysis of the context of formation of these currents shows that at the intellectual level of identity crisis and at the sociological level, social deprivation had a great contribution to the formation of these currents. However, in terms of practicality and development, these currents have always relied on the support of regional and international actors as a developmental factor, which can be analyzed in the experience of Wahhabism with the support of Britain, Al-Qaeda and ISIS with the support of the USA. Therefore, the main challenge of the present article is to analyze the intellectual-practical role of international powers in the growth of extremism and then to

1. Assistant Professor, Department of Political Sciences, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom. Iran. m.sheikhhosseini@isca.ac.ir

* Sheikh Hosseini, M. (1401 AP). Meaningful Aspects of Resistance Facing Intellectual-practical Intervention of Foreign Actors in the Development of Contemporary Extremism. *Journal of Mahdavi Society*, 3(5), pp. 89-109. DOI: 10.22081/JM.2023.66069.1067

analyze the meaningful aspects of the resistance strategy in facing this challenge. The findings of the article suggest that the strategy of resistance in facing the interventionist strategy of foreign actors has played an important role in giving meaning to contemporary man and restoring the discourse of resistance through emphasizing components such as the revival of the resistance-oriented identity, the intergenerational transmission of the discourse of resistance, as well as the revival of the self-confidence of contemporary Muslims.

Keywords

Resistance, extremism, violence and the Islamic world.

وجوه معنابخش مقاومت در مواجهه با مداخله فکری - عملی بازیگران خارجی در توسعه افراط‌گرایی معاصر

مختار شیخ‌حسینی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶

چکیده

رشد و توسعه جریان‌های افراطی معاصر از مهم‌ترین چالش‌های دوره معاصر در جهان اسلام است که تجربه قدرت‌یابی و افول داعش آخرین نمونه آن محسوب می‌شود. تحلیل جامع از زمینه‌های شکل‌گیری این جریان‌ها نشان می‌دهد در سطح فکری بحران هویت و در سطح جامعه‌شناختی، محرومیت اجتماعی سهم زیادی در شکل‌گیری این جریان‌ها داشته‌اند؛ اما به لحاظ عملی و توسعه همواره این جریان‌ها متکی به حمایت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به‌مثابه عامل توسعه‌بخش بوده‌اند که در تجربه وهابیت با حمایت بریتانیا، القاعده و داعش با حمایت آمریکا قابل تحلیل است؛ از این رو دغدغه اصلی مقاله حاضر تحلیل نقش فکری - عملی قدرت‌های بین‌المللی در رشد افراط‌گرایی و سپس تحلیل وجوه معنابخش استراتژی مقاومت در مواجهه با این چالش است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد استراتژی مقاومت در مواجهه با استراتژی مداخله‌گرایانه بازیگران خارجی با تأکید بر مؤلفه‌هایی مانند احیای هویت مقاومت‌محور، انتقال بین‌نسلی گفتمان مقاومت، احیای اعتماد به نفس مسلمانان معاصر نقش مهمی در معنابخشی به انسان معاصر و بازیابی گفتمان مقاومت داشته است.

کلیدواژه‌ها

مقاومت، افراط‌گرایی، خشونت و جهان اسلام.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. m.sheikhhosseini@isca.ac.ir

* شیخ‌حسینی، مختار. (۱۴۰۱). وجوه معنابخش مقاومت در مواجهه با مداخله فکری - عملی بازیگران خارجی در توسعه افراط‌گرایی معاصر. دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۵)، صص ۸۹-۱۰۹.



مقدمه

پربسامد بودن خشونت به عنوان یک امر واقع، نشان‌دهنده گسترده‌گی این چالش است. لذا پرداختن به زمینه‌هایی که خشونت بر بستر آنها رشد کرده و جهان اسلام را با چالشی متداول مواجه کرده، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. از این رو اگر خشونت‌گرایی در جهان عرب را به مثابه امر واقع و تکرار شونده بپذیریم، بازگشت به زمینه‌هایی که خشونت‌گرایی بر بستر آن رشد کرده بسیار مهم است تا بتوان با بازآفرینی این زمینه‌ها، شناختی صحیح، منطقی و جامع این پدیده ارائه و سپس تجویزهای منطقی برای مواجهه با آن ارائه کرد.

بازآفرینی زمینه‌های فکری این پدیده نشان می‌دهد الغای خلافت عثمانی در ۱۹۲۴ میلادی به مثابه مهم‌ترین زمینه‌ی گسست هویتی در بین اسلام‌گرایان معاصر عمل کرده است؛ در این میان، پروژه‌های احیای خلافت نیز علی‌رغم جذابیت‌شان، در هویت‌بخشی موفق نبوده‌اند. در چنین بستری، جریان سلفیه‌ی جهادی سعی دارد یک نظام فکری بدیل را برای پرکردن خلاء هویتی پساخلافت ارائه کند که مجموعه‌ای از سازمان‌های تروریستی مانند القاعده و داعش بر این بستر رشد یافته‌اند.

از سویی بازآفرینی زمینه جامعه‌شناختی نیز نشانگر این موضوع است که به دلیل تمرکز قدرت و در اختیار داشتن منابع انرژی، شکاف زیادی در بسیاری از این کشورها بین حاکمیت و جامعه وجود دارد و بخش زیادی از جامعه از دستیابی به منافع قدرت و ثروت محروم بوده لذا احساس محرومیت نسبت به ارزش‌های سیاسی و معطوف به قدرت در این کشورها نهادینه شده و سطح بالایی از نارضایتی نسبت به توزیع قدرت و ثروت را شکل داده است. در چنین بستر جامعه‌شناختی‌ای مانند دوره‌ی جمال عبدالناصر در مصر، قذافی در لیبی، علی عبدالله صالح در یمن و بسیاری دیگر از کشورهای عربی جریان‌ها و گروه‌ها به جای فعالیت آزادانه و آشکار به شکل دهی سازمان‌های سرّی روی آورده و برای رسیدن به اهداف خود، چون مکانیسم مشارکتی وجود ندارد، متوسل به ابزارهای خشونت‌آمیز می‌شوند. در این بستر اجتماعی و احساس محرومیت فزاینده، امکان رشد اندیشه‌ی خشونت‌گرا مانند سلفیه‌ی جهادی بسیار مهیاست. از سویی با توجه

به این که در نظام اندیشگی سلفیه‌ی جهادی (افراطی‌ترین جریان معاصر در جهان عرب) وضع موجود جاهلی تصویر می‌شود و حاکمیت‌های سیاسی «حاکمیت بغیر ما انزل الله» تلقی می‌شوند، فردی که در زمینه‌ی اجتماعی-سیاسی زندگی می‌کند و با محرومیت‌های فزاینده‌ای مواجه است، به راحتی امکان پیوستن با این اندیشه را پیدا کرده و گرایش به آن از جذابیت زیادی برخوردار خواهد بود. توجه به مجموعه‌ی محرومیت‌ها و نقش آن در نارضایتی و خشونت نشان می‌دهد تحلیل جریان‌های خشونت‌گرای معاصر در جهان عرب مانند داعش و القاعده، صرفاً زمانی صائب است که علاوه بر تحلیل مؤلفه‌های فکری، به بسترهای اجتماعی-سیاسی این جریان‌ها نیز توجه شود اما دو زمینه فوق شرط لازم برای تحقق افراطی‌گرایی معاصر بوده است اما شرط لازم برای توسعه همواره مداخله خارجی و سوء استفاده از این بستر فکری-جامعه‌شناختی بوده است. لذا در مقاله ابتدا به تحلیل نقش بازیگران خارجی در توسعه افراط‌گرایی به مثابه یکی از مهم‌ترین چالش‌های معاصر جهان اسلام در دو سطح فکری و عینی خواهیم پرداخت و سپس با اشاره به وجوه معنابخش گفتمان مقاومت محور به نقش این استراتژی در مواجهه با بازیگران خارجی خواهیم پرداخت.

۱. نقش قدرت‌های بین‌المللی در توسعه افراط‌گرایی معاصر

تجربه تاریخی نشانگر این واقعیت است که قدرت‌های خارجی از بستر موجود و مهبلی در جهان اسلام در راستای منافع خود بیشترین بهره را برده‌اند، لذا در تشدید بحران افراط‌گرایی نقش زیادی داشته است که این نقش را می‌توان در دو سطح، مواجهه هویتی و مداخله مستقیم مورد بررسی قرار داد که در سطح فکری بازیگران بیرونی با ورود اندیشه‌ها و دوگانه‌های فکری زمینه بحران هویت در جهان اسلام را فراهم آورده و در سطح عینی نیز به مداخله مستقیم می‌پردازند.

۱-۱. مداخله فکری بازیگران خارجی و توسعه افراط‌گرایی

بررسی روندهای فکری نشان می‌دهد به لحاظ فکری ورود اندیشه‌های غربی به

جهان اسلام ذهنیت انسان مسلمان معاصر را با پرسش‌ها و دوگانه‌های جدید مواجه می‌کرد که از سوی غرب به‌عنوان تمدن رقیب وارد جهان اسلام می‌شد. این مرآوده هرچند با ورود ناپلئون به مصر سرعت گرفت اما ریشه اصلی آن را می‌توان در عقب‌ماندگی عثمانی نسبت به غرب دانست که امپراتوری عثمانی نیز برای جبران عقب‌ماندگی تکنولوژیکی خود افرادی را به اروپا اعزام و یا مستشارانی از این کشورها دعوت کرد. این مرآوده‌ها محدود به صنعت نماند و به تدریج زمینه ورود اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های غربی و ناهمگن با فرهنگ و تمدن اسلامی را فراهم کرد. این مواجهه، تجربه جدیدی برای جهان اسلامی بود، چون به تعبیر برخی: تجارب حمله مغول و جنگ‌های صلیبی و از دست دادن اندلس هیچ‌گاه اعتماد به نفس امت اسلامی را مانند دوره جدید با سلطه غرب از بین نبرد. دوره مغول و جنگ‌های صلیبی هیچ‌گاه این سؤال مطرح نشد که حق با چه کسی بوده است؟ چون مغولان نظریه و بدیلی برای حیات سیاسی - اجتماعی مسلمانان ارائه نکردند و لذا مسلمانان در برابر این شکست‌ها صرفاً به این می‌اندیشیدند که چه کاری انجام دهند تا دوباره بر مغولان و صلیبی‌ها پیروز شوند (الافندی، ۲۰۰۲م، صص ۱۹-۲۰). مواجهه غرب با تمدن اسلامی تبدیل به چالش هویتی برای مسلمانان شد و بخشی از مسلمانان را به سمت خوانش‌های سکولار از دین فرا می‌خواند که لاجرم با واکنش طیف سنتی مواجه می‌شد. به طوری که:

«سؤال اصلی در بین جریان‌های مختلف غرب رایج این است که: چگونه جهان اسلام می‌تواند هویت خود را در قیاس با غرب تعریف کند» (افایه، ۱۹۹۶م، ص ۱۷). بخش زیادی از تلاش‌های فکری سیدجمال و محمد عبده و اندیشمندان اصلاح‌گرا برای پاسخگویی به این چالش‌های هویتی اختصاص یافت. تلقی بسیاری از اسلام‌گرایان از این مواجهه، از دست‌رفتن آگاهی و هویت تاریخی مسلمانان بود؛ بنابراین هرچند مشکل اولیه، عدم تناسب وضعیت مسلمانان با پیشرفت‌های صنعتی و نظامی غرب بود و مسلمانان برای پاسخ به این چالش افرادی را برای آموختن علوم و صنعت جدید به غرب فرستادند اما نتیجه آن ورود اندیشه‌ها و ایدئولوژی غرب به جهان اسلام بود و زمینه شکل‌گیری جنبش ملی در ترکیه، مشروطیت در ایران، و رویکردهای اصلاحی در

تونس و عثمانی نتیجه ورود این افکار بود. به تدریج سلسله‌ای از اعتراضات و انقلاب‌ها شکل گرفت و در مواجهه با غرب نیز سؤال اساسی مطرح شد که سؤال از چرایی عقب‌ماندگی امت اسلامی بود (الافندی، ۲۰۰۲م، صص ۲۰-۲۱). پرسشی که تبدیل به مهم‌ترین پرسش در جهان اسلام شد و رساله‌های متعددی در قرن بیستم در باب چرایی عقب‌ماندگی مسلمانان نسبت به رقیب تمدنی شان نگاشته شد. این مواجهه با غرب در ساحت فکری، به تدریج به لحاظ عملی نیز اسلام‌گرایان را به سمت تأسیس جنبش‌هایی برای رسیدن به سلطه سیاسی نیز تشویق می‌کرد که واکنشی در برابر غرب ارائه نمایند بر همین اساس حسن حنفی معتقد است:

«اسلام سیاسی پدیده‌ای قدیمی نیست بلکه پدیده‌ای جدید بر گرفته از زمان اصلاح‌طلبی دینی تا شروع جنبش‌های اسلامی فعلی است رویکرد اصلاح دینی که با انگیزه‌های سیاسی به دلایل ذیل شکل گرفت: ضعف خلافت اسلامی، اشغال اراضی امت اسلامی و تجزیه آن، عقب‌ماندگی آن از غرب، بروز طمع غرب و شرق در در قلمرو عثمانی و در نهایت فروپاشی عثمانی. مهم‌ترین رهبر جنبش‌های اسلامی جدید سیدجمال‌الدین افغانی بود که اسلام سیاسی را شکل داد اسلامی در مواجهه با استعمار در خارج و استبداد در داخل برای آزادی سرزمین‌های اسلامی» (حنفی، ۲۰۰۲م، ص ۵۹).

ورود اندیشه‌های غربی‌ای که با فضای بومی جهان عرب تناسبی نداشت منجر به شکل‌گیری دوگانه‌هایی (دین-دولت، دین - مدنیت، امت - دولت و...) شد که در تحقق بحران هویت نقش مهمی ایفا کردند. از سویی ترویج اندیشه و هویت غربی زمینه ظهور روشنفکرانی در جهان عرب را فراهم کرد که برخلاف ذهنیت تاریخی عرب‌های مسلمان، جدایی دین از سیاست را تئوریزه می‌کردند که اندیشه علی عبدالرزاق، طلّیعه این جریان بود و در ادامه با پروژه‌های نقد تراث از سوی روشنفکران عرب دنبال شد و در رادیکال‌ترین رویکرد برای حل چالش‌های کنونی جهان اسلام به قطع رابطه با تراث راهنمایی کرد. فتوهای مختلفی از سوی اسلام‌گرایان در تکفیر روشنفکران در دوره معاصر شاهد هستیم که نتیجه این مواجهه هویتی بوده است و در گرایش به افراط‌گرایی از سوی هر دو طرف منجر شده است.

البته فرضیه متفاوتی نیز مطرح است که اساساً خشونت را موضوعی متعلق به غرب دانسته و بنیادگرایی را موضوعی مختص دوران تجدد تلقی می‌کند که فاشیسم، نازیسم و استالینیسیم از پیامدهای این تجدد بوده‌اند. لذا خشونت را پدیده‌ای مذهبی نمی‌بیند بلکه منشأ بنیادگرایی را احساس نومی‌دی از آینده تجدد و یا غربی‌شدن (متجددشدن) دانسته و آن را از عواض تجدد در دوران پست مدنیسم تلقی می‌کند (داوری اردکانی، ۱۳۸۵، صص ۱۱-۱۲). اما به نظر می‌رسد در جهان اسلام بخشی از گرایش به خشونت در واکنش به ایده‌های ورودی از غرب بوده است. علاوه بر تأثیر هویتی غرب بر جهان اسلام به لحاظ سیاسی و عملی نیز یکی از ویژگی‌های جهان عرب پس از سقوط عثمانی استعمارزدگی آن است که پس از جنگ جهانی اول فرانسه و بریتانیا براساس پیمان سایکس - پیکو، جهان عرب را براساس مرزهای ساختگی و غیرطبیعی تقسیم کرده و هر بخش را قلمرو نفوذ یکی از قدرت‌های خارجی قرار دادند و جهان عرب تبدیل به کشورهایی شد که «تجزیه بر آن از خارج تحمیل شد و لذا این تجزیه غیر طبیعی است و برخلاف میل اعراب بوجود آمده است و نقش اصلی در آن بر عهده استعمارگران بوده است» (برکات، ۱۹۹۸م، ص ۱۱۱). به همین دلیل بسیاری از ایدئولوگ‌های سلفیه جهادی با توجه به میراث استعمار در جهان اسلام، آنها را در قالب عدو بعید ترسیم کرده و به‌عنوان نمونه عبدالله عزام اعتقاد دارد: «از زمانی که دشمن وارد سرزمین اسلامی شده است جهاد علیه آنان واجب عینی است از زمانی که یهود فلسطین را اشغال کرد، زمانی که شوروی به افغانستان حمله کرد بلکه از زمان سقوط اندلس حکم جهاد به‌عنوان یک واجب عینی بر علیه کفار متوجه همه مسلمانان است» (عقل، ۲۰۰۸م، ص ۴۳).

این موضوع نشان می‌دهد که غرب هم با مواجهه هویتی خود، بخش‌هایی از هویت مسلمانان را زیر سؤال برده و آنها را به واکنش وادار کرده و هم با حضور مستقیم زمینه نارضایتی را افزایش داده است؛ بنابراین حضور استعمار در دو بعد هویتی و سیاسی از اواخر قرن نوزده و خصوصاً پس از سقوط عثمانی مؤلفه‌ای است که در تهییج جریان خشونت‌گرا در جهان اسلام تأثیر زیادی داشته است که در بخش بعدی به نقش حضور مستقیم غرب در ترویج خشونت‌گرایی خواهیم پرداخت.

۲-۱. مداخله عملی بازیگران خارجی و توسعه افراط‌گرایی

هر چند اندیشه، زیربنای هویتی جریان سلفیه جهادی به‌عنوان خشونت‌گراترین جریان در جهان اسلام را تشکیل می‌دهد، اما تجربه جریان افراطی مانند وهابیت، القاعده و داعش نشان‌دهنده تأثیر شرایط محیطی، منطقه‌ای و بین‌المللی در رشد و توسعه این جریان دارد. نمونه کامل این مسئله نقش بریتانیا در حمایت از تأسیس و توسعه وهابیت است که در آن مقطع بریتانیا از جریان وهابیت به‌عنوان ابزاری برای مقابله با نفوذ عثمانی در شبه جزیره بهره گرفت. شبه جزیره در آن دوره تاریخی حوزه نفوذ سنتی عثمانی محسوب می‌شد، لذا بریتانیا برای ایجاد موازنه نیازمند بازیگری متحد در سطح ملی داشت. از این منظر شکل‌گیری وهابیت به‌مثابه بازیگر فعال و مخالف عثمانی فرصتی برای بریتانیا فراهم آورد تا پیوند راهبردی با آن برقرار نماید؛ اما اگر ورود بریتانیا به این معادله و حمایت از وهابیت نبود چه‌بسا این جریان پس از سرکوب توسط عثمانی تداوم نمی‌یافت. لذا تحلیل جامع از وهابیت را باید با در نظر گرفتن حمایت بازیگر خارجی و منافع آن مورد توجه قرار داد که در آن مقطع این نقش را بریتانیا به‌عنوان بازیگر قدرتمند نظام بین‌الملل و رقیب عثمانی در شبه جزیره دنبال می‌کرد.

مقطع مهم دیگری که می‌توان در آن سهم مداخله خارجی در توسعه افراط‌گرایی را به لحاظ عینی مشاهده کرد تجربه حمایت آمریکا از القاعده در افغانستان بود. چون آمریکا از القاعده به‌مثابه ابزاری در برابر نفوذ شوروی بهره گرفت و امروزه نیز نقش قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در رشد و گسترش این جریان‌ها انکارناشدنی است. تجربه نشان می‌دهد مهم‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ در رابطه با جریان افراطی، استفاده از ظرفیت آنها برای نفوذ در جهان اسلام و رسیدن به منافع ملی و فراملی‌شان است. در واقع، جریان‌های افراطی تا زمانی که در راستای سیاست‌های قدرت‌های بزرگ عمل کرده‌اند، مورد حمایت مستقیم و غیرمستقیم این قدرت‌ها بوده‌اند اما در صورتی که منافع قدرت‌های بزرگ از سوی این گروه‌ها مورد تهدید قرار گرفته است؛ به‌شدت سرکوب شده‌اند.

اگر به تجربه حمله شوروی به افغانستان توجه کنیم، یکی از مقاطع مهم در توسعه

خشونت‌گرایی معاصر است که به تأسیس و توسعه القاعده منجر شد. آمریکا در این دوره از جنگ سرد برای مقابله با شوروی از جریان‌های افراط‌گرا در جهان اسلام حمایت و مقدمه تأسیس القاعده با مدیریت آمریکا، همکاری پاکستان و عربستان شکل گرفت. در واقع از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹م، مبارزان عرب در بسیاری از درگیری‌ها در جبهه‌ها در کنار مبارزان افغان به جنگ علیه روس‌ها پرداختند. این زمان بهترین فرصت برای مجاهدان عرب از این لحاظ بود که از سوی دولت عربستان، پاکستان و آمریکا نه تنها هیچ‌گونه سختگیری نمی‌دیدند، بلکه به ادامه کار تشویق هم می‌شدند. استراتژی آمریکا در این مقطع مبتنی بر حمایت از مجاهدان افغانی و هر گروهی استوار بود که بتواند جلوی گسترش کمونیسم را بگیرد. آمریکا در همین رابطه کمک‌های مالی - تسلیحاتی قابل ملاحظه‌ای در اختیار مبارزان افغان حتی عرب‌های افغان قرار داد (محمودیان، ۱۳۹۱، ص ۸۵).

هر چند در بلندمدت نیز آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانند در صورت قدرت‌یافتن گروه‌های خشونت‌گرا، منافع آنها تأمین نخواهد شد چون این گروه‌های منشأ ناامنی خواهند بود و این ناامنی در منطقه‌ای که مهم‌ترین مسیر انتقال انرژی جهان است؛ به ضرر آمریکایی‌ها خواهد بود. از سویی آمریکایی‌ها به جنبه ضد غربی اندیشه این جریان‌ات آگاهند و می‌دانند در صورت قدرت‌یافتن این جریان‌ات، یهودیان و مسیحیان، عدو بعید این جریان‌اند و در صورت پیروزی این جریان بر عدو قریب (مسلمانان و دولت‌های اسلامی فعلی مخالف این جریان) سراغ عدو بعید خواهند رفت؛ بنابراین نقش آمریکا استفاده ابزاری از جریان خشونت‌گرا در جهان عرب بوده است چون در حمله شوروی از افغانستان از این جریان حمایت کردند اما پس از خروج شوروی و بازگشت این افراد به کشورهای اصلی خود، چون منافع دولت‌های حامی آمریکا را با خطر مواجه کرده بودند در قالب تروریست معرفی شدند و حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ نیز بهانه مناسبی برای آمریکا بود که علیه این جریان که در یک مقطع حامی آن بود، در افغانستان اعلام جنگ کند.

پس از همکاری آمریکا با افراط‌گرایان در افغانستان، حادثه ۱۱ سپتامبر روابط

آمریکا و اسلام‌گرایان را به مرحله جدیدی از تحریک و تهیج اسلام‌گرایان به خشونت سوق داد. صحبت‌های بوش در کنگره (۲۰۰۲/۹/۲۰) تبدیل به سندی راهبردی به‌عنوان استراتژی امنیتی آمریکا شد که این استراتژی ناظر به فعالیت جنبش‌های اسلامی دستورالعمل‌های بسیار قاهرانه‌ای اتخاذ می‌کرد... براساس این استراتژی، جنبش‌های اسلامی به‌عنوان دشمن اول آمریکا بعد از سقوط شوروی تصوّر می‌شد و از نظر بوش و نومحافظه‌کاران، نمونه مشخص و برتر تروریسم بین‌المللی، جنبش‌های اسلامی بودند. طرز تفکر بوش و محتوای سند راهبردی آمریکا تصویری از جنبش‌های اسلامی و پیوند آنها با خشونت و افراط ارائه کرد که نتیجه این تصویرسازی، اشغال افغانستان و عراق و حضور همه جانبه آمریکا در مناطق مختلف جهان اسلام بود (رفعت‌السید، ۲۰۰۵م، ص ۲۸).

در این سند، جهان به دو قطب آزادی‌خواه و اقتدارطلب تقسیم می‌شود که آمریکا به‌عنوان رهبر قطب عدالت‌خواه، به دنبال اشاعه ارزش‌های مدنظر خود است و حکومت‌ها و جنبش‌هایی نیز که در برابر این پروژه مقاومت می‌کنند، دشمنان امنیت ملی آمریکا تلقی خواهند شد. تصویر جنبش‌های اسلامی در این سند تصویری از مانعان گسترش ارزش‌هایی مانند عدالت و آزادی است. از مهم‌ترین نکات متن این سند بر می‌آید که: «یک استراتژی درگیرانه در پیش است که مبتنی بر جنگ و خشونت با دشمنان آمریکا و همپیمانانی که به فکر خروج از حوزه نفوذ آمریکا هستند، است این استراتژی درگیرانه به اشکال مختلفی در جهان اسلام و در قلب آن (جهان عرب) بین آمریکا و جنبش‌های اسلامی روی داد که طی سال‌های اخیر در افغانستان و عراق و در آینده در سوریه و لبنان رخ خواهد داد. بنابراین بررسی این موضوع نشان می‌دهد که ۱۱ سپتامبر و تأثیرات آن بر جنبش‌های اسلامی و شکل‌گیری درگیری‌های خونبارتری در آینده خواهد بود» (رفعت‌السید، ۲۰۰۵م، ص ۴۲).

این فعالیت آمریکا باعث تشدید فعالیت جریان‌های خشونت‌گرا می‌شد به طوری که، بن لادن در بیانیه‌ای پس از حمله آمریکا به افغانستان که بوسیله یک نوار ویدئویی در تاریخ ۲۰۰۱/۱۰/۷م، ساعاتی بعد از آغاز حمله آمریکا به افغانستان در شبکه الجزیره منتشر شد، خطاب به آمریکا و همپیمانان منطقه‌ای آن مطالبی بیان کرد که نشان‌دهنده

نقش آمریکا در تهییج و توسعه این جریان است. بخشی از مهم‌ترین محور سخنرانی بن لادن به این شرح است:

۱. مسلمانان امروزه در وضعیت بدبختی و ذلتی قرار دارند که سابقه ندارد. آنچه امروز آمریکا در جهان اسلام انجام می‌دهد بخش کوچکی از رنج مسلمانان در هشتاد و اندی سال از تکه‌تکه شدن جهان اسلام بعد از جنگ جهانی اول و پس از سقوط خلافت اسلامی است.

۲. آنچه در نیویورک و واشنگتن رخ داد نتیجه مسئله فلسطین و عراق بود به دلیل اینکه امروز مردم فلسطین و عراق بیشترین ذلت و خواری را تحمل می‌کنند. یک میلیون طفل بی‌گناه در عراق کشته می‌شود کسی آن را محکوم نمی‌کند؛ تانک‌های زرهی اسرائیل در جنین، رام‌الله، رفح و دیگر سرزمین‌های اسلامی فساد می‌کند اما صدا و حرکتی از کسی بر نمی‌خیزد.

۳. مسئولیت این وضعیت ذلت‌بار مسلمین با آمریکاست که از اسرائیل و تجاوزهای آن حمایت می‌کند. آمریکا در طول تاریخ مهم‌ترین دشمن اسلام بوده که دنیا و برخی کشورهای اسلامی را علیه گروهی (القاعده و طالبان و همفکران‌شان) بسیج کرده است به دلیل اینکه این گروه در برابر آمریکا تسلیم نمی‌شود و تعریف آن از تروریسم را قبول ندارند.

۴. بدبینی و نفرت مسلمانان از آمریکا به دلیل جرائم این کشور علیه مسلمین و به اعتقاد ایمن الظواهری نقش آن در تأسیس اسرائیل در پنجاه سال قبل است؛ بنابراین آنچه در ۱۱ سپتامبر رخ داد نتیجه طبیعی سیاست‌های ظالمانه آمریکاست.

۵. جنگی که امروزه آمریکا رهبری آن را بر عهده گرفته جنگ بین اهل ایمان و کفر است بنابراین جهاد امروز برای نصرت اسلام واجب است و هر مسلمانی با توجه به جایگاهش باید دین الهی را نصرت دهد.

۶. آمریکا و ملت آن سایه امنیت را نخواهند دید مگر زمانی که مردم فلسطین به امنیت دست یابند و همه لشکریان کفر از سرزمین محمد ﷺ خارج شوند. در ادامه بن‌لادن افزود: خداند به ستارگانی از ستارگان اسلام توفیق داد و راه را برای آنها باز

کرد تا آمریکا را نابود کنند و از خدای سبحان می‌خواهیم بهشت را نصیب آنها نماید» (رفعت السید، ۲۰۰۵م، صص ۱۶۸-۱۷۰).

تحلیل محتوای سخنان بن‌لادن نشان‌دهنده مؤلفه مهمی است که در گرایش اسلام‌گرایی در جهان عرب به خشونت نقش مهمی داشته است. این بیانیه نشان‌دهنده بحران هویت یک انسان اسلام‌گرا در جهان عرب معاصر است که جهان اسلام را در وضعیت منحطی در دوره پسا‌خلافت فهم می‌کند، از سویی تحقیر مسلمانان را در پرتو سیاست‌های آمریکا و اسرائیل تحلیل کرده و با مفهوم «ذلت» از آن یاد می‌کند. دوگانه کفر و ایمان در اندیشه افراط‌گرایان معاصر در این بیانیه به مبارزه آمریکا به مثابه نماد کفر ترجمه شده است بنابراین نوع سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا علیه اسلام‌گرایان نقش مهمی در سوق دادن آنها به خشونت داشته است.

این ادبیات رهبران القاعده نشان می‌دهد که حضور مستقیم غرب و آمریکا و عملکرد آنها در جهان اسلام یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی است که با خدشه دار کردن هویت اسلامی زمینه ورود بسیاری از اسلام‌گرایان به سمت خشونت را فراهم آورده است. تجربه تاریخی حضور استعمار غرب در جهان اسلام یکی از ذهنیت‌های تثبیت شده است که هر بار با حضور یکی از قدرت‌های بزرگ این استعمارگری در ذهنیت اسلام‌گرایان بازتولید می‌شود.

تجربه دیگر مداخله مستقیم، جنگ آمریکا علیه عراق (۱۹۹۱) برای آزادسازی کویت است که به دنبال این حمله اسامه بن‌لادن، مجاهدین عرب را که سابقه جنگ علیه شوروی در افغانستان را داشتند در سودان جمع کرد و هدف آن را اخراج نیروهای کافر از جزیره العرب مطرح کرد. «دخالت‌های آمریکا در دهه ۹۰م در جنگ کویت و اوایل قرن ۲۱ (اشغال عراق ۲۰۰۳) مسئولیت بزرگی در تشکیل این جریان‌های افراطی داشت. نیروهای نظامی آمریکا در خاورمیانه در هر جا به صورت مستقیم یا غیرمستقیم وارد شدند نتیجه آن انتقال آن منطقه به یک فضای انارشیک، خشونت‌بار، تنازعات قومی و مذهبی بوده است» (عطوان، ۱۳۹۱، صص ۶۹-۷۰). حضور مستقیم آمریکا و اشغال عراق نقش مهمی در تحریک و فعال شده جریان‌های رادیکالی داشت که حضور

آمریکا را از منظر دینی تفسیر کرده و حضور کفار در دارالاسلام تلقی می‌کردند این حمله و تلاش آمریکا برای تأسیس پایگاه نظامی در برخی کشورهای عربی در این مقطع، باعث انتقادات زیادی از سوی رهبران سلفیه جهادی شد.

مقطع مهم دیگر را می‌توان حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق دانست که نوع سیاستگذاری آمریکا در ساخت دولت در عراق، منجر به توسعه گروه‌های افراطی در این کشور شد. پس از حمله ۲۰۰۳م، حضور مستقیم نظامی آمریکا در عراق و انتخاب حاکم نظامی و غیرنظامی بر عراق در دوره انتقالی نفوذ آمریکا در عراق را به دنبال داشت سیاست‌های اعمالی آمریکا در این دوره به صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش مهمی در شکل‌گیری داعش داشت در واقع پروژه دولت‌سازی در عراق با مدیریت آمریکا بر بستر شکاف‌های قومی - مذهبی استوار شد این تعارضات در سطح ملی مانع شکل‌گیری یک هویت مشترک و درک واحد از منافع ملی در عراق بود لذا دولت شکننده‌ای در این کشور شکل گرفت که به کوچکترین بحرانی مانند ظهور داعش، سامان و نظم آن فرو پاشیده و جامعه به هویت‌های فرعی پناه می‌بردند و تحلیلگر دیگری در این زمینه اعتقاد دارد: «آمریکا با اشغال عراق، دولت، نهادهای اقتصادی و امنیتی را بدون ارائه بدیلی از بین برد. موضوعی که خلأ سیاسی و امنیتی در عراق ایجاد کرد» (حاتم، ۲۰۱۴م، ص ۱۷۲).

پس از تصویب قانون اساسی در سال ۲۰۰۵ و پذیرش فرایند دموکراتیک برای سامان سیاسی در این کشور، بسیاری از هویت‌های فرعی در عراق و کشورهای منطقه از این منطق رضایت نداشتند لذا به قدرت رسیدن شیعیان و همکاری آن با محور مقاومت را چالشی برای منافع خود می‌دانستند در چنین بستری ظرفیت پنهان افراط‌گرایی در این کشور می‌توانست فرایند همگرایی جبهه مقاومت را با اختلال مواجه نماید لذا ناظر به مداخله خارجی، علاوه بر آمریکا نقش کشورهای منطقه در رشد داعش نیز نباید نادیده گرفته شود چون «نقش آمریکا، ترکیه، قطر و سعودی در مرحله اول در کمک و آموزش داعش قابل انکار نیست هرچند در مرحله فعلی داعش برخلاف مصالح آنها عمل می‌کند. اضافه بر این در برخی کشورهای غربی برای خلاص شدن از دست برخی

شهروندانشان زمینه ورود آنها به داعش را تسهیل می‌کردند بنابراین نقش آنها هم نمی‌توان نادیده گرفت» (حسیب، ۲۰۱۶م، ص ۱۶).

بنابراین در یک تحلیل جامع بدون در نظر گرفتن نقش مداخله خارجی نمی‌توان تحلیل جامعی از زمینه ظهور و تدام خشونت‌گرایی در جهان عرب ارائه نمود. از همین رو عبدالباری عطاوان معتقد است: «هر چند جنگ آمریکا توانست اولین امارت اسلامی طالبان را در سال ۲۰۰۱ از میان بردارد و بسیاری از نیروهای القاعده را از بین برد اما جنگ آمریکا علیه عراق و اشغال عراق توسعه سریع اسلام‌گرایان جهادی را به دنبال داشت و فرصت و امکان دسترسی به سلاح را برای این جریان فراهم کرد؛ بنابراین اسلام جهادی در وهله اول در افغانستان برای مقابله با شوروی شکل گرفت و در مرحله دوم با انتقال بن‌لادن از خرطوم به قندهار و تورابورا بود که از افغانستان به‌عنوان محلی برای طراحی حملات انتحاری علیه آمریکا استفاده می‌شد...؛ اما این هم صحیح است که تولد اسلام سیاسی جهادی کنونی که داعش نماینده آن است در عراق و بعد از حمله آمریکا و اشغال عراق شکل گرفت. چون این اشغال زمینه انتقال ایدئولوژی سلفیه جهادی را از افغانستان به قلب جهان عرب فراهم کرد» (عطاوان، ۱۳۹۱، ص ۷۱).

گرچه افراط‌گرایی به لحاظ فکری پدیده‌ای درون جهان اسلامی است که تطور و تبار تاریخی خاص خود را داشته است اما در دوره معاصر حداقل در سه مرحله در پیوند با مداخله خارجی توسعه یافته است. مرحله اول تأسیس وهابیت در نجد است که به دلیل نیاز بریتانیا برای ایجاد موازنه در رقابت با عثمانی در شبه جزیره از وهابیت حمایت کرد. مرحله دوم نیز همزمان با حمله شوروی به افغانستان در دهه ۹۰ میلادی است که آمریکا به جای مقابله مستقیم با شوروی سعی کرد با همکاری همپیمانان منطقه‌ای مانند پاکستان و عربستان زمینه ورود افغان‌العرب‌ها به افغانستان را فراهم آورده و مقدمات تأسیس و سازماندهی القاعده را فراهم نماید. هرچند اسلام‌گرایان افراطی عرب با انگیزه مقابله با کفاری که دارالاسلام را اشغال کرده بودند به افغانستان می‌رفتند اما در یک سطح بالاتر آنها به‌مثابه ابزاری به جای آمریکا با شوروی مبارزه می‌کردند. آخرین تجربه نیز شکل‌گیری داعش در عراق و سوریه است که در سال‌های اخیر با شکل‌گیری

محور مقاومت منافع بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را با خطر جدید مواجه می‌کرد؛ از این رو فعال کردن گسل‌های افراط در سوریه و عراق و تسهیل امور و آموزش آنها در پیوند با مداخله خارجی قدرت تخریب و خشونت‌گرایی آنها را چندین برابر کرده بود. مواجهه فکری غرب با جهان اسلام منجر به ازدست‌دادن هویت و اعتماد به نفس انسان مسلمان در مواجهه با رقیب تمدنی شد و مداخله مستقیم غرب و سوءاستفاده از افراط‌گرایان و در نهایت تحمیل جنگ بر کشورهای اسلامی باعث تثبیت ناامیدی انسان مسلمان شد و در این بستر بحران‌زده بازیگر خارجی بیشترین بهره را از افراط‌گرایان برای پیشبرد منافع خود می‌برد؛ اما به تدریج ظهور گفتمان جدیدی در قالب محور و گفتمان مقاومت در برابر غرب در دو ساحت فکری و عملی موفق به بازسازی هویت انسان مسلمان معاصر شد و به لحاظ عملی نیز توفیقات آن مانعی جدید برای توسعه افراط‌گرایی معاصر محسوب می‌شود. در مجموع موفقیت‌های گفتمان مقاومت محور وجوه معنابخشی به انسان مسلمان معاصر ارائه می‌نماید که در پرتو آن زمینه مداخله خارجی کم و دایره عمل و توسعه افراط‌گرایی محدود می‌شود که در بخش ذیل به آنها اشاره می‌شود.

۲. وجوه معنابخش استراتژی مقاومت در مواجهه با بازیگر خارجی

شکست‌های پی‌درپی جهان اسلام از رقیب تمدنی یعنی غرب در یکی دو قرن اخیر به تدریج انسان مسلمان را به این نتیجه می‌رساند که در هر مواجهه‌ای لاجرم باید شکست را پذیرا باشد. تجربه‌ای که در قرن نوزدهم منجر به استعمار بخش زیادی از جهان اسلام شده بود و پس از جنگ جهانی اول نیز براساس قرارداد سایکس-پیکو توسط فرانسه و بریتانیا متصرفات عثمانی بین آنها تقسیم شد (المحجوبی، ۲۰۰۹، ص ۷۰). تجربه‌ای که همواره برای مسلمانان شکست به ارمغان آورده بود تا اینکه شکل‌گیری قطب و گفتمان جدید در منطقه غرب آسیا با محوریت جمهوری اسلامی شکل رفت که مجموعه‌ای از بازیگران رسمی و غیررسمی را در بر می‌گرفت و عنوان محور مقاومت را به‌عنوان نماد هویت بخش خود انتخاب کرد. این حرکت با پیروزی‌هایی که در لبنان و غزه به دست

آورد زمینه بیداری و بازگشت اعتماد به نفس انسان مسلمان معاصر را فراهم کرد؛ از این رو این حرکت نه حرکتی در سطح فردی به فرماندهی شهید سلیمانی یا دیگر فرماندهان مقاومت بود بلکه گفتمان و مکتبی جدید آغاز شده بود که به همین دلیل مقام معظم رهبری معتقدند: «ما به حاج قاسم سلیمانی - شهید عزیز - و به ابومهدی - شهید عزیز - به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آنها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه‌ی درس آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد. قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷). لذا در پرتو این تجربه مکتب و کلان استراتژی هویت بخشی در جهان اسلام شکل گرفت که نقش اساسی را در مقابله با راهبرد توسعه افراط‌گرایی توسط بازیگران خارجی بر عهده گرفت و با ناکام گذاشتن مداخله خارجی در سطح فکری و عینی نقش مهمی در مقابله با این چالش اساسی جهان اسلام ایفا نمود.

یکی از وجوه معنابخش این گفتمان بازیابی اعتماد به نفس به انسان مسلمان در مواجهه با غرب بود چون یکی از مهم‌ترین چالش‌های انسان مسلمان معاصر در مواجهه با رقیب‌های تمدنی خصوصاً غرب ازدست‌دادن اعتماد به نفس است لذا انسان مسلمان پس از تجربه مستقیم و غیرمستقیم استعمار به سمتی سوق داده شد که انگار توان حل مشکلاتش را ندارد. تجربه شکست‌های کشورهای عربی از رژیم صهیونیستی، اشغال عراق و افغانستان توسط آمریکا در سال‌های اخیر به ازدست‌دادن این اعتماد به نفس کمک کرده بود در چنین بستری که جامعه، الگوی مقاوم و هویت‌بخش نداشت فضا برای گروه‌های افراطی فراهم‌تر بود تا با تکیه بر کمک بازیگر بیرونی از جامعه بحران زده یارگیری نماید اما تجربه مقاومت و خصوصاً مدل رهبری شهید سلیمانی به مثابه یک الگو منجر به بازیابی اعتماد به نفس بخش زیادی از مردم در جغرافیای جهان اسلام شد.

یکی دیگر از وجوه معنابخش گفتمان مقاومت، ساخت هویت واحد در جهان متکثر است چون ایجاد هم‌آوایی بین هویت‌های خرد در یک سرزمین ملی از چالش‌های اساسی سیستم‌های سیاسی است لذا وقتی یک پروژه در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی طرح می‌شود هماهنگ کردن خرده هویت‌ها در راستای یک ایده مرکزی چالش بنیادین

رهبران پروژه‌های بزرگ است. با توجه به چنین ملاحظه‌ای بازخوانی تجربه محور مقاومت نشان می‌دهد در پرتو مدیریت شهید سلیمانی شبکه‌ای از جوانان حامی مقاومت در کشورهای مختلف حول این ایده هویت‌مند شده و شکل‌گیری تجربه مدافعان چندملیتی حرم در سوریه و عراق نیز نشانه‌ای از این توفیق شهید سلیمانی است که هویت‌های متکثر را حول گفتمان مقاومت صورت‌بندی جدید ارائه نمود و پس از پیروزی بر داعش در پیامی این پروژه را متعلق به شبکه‌ای از گروه‌های مقاومت در جهان اسلام نسبت داد تا هویتی واحد در پرتو تکثرهای قومی، مذهبی و زبانی ارائه نماید.

دستاورد دیگر جامعه‌پذیری مقاومت در پرتو این گفتمان و تجربه است چون یکی از مهم‌ترین چالش‌های جوامع در حال‌گذار در جهان اسلام گسست نسلی و دورشدن از الگوها و مدل‌های هویت‌بخش در پیشینه اسلامی است لذا با گسست نسلی ممکن است در انتقال ارزش‌ها اختلال بوجود آمده و به تدریج بسیاری از مؤلفه‌های هویت‌بخش فراموش شود؛ از این‌رو طرفداران یک اندیشه و مکتب همواره در پی انتقال مفاهیم و ارزش‌ها به نسل بعدی برای حفظ آرمان‌ها هستند. تجربه جهان اسلام معاصر نشانگر این حقیقت است که دلیل ناکامی بسیاری از جنبش‌های اسلامی خلاء رهبری و ضعف در این عنصر بوده است. ضعفی که قدرت‌های مداخله‌گر خارجی از آن نهایت بهره را گرفته و با حمایت از رهبران ضعیف و وابسته در جهان اسلام زمینه شکست بسیاری از پروژه‌های اسلام‌گرایان را فراهم کرده‌اند در حالی که توفیقات محور مقاومت در فلسطین، لبنان، یمن، عراق و.. با تکیه بر رهبرانی چون شهید سلیمانی تحقق پیروزی را جامعه‌پذیرتر و در دسترس‌تر نشان داد.

نتیجه‌گیری

افراط‌گرایی یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود در جهان اسلام معاصر است که علاوه بر زمینه‌های فکری و جامعه‌شناختی درون جهان اسلامی، همواره با مداخله بازیگران خارجی همراه بوده است و این بازیگران به نوعی از این چالش درون جهان اسلامی

حداکثر بهره را در راستای منافع‌شان برده‌اند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد قدرت‌های خارجی در دو سطح در توسعه افراط‌گرایی سهم داشته‌اند که در بخش اول به دلیل ورود اندیشه‌های غیر بومی و متعارض با هویت انسان مسلمان معاصر زمینه شکل‌گیری بحران هویت را فراهم آورده‌اند و انسان مسلمان به لحاظ فکری در پرتو اندیشه‌های وارداتی ثبات و نظم ذهنی خود را در بخشی از جهان اسلام از دست داده است. در سطح دوم بازیگر بیرونی با استفاده از فضای فکری مهیا شده به صورت مستقیم وارد جهان اسلام شده و در پیوند با جنبش‌های در حاشیه مانند وهابیت، القاعده و داعش آنها را به استخدام منافع منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای خود در آورده است. در برابر این پروژه استراتژی مقاومت محور حداقل در چند سطح با این بحران مواجهه داشته و آورده‌های هویتی تمدنی قابل ملاحظه‌ای برای انسان مسلمان معاصر به ارمغان آورده است از سویی با احیای هویت حول مفهوم مقاومت، انسان مسلمان معاصر را از سرگشتگی و افتادن در دام ایده‌ها و اندیشه‌های غیر بومی نجات داده و از سویی با توفیق و پیروزی‌های مکرر، اعتماد به نفس از دست رفته را به انسان مسلمان معاصر به ارمغان آورد که در پرتو یک برنامه فکری و عملی منسجم می‌توان در برابر رقیب تمدنی یعنی غرب به پیروزی رسید و در نهایت این استراتژی با انتقال هویت و اندیشه به نسل‌های جدید و شبکه‌ای عمل کردن محور مقاومت هویت‌های خرد و چند وجهی را در کنار هم قرار داد تا امید به نتیجه مقاومت برای نسل‌های جدید در دسترس‌تر باشد.

فهرست منابع

۱. افایه، محمد نورالدین. (۱۹۹۶م). الغرب فی المتخیل العربی (چاپ اول). الشارقة: منشورات دائرة الثقافة و الاعلام.
۲. امین، حازم. (۲۰۱۱م). السلفی الیتیم. بیروت: دارالساقی.
۳. الافندی، عبدالوهاب. (۲۰۰۲م). الحركات الاسلامیة و اثرها فی الاستقرار السیاسی فی العالم العربی (چاپ اول). بیروت: مرکز الامارات للدراسات و البحوث الاستراتجیة.
۴. المحجوبی، علی. (۲۰۰۹م). العالم العربی الحدیث و المعاصر تخلف فاستعمار فمقاومه. بیروت: موسسه الانتشار العربی.
۵. برکات، حلیم. (۱۹۹۸م). المجتمع العربی المعاصر بحث استطلاعی اجتماعی (چاپ ششم). بیروت: مرکز الدراسات الوحده العربیة.
۶. حاتم، الطفی. (۲۰۱۴م). الاحتلال الامریکی للعراق و انهيار الدولة العراقیة (چاپ اول). قاهره: دارالحکمة.
۷. حسیب، خیرالدین. (۲۰۱۶م). داعش: المسئولیة الامریکیة، الی شبکنا یخلصنا. مجلة المستقبل العربی، (۴۳۳)، صص ۷-۱۷.
۸. حنفی، حسن. (۲۰۰۲م). الاسلام السیاسی بین الفکر و الممارسه. فی: عبدالوهاب الافندی، الحركات الاسلامیة و اثرها فی الاستقرار السیاسی فی العالم العربی (چاپ اول). ابوظبی: مرکز الامارات للدراسات و البحوث الاستراتجیة.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۱۰/۲۷). خطبه‌های نماز جمعه. برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: <https://www.leader.ir/fa/speech/24072>
۱۰. داوری اردکانی، رضا. (۱۳۸۵). فلسفه، سیاست و خشونت (چاپ اول). تهران: هرمس.
۱۱. رفعت السید، احمد؛ شوبکی، عمرو. (۲۰۰۵م). مستقبل الحركات الاسلامیة. بعد ۱۱ ایلول سبتمبر (چاپ اول). دمشق: دارالفکر.

۱۲. عطوان، عبدالباری. (۱۳۹۱). سازمان سری القاعده (مترجم: فرزانه شهیدی، چاپ اول). تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۱۳. عقل، ایاد عبدالحمید. (۲۰۰۸م). معالم التربية الجهادية في ضوء كتابات الشيخ عبدالله عزام. رساله ماجستير، غزه: جامعة الاسلاميه.
۱۴. محمودیان، محمد. (۱۳۹۱). تأثیر اندیشه نو سلفیسم بر روند فکری - ایدئولوژیک القاعده. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۷(۳)، صص ۷۹-۱۱۴.

References

1. Afayeh, M. N. (1996). *Al-Gharb fi al-Mutakhayel al-Arabi* (1st ed.). Sharjah: Publications of the Department of Culture and Information.
2. Alafendi, A. (2002). *Islamic movements and their effects on political stability in the Arab world* (1st ed.). Beirut: Emirates Center for Strategic Studies and Research.
3. Al-Mahjoubi, A. (2009). *Al-Alam al-Arabi al-hadith va al-Mu'asir Takhaluf fa Istim'ar fa Mughavimah*. Beirut: Al-Intishar al-Arabi Institute.
4. Amin, H. (2011). *Al-Salafi al-Yatim*. Beirut: Dar al-Saqi.
5. Aql, Ayad A. (2008). *Ma'alim al-Tarbiyah al-Jahadiyah fi Zaw'e Kitabat Sheikh Abdullah Azzam*. Risalah Majistir, Gaza: Jamiat al-Islamiyya.
6. Atwan, A. (2011). *Al-Qaeda secret organization* (Shahidi, F, Trans.). (1st ed.). Tehran: Andishesazazan Noor Studies Institute.
7. Barakat, H. (1998). *Al-Mujtama' Al-Arabi al-Mu'asir Bahth Istila'ei Ijtima'ei* (6th ed.). Beirut: Markaz al-Dirasat Al-Wahda Al-Arabiya.
8. Davari Ardekani, R. (1385 AP). *Philosophy, politics and violence* (1st ed.). Tehran: Hermes. [In Persian]
9. Hanafi, H. (2002). *Al-Islam al-Siasi Bayn al-Fikr va al-Mumarisah. fi Abd al-Wahhab al-Affendi, Al-Harakat al-Islamiya va Atharuha fi al-Istiqrar al-Siasi fi al-Alam al-Arabi* (1st ed.). Abu Dhabi: Emirates Center for Strategic Studies and Research.
10. Haseeb, K. (2016). ISIS: Al-Mas'ouliya Al-Amrikiya, ila Shabakona Yakhlasuna. *Al-Mustaqbal Al-Arabi Magazine*, (433), pp. 7-17.
11. Hatam, A. (2014). *The American occupation of Iraq and the collapse of the Iraqi state* (1st ed.). Cairo: Dar al-Hikma.
12. Mahmoudian, M. (1391 AP). The influence of neo-Salafism on the

intellectual-ideological process of al-Qaeda. *Journal of Political Science*, 7(3), pp. 114-79. [In Persian]

13. Ra'afat al-Sayed, A., & Shobaki, A. (2005). *The future of Islamic movements, after September 11* (1st ed.). Damascus: Dar al-Fekr.

14. www.leader.ir <https://khl.ink/f/44695>

Transcendent Power in the Mahdavi Political System in the Thought of Ayatollah Safi Golpayegani

Reza Mohammadzadeh¹

Reza Lakzaei²

Received: 24/01/2023

Accepted: 21/02/2023



Abstract

The basic issue of politics is power, and the waiting for the reappearance of Imam Mahdi is the issue that the era of Islamic power is waiting for. The current research aims to explain the transcendent power in the Mahdavi political system, focusing on views of the prominent Mahdavi scholar, the late Ayatollah Safi Golpayegani. In this regard, using the triangular theoretical framework of the internal system, the effective system and the ultimate system, which was one of the initiatives of one of the Muslim thinkers, the sources of power as the internal system, the agents of power as the effective system, and the goals of power as the ultimate system have been examined. This issue has been explained based on the method of implication that is presented in principles of jurisprudence (Usul Fiqh). Ayatollah Safi Golpayegani divides the power into two parts, permissive and inherent, and classifies it into five categories, and considers the power of Hazrat Waliasr (Imam Mahdi) as

1. Associate Professor of Imam Sadegh University. Tehran. Iran. r.mohammadzadehisu.ac.ir

2. Researcher at Imam Sadiq Research Institute of Islamic Sciences (Corresponding author).
rlakzaee@gmail.com.

* Mohammadzadeh, R., & Lakzaei, R. (1401 AP). Transcendent power in the Mahdavi political system in the thought of Ayatollah Safi Golpayegani, *Journal of Mahdavi Society*, 3(5), pp. 112-140.

DOI: 10.22081/JM.2023.65782.1064.

permissive and from God. The findings of the study suggest that he has analyzed the Mahdavi political system from the birth to the reappearance of Imam Mahdi and as well as formation of the Mahdavi political system with an approach to power, and considers the Mahdavi political system to be the manifestation of all the Divine Names.

Keywords

Mahdiism, transcendent power, Mahdavi political system, Ayatollah Safi Golpayegani.

قدرت متعالی در نظام سیاسی مهدوی در

اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه

رضا لکزایی^۲

رضا محمدزاده^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

چکیده

مسئله اساسی سیاست، قدرت است و انتظار ظهور حضرت ولیعصر عجل الله فرجه، انتظار عصر قدرت اسلام است. هدف پژوهش حاضر تبیین قدرت متعالی در نظام سیاسی مهدوی با محوریت مهدویت پژوه برجسته، مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی است. در این راستا با استفاده از چارچوب نظری سه ضلعی نظام داخلی، نظام فاعلی و نظام غایی که از ابتکارات یکی از متفکران مسلمان بوده، منابع قدرت به‌عنوان نظام داخلی، کارگزاران قدرت به‌عنوان نظام فاعلی و اهداف قدرت به‌عنوان نظام غایی بررسی شده است. این بحث براساس روش دلالت که در دانش اصول فقه ارائه شده تبیین شده است. آیت‌الله صافی گلپایگانی قدرت را به دو بخش اذنی و ذاتی تقسیم و در پنج دسته طبقه‌بندی می‌کند و قدرت حضرت ولیعصر عجل الله فرجه را قدرت اذنی و از خدا می‌داند. یافته تحقیق حکایت از آن دارد که ایشان از بدو تولد تا ظهور حضرت و تشکیل نظام سیاسی مهدوی را با رویکرد به قدرت تحلیل نموده است و نظام سیاسی مهدوی را مظهر تام و تمام اسماء الحسنای الهی می‌داند.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، قدرت متعالی، نظام سیاسی مهدوی، آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق عجل الله فرجه. تهران. ایران. r.mohammadzadehisu.ac.ir

۲. پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق عجل الله فرجه. قم، ایران (نویسنده مسئول). rlakzaee@gmail.com

* محمدزاده، رضا؛ لکزایی، رضا. (۱۴۰۱). قدرت متعالی در نظام سیاسی مهدوی در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی. دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی، ۳(۵)، صص ۱۱۲-۱۴۰. DOI: 10.22081/JM.2023.65782.1064



مقدمه

مسئله اساسی سیاست، قدرت است و انتظار ظهور حضرت ولی عصر^{علیه السلام}، انتظار عصر قدرت اسلام است. متفکر اندیشمند و مهدویت‌پژوه برجسته جهان تشیع آیت‌الله صافی گلپایگانی (۱۲۹۷-۱۴۰۰ش) کاملاً از دریچه قدرت به بحث مهدویت توجه داشته‌اند.

قدرت، موضوع سیاست است و باید با رویکرد به نظام سیاسی مهدوی که دارای قدرتی جهانی است، تحلیل و بررسی شود؛ اما از آنجا که آثار رایج در دانشگاه‌های کشور، ادبیات مغرب‌زمین است، لازم است دیدگاه‌های متفکران مسلمان در این باره بررسی شود. بی‌شک این امر در تولید علوم انسانی اسلامی و به‌ویژه علوم سیاسی بومی و اسلامی به جامعه علمی کشور مدد می‌رساند. مرحوم آیت‌الله صافی یکی از دانشمندان قدرت‌پژوهی است که با رویکرد به نظام سیاسی مهدوی این مفهوم کلیدی علوم سیاسی را تحلیل کرده است.

در مقاله حاضر پس از مفهوم‌شناسی با استفاده از چارچوب نظام‌های سه‌گانه که توسط یکی از متفکران مسلمان به جامعه علمی ارائه شده است، در سه محور نظام فاعلی، نظام داخلی و نظام غایی قدرت متعالی مهدوی را پی می‌گیریم (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۲). طبق این چارچوب نظری، هر پدیده و از جمله قدرت از سه منظر باید بررسی شود: نظام داخلی، نظام فاعلی و نظام غایی. براساس این چارچوب از منابع قدرت به‌عنوان نظام داخلی، از کارگزاران قدرت به‌عنوان نظام فاعلی و از اهداف قدرت به‌عنوان نظام غایی بر اساس روش دلالت که در اصول فقه (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۸۰) تبیین شده، بحث با رویکردی قرآنی - روایی ارائه می‌شود. تا جایی که نگارنده جستجو کرده است، این بحث برای اولین بار ارائه می‌شود؛ البته در برخی آثار از منظری دیگر به بحث قدرت مهدوی اشاره‌هایی شده است، از جمله مقاله «الگوی قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران بر اساس فرهنگ مهدویت» (دهقان، ۱۴۰۰، صص ۳۳۱-۳۵۵) با رویکرد دفاعی و امنیتی و کتاب آینده جهان: دولت و سیاست در اندیشه مهدویت (کارگر، ۱۳۸۷، ص ۲۶۱) در بخش‌هایی به ساخت قدرت و حکومت مهدوی پرداخته که با بحث ما متفاوت است.

۱. رهیافت مفهومی قدرت متعالی

آیت‌الله صافی در یکی از آثار خود پنج معنا برای ولایت برمی‌شمرد. وی به جای ولایت، کلمه قدرت را به صورت همشین و جانشین به کار برده (صافی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۲) و ولایت و قدرت را کنار یکدیگر ذکر کرده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۳). اولین نوع قدرت، قدرتی است که شخص بر خودش دارد؛ مثلاً انسان قدرت دارد که به بدنش صدمه بزند یا خودکشی کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۴). علاوه بر این در این نوع از قدرت دو محدودیت وجود دارد؛ اولین محدودیت، محدودیت شرعی است؛ زیرا شارع خودکشی را حرام و ممنوع دانسته است؛ بنابراین انسان مسلمان «ولایت شرعی بر آن ندارد و اعمال ولایت تکوینی و صرف قدرت در آن جایز نیست؛ بنابراین تکویناً قدرت و ولایت هست؛ ولی صرف قدرت با نهی شرع حرام است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۵۳-۵۲). بر اساس این تبیین، قدرت به مثابه ابزار است و می‌توان از آن در راه شرعی یا غیرشرعی بهره برد و این گونه نیست که ذاتاً فاسد و فسادآور باشد. وانگهی این طبقه‌بندی از قدرت یعنی تقسیم قدرت به مشروع و قدرت نامشروع را به بهانه ارزشی بودن نباید کنار گذاشت؛ زیرا دست کم برخی از قدرت پژوهان از جمله اسیون لوکس معتقد است قدرت و ارزش رابطه دارند که می‌توانیم از آن به‌عنوان رابطه ساقه و ریشه تعبیر کنیم: «قدرت جزء آن دسته مفاهیمی است که به‌طور ریشه‌دار به ارزش‌ها وابسته است» (لوکس، ۱۳۷۵، ص ۳۷).

محدودیت طبیعی دومین محدودیتی است که این نوع از قدرت با آن روبرو است. «انسان قدرت و اختیار دارد که از راه گوش بشنود؛ اما از شنیدن از راه چشم عاجز است، علی‌هذا در طریق قراردادن گوش برای استماع، ناچار و مضطر است و در شنیدن یا نشنیدن توسط گوش و گفتن و نگفتن توسط زبان مختار است، می‌تواند بشنود، می‌تواند نشنود، می‌تواند بگوید، می‌تواند نگوید» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۴۷-۴۸)؛ چنان‌که «انسان نمی‌تواند اختیار نداشته باشد؛ چون داشتن اختیار، امری از امور تکوینی است که انسان را در آن اختیار نیست، و او مختار است، چه بخواهد و چه نخواهد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۳۰). بر اساس این تحلیل، تحلیل آرنت از قدرت که معتقد

است «قدرت هیچ گاه صفت و ویژگی فردی نیست، بلکه به گروه تعلق دارد و تنها تا زمانی که گروه باقی است، وجود خواهد داشت» (لوکس، ۱۳۷۰، ص ۹۵) رد می‌شود.

دومین نوع قدرت آن است که خدا به انسان استقلال صددرصد داده تا خودش همه امور را اداره کند و خداوند در کار او تکویناً و تشریحاً دخالتی نداشته باشد. این مدل، مستلزم تفویض و شرک و غیرقابل قبول و مخالف آیاتی همچون «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» (اعراف، ۵۴) است و «چنان ولایتی برای احدی از خلق جایز نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۴). این دیدگاه آیت‌الله صافی در مقابل دیدگاه فوکو قرار دارد. فوکو بر این باور است که قدرت پخش است و در یکجا متمرکز نیست. به تعبیر سلین اسپکتور تجزیه و تحلیل «خرده قدرت‌ها نشان می‌دهد که قدرت محض وجود ندارد، مجموعه‌هایی از قدرت وجود دارد» (اسپکتور، ۱۳۸۲، ص ۲۳۰). یکی از دلایلی که آیت‌الله صافی برای محال بودن این مدل از قدرت ذکر می‌کند، این است که اعطای استقلال کامل به موجود ممکن، مستلزم خروج ممکن از امکان و تبدیل ممکن الوجود به واجب الوجود است که محال بودن آن بدیهی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۵۴)؛ بنابراین از منظر آیت‌الله صافی همه قدرت‌ها از خدا است و خداوند مرکز و منشأ قدرت است و قدرتی منهای قدرت خدا وجود ندارد و قدرت هیچ موجودی غیر از خداوند متعال مستقل تام و تمام نیست.

نوع بعدی قدرت، قدرت ملائکه است. فرشتگان با اذن خداوند در حوزه مأموریتی خویش انجام وظیفه می‌کنند و آیاتی همچون «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» (نازعات، ۵) و «فَالْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا» (ذاریات، ۴) بر آن دلالت دارند؛ البته «مانع ندارد که این مدل قدرت و ولایت به همان نحو که برای ملائکه ثابت است، برای فردی از افراد بشر که اکمل خلایق باشد، ثابت باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۹). آیت‌الله صافی گلپایگانی چنین قدرتی را منافی با توحید، نفی غلو و آیاتی مثل «ذَلِكُمْ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (انعام، ۹۶) نمی‌داند؛ در عین حال معتقد است اثبات این گونه قدرت برای فرشتگان و غیر آنها «در تمام سازمان کائنات» در نهایت اشکال است و اگر دلیل قاطعی بر آن اقامه نشود، قول به غیرعلم است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۶).

نوع دیگر قدرت، قدرتی است که انسان با استفاده از دانش در کاینات تصرف

می‌کند؛ منشأ این دانش می‌تواند اکتساب، افاضه، الهام یا وحی باشد؛ چنان‌که قرآن مجید می‌فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (نمل، ۴۰). ولایت بر تصرف در کائنات، با ابزار علم برای انبیا و اولیا، به‌خصوص رسول خاتم و ائمه طاهر علیهم‌السلام که افضل و اعلم خلق خدا هستند، ثابت و مسلم است.

آخرین نوع قدرت، قدرتی است که شخص به وسیله آن در کائنات تصرف می‌کند. این تصرف از باب ایجاد نظم و تدبیر نیست، چنان‌که قدرت فرشتگان از این‌سنگ است، بلکه از باب مصالح و مقتضیات خاص و خرق عادت و اعجاز است؛ به عبارت دیگر کائنات چنان شوند که او بتواند در آنها تصرف نماید؛ مانند حضرت داوود که قرآن می‌فرماید: «وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ؛ و آهن را برای او نرم کردیم» (سبأ، ۱۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، صص ۶۵-۵۱).

این نوع از قدرت، «ولایتی است که برای رسول اکرم و ائمه طاهرين ثابت و محقق است و... نه شرک و تفویض و غلو است، و نه منافی با توحید» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ص ۶۷).

جدول قدرت‌شناسی در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی

ردیف	نوع قدرت	مستندات قرآنی	طبقه‌بندی قدرت
۱	قدرت انسان بر خودش و کارهایش	إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (انسان، ۳)	اذنی
۲	قدرت منقطع از خدا	قُلْ اذْعُوا الَّذِينَ رَعِمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ * وَلَا تَتَّبِعِ الشَّفَاعَةَ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أِذِنَ لَهُ (سبأ، ۲۲-۲۳)	ذاتی بودن قدرت خداوند متعال و محال بودن قدرتی مستقل از خدا
۳	قدرت ملانکه	فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا» (نازعات، ۵)	اذنی
۴	قدرت تصرف در کائنات با ابزار علم	قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (نمل، ۴۰)	اذنی
۵	قدرت اعجاز	وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ (سبأ، ۱۰)	اذنی

آیت‌الله صافی یک نوع از این پنج نوع قدرت یعنی نوع دوم را به لحاظ عقلی و نقلی غیر قابل پذیرش می‌داند. چهار نوع قدرت دیگر از جنس قدرت اذنی هستند. تقسیم قدرت به ذاتی و اذنی با این مفاهیم از ابتکارات مرحوم آیت‌الله صافی است. ایشان فقط یک قدرت ذاتی و مستقل را به رسمیت می‌شناسد و آن قدرت خداوند متعال است و قدرت دیگر موجودات اذنی، ارتباطی و غیرمستقل است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸).

گفتیم که وی نوع اول قدرت را به مثابه ابزار و دارای ماهیتی سیال می‌داند که می‌تواند در راستای امور خیر یا شر استفاده شود. آیت‌الله صافی قدرت نوع اول را با استناد به آیت‌الکرسی در چارچوب نظام‌های سیاسی خیر و شر بسط داده و تبیین کرده است. می‌توان این نظام‌های سیاسی را به شرعی و غیرشرعی یا الهی و طاغوتی و به تعبیر دیگر به متعالی و متدانی تقسیم کرد. منظور از متعالی، نظام سیاسی الهی و شرعی است که بر اساس تعالیم و آموزه‌های قرآن و سنت حرکت می‌کند و مظهر اساء‌الحسنای الهی است و مراد از نظام سیاسی متدانی، آن نظام سیاسی است که بر اساس دستورهای الهی حرکت نمی‌کند (ر.ک: لک‌زایی و دیگران، ۱۳۹۸، صص ۱۰۸-۹۳).

آیت‌الله صافی با استناد به فرمایش خداوند متعال که می‌فرماید «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ لَهُمُ الطَّاغُوتُ» (بقره، ۲۵۷) معتقد است این آیه شریفه بر این مطلب دلالت دارد که خداوند سبحان فقط ولی مؤمنین و طاغوت اولیای کافرین است. ولایت الهی که در این آیه ذکر شده، ظاهراً ولایتی است که به صورت هدایت و توفیق و امر و نهی و تکلیف الهی و عنایات غیبی به مؤمنان و کسانی که زمینه قبول و پذیرفتن این ولایت را دارند، محقق می‌شود؛ در نتیجه عبد تحت نفوذ و تأثیر آن اوامر و در عین اختیار خود عمل می‌کند، تا جایی که گاه بر اثر این ولایت، سر تا پایش اطاعت و تجسم مراد مولی می‌شود و حدیث قدسی معروف «كنت سمعه الذی یسمع به و بصره الذی یبصر به و لسانه الذی ینطق به و یده الّتی یبطش بها» در حقیقت صادق می‌شود و قلبش مصداق «ان القلوب بین اصبعین من اصابع الله یقلبها کیف شاء» (قمی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۵۶۸) می‌گردد و دواعی او همه الهی می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱،

ص ۱۳۰). روشن است چنین عبدی وقتی در رأس نظام سیاسی قرار می‌گیرد، همچون یوسف صدیق یا حضرت ولی عصر علیه السلام دستورها و خواست خدا را اجرا می‌کند و جامعه را مظهر اسماء الحسنی می‌سازد و شکر نعمت قدرت را به خوبی به جا می‌آورد و کفران نعمت نمی‌کند. مخصوصاً اینکه آیت الله صافی تصریح می‌کند اختیار عبد محفوظ است و انسان با اختیار خود به این مقام دست می‌یابد.

در برابر این ولایت، ولایت شیطان و طاغوت و دعوت‌ها و اضلالات ابلیسی است که آن نیز در محدوده امور اختیاری بشر و به اختیار او انجام می‌پذیرد و مراتب مختلف دارد، تا آنجا که «أَفْرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوًى» (جائیه، ۲۳) و «حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً» (بقره، ۷) و «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (اعراف، ۱۷۹) در حق انسان صادق می‌شود تا حدی که شیطان نیز به او می‌گوید: «إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ» و همه زمینه‌های خیر و قبول حق، در او بی‌اثر می‌شود و حامل اراده طاغوت و در ولایت کامل شیطان قرار می‌گیرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۳۰). اگر طبق این مبنا نظام سیاسی شکل بگیرد، الهی و متعالی نخواهد بود، بلکه غیرشرعی و شیطانی خواهد بود که به دنبال کسب رضایت خدا و اجرای دستورهای دین نیست.

آیت الله صافی دو بلوک قدرت آن زمان یعنی امپراتوری روم و ایران باستان را که مظهر منطق فرعونی و ادعای «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى» بودند، مصداق ولایت شیطان می‌داند که در نقطه مقابل ولایت انبیای الهی قرار دارند. انبیا به مردم می‌گفتند «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحى إِلَيَّ؛ همانا من بشری مانند شما هستم و به من وحی می‌شود» (کهف، ۱۱۰؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۶۵). به این ترتیب این دو قدرت مقابل یکدیگر صف آرایی کردند؛ زیرا پیامبران مأمور مبارزه با این قدرت‌های طاغوتی نیز بودند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اِعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ همانا در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم (تا به خلق ابلاغ کند) که خدای را پرستش کرده و از بتان و طاغوت‌ها دوری گیرند» (نحل، ۳۶). یکی از پیغمبران بزرگ که در قرآن مجید از او تجلیل شده است، حضرت ابراهیم ابوالانبیا است که با شرک و بت پرستی نمرود و نمرودیان، به آن شکل بی‌سابقه

و بی‌نظیر مبارزه کرد و افکار را علیه شرک و بت‌پرستی و نمرود و طاغوت بسیج کرد و از قدرت طاغوتی نمرود نهراسید و با فریاد «اِنِّی بَرِّیٌّ مِمَّا تُشْرِكُوْنَ؛ از آنچه شریک خدا قرار می‌دهید من بیزارم» (انعام، ۷۸). دل‌ها را تکان داد و مردم را به فطرت‌شان بازگرداند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۲۶). طبق این تحلیل، نظام سیاسی مهدوی دارای قدرتی متعالی است و با قدرت‌های طاغوتی و شیطانی پیکار خواهد کرد.

۲. قدرت متعالی مهدوی

از منظر آیت‌الله صافی گلپایگانی امام مظهر به اذن خدا خلیفه و مظهر اسماء‌الحسنای الهی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۰) و به این دلیل که قدرت مهدوی، مظهر اسماء‌الحسنی است، متعالی نامیده می‌شود. «در هنگام ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه برای اینکه از نعمت وجود امام، بیشترین استفاده ممکن برده شود، شرایط لازم فراهم می‌شود و موانع ظهور و فعلیت یافتن شئون و ابعاد امامت که در عصر سایر امامان علیهم‌السلام و عصر غیبت خود آن حضرت وجود دارد، مرتفع می‌گردد؛ اسماء‌حسنای الهی مثل الولی‌العادل و الحاکم و السلطان و المنتقم و المبیر و القاهر و الظاهر به‌طور بی‌سابقه‌ای متجلی خواهد شد؛ به عبارت دیگر آن حضرت مظهر این اسما و کارگزار و عامل خداوند متعال (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۰) می‌باشد، و مقام خلیفة الهی او در این ابعاد، ظهور عملی و فعلی خواهد یافت. همه این شئون الهی که امام علیه‌السلام تجسم ظهور آن خواهد بود و خدا به حکمت بالغه خود، توسط آن حضرت تحقق می‌بخشد، اصالت توحیدی دارد و به اذن خدای یکتا و فرمان او انجام می‌پذیرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۱۵۱-۱۵۲).

۳. منابع قدرت

بر اساس تحلیل مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی، قدرت یکی از اوصاف خدا است و خداوند متعال تنها منبع قدرت است و تمام موجودات، همچون سرباز مطیع او هستند و در نتیجه هر چه انسان به این منبع قدرت، نزدیک باشد، قدرتمندتر است. در ادامه برخی از منابع قدرت تبیین می‌شود.

۱-۳. ایمان

ایمان از مهم‌ترین منابع قدرت متعالی است. بحث آیت‌الله صافی در این زمینه کاملاً صبغه سیاسی و اجتماعی دارد. ایشان میان قوت ایمان و افزایش قدرت سیاسی رابطه برقرار می‌کند و می‌نویسد: «ضعف ایمان، قدرت را از انسان سلب کرده و او را تحت نفوذ و مرعوبیت از قدرت‌های موهوم و اعتبارات ظاهری، خوار و زبون می‌سازد. ایمان نیرویی است که انسان را توانا و قوی‌الاراده می‌سازد» (صافی گلپایگانی، ۱۴۳۳، ص ۷۹). از نظر آیت‌الله صافی ظلم به دست نظام‌های سیاسی طاغوتی که فاقد ایمان به خداوند متعال هستند، گسترش می‌یابد: «تاریخ را ورق بزنید و به پرونده‌های جرایم و جنایات مراجعه فرمایید تا بفهمید ضحاک‌ها، چنگیزها، یزیدها، حجاج‌ها و سایر دیکتاتورها و جبّاران و همچنین خیانتکاران و وطن‌فروش‌ها و بیگانه‌پرست‌ها و دزدها و آدمکش‌ها و بی‌ناموس‌ها و عیاش‌ها و میلیونها و اغنیای بی‌رحم و چاقوکش‌ها و جیب‌برها و... از چه دسته و طایفه‌ای هستند» (صافی گلپایگانی، ۱۴۳۳ق، ص ۷۹). از این رو ایمان منبع قدرت متعالی و بی‌ایمانی مولد خشونت و قدرت‌متدانی است؛ به این ترتیب ایمان که روح حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام است، منبع قدرت متعالی نظام سیاسی مهدوی نیز محسوب می‌شود.

۲-۳. علم

نگاه آیت‌الله صافی به علم، نگاهی راهبردی است. از نظر گاه وی روی دیگر دانایی، توانایی و چهره دیگر نادانی، ناتوانی است، بلکه «عزّت و قوّت و استقلال و هر چیز خوبی که فطرت سالم و پاک بشر، طالب آن است، با علم فراهم می‌شود و ذلّت و ضعف و زبونی، نتیجه جهل و ناآگاهی است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰، ص ۷۳). ایشان با ذکر حدیثی که می‌فرماید «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۱۲۹)، این بحث را مطرح می‌کند که در میان صفات خداوند متعال، صفت علم، اشرف صفات و اسم العالم، اعظم اسمای صفاتی است. از نظر ایشان اسما و صفات جمالیه و جلالیه، به اسم العالم و اسم القادر و صفت قدرت برمی‌گردد و از همین رو چنین نتیجه می‌گیرند که

تزیین به زیور علم و آراسته شدن به این صفت، از اخلاق دیگر بالاتر و ارزنده تر است و خود را به صفات خداوند آراسته سازید؛ یعنی دانشمند و قدرتمند شوید. به دیگر سخن «نشان یافتن و نشان داشتن از خدا، همان دارا بودن اخلاق کریمه الهی است که مهم ترین و سرآمد آنها علم و قدرت، دانایی و توانایی است. این دو صفت با هم ملازمت و مصاحبت ضروری و تنگاتنگ دارند و افتراق آنها از یکدیگر ممکن نیست. هر کجا دانایی باشد، توانایی هست و هر کجا توانایی باشد، دانایی هست؛ پس در میان آنچه بشر جسته و می جوید و مطالب و خواسته‌هایی که دارد، خواسته و مطلوبی از علم بالاتر نیست (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰، ص ۷۲). وی به درستی معتقد است دنیا و آینده آن برای ملت‌های عالم و دانا است. وی به جوانان توصیه می کند دست یافتن به همه مدارج علمی را قابل تحصیل بدانند؛ چراکه خداوند متعال به بشر و این مخلوق هنوز هم ناشناخته، لیاقت تسخیر کائنات زمینی و آسمانی را عطا کرده و این جوانان هستند که باید با همت‌های بلند، اسرار کائنات و آیات علم و قدرت خدا را کشف کنند و ملت اسلام را به مجد و عزت دیرین و بیشتر از آن برسانند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰، ص ۷۳). روشن است که علم خدایی به فساد و فرعونیت نمی‌انجامد.

امام زمان علیه السلام مظهر اسم العالم و القادر خداوند متعال است و دارای این منبع از قدرت یعنی علم به کامل ترین شکل ممکن آن است.

۳-۳. قانون الهی

منبع دیگر قدرت از منظر آیت‌الله صافی قدرت قانون الهی است. ایشان می‌نویسد: «پیغمبر اسلام با قدرت قانون الهی تحریم شراب، چهارده قرن است که میلیاردها نفر از افراد بشر را از خسارت و زیان‌های شراب مصونیت بخشیده است». این در حالی است که حکومت آمریکا زمانی که می‌خواست می‌گساری را منع کند، چهارده سال شدیدترین مبارزات را انجام داد و بیش از ۶۰ میلیون دلار صرف تبلیغات کرد و صفحات مطبوعاتی که در زیان‌های شراب انتشار داد، به ۱۰ میلیون رسید و ۲۵۰ میلیون دلار برای اجرای قانون منع مسکرات صرف کرد و سه هزار نفر را اعدام و ۵۳۲۳۳۵ نفر

را زندانی و ۱۶ میلیون دلار جریمه گرفت و بیش از چهارصد میلیون دلار اموال را مصادره کرد. با تمام اینها شکست خورد و دنبال کار را رها کرد (صافی، ۱۴۳۳ق ب، صص ۵۱-۵۲). سایر قوانین اسلام که به دست حضرت حجت علیه السلام اجرا می‌شوند نیز چنین قدرتی دارند که واژه عدالت به آن اشاره دارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، صص ۱۸۳-۱۹۲). این عدالت قانونی و قانون فراگیر و جامع عدالت، منبع قدرت متعالی امام علیه السلام است.

۴. نظام فاعلی

آیت‌الله صافی سه مرحله زندگی امام دوازدهم یعنی ولادت، غیبت صغری و غیبت کبری را نیز از زوایه قدرت بررسی کرده است. ایشان با استناد به وقایع تاریخی و برخی احادیث «بیم از کشته شدن» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۳۲) را از جمله دلایل غیبت امام منتظر برمی‌شمرد، گرچه تصریح می‌کند «علت اصلی آن بر ما مجهول است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۳). روشن است بیم از قتل، ارتباط مستقیمی به نداشتن قدرت ظاهری دارد؛ زیرا «حاکمان وقت اگر می‌توانستند، بی‌درنگ آن حضرت را شهید می‌کردند؛ بنابراین ولادت امام از آنان پنهان ماند؛ چنانچه ولادت [حضرت] موسی علیه السلام از فرعونیان مخفی ماند. پس از ولادت نیز شخص آن حضرت از انظار آنان مخفی گشت و هرچه جهد و تلاش کردند، او را نیافتند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۳۳).

تحلیلی که آیت‌الله صافی از پایان یافتن غیبت صغری ارائه می‌دهند نیز تحلیلی کاملاً سیاسی است و پیوند وثیقی با مسئله قدرت دارد. ایشان بحث را این گونه ترسیم می‌کند که فرض کنیم غیبت صغری ادامه می‌یافت، در آن فضا نایبان خاص امام دارای بسط ید، نفوذ کلام و قدرت ظاهری نبودند و نمی‌توانستند به صورت رسمی در کارها دخالت کنند، بلکه از سوی قدرت‌های جائر مورد تعقیب و تهدید و تعرض هم قرار می‌گرفتند. از طرفی هر از چندگاهی فرصت‌طلبان و جاه‌طلبانی هم پیدا می‌شدند که ادعای نیابت خاصه می‌کردند و باعث تفرقه و گمراهی مردم می‌شدند؛ چنان که در همان زمان اندک این اتفاق افتاد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۹)؛ بر اساس این تحلیل اولاً

وقتی نواب خاص امام زمان علیه السلام در جامعه حضور داشته، اما فاقد قدرت سیاسی باشند، خود این منصب آنان و یارانشان را در خطر قرار می‌دهد؛ ثانیاً باب ادعای نیابت امام زمان علیه السلام هم باز می‌ماند که دو پیامد منفی دارد: یکی اینکه سبب چنددستگی در جامعه اسلامی می‌شود و دیگر آنکه زمینه انحراف برخی از مسلمانان را فراهم می‌کند که هر دو در تضعیف قدرت اسلام نقش اساسی دارند؛ بنابراین خلاف مصلحت اسلام و جامعه اسلامی هستند؛ از این رو غیبت صغری که در آغاز دارای مصلحت بود، مصلحت استفاده از آن پایان یافت.

مرحوم آیت‌الله صافی با استناد به احادیثی، «به گردن نداشتن بیعت» را (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۲۹۵-۲۹۶) از جمله دلایل غیبت کبرای امام منتظر برمی‌شمرد و می‌نویسد امام دوازدهم کامل‌ترین مظاهر اسم السلطان، الغالب و الحاکم است و تا زمان ظهور تحت سلطه هیچ قدرتی غیر از قدرت خدا قرار ندارد و مانند پدران بزرگوارش ناچار نمی‌شود از راه تقیه با سیاستمداران وقت بیعت کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۳۴).

۱-۴. امام غایب، منشأ قدرت متعالی

حضور امام غایب دارای فوایدی است که بر اساس تحلیل آیت‌الله صافی با اعمال قدرت امام همراه است. «بقای شرع و حفظ حجت‌ها و بینات خدا»، نزول رحمت الهی، اعمال قدرت توسط فقها، «دلگرمی و قوت روح بندگان» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ۱۵۵) و امتحان پیروان (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰) از جمله فواید حضور امام غایب است.

یکی از فواید حضور امام در زمان غیبت بر اساس احادیث شیعه و سنی «بقای شرع و حفظ حجت‌ها و بینات خدا» است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲)؛ از جمله حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «اللَّهُمَّ بَلِّغْ لَنَا نَبَأَ مَنْ قَامَ مِنْ قَائِمِ اللَّهِ بِحُجَّتِهِ إِمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا وَ إِمَّا خَائِفًا مَعْمُورًا [۳] لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجُجُ اللَّهِ وَ بَيِّنَاتُهُ؛ خدایا، آری خالی نماند زمین از کسی که قائم باشد از برای خدا به حجت یا ظاهر و آشکار یا بیمناک و پنهان تا حجت‌های خدا و بینات او از میان نرود» (نهج البلاغه، ۱۳۷۴، ص ۴۹۷، حکمت ۱۴۷). آیت‌الله صافی مثالی زیبا برای تبیین این روایت ذکر می‌کند که امام همچون قلب و روح جهان

است. همان‌گونه که کار قلب خون‌رسانی به تمام اعضای بدن و کار روح، حفظ کالبد تن است، امام نیز به اذن الله نسبت به سایر مخلوقات، صاحب چنین رتبه و منزلتی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲)؛ بنابراین امام با حضور خویش اقداماتی حیاتی انجام می‌دهد که گرچه ممکن است ما دقیقاً متوجه آنها و سازوکارشان نشویم. طبق احادیث این امری مسلم است که نشان‌دهنده تأثیرگذاری اساسی امام است.

فایده دیگر این است که بر اساس روایات، حضور مؤمن از یک سو سبب نزول رحمت الهی و از سوی دیگر باعث دفع بلا یا می‌شود؛ از این رو برکات وجودی و فیوضات مادی و معنوی حضرت صاحب‌الامر که آقا و پیشوای همه مؤمنان است، بیش از سایر مؤمنان خواهد بود (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۲)؛ بنابراین وقتی انسانی دارای دو کارویژه جلب نیکی و دفع بدی باشد، دارای قدرت متعالی است؛ از این رو وجود امام علیه السلام در سراسر تاریخ منشأ خیر و رحمت بوده و هست.

از پرتو خورشید جمال رخ یار است هر خیر و سعادت که نصیب بشر افتاد

(صافی گلپایگانی، بی‌تا، ص ۱۸)

تا اینجا استدلال ایشان رویگری هستی‌شناسانه دارد. ایشان در این زمینه استدلالی جامعه‌شناسانه هم ارائه می‌دهد. آیت‌الله صافی با استناد به سخنی از خواجه نصیرالدین طوسی که گفته است «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و غیبه منا» (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۷، ق، ص ۲۲۱) معتقد است اصل وجود امام لطف و تصرف او لطفی جداگانه است و اینکه در جامعه حکومت را در دست ندارد، از جانب ما است و «مسئول دخالت‌نکردن و تصرف‌نمودن امام در امور مردم، خود مردم هستند که حاضر به قبول رهبری آن حضرت نیستند و مخالفت می‌ورزند... اگر مردم حاضر به اطاعت و فرمانبری بودند، آن حضرت ظاهر می‌شد و در این جهت فرقی بین امام حاضر و غائب نیست»؛ بنابراین مردم نمی‌توانند به وجود این نعمت اعتراض کنند یا نعمت‌بودن آن را انکار کنند، بلکه باید در رفتار خود تجدید نظر کنند تا برکات حضرت در دوره حکومتشان بهره‌مند شوند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳).

فایده دیگری که آیت‌الله صافی برای غیبت امام ذکر می‌کند، کاملاً جنبه سیاسی و

اجتماعی دارد. ایشان می‌نویسد بر امام واجب نیست که شخصاً و بدون واسطه در امور دخالت کند، بلکه می‌تواند به دیگران به صورت خصوصی یا عمومی برای انجام کارها مأموریت دهد؛ به دیگر سخن همان‌طور که امیرالمؤمنین و ائمه علیهم‌السلام از طرف خود در شهرهایی که حاضر نبودند، دیگران را منصوب می‌فرمودند، امام هم در زمان غیبت صغری کسانی را به مقام نیابت خاصه نصب فرمود و در غیبت کبری به‌طور عموم، فقها و علمای عادل را که دانا به احکام هستند، برای اجرای سیاسات و حفظ مصالح عالی اسلامی نصب و تعیین کرده که مرجع امور خلق باشند؛ بنابراین فقها در عصر غیبت به نیابت از آن حضرت دارای ولایت‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۵)؛ بنابراین امام علیه‌السلام با فقها اعمال قدرت می‌کند که تفصیل آن مجال دیگری می‌طلبد. بعد دیگر این اعتقاد آن است که دیگر حاکمان، غاصب این مقام و فاقد مشروعیت هستند؛ زیرا حکومت از آن حضرت ولی عصر و در زمان غیبت متعلق به نائبان ایشان است.

فایده بعدی حضور امام این است که «موجب دلگرمی و قوّت روح بندگان خدا و اهل‌الله و کسانی که سالک سیل هدایت هستند می‌باشد و به عبارت دیگر یک نقطه اتکاء برای سالکان سیل‌الله است. خود این موضوع که امام حی و زنده داریم و ملجأ و پناهگاه و حافظ شریعت است، موجب قوّت قلب و استحکام روح و مانع از تسلط یأس و نومیدی بر سالکان و مجاهدان است و همواره از او مدد می‌گیرند و همت می‌طلبند و این مسئله از نظر علم‌النفس بسیار اساسی و مهم است. پس وجود امام از جهت قدرت روح و قوّت قلب و پناهگاه روانی و نقطه اتکای مؤمنان، لازم و واجب است و این یک فایده بزرگی است که برای آن هم نصب امام حتماً و قطعاً و عقلاً و شرعاً لازم است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، صص ۱۵۶-۱۵۷).

۲-۴. قدرت امام و یارانش

آیت‌الله صافی در آثارش احادیثی را ذکر کرده است که ناظر به قدرت جسمی و روحی امام و یاران ایشان است. از جمله ایشان نقل می‌کند حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام فرمود: «فرزند نهم از فرزندان برادرم حسین را خدا عمرش را در غیبتش

طولانی نماید؛ سپس به قدرت، خود او را آشکار سازد، در صورت، جوانی که کمتر از چهل سال داشته باشد» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۱۶؛ علی بن خزاز قمی، ۱۴۰۱ق، صص ۲۲۴-۲۲۶). نیز حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشَّبَّانِ قَوِيًّا فِي بَدَنِهِ؛ قائم آن کسی است که وقتی ظاهر شود در سن پیران و منظر و سیمای جوانان و با قوت بدن باشد» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۷۶).

وی راجع به قدرت یاران امام زمان علیه السلام هم به احادیثی استناد کرده است؛ از جمله اینکه امام صادق علیه السلام راجع به قدرت یاران امام مهدی علیه السلام می‌فرماید: «... آنها ستون محکم هستند و به مردی از آنها نیروی چهل مرد داده شده و قلب آنها از تگه‌های آهن محکم‌تر است که اگر بر کوه‌های آهنین عبور کنند، آنها را خرد می‌کنند. دست از شمشیرشان بر نمی‌دارند و آن قدر می‌جنگند تا اینکه خداوند عز و جل راضی شود» (قندوزی حنفی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۴۱).^۱ همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: خدای متعال می‌فرماید: «... آنها مردانی شجاع‌تر از شیر و برنده‌تر از شمشیر می‌شوند» (قندوزی حنفی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۹۸).

۳-۴. روش اعمال قدرت امام

بحث دیگری که در نظام فاعلی باید به آن پردازیم این پرسش است که امام زمان علیه السلام چگونه با ۳۱۳ نفر دنیا را مسخر خویش می‌فرماید و چگونه ممکن است میلیارد‌ها انسان تسلیم یک جمعیت اندک شوند و از عادات و اخلاق و برنامه‌ها و سنن خود دست بردارند. مرحوم آیت‌الله صافی در پاسخ این پرسش‌ها می‌نویسد بر حسب روایات، وقتی حضرت صاحب‌الامر علیه السلام ظهور می‌فرماید، نخست ۳۱۳ نفر از خواص اصحاب آن حضرت در مکه معظمه خدمتش حاضر می‌گردند و وقتی عده اصحاب به

۱. طو عن أبي بصير قال: قال جعفر الصادق رضي الله عنه: ما كان قول لوط عليه السلام لقومه لو أن لي بكم قوة أو آوي إلي ركن شديد إلا أتمنيا لقوة القائم المهدي و شدة أصحابه، و هم الركن الشديد، فان الرجل منهم يعطي قوة أربعين رجلا، و إن قلب رجل منهم أشد من زبر الحديد، لو مروا بالجال الحديد لتدكدكت، لا يكفون سيوفهم حتى يرضى الله (عز و جل).

ده هزار نفر رسید از مکه خارج می‌شوند (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۲۷) و انقلاب را رقم می‌زنند.

راجع به غلبه آن حضرت و تشکیل حکومت جهانی اسلام هم آیت‌الله صافی معتقد است ممکن است به طور اعجاز انجام یابد و ممکن هم هست با فراهم شدن امکانات و اسباب ظاهری یا با ترکیبی از هر دو انجام شود؛ چنان‌که پیشرفت و غلبه پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به هر دو شکل بود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۱۹). ایشان در توضیح اعمال قدرت امام به صورت اعجاز می‌نویسد حصول چنین غلبه مطلق برای آن حضرت، به خواست خداوند، امری ممکن و معقول است و با وعده‌های صریح و بشارت‌های حتمی که در قرآن مجید و احادیث متواتر داده شده، حاصل خواهد شد و خداوند به مصداق آیه «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ» (بقره، ۲۴۹) آن حضرت را بر تمام جهانیان حاکم و وارث و مالک کره زمین قرار می‌دهد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۲۰).

آیت‌الله صافی از لحاظ اسباب و علل ظاهری هم تشکیل حکومت الهی مهدوی را ممکن و عملی می‌داند. به باور ایشان آن حضرت زمانی ظهور می‌کند که اوضاع و احوال اجتماعی و اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد باشد. در آن زمان بشر از مدنیت معنوی و اخلاقی محروم می‌شود و دشمنی و کینه و ظلم و تجاوز، همه را نسبت به یکدیگر بدبین می‌کند و از هم جدا می‌سازد و وحدت، همفکری و همکاری، به کلی رخت بر می‌بندد و انسان‌ها از اینکه کسی بتواند بدون مدد غیبی جامعه را رهبری کند، مأیوس می‌گردند و خلاصه همه از وضع خود ناراضی و با یکدیگر در جنگ و ستیز و از مکتب‌های مختلف ناامید خواهند شد و منتظر انقلاب و عوض شدن اوضاع و کناررفتن زمامداران خدانشناس و برداشته‌شدن مرزها و الغای تجزیه‌ها و تقسیم‌ها می‌باشند. در چنین موقعیتی، حضرت صاحب‌الزمان ارواح‌العالمین له الفدا و اصحابش، با نیروی ایمان و اخلاق حسنه و با نجات‌بخش‌ترین برنامه‌های عمرانی و اقتصادی و عدالت اجتماعی، برای انقلاب و دعوت به قرآن و اسلام، قدم به میدان می‌گذارند و نهضت الهی و دعوت روحانی خویش را آغاز می‌کنند و مردم را به سوی خدا و احکام

خدا و برابری و برادری، عدل و امنیت، صفا و وفا، راستی و درستی و نظم صحیح می‌خوانند، در حالی که خود حضرت و اصحابش، نمونه و سرآمد همه فضایل بشری هستند و با نیروی ایمان و استقامت و پشتکار و همتی که مخصوص مؤمنان ثابت‌قدم است، هدف و مقصد خود را تعقیب می‌کنند. مشخص است این جمعیت با آن برنامه‌ها و وضع کار، در آن دنیای پر آشوب و غرق در طوفان گرفتاری‌ها و فشارها، دل‌ها را به خود متوجه می‌کنند و فاتح و پیروز و موفق می‌شوند و هیچ نیرویی نمی‌تواند در برابر آنها مقاومت کند. شاهد این حقیقت، همان ظهور رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پیشرفت سریع دین اسلام و فتوحات محیرالعقول مسلمانان در قرن اول اسلام است که یکی از علل ظاهری آن پیروزی‌های پی در پی و درهم شکسته شدن ارتش‌های انبوه دولت شاهنشاهی ایران و امپراطوری روم، فساد اوضاع اجتماعی و اداری ایران و روم بود که مردم این کشورهای پهناور را برای قبول یک دعوت صحیح و حکومتی متکی به مبانی عدالت و مساوات آماده کرده بود.

اوضاع جهان برای قبول دعوت حضرت امام زمان مهدی علیه السلام که همان دعوت به اسلام و قرآن است، مطابق اخبار، به مراتب از اوضاع عالم در زمان بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله آماده‌تر خواهد شد و همان‌طور که کلمه اسلام در آغاز ظهور اسلام به سرعت پیشرفت کرد و صدای توحید بر همه صداها غالب شد و اسلامی که در مقداری از تاریخش منحصر به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی و خدیجه علیها السلام بود، با وجود فقدان وسایل، در جهاد و دفع یورش مشرکان، به سرعت موفق گردید و لشکرهای منظم مسلحی را که در دنیای آن روز مجهزترین سلاح‌ها را در دست داشتند، درهم شکست و نابود ساخت. همین‌طور امام زمان علیه السلام نیز با اصحاب و یاورانش که از ابتدای کار به تعداد مجاهدان میدان جهاد بدر هستند، می‌تواند دنیای منقلب و ناآرام آن روز را آرام و مردم را چنان امیدوار به آینده درخشان و پر از خیر و رحمت و برکت نماید که در سریع‌ترین فرصت همه به دین اسلام گرویده، آمادگی خود را برای قبول یک سازمان الهی اسلامی محکم و پایدار، در تحت سرپرستی امام عصر علیه السلام نشان دهند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، صص ۲۱-۲۴).

۵. اهداف قدرت متعالی جهانی

به اعتقاد آیت‌الله صافی گلپایگانی از جمله اموری که تجلی توحید را در ظهور حضرت مهدی عج روشن می‌سازد، این است که اهداف توحیدی اسلام مثل وحدت حکومت و نظام، وحدت قانون، وحدت دین و وحدت جامعه، به دست آن حضرت تحقق می‌یابد و همان گونه که در احادیث وارد شده است، خدا خاور و باختر جهان را به دست آن حضرت فتح می‌نماید؛ چنان که در روایت معروف جابر است که رسول خدا ص فرمود: «ذَلِكَ الَّذِي يَفْتَحُ عَلَيَّ يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۰۶)؛ به این ترتیب حکومت توحید، با قدرت متعالی توحیدی خویش توحید را در ابعاد مختلف سبک زندگی بشر جاری و ساری می‌سازد.

۱-۵. تشکیل حکومت واحد

یکی از اهداف قدرت متعالی نظام سیاسی مهدوی، تشکیل حکومتی واحد در سراسر جهان است. ریشه تمام اختلافات، شرک و انصراف از خدای یگانه و پرستش غیر خدا است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). هر کس برای خودش حق قانونگذاری قائل باشد، خود را شریک خدا دانسته است و هر انسانی که برای انسانی دیگر به چنین حقی اعتراف کند، بندگی خود را نسبت به او پذیرفته است؛ زیرا خضوع در برابر احکام خدا، پرستش خدا و خضوع در برابر نظام‌هایی که مصدر آن خدا نیست، پرستش غیر خدا است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۳)؛ از این رو امتیاز جامعه جهانی اسلام بر هر جامعه دیگری در طول تاریخ به این است که محور تمام امور در این جامعه، خدا و احکام خدا است و تعالیم اسلام برای اداره جامعه جهانی وافی و کافی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸). نظام سیاسی مهدوی با تشکیل حکومت جهانی توحیدی طرز تفکر مردم را عوض می‌کند و سطح افکار را بالا می‌برد و دیدگاه بینش افراد را وسیع می‌سازد که بدون بیم از جنگ، و وحشت از اسلحه‌های مخرب، به هم نزدیک شوند و با هم تفاهم کنند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹).

۲-۵. ایجاد وحدت و اخوت فراگیر

یکی دیگر از اهداف نظام سیاسی مهدوی ایجاد برادری و اخوت واقعی میان تک تک افراد بشر است و روشن است که وحدت بدون قدرت پدید نمی‌آید؛ قدرتی که آن اخوت را پدید آورد و از آن در برابر گردنکشان و مستکبران بین‌المللی حمایت و حفاظت کند؛ بنابراین دین حق همه را در زیر یک پرچم که فقط تعلق به خدا دارد و به هیچ کشور، حکومت، نژاد و شخصی منتسب نیست، قرار می‌دهد و جامعه انسانی را مانند یک جسد می‌سازد: «مَثَلُ الْمُسْلِمِينَ فِي تَرَاحُمِهِمْ وَتَوَادُّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ مِنْهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالْحَمَى وَالسَّهَرِ» (ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۳۷). اسم و رسم پرچم اسلام این است که اهل هر مملکتی بتواند در زیر آن گرد آید و کسی نتواند آن را به خود یا به جامعه خود منتسب سازد و در نتیجه عصیّت ایجاد گردد. پرچم اسلام پرچمی است که در سایه آن عصیّت‌های نژادی و وطنی و عصیّت‌های دیگر باید از میان برود؛ چراکه پرچم‌هایی که به نام‌های دیگر است، رمز تفرّق و اختصاص و عنوان جدایی و اختلاف‌اند. تشریحات اسلام شامل همه است و اگر این تشریحات اجرا شود، ملت‌ها را خودبه‌خود به سوی جامعه جهانی می‌برد و ملیت‌های مختلف را در ملیت تمام اسلامی هضم و سعادت دو جهانی آنان را تأمین می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶).

۳-۵. برقراری عدالت همه‌جانبه

حکومت واحد با قانون واحد بر امت عاقل و واحد جهان، پیچیدگی و سختی ندارد و می‌توان به مدد قدرت متعالی تولیدشده از وحدت متعالی، عدالت متعالی را در همه سطوح پدید آورد؛ بنابراین مهم‌ترین کار امام زمان علیه السلام برقراری عدالت در سطح جهان و در همه سطوح است. مصلح بزرگ الهی که بشارت ظهور او با تمام مشخصات و خصوصیات داده شده، قیام می‌کند و دست به اصلاحی عمومی در تمام عالم می‌زند و به تمام این بدبختی‌ها خاتمه می‌دهد. او از دودمان پیامبر اسلام و از نسل علی و فاطمه زهرا خواهد بود و به مقتضای حدیث معروف «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» که درباره او از طرق بی‌شماری روایت شده است، این مصلح عالی‌مقام، جهان

را در لوای یک حکومت حق و عدالت در خواهد آورد. از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ خَلْقًا وَخُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَظُلْمًا؛ سپاس مختصّ خدایی است که مرا از دنیا خارج نساخت تا جانشین مرا بعد از من به من نمایاند که شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله از جهت خلق و خُلق می‌باشد. خدا او را در غیبتش حفظ می‌فرماید؛ سپس ظاهر می‌شود؛ پس پر می‌کند زمین را از قسط و عدل، چنان‌که پر شده از ظلم و جور» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۹۸).

۴-۵. برقراری امنیت در همه سطوح

امنیت اولی‌ترین و فوری‌ترین نیاز هر انسانی است که باید دولت آن را تأمین کند. نظام سیاسی مهدوی هم به این هدف اولی توجه دارد و امنیت را به فراگیرترین و عمیق‌ترین شکل ممکن برای همه فراهم می‌کند. آیت‌الله صافی می‌نویسد ظهور آن حضرت برای اتمام نورالله و تحقّق مطلق هدف دعوت انبیا و صلح و صفا و امّیت عمومی در زیر پرچم اسلام و یکتاپرستی و اجرای احکام قرآن مجید در سراسر گیتی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷). در زمانی که انقلابات و فتن و فساد و هرج و مرج و جنگ‌های خانمان‌برانداز و قحط و غلا و امراض، ملل را به ستوه آورده باشد، خداوند متعال مصلح واقعی جهان، حضرت مهدی آل محمد علیهم السلام را که نهمین از فرزندان امام حسین و فرزند گرامی امام حسن عسکری است علیه السلام، برانگیزد تا به واسطه ظهورش اضطرابات و انقلابات مرتفع، صلح و امّیت عمومی برقرار و حکومت واحد جهانی تشکیل شود و شرق و غرب جهان را خدا به دست آن حضرت و برای او بگشاید (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، صص ۱۱۳-۱۱۴).

۵-۵. برقراری توحید

هدف نهایی نظام سیاسی مهدوی استقرار توحید در سطح جهان است و به مدد

قدرت متعالی مهدوی محقق می‌شود. خداوند وعده داده است البتّه پیغمبران را غالب سازد و یاری کند و معلوم است که این نصرت و غلبه فقط نصرت و غلبه در آخرت نیست؛ برای اینکه می‌فرماید: «فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (غافر، ۵۱) و نصرت و غلبه انبیا بر قوم خودشان و پیشرفت کار آنها در عصر خودشان هم نیست؛ زیرا دعوت بسیاری از پیغمبران در قومشان اثر نبخشید، بلکه بعضی از آنها کشته شدند. این نصرت و غلبه، نصرت و غلبه مقصد و هدف و دعوت آنها است که طبق ظاهر آیات، مقید به مرتبه‌ای نیست، بلکه نصرت و غلبه مطلق است.

همچنین است اتمام نور. معنای اینکه خدا نور خود را در مقابل آنهاپی که می‌خواهند نور او را خاموش کنند و مانع از پیشرفت اسلام شوند، تمام می‌گرداند، این است که دین را جلو می‌برد و بر قلمرو اسلام می‌افزاید و اتمام آن وقتی است که اسلام تمام جهان را بگیرد؛ چنان که معنای استخلاف و جانشینی مؤمنین در زمین و وارث شدن آنها زمین را نیز استخلاف در تمام زمین و وارث شدن کره زمین است که برای امام زمان و یاران و اصحاب آن حضرت حاصل می‌شود.

معنای غلبه حق بر باطل به‌طور اطلاق هم غیر از این نیست که به تمام معنا حق بر باطل پیروز شود و اگر از جهت حجّت و برهان غالب باشد - با اینکه به این معنا همیشه غالب است - ولی در ظاهر غالب نباشد، غلبه مطلق نیست و ظاهر این آیات غلبه مطلق است و اما آیه «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه، ۳۳؛ فتح، ۲۸) که دلالتش بر غلبه اسلام واضح است و مؤید مستفاد از این آیات است. روایاتی در این خصوص از حضرت رسول ﷺ منقول است، مثل «لَيَدْخُلَنَّ هَذَا الدِّينُ عَلَيَّ مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ؛ البتّه این دین در هر کجا که شب داخل شده باشد، داخل می‌شود» و شاید نکته اینکه فرمود «عَلَيَّ مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ» و فرمود «عَلَيَّ مَا دَخَلَ عَلَيْهِ الْيَوْمُ أَوْ السَّمْسُ»، تشبیه دین به آفتاب باشد که همان‌طور که روز و آفتاب در هر کجا که شب رفته باشد، وارد می‌شود، خورشید عالم تاب اسلام نیز به تمام اماکن پرتوافکن خواهد شد و تاریکی کفر و شرک و ضلالت را نابود خواهد ساخت؛ همان‌طور که آفتاب، تاریکی شب را از میان می‌برد و نور اسلام را در همه شهرها و روستاهای بزرگ و کوچک روشن گرداند (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، صص ۳۳-۳۵).

۶-۵. گسترش رفاه و ریشه کن کردن فقر

گسترش اخلاق، بهداشت، سلامت، رفاه، آسایش و آرامش از دیگر اهداف میانی قدرت متعالی نظام سیاسی مهدوی است. در حکومت مهدی در همه جا احکام آسمانی قرآن اجرا شود، مقررات و قوانین الهی (که از اغراض و منافع شخصی منزّه است) بر همه حکومت کند و همه سازمان‌ها در راه رفاه و آسایش خلق و عمران و آبادی بکوشند و تکامل علمی و اخلاقی بشر با بهترین برنامه شروع شود و بالاخره از فرط بهبود و ترقی سطح زندگی، فقری در تمام دنیا باقی نماند. این مطالب یک‌به‌یک در روایات مسلم شیعه و سنی نقل شده و تفصیل آن در کتاب منتخب الاثر بیان شده است (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۸۶، ص ۹۸). ما معتقدیم و یقین داریم سرانجام اداره امور جهان در کف باکفایت صالح‌ترین افراد بشر قرار خواهد گرفت و بشریت از آسیب ظلم و ستم نجات می‌یابد و از ترس فقر، پریشانی و ناامنی‌های گوناگون آزاد می‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۹۴).

نتیجه‌گیری

مسئله مقاله حاضر تبیین قدرت متعالی در نظام سیاسی مهدوی علیه السلام بر اساس اندیشه مهدویت پژوه برجسته و کم‌نظیر شیعه آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی بود. از منظر ایشان نظام سیاسی مهدوی مظهر تام و تمام اسماء الحسنای الهی است. برای این مهم از چارچوب بومی نظام‌های سه‌گانه بهره بردیم. نکته مهم و قابل توجه در مباحث این بود که وی کاملاً از منظر قدرت به تبیین نظریه مهدویت پرداخته است؛ یعنی از آغاز تولد حضرت تا غیبت صغری و کبری و تشکیل دولت کریمه مهدوی، تحلیل قدرت بر پایه دیدگاه آیت‌الله صافی قابل مشاهده است.

نکته قابل توجه دیگر این است که ایشان به طور مبسوط به تعریف و طبقه‌بندی قدرت پرداخته است و پس از تبیین مفهوم قدرت جایگاه و مفهوم قدرت متعالی امام و یارانش را بر اساس همان چارچوب تبیین کرده و قدرت حضرت را مصداق و مظهر اسم العالم، القادر، الحاکم، العادل، الظاهر و الغالب خداوند متعال دانسته است. ضمن

آنکه وی معتقد است اسما و صفات جمالیه و جلالیه، به اسم العالم و اسم القادر و صفت قدرت برمی گردد و از این رو علم در کنار ایمان به منشأ قدرت و قانون الهی که بیانگر علم بی کران خداوندی است، منبع اصلی قدرت در نظام سیاسی مهدوی است. همچنین آیت الله صافی اهداف متعالی قدرت نظام سیاسی مهدوی را بر محور توحید، عدل، امنیت، سلامت، رفاه و آرامش و آسایش بشر تبیین می کند که در کنار سایر مباحث نشان از آن دارد که قدرت متعالی مهدوی سراسر خیر و برکت برای بشریت است و این گونه نیست که قدرت متعالی توحیدی بی نظیر و فراگیر مهدوی در پایان تاریخ به فساد منجر شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. ابن‌العربی، محمد بن عبدالله. (۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م). احکام القرآن. بیروت: دارالجیل.
۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). قرآن در نهج البلاغه. فصلنامه پژوهش‌های فقهی. ۱(۲)، صص ۵ - ۲۸.
۳. اسپکتور، سلین. (۱۳۸۲). قدرت و حاکمیت در تاریخ اندیشه غرب با متن‌هایی از... (مترجم: عباس باقری). تهران: نشر نی.
۴. دهقان، محمدحسن. (زمستان ۱۴۰۰). الگوی قدرت نظامی ج.ا.ایران بر اساس فرهنگ مهدویت. فصلنامه علمی مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۱(۴۵)، صص ۳۳۱-۳۵۵.
۵. شیخ صدوق، محمد بن علی. (۱۳۹۵ق). کمال‌الدین و تمام‌النعمه (مصحح: علی‌اکبر غفاری). تهران: اسلامیه.
۶. صافی، لطف‌الله. (۱۳۸۶). نوید امن و امان (چاپ بیستم). تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی‌الکلبایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۷. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۰). با جوانان (چاپ بیست و سوم). قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی‌الکلبایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۸. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۲). ولایت تکوینی و ولایت تشریحی. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی‌الکلبایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۹. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). پاسخ به ده پرسش پیرامون امامت. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی‌الکلبایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۰. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۵). امامت و مهدویت، ولایت و امامت خاصه و عامه (ج ۲). قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی‌الکلبایگانی رحمته‌الله‌علیه.

۱۱. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۷). امامت و مهدویت، ولایت و امامت خاصه و عامه (ج ۳). قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۲. صافی، لطف‌الله. (۱۳۹۱ق). سلسله مباحث امامت و مهدویت. قم: دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۳. صافی، لطف‌الله. (۱۴۲۲ق). منتخب الأثر فی الإمام الثاني عشر عليه السلام. قم: مکتب آیه‌الله لطف‌الله الصافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۴. صافی، لطف‌الله. (۱۴۲۸ق). بیان الاصول. قم: مکتب المرجع الدینی آیت‌الله الشیخ لطف‌الله الصافی گلپایگانی رحمته‌الله، دائرة التوجیه و الإرشاد الدینی.
۱۵. صافی، لطف‌الله. (۱۴۳۳ق الف). راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۶. صافی، لطف‌الله. (۱۴۳۳ق ب). صحیح صادق. قم: مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۷. صافی، لطف‌الله. (بی تا). آرزوی وصال. نرم افزار مجموعه آثار آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۱۸. علی بن خزاز قمی. (۱۴۰۱ق). کفایه الاثر (محقق: سید عبداللطیف حسینی کوه کمری). قم: بیدار.
۱۹. قمی، شیخ عباس. (۱۴۱۴ق). سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار. قم: الاسوه.
۲۰. القندوزی الحنفی، سلیمان بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). ینابیع الموده لذوی القربی (محقق: سیدعلی جمال اشرف الحسینی). قم: دارالاسوة للطباعة و النشر المطبعة.
۲۱. کارگر، رحیم. (۱۳۸۷). آینده جهان، دولت و سیاست در اندیشه مهدویت. قم: مرکز تخصصی مهدویت.
۲۲. لک‌زایی، رضا و ارجینی، حسین. (۱۳۹۸). ایضاح مفهومی قدرت در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمته‌الله. دوفصلنامه معرفت سیاسی، ۲۲، صص ۹۳-۱۰۸.
۲۳. لوکس، استیون. (۱۳۷۰). قدرت، فر انسانی یا شر شیطانی (مترجم: فرهنگ رجائی). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۲۴. لوکس، استیون. (۱۳۷۵). قدرت، نگرشی رادیکال (مترجم: عماد افروغ). تهران: مؤسسه

خدمات فرهنگی رسا.

۲۵. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دارالاحیاء التراث.

۲۶. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد. (۱۴۰۷ق). تجرید الاعتقاد (با ملاحظات محمدجواد

حسینی جلالی). تهران: مکتب الاعلام الاسلامی.

References

* The Holy Qur'an

* Nahj al-Balaghah

1. Ali bin Khazaz Qomi. (1401 AH). *Kefayeh al-Athar* (Hosseini Kohkamari, S. A. Ed.). Qom: Bidar. [In Arabic]
2. Al-Qunduzi al-Hanafi, S. (1422 AH). *Yanabi Al-Mawadah le Dawe al-Qoraba*. (Ashraf al-Husseini, S. A, Ed.). Qom: Dar al-Uswah le Taba'ah va al-Nashr al-Matba'ah. [In Arabic]
3. Dehghan, M. H. (1400 AP). The model of military power of J.A. Iran based on the culture of Mahdism. *Journal of Interdisciplinary Studies of Strategic Knowledge*, 11(45). pp. 331-355. [In Persian]
4. Ibn al-Arabi, M. (1408 AH). *Ahkam al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Jail. [In Arabic]
5. Javadi Amoli, A. (1384 AP). Quran in Nahj al-Balagha. *Journal of Jurisprudential Research*. 1(2), pp. 5-28. [In Persian]
6. Kargar, R. (1387 AP). *The future of the world, government and politics in Mahdavi thought*. Qom: Specialized Mahdavit Center. [In Persian]
7. Lakzaei, R., & Arjini, H. (1398 AP). An explanation of the concept of power in Imam Khomeini's political thought. *Journal of Political Marafet*, (22), pp. 93-108. [In Persian]
8. Lux, S. (1370 AP). *Power, human fur or demonic evil* (Rajae, F. Trans.). Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [In Persian]
9. Lux, S. (1375 AP). *Power, a radical attitude* (Afrough, E, Trans.). Tehran: Rasa Cultural Services Institute. [In Persian]
10. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Torath. [In Arabic]
11. Nasir al-Din Tusi, M. (1407 AH). *Tajrid al-Itiqad (with remarks by Mohammad Javad Hosseini Jalali)*. Tehran: Maktab al-A'alam al-Islami. [In Arabic]
12. Qomi, A. (1414 AH). *Safina al-Bihar va Madinah Al-Hikam va Al-Athar*. Qom: Al Uswah. [In Arabic]

13. Safi, L. (1386 AP). *The promise of safety and security* (20th ed.). Tehran: The Center for Organizing and Publishing the Works of Ayatollah Safi. [In Persian]
14. Safi, L. (1390 AP). *With youth* (23rd ed.). Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Grand Ayatollah Safi. [In Persian]
15. Safi, L. (1391 AP). *A series of discussions on Imamate and Mahdism*. Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Grand Ayatollah Safi. [In Persian]
16. Safi, L. (1392 AP). *The Developmental Vilayat and the Legislative Vilayat*, Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Grand Ayatollah Safi. [In Persian]
17. Safi, L. (1393 AP). *Answers to ten questions about Imamate*. Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Ayatollah Safi. [In Persian]
18. Safi, L. (1395 AP). *Imamat and Mahdaviat, Wilayat and special and public Imamate* (Vol. 2). Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Ayatollah Safi. [In Persian]
19. Safi, L. (1397 AP). *Imamate and Mahdaviat, Wilayat and special and public Imamate* (Vol. 3). Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Hazrat Ayatollah Safi. [In Persian]
20. Safi, L. (1422 AH). *Muntakhab al-Athar Fi Imam al-Thani al-Ashar*. Qom: School of Ayatollah Lotfollah Al-Safi Al-Golpaigani. [In Arabic]
21. Safi, L. (1428 AH). *Bayan al-Usul*. Qom: Maktab Al-Marja' Al-Dini, Ayatollah Al-Sheikh Lotfollah Al-Safi Al-Golpaygani, Department of Al-Tawjih va Al-Irshad al-Dini. [In Arabic]
22. Safi, L. (1433 AH). *Sobhe Sadegh*. Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Hazrat Grand Ayatollah Safi. [In Arabic]
23. Safi, L. (1433 AH). *The way of reforming or enjoining good and forbidding evil*. Qom: The Center for Organizing and Publishing the Works of Grand Ayatollah Safi. [In Arabic]

24. Safi, L. (n.d.). *A desire to connect*. The software of Ayatollah Safi Golpayegani's collection of works.
25. Sheikh Sadouq, M. (1395 AH). *Kamal al-Din va Tammam al-Na'amah* (Ghafari, A. A, Ed.). Tehran: Islamia. [In Arabic]
26. Spector, C. (1382 AP). *Power and sovereignty in the history of Western thought with texts from...* (Bagheri, A, Trans.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]



The Nature, Foundations, and Functions of the Islamic Government in the Waiting Society in the Thought of Ayatollah Safi Golpayegani

Reza Isania¹

Received: 19/01/2023

Accepted: 21/02/2023



Abstract

Ayatollah Safi Golpayegani was one of the constitutional law jurists who played an effective role in embedding Twelve-Imam Shia jurisprudence literature in the Islamic Republic of Iran. Also, the jurist who played an essential role in rejecting and negating the secularization of the society during his eight years as the secretary of the Guardian Council, and finally emerged as a mujtahid and an authority promoting traditional fiqh since he was sensitive to issues such as the hijab, women becoming ministers, gender segregation, the mixing of men and women, the presence of women in stadiums, considering music as absolutely haram, and Islamic philosophy and mysticism. Therefore, the research in his thought makes it necessary to determine whether the government or the state proposed by him is an authoritarian government or a people's government. Keeping this issue in mind, the main question of the present article is what are the foundations, nature, and duties (functions) of the Islamic government of the waiting society in the view of Ayatollah Safi Golpayegani. The question was answered through the theoretical framework of paradigm

1. Assistant Professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Research Center for Political Sciences and Thought. r.eisania@isca.ac.ir.

* Isania, R. (1401 AP). The nature, foundations, and functions of the Islamic government in the waiting society in the thought of Ayatollah Safi Golpayegani, *Journal of Mahdavi Society*, 3(5), pp. 143-173. DOI: 10.22081/JM.2023.65751.1061.

analysis, in the form of political jurisprudence literature of political Islam and with the method of content analysis, based on his main works. The result showed that the nature of the government or state that emerged from his thought was a monotheistic government in the form of Imamate, which is not limited by things such as border, region, and country, and will not have any interruption. In addition to pursuing the special function of providing livelihood, welfare and comfort of the people, this government considers its main duty to fulfill and implement Islamic rules and defend the religion of God.

Keywords

Ayatollah Safi Golpayegani, Islamic government, functions, the waiting society.

ماهیت، مبانی و کارویژه‌های دولت اسلامی در جامعه منتظر

در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه

رضا عیسی نیا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

چکیده

آیت‌الله صافی گلپایگانی یکی از فقهای خیرگان قانون اساسی بود که در جاسازی ادبیات فقهی شیعه اثنی عشری در جمهوری اسلامی ایران نقش مؤثری داشت؛ همچنین فقهی که در طرد و نفی عرفی کردن جامعه در هشت سال دبیری شورای نگهبان، نقشی اساسی ایفا کرد و نهایتاً در چهره مجتهد و مرجع مروج فقه سنتی ظهور کرد؛ زیرا به مواردی نظیر حجاب، وزیر شدن زنان، تفکیک جنسیتی، اختلاط زن و مرد، حضور زنان در ورزشگاه‌ها، حرمت مطلق موسیقی و فلسفه و عرفان اسلامی حساسیت نشان می‌داد؛ از این رو تحقیق در اندیشه او ضروری می‌سازد مشخص شود آیا دولت یا حکومت پیشنهادی او دولتی اقتدارگراست یا دولتی مردمی است. با نظر داشت این مسئله، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که مبانی، ماهیت و وظایف (کارویژه‌های) دولت اسلامی جامعه منتظر در دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی چیست. پاسخ به این پرسش با چارچوب نظری تحلیل پارادایمی، در قالب ادبیات فقه سیاسی اسلام سیاسی و با روش تحلیل محتوا، با تکیه بر آثار اصلی وی انجام گردید و نتیجه‌اش این شد که ماهیت حکومت یا دولت برآمده از اندیشه وی، دولتی توحیدی در قالب امامت بوده است که مواردی مانند مرز، منطقه و کشور آن را محدود نمی‌کند و هیچ فترتی هم نخواهد داشت. این حکومت علاوه بر دنبال کردن کارویژه تأمین معاش، رفاه و آسایش مردم، وظیفه اصلی خود را تحقق و اجرای احکام اسلامی و دفاع از دین خدا می‌داند.

کلیدواژه‌ها

آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه، دولت اسلامی، کارویژه‌ها، جامعه منتظر.

r.eisania@isca.ac.ir

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

* عیسی نیا، رضا. (۱۴۰۱). ماهیت، مبانی و کارویژه‌های دولت اسلامی در جامعه منتظر در اندیشه آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه، دوفصلنامه علمی - ترویجی جامعه مهدوی، (۵)۳، صص ۱۴۳-۱۷۳.

DOI: 10.22081/JM.2023.65751.1061



مقدمه

لطف‌الله صافی گلپایگانی فرزند محمدجواد، در ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۷ق مطابق با ۳۰ بهمن ۱۲۹۷ش متولد شد و در ۱۲ بهمن ۱۴۰۰ش در ۱۰۳ سالگی درگذشت. از ایشان آثار بسیاری بر جای مانده است که برخی از آنها به‌عنوان آثار برگزیده انتخاب شده‌اند، نظیر کتاب *التعزیر؛ أنواعه و ملحقاته* که برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد یا کتاب *پرتوی از عظمت حسین* که برنده کتاب سال ولایت شد؛ همچنین کتاب منتخب الاثر برگزیده هفتمین همایش دکترین مهدویت گردید.

در نگاه علما و مردم وی مجتهدی مسلم و فقیهی بود که به مواردی نظیر حجاب، وزیرشدن زنان، تفکیک جنسیتی، اختلاط زن و مرد، حضور زنان در ورزشگاه‌ها، حرمت مطلق موسیقی و مخالف با فلسفه و عرفان اسلامی حساس بود (سایت تابناک ۱۳۹۱/۵/۱۰). تحقیق در اندیشه او از این جهت ضروری و مسئله است که مشخص گردد، دولت یا حکومت پیشنهادی او آیا دولتی اقتدارگرا است یا دولتی مردمی است. باید در نظر داشت این مسئله، سؤال اصلی مقاله حاضر این است که مبانی، ماهیت و وظایف دولت اسلامی جامعه منتظر در دیدگاه آیت‌الله صافی چیست. آیا دولت مورد نظر وی از وظایف (کارویژه‌های) خاصی برخوردار است؟ پاسخ به این پرسش با چارچوب نظری تحلیل پارادایمی، در قالب ادبیات فقه سیاسی اسلام سیاسی و با روش تحلیل محتوا و با تکیه بر آثار اصلی وی انجام می‌گردد. برای دستیابی به پاسخ چنین سؤال‌هایی به تشریح و تحلیل مبانی، ماهیت دولت و کارویژه‌های آن از دیدگاه آیت‌الله صافی می‌پردازیم و به این نتیجه رسیده‌ایم که آیت‌الله صافی با توجه و با درکی که از مفاهیم و اصطلاحات سیاسی داشته، به ارائه نظریه خود درباره دولت و کارویژه‌های آن پرداخته است. با اینکه برخی از صاحب‌نظران میان سه مفهوم «حکومت» (Government) و «دولت» (state) و «نظام سیاسی» تفاوت قائل‌اند، ولی ایشان اولاً میان مفهوم دولت، نظام سیاسی و حکومت فرقی نمی‌گذارد و این مفاهیم را به صورت مترادف استفاده می‌کند. ثانیاً با رویکرد فقهی به این مفهوم می‌پردازد و با اینکه نظام‌های آریستوکراسی، الیگارشی، سوسیالیستی و دموکراسی را به‌خوبی می‌شناسد، تنها نظام سیاسی مورد قبول وی، نظام

امامت است که از آن معنای خاصی را اراده می‌کند؛ چراکه این نظام امامت او، نیازی به سرزمین خاص و تحدیدشده‌ای ندارد؛ بنابراین هر کسی در هر جای این کره خاکی باشد و از فرمان امام که فرمان خدا است، اطاعت کند و مجری احکام اسلامی باشد، تحت نظام امامت است. با عنایت به این موارد، حکومت یا دولت اسلامی مورد نظر آیت‌الله صافی یک خط فرمان دارد و آن هم فرمان الهی است که می‌تواند در قالب حکومت حضرت رسول ﷺ در مدینه یا حکومت امام علی علیه السلام در کوفه یا حکومت شش ماهه امام حسن علیه السلام یا حکومت فقها مانند حکم حکومتی میرزای شیرازی یا در قالب مشروطه مشروعه شیخ فضل‌الله نوری یا در قالب جمهوری اسلامی امام خمینی علیه السلام باشد. این چنین حکومت‌هایی، حکومت اسلامی و حکومت توحیدی هستند. چنین دولتی (حکومتی) اگرچه کارویژه‌هایی نظیر تأمین معاش مردم را بر عهده دارد، کارویژه اساسی آن اجرای احکام اسلامی و دفاع از دین خدا است. با حفظ این مطالب محورها و مباحثی که لازم است در مقدمه به عنوان کلیات و تمهیدات نظری دنبال گردد، عبارت‌اند از: ۱. تعریف مفاهیم دولت یا حکومت، ۲. جامعه منتظر، ۳. آیت‌الله صافی گلپایگانی، ۴. پیشینه بحث، ۵. چارچوب نظری.

۱. دولت یا دولت اسلامی

یکی از دشواری‌های این مقاله این است که قبل از هر چیز باید معنای مفهوم دولت را مشخص و معین کرد؛ مفهومی که می‌توان گفت یکی از دشواری‌های بنیادین و پایه‌ای در ادبیات سیاسی به‌ویژه ادبیات سیاسی شیعه (اعم از فقها و فلاسفه شیعی) است؛ زیرا مفاهیم دولت، حکومت و نظام، در این ادبیات معمولاً به یک معنا به کار رفته‌اند و مترادف‌اند و این عدم تفکیک، کار را بسیار سخت خواهد کرد؛ چون در نگاه امروزی حداقل میان دولت با نظام سیاسی تفاوت آشکاری وجود دارد (جهان‌بین، ۱۳۷۹، ص ۴). البته با اذعان و اِشعار به این مطلب که بحث از دولت، بحث بسیار دامنه‌دار و سختی است؛ چراکه از سویی دولت، متداول‌ترین و مناقشه‌برانگیزترین مفهوم در حوزه مطالعاتی علوم سیاسی است که به واقعیت‌های متفاوتی از حیث زمانی و مکانی اشاره دارد و چندپهلوی

است (ابوالحمد، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸) و از سوی دیگر ما در قرنی زندگی می‌کنیم که اغلب صاحب‌نظران بر این باورند که اداره جامعه بدون در نظر گرفتن سه بخش «دولتی»، «خصوصی» و «جامعه مدنی» امکان‌پذیر نخواهد بود؛ بنابراین برای بخش مبانی این سؤال را می‌توان مطرح کرد که دولت چیست؟ آیا در نگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی می‌توان دولت را مستقل از نظام سیاسی دانست یا آیت‌الله صافی نیز همانند دیگر صاحب‌نظران، نظیر «چاندوک» ناچار است بپذیرد نمی‌توان از تداخل معنایی واژه‌هایی چون دولت و حکومت اجتناب کرد؛ زیرا اگر از دولت با تکیه بر کارکردها و کارویژه‌هایش بخواهند تعریف ارائه کنند و بگویند دولت یعنی نهادی که دارای کارکردهای اداری، قهری و ایدئولوژیکی است، باز هم در این تعریف، دولت با حکومت و حکمرانی مساوی تلقی خواهد شد (چاندوک، ۱۳۷۷، ص ۱). با توجه به اینکه قیل و قال‌های زیادی در باب دولت وجود دارد، آنچه در این مقاله برای ما مهم است روشن‌ساختن مفهوم دولت در نگاه آیت‌الله صافی است که به چه معنایی آمده است و از آن چه اراده شده است.

ایشان بحث دولت را این‌گونه پی می‌گیرد که «بشر برای داشتن حقوق متقابل و تبادل دسترنج‌ها، همکاری‌های سالم و سازنده و روابط متعادل و آسایش‌بخش و برای زندگی کردن و از نظم و ترتیب و امنیت و رفاه لازم برخوردار شدن، به دو چیز نیاز دارد: ۱. قانون جامع و برنامه‌های کافی، ۲. مدیریت و زمامداری و مرکز تصمیم‌گیری و اجرایی مورد اعتماد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۹۴). بدیهی است بدون مدیریت صالح و قاطع و نظام اداری، رفاه و امنیت و مقاصد اساسی دنیا و آخرت انسان حاصل نمی‌شود. مدینه فاضله وقتی تشکیل می‌شود که افراد جامعه مانند اعضا و قوای انسان واحد که تحت اداره و مدیریت عقل قرار دارند و وحدتشان با یک نیروی مرکزی که هر عضو و قوه‌ای را به کار مناسب مأمور می‌سازد، تحت مدیریت مطمئن و عاقل و عادل اداره شود که جریان امور را بر سیر منطقی و متناسب قرار دهد و بین اعضا همکاری ایجاد کند، بدون اینکه خودش را بر دیگران تحمیل نماید یا آنها را در مسیر غیرمناسب و خارج از صلاحیتشان وارد کند. واضح است هرچه این نقشه بیشتر عملی شود و هرچه مدیریت از آگاهی لازم و بیشتر برخوردار باشد، اغراض صحیح انسانی بیشتر تأمین می‌گردد و

مشابهت نظام سیاست و اداره و تشریح به نظام تکوین بیشتر می‌شود. تا اینجا معلوم شد که ایشان در اصل نیاز جامعه به مدیر و رهبر و در ضرورت و لزوم مدیریت کردن بحثی ندارد و آن را اجماعی و اتفاق نظری قلمداد می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۲۴؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۸۶)؛ اما اگر از ایشان سؤال شود شکل حکومت یا مدیریت کردن به چه صورتی باید باشد، پاسخش این است که در باره شکل حکومت و مدیریت کردن دو صورت‌بندی وجود دارد: ۱. عده‌ای که یا اصلاً به مبدأ و عالم غیب اعتقاد ندارند یا اگر به مبدأ و عالم غیب و حتی رسالات آسمانی معتقدند، مسائل دنیا را به آن مرتبط نمی‌دانند؛ بنابراین بشر را در این امور مستقل و به خود واگذار می‌شمارند (یعنی کسانی که به جدایی دین از سیاست و جدایی دین از دنیا باور دارند)؛ ۲. عده‌ای که سیاست و حکومت را از اسلام جدا نمی‌سازند و اسلام را فراگیر همه مسائل زندگی بشری می‌شناسند. اینان معتقدند باید نظام حکومت را از کتاب و سنت و تعالیم اهل بیت پیامبر که عدل قرآن‌اند و تمسک به آنها امان از ضلالت است، گرفت.

آیت‌الله صافی با دو تفکر و ایده‌آل مخالف است و در رد دسته اول اعلام می‌کند: «ولایت هر شخص، حتی بر خودش و هر مداخله و تصرف در امور دیگران بدون اینکه به اذن خدا و از جانب او و انفاذ اوامر و تشریحات او و عمل از جانب او و برای اطاعت و فرمانبری او باشد، اعتبار نداشته و به هیچ وجه قابل توجیه نیست» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ص ۲۴)؛ اما برای رد دیدگاه دسته دوم این استدلال را می‌آورد که «رسالات آسمانی که برای اصلاح بشر و تکمیل او است، باید کامل باشد و نمی‌توان در رسالات آسمانی نقصی فرض نمود و اگر در رسالات آسمانی، صلاح امور دنیای بشر منظور نشده باشد، خلاف مبانی عقیدتی اسلامی است. اسلام دین عبادت و سیاست و نظام فکر و عمل و اجتماع و اداره همه شئون است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۲۵-۲۶). آیت‌الله صافی به هیچ‌یک از شکل‌های حکومت چه دموکراسی و چه دیکتاتوری اعتماد نمی‌کند؛ زیرا معتقد است در همه آنها نوعی استبداد نهفته است؛ چون این نظام براساس اینکه حق با زور است، هرچند زور اکثریت باشد، ارتباط پیدا می‌کند و حق در این نظام‌ها مفهوم ثابتی ندارد و همان است که اکثریت آن را حق بداند و آن را بر اقلیت تحمیل می‌کند؛

زیرا حکم به کيفر و نکوهش، امری قراردادی است که اکثریت به ملاحظه مصالح خودش، خود را متعهد می‌داند که به آن عمل کند و به اقلیت هم که آن را خلاف مصلحت خودش و بلکه اکثریت می‌داند، تحمیل می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۲۷-۲۸). اگر از آیت‌الله صافی پرسش شود آیا در اسلام به شکل حکومت هم اشاره شده است یا خیر، پاسخ ایشان این چنین است: «اگر مقصود این است که در قوانین و احکام و نظامات مالی و قضایی و کلیه امور، قانون اسلام جاری باشد و فقط در انتخاب حکومت، نظام اکثریت را بیاورند و به روش دموکراسی و حاکمیت ملی و حکومت مردم بر مردم بروند، این نظر را بپذیرند که اسلام در امر رژیم و نظام اداره ساکت است و در عین حال که اطاعت از اولی‌الأمر به صریح قرآن واجب است (نساء، ۵۹)، در طرز تعیین ولی امر و روش مدیریت جامعه پیشنهاد و دستوری ندارد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۴).

ایشان این تفکر را که «در امر زمامداری دستور و برنامه شرعی وجود ندارد و مردم، خود باید این مشکل را در هر عصر به هر شکلی که صلاح دیدند، علاج نمایند که طبعاً یکی از این شکل‌ها هم نظام اکثریت می‌باشد» نمی‌پذیرد. ایشان در مقابل آنانی که نظام امامت را مقدمه نظام شورایی و حکومت مردم بر مردم می‌دانند، این گونه موضع می‌گیرد و نظام شورایی و حکومت مردم بر مردم را در اسلام بی‌موضوع می‌داند و پاسخ می‌دهد حضرت علی علیه السلام به ولایت منصوب شده است نه اینکه معرفی شده باشد یا خداوند جامعه را بدون رهبر گذاشته باشد؛ زیرا اولاً خلاف لطف و اوصاف کمالیه خدا و ربوبی پروردگار است و به علاوه، اقرار به نقص دین است که به صریح آیه «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (مائده، ۳) کامل گردیده است. چگونه می‌شود با اینکه در آیه ۵۹ سوره نساء «اولی الامر منکم» دلالت بر وجوب اطاعت از امام کند، اما چنین امر مهمی معلوم نشده باشد؟ ثانیاً اگر نظام دموکراسی یا حکومت مردم بر مردم را بپذیریم، یعنی تلفیق بین شرک و توحید را پذیرفته‌ایم، در حالی که آموزه‌های قرآنی و روایی چنین چیزی را بر نمی‌تابند؛ زیرا نظام اسلام، حکومت خدا و احکام الهی است و ولایت‌ها هم باید از جانب او و به اذن و تشریح او باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۱، صص ۳۶-۳۹).

به سبب همین دلایل ذکر شده، آیت‌الله صافی ادعا می‌کند هر نظامی که در طرف

مقابل نظام امامت قرار می‌گیرد، قابل پذیرش نیست و به عبارتی غیر از نظام امامت، مشروعیت هیچ‌یک از نظام‌هایی که در طول چهارده قرن بر مسلمین حکومت یافته‌اند، قابل پذیرش نیست (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۴۰، ص ۴۰)؛ پس شکل مدیریت و اداره جامعه را در جوامع مسلمانان، همچون حکومت‌های بنی‌امیه، بنی‌عباس و آل‌عثمان اسلامی و شرعی نمی‌داند و معتقد است نه تنها بین آنها و اسلام هماهنگی نبوده، بلکه رابطه ضدیت میان آنها حکم فرما بوده است. ایشان نظامات کنونی دنیا را نیز که بر اساس به اصطلاح نگرش علمی و جدایی سیاست از دین دنبال می‌کنند، نظامات جاهله می‌داند و اعلام می‌کند آنها مخالف اسلام هستند و مسلمان نباید آنها را بپذیرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۵۹، ص ۵۹). آیت‌الله صافی در پاسخ به این پرسش که چه زمانی می‌توانیم مدعی شویم که جامعه دارای حکومت اسلامی است، می‌گوید: شخصیت اسلامی یک جامعه وقتی کامل می‌شود که در همه چیز راهنمایش اسلام باشد و اگر جامعه در سیاست و اداره و امور جمعی و کشوری اسلامی نباشد، هر چند در اخلاقیات و عبادات و معاشرت‌ها و امور تعاونی و همکاری‌های اجتماعی و نکاح و طلاق و مراسم اموات و این‌گونه امور، از دستورهای اسلام پیروی کند، مادامی که کل جامعه به واسطه نظام اسلامی و حکومت شرعی حرکت اسلامی نداشته باشد، آن جامعه شخصیت اسلامی ندارد، هر چند افراد جامعه هر یک جداگانه به واسطه التزام به احکام اسلام، شخصیت اسلامی خود را حفظ کنند. یگانه نظام الهی که باید همه در آن نظام باشند، برحسب قرآن و احادیث شریفه و آزمایش و تجربه و هدایت عقل، نظام امامت است که تحت رعایت و عنایت خاصه الهی و مددهای متواتر و متوالی غیبی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ج ۶۰، ص ۶۰).

ایشان تأکید دارد پذیرفتن حکومت باید از روی ادای تکلیف باشد؛ زیرا حکومت کردن در نظام امامت هدف نیست، بلکه وسیله و تحمل مسئولیت بسیار سنگین است که هیچ‌کس به‌عنوان اینکه آن را وسیله امرار معاش یا اشغال مقام یا تبلیغ به نفع خود و تحویل گرفتن حمد و ثنا و مدح و تملق سازد، نباید دنبال آن برود. تکلیفی بزرگ است که هر کس به آن مکلف شد، باید به تکلیف شرعی خود عمل کند و

امانتی بس گران‌بها است که به دست هر کسی سپرده شود، باید در حفظ و نگهداری آن، تمام قدرت خود را صرف نماید. آنها که به مقام، امارت و حکومت به نظر استقلالی نگاه می‌کنند و با آن برتری می‌جویند، حتماً شایستگی آن مقام را ندارند و این مقام در عصر غیبت باید توسط فقها پیگیری و اجرا شود. او در کتاب‌های التعمیر، ولایت تکوینی و تشریحی و ضرورت حکومت می‌نویسد: همان طور که در توفیق شریف آمده است ما معتقدیم که در عصر غیبت، نظام و امور مردم در دست فقها است و مواردی همچون حکم امام خمینی برای بارزگان که در آن نوشتند «من به‌عنوان حق شرعی تو را معین می‌کنم» یا دخالت میرزای شیرازی یا سیدمحمد مجاهد در جنگ با روس‌ها یا اقامه حدود کردن حاجی محمدباقر حجة الاسلام در اصفهان همه این موارد نشان از این است که در تمام این مدت، حکومت به دست فقهای شیعه بوده است و هر چند حکام غاصبی بر سر کار بودند، در امور غیرسلطنتی و حکومتی باز هم دستور و حکم علما نافذ بوده است. ما معتقدیم حاکم شرع و مجتهد جامع شرایط این ولایت را دارد و اگر بسط ید داشت، واجب است مشغول به کار شود و ولایتش در جای خودش محفوظ است، هر چند مردم قبول نداشته باشند؛ درست مانند ولایت جدّ و پدر که قابل نصب یا نفی نیست. در طول تاریخ فقها هم مسئله به همین کیفیت بوده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۱۳. سایت عصر اسلام، ۱۲ بهمن ۱۴۰۰).

۲. جامعه منتظر

آیت‌الله صافی جامعه منتظر را جامعه اسلام ناب، پیرو ولایت اهل بیت علیهم‌السلام دانسته است؛ جامعه‌ای که از هر سو و هر طرف به اسلام باید منتهی شود و مشروعیت هر برنامه، هر اقدامی را با هدایت‌های اسلام باید سنجید؛ جامعه‌ای که زنده، قوی و قدرتمند، شجاع، صادق و خودکفا است و در تشکیل هویت اسلامی تشریک مساعی دارند. جامعه منتظر، جامعه حجاب و عفت و پارسایی و پرهیز از ملامه‌ی و مناهی است.

آیت‌الله صافی اگرچه جمهوری اسلامی ایران را جامعه منتظر معرفی می‌کند، آن را جامعه منتظر ایدئال نمی‌داند؛ زیرا می‌گوید: جامعه منتظر واقعی با تمسک تامّ به احکام

اسلام تحقق می‌یابد... جامعه منتظر باید بهتر و کامل‌تر از آنچه هست، باشد؛ برنامه‌هایش صحیح‌تر باشد؛ صدا و سیما و روزنامه و مجلات و مجالس و نمایش‌هایش باید در مسیر انتظار باشد. خطّ غرب‌گرایی و تضعیف استقلال اسلامی باید منفور باشد. باید تمسّک تامّ و تمام به هویت اسلامی، افتخار و گرایش به بیگانگان ننگ و عار باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، صص ۷۱-۷۲). جامعه منتظر در نگاه ایشان جامعه‌ای پویا و در حرکت است؛ زیرا معتقد است انتظار لفظ نیست، گفتن نیست، عمل است، حرکت است، نهضت و مبارزه و جهاد است، صبر و شکیبایی و مقاومت است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۰)؛ البته ایشان برای شناخت و ارزیابی از اینکه کدام جامعه، جامعه منتظر است یا نیست، معیار می‌دهد و آن این است که ابتدا باید دانست جامعه مهدوی دارای چه اصولی است تا براساس آن گفت که آیا جامعه منتظر خود را بستر ساز جامعه مهدوی می‌داند و در آن راستا حرکت می‌کند یا خیر؛ از این رو ایشان ابتدا جامعه مهدوی را با اصولی (نظیر نفی تمایز نژادی، نفی تناقض‌های اجتماعی، نفی برتری‌جویی، نفی هرگونه استعلا، نفی طواغیت و قلدران زمین و قلدرمآبی و استبداد و نفی ظلم و خیانت و سوءاستفاده از مقام و جاه‌طلبی و ریاست‌خواهی و افراط و تفریط براساس عدالت در همه امور) معرفی می‌کند که برای دستیابی به آن، جامعه‌های کوچک اگر بخواهند در سعادت، آسایش، قدرت، قوت، عزّت و عدالت، زندگی کنند، باید همان اصول و مبانی جامعه مهدوی را اصل و مبنای حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود قرار دهند و آن را معیار بدانند و صلاح یا فساد خود را با آن بسنجند؛ بنابراین می‌توان گفت در هر شهر و روستایی که حقّ رعایت می‌شود، از حقّ حمایت می‌کنند، به حقّ عمل می‌نمایند، اتحاد و برادری به چشم می‌خورد، تعلیم و تربیت صحیح و تقدیر از اختیار و دانشمندان در آنجا رایج است، در امانت، خیانت نمی‌کنند و خلاصه حیات دینی و انسانی دارند. آن جامعه (اگرچه یک روستا باشد) جامعه مهدوی یا جامعه منتظر است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، صص ۱۱۷-۱۲۰).

آیت‌الله صافی مهم‌ترین وظیفه مسلمانان را در این عصر، حفظ هویت و شخصیت اسلامی می‌داند و از شخص منتظر می‌خواهد حفظ هویت و استقلال اسلامی را همیشه و

در هر مناسبت، شعار و افتخار خود بدانند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، صص ۱۷۳-۱۷۴). ایشان در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توانیم مدعی انتظار باشیم و بگوییم جامعه منتظر داریم، می‌گوید: یقیناً با صداقت، با امانت، با برادری، با مرّوت و ایثار، با علم و معرفت، با تقوا و پرهیزکاری و با التزام به اسلام می‌توانیم منتظر باشیم. انتظار از شخصی مثل ولیّ خدا، با گناه، با خیانت، با بی‌تعهدی‌های اخلاقی، با موسیقی و کنسرت و تشویق اهل ملامهی و مناهمی هرگز محقق نخواهد شد و جامعه‌ای که این رفتارهای زشت را به اسم هنر و عناوین دیگر ترویج می‌نماید جامعه منتظر نیست (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، ص ۱۷۸).

۳. آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله علیه

لطف‌الله صافی تا ۲۳ سالگی در گلپایگان مشغول فراگرفتن علوم دینی بود؛ ولی بعد از آن به قم آمد. اگرچه یک سال (۱۳۶۴ق) را در نجف اشرف ماند، تا آخر عمر در قم زندگی کرد و از استادانی نظیر آیت‌الله بروجردی، محمدتقی خوانساری، سیدمحمد حجت کوه‌کمری، سیدصدرالدین عاملی و سیدمحمد رضا گلپایگانی بهره برد. زندگی آیت‌الله لطف‌الله صافی فرزند آیت‌الله محمدجواد صافی به سه دوره زیر تقسیم می‌شود:

۱. مشاور علمی - سیاسی آیت‌الله بروجردی: او که در ۳۳ سالگی به این جایگاه رسیده بود، در مواردی همچون تألیف کتاب منتخب الاثر، نگارش مقاله «زندگی بودا» در رد ادعای تأثیرپذیری اسلام از بودیسم که به قلم عبدالحسین زرین کوب نوشته و در مجله روابط ایران و هند چاپ شده بود (سایت خبرگزاری مهر، ۱۶ بهمن ۱۳۹۸)، نقد کتاب شهید جاوید و دیگر موارد، مشورت خود را به منصفه ظهور رساند.
۲. عضو خبرگان قانون اساسی و دبیر شورای نگهبان: عمر شورای نگهبان به‌عنوان یکی از ساختارهای تقنینی جمهوری اسلامی ایران در دوران امام خمینی نُه سال بود که در آن آیت‌الله صافی هشت سال دبیر شورای نگهبان بود (یعنی از خرداد ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۷). یکی از مسائلی که در این دوره همانند دیگر دوره‌های زندگی‌اش برای ایشان مهم بود، واکنش به اعمال و رفتار فردی و جمعی افراد و جریان‌های فکری‌ای بود که به نظر او، احکام اسلامی را تضعیف یا تحریم می‌کردند. حساسیت‌های وی در این موارد را در متن استغفاهایی که دادند،

می‌توان یافت؛ بنابراین آنچه برای آیت‌الله صافی مهم و حیاتی است، اجرای احکام و قوانین اسلامی است؛ بنابراین اگر کسی در هر موقعیت و نقشی می‌خواست از قوانین اسلام تخلف کند یا در تضعیف آن بکوشد، ایشان در مقابل آن، موضع می‌گرفت و اعتراض و مخالفتش را اعلام می‌داشت و تصویب حدود سیزده قانون در مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «ضرورت» یکی از آن مواردی بود که در سال ۱۳۶۴ اتفاق افتاد و ایشان در نامه‌ای به امام خمینی اعتراض و هشدار خود درباره احتمال تضعیف دین از سوی نمایندگان مجلس را مطرح ساخت (مهرپور، ۱۳۸۸، ص ۵۳). ۳. تصدی مرجعیت: ایشان با اینکه در سال ۱۳۷۵ قمری در ۳۸ سالگی از جانب آیت‌الله حاج سیدجمال‌الدین هاشمی گلپایگانی اجازه اجتهاد داشت، بعد از درگذشت آیت‌الله محمدرضا گلپایگانی از سال ۱۳۷۲ شمسی تصدی مرجعیت را پذیرفت. در این دوران همیشه به مسائلی همچون حجاب، حضور زنان در ورزشگاه‌ها، موسیقی، تصدی مناصب سیاسی زنان، عرفان و فلسفه واکنش نشان می‌داد و آنجایی که برای اسلام احساس خطر می‌کرد، پیام‌هایی را صادر می‌کرد. از باب نمونه به عملکرد فرهنگسراهای جمهوری اسلامی ایران انتقاد داشت و می‌گفت: «وجود فرهنگسراها باعث حزن حضرت حجت می‌شود» (ایسنا، ۲/۱۳۸۵/۸). یا آنجایی که برخی افراد، اصرار برای حضور زنان در میادین ورزشی و میادین سیاسی و کابینه دولت (به‌عنوان وزیر یا شورای اسلامی شهر و روستا، فرماندار و استاندار و وزیر و رئیس‌جمهور شدن) را داشتند، آیت‌الله صافی عکس‌العمل نشان می‌داد و می‌گفت: این یک سنت‌شکنی در تاریخ چهارده قرن اسلام است که می‌تواند آغاز اتفاقات بزرگی باشد. چه ضرورتی دارد که یک زن از صبح تا شام با مردم در تماس باشد (مدرسی، ۱۳۸۸/۱۱/۲۶) و در جای دیگر دولت احمدی‌نژاد را در قند و قامت دولتی معرفی می‌کرد که می‌خواهد به جنگ با پیامبر برود: متأسفانه می‌آیند در قم که مرکز تشیع است، اعلام می‌کنند که برای بعضی از استان‌ها استاندار زن منصوب می‌کنیم، مگر می‌خواهید که با قرآن و پیامبر جنگ کنید که این چنین خلاف شرع می‌گویید؟ شما با چه کسی می‌خواهید لجاجت کنید؟ آیا با احکام خدا و مسلمات دین مخالف هستید؟ (خبرنامه گویا، ۱۳۸۸/۷/۲۳).

۴. پیشینه و ادبیات بحث

اگرچه اندیشه مرحوم آیت‌الله صافی درباره حکومت را می‌توان در آثار مکتوب و شفاهی ایشان و مقالاتی که درباره زندگینامه علمی و عملی ایشان نگاشته شده، یافت، ولی از منظر پیشینه تحقیق یا ادبیات بحث می‌توان ادعا کرد آنچه تحقیق حاضر را نسبت به تحقیقات مرتبط با موضوع متمایز می‌گرداند باید در محتوا و همچنین در روش و چارچوب نظری دنبال کرد.

۵. چارچوب نظری و روش بحث

چارچوب نظری منتخب برای بررسی و تحلیل مبانی، ماهیت و وظایف دولت اسلامی در جامعه منتظر از دیدگاه آیت‌الله صافی، تحلیل پارادایمی است؛ یعنی برای بررسی دیدگاه وی در حوزه مطالعاتی دولت اسلامی به مفروضات بنیادین او رجوع می‌کنیم؛ زیرا پارادایم آن، مجموعه قضایایی است که به‌عنوان مبانی بنیادین در نزد این فقیه، چگونگی فهم و تبیین و تفسیر جهان در اندیشه وی را توضیح می‌دهد (خیری، ۱۳۸۹، ص ۸) و به تعبیری دیگر، مبانی بنیادین «شرط تحقق» اندیشه سیاسی هستند و عمده‌ترین دلیل تفاوت نظام‌ها و مکاتب اندیشه سیاسی را باید در همین دلالت بنیادین خاص آن نظام‌ها و مکاتب جستجو کرد (منوچهری، ۱۳۹۴، ص ۵) و این مبانی بنیادین عبارت خواهند بود از هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، دولت‌شناسی، فرجام‌شناسی. با توجه به چارچوب بالا، پرسش‌هایی که (اعم از اصلی و فرعی) که در متن مقاله مطرح شده است، به پاسخ خواهند رسید؛ زیرا از نگاه تحلیل پارادایمی، اندیشه سیاسی یک متفکر نتیجه منطقی مبانی بنیادین او است. براساس این چارچوب نظری و با روش تحلیل محتوا با مراجعه به آثار مرحوم آیت‌الله صافی گلیایگانی ماهیت، مبانی و کارویژه‌های دولت در جامعه منتظر شناسایی و توصیف و تبیین خواهد شد.

۶. آیت‌الله صافی گلیایگانی و چیستی دولت اسلامی در عصر انتظار

پرسش این است که آیت‌الله صافی گلیایگانی با رویکرد الهیاتی چه تعریفی از دولت

دارد و آیا در عصر غیبت نظریه خاصی برای دولت ارائه می‌دهد و کدام وظایف یا کارویژه‌های خاصی را برای دولت برمی‌شمارد؟ برای دستیابی به پاسخ به نظر می‌رسد ابتدا باید دید آیت‌الله صافی دولت را با کدام نگرش بحث کرده است تا آنگاه بتوان در مورد کارویژه‌های دولت از نگاه ایشان بحث کرد.

مرحوم آیت‌الله صافی عقیده‌اش را در باب حکومت این‌چنین بیان می‌کند: از آنجا که «لَهُ الْحُكْمُ وَلَهُ الْأَمْرُ، وَهُوَ الْحَاكِمُ، وَهُوَ السُّلْطَانُ وَهُوَ الْوَلِيُّ، وَهُوَ الْمَوْلَى وَهُوَ... هُوَ...»؛ حکم برای خدا است و فرمان مختص ذات او است و حاکم او است و سلطان و ولی و مولا او است، هیچ‌کس و هیچ‌گروه نمی‌تواند بر کسی حکومت کند، ولایت و سلطنت ندارد، مگر به اذن‌الله و به حکم خدا و همه مردم باید در تحت حکومت خدا و داخل در سلطان‌الله و مطیع احکام‌الله و ساکن مملکت‌الله باشند. پس حکومت‌هایی که از جانب‌الله نیستند، طبق هر رژیم و برنامه‌ای که باشند، باطل و اطاعت از آنها بالذات حرام است و فقط حکومت خلفای الهی و کسانی که از جانب آنها نیابت دارند، شرعی و واجب‌الاتباع هستند و این منصب برای احدی غیر از آنها ثابت نیست (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، «ب» ص ۱۴). از این سخنان آیت‌الله صافی می‌توان نتیجه گرفت فهم دولت یا حکومت منوط به فهم ولایت در قالب این پرسش است که «آیا ولایت، مفهومی گسترده است که حاکی از مقامی معنوی و دربردارنده حق اعمال قدرت سیاسی باشد». به نظر می‌رسد دستیابی به پاسخ پرسش مذکور نیاز به فهم ولایت تکوینی و تشریحی است؛ زیرا ایشان ولایت را به دو قسم «ولایت تکوینی» و «ولایت تشریحی» تقسیم می‌کند که در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم.

۷. ولایت تکوینی

آیت‌الله صافی درباره ولایت تکوینی، ما را به چند نکته توجه می‌دهد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، صص ۲۰-۶۱) که به برخی از آنها در این مقاله اشاره می‌کنیم. اولین نکته توحید و پرهیز از شرک و غلو است تا به واسطه آن مخلوق در مرتبه خالق و ممکن در مرتبه واجب شناخته نشود و به تعبیر وی، شرک و غلوی اتفاق نیفتد و از افراط در عقیده به

شئون انبیا و اولیا جلوگیری شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، ص ۲۲)؛ زیرا ایشان ولایت را شعبه‌ای از «توحید» می‌دانند؛ به همین دلیل مفهوم توحید در عبادت را توسعه می‌دهد و می‌گوید توحید در عبادت مفهوم ابتدایی و شاید مطابقتش پرستش نکردن غیر خدا و اخلاص در عبادت حق تعالی باشد؛ اما به نظر وسیع‌تر، توحید در عبادت و خلوص آن از هر شائبه، فرمان‌بری از خداوند متعال است، به گونه‌ای که غیر از خدا و کسانی که اطاعت آنها در طول اطاعت خدا و به امر خدا است، از احدی و مقامی به‌عنوان اینکه خودبه‌خود یا طبق نظامات مختلف مستحق اطاعت است، اطاعت ننماید؛ زیرا این استحقاق بالذات و بنفسه برای خدا ثابت است و برای غیر خدا مثل انبیا و ائمه هدی علیهم‌السلام و کسانی که از جانب آنها بالخصوص یا به‌طور عام ولایت دارند نیز از این جهت ثابت است. اطاعت از آنها موضوع اطاعت از خداوند متعال است؛ در نتیجه اطاعت از طاغوتیان و سلاطین و هر حاکمی که مأذون از جانب الله یا مأذون از جانب مأذون از طرف الله نباشد، خواه حکومت‌های استبدادی و فردی یا به‌اصطلاح قانونی و نظام اکثریت یا حزبی باشد، هیچ‌یک با توحید در اطاعت سازگار نیست و اگر نگوئیم همان شرک جلی در عبادت، به مفهوم واضح و مصداق روشن آن است، نوعی شرک خفی است که با خلوص موحدین در توحید منافات دارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، صص ۵۳-۵۴).

دومین نکته باطل بودن تفویض و شرک است؛ البته تفویضی که بندگان تصور کنند در کارهای خود مستقل و فاعل بالاستقلال هستند و افعال عباد از حیثه اراده و نظم عام الهی در عالم خلقت خارج باشد و خداوند از تدبیر امور و افعال کناره‌گیری کرده و عالم را به غیر خود سپرده باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، صص ۲۳-۲۴).

با عنایت به این نکات است که آیت‌الله صافی اظهار می‌کند: اداره سازمان کائنات به اذن خدا برای انسان کاملی مانند نبی و ولی وقت، مجاز است و اشکالی بر آن مترتب نیست؛ همان‌طور که این منصب به‌طور جزئی برای ملائک ثابت است و هر کدام از ملائک به اذن الله در پستی انجام وظیفه می‌کنند؛ مانند آنجا که می‌فرماید: «فَأَلْمَدَّبَرَاتِ أَمْرًا» (نازعات، ۵) یا «فَأَلْمَقْسَمَاتِ أَمْرًا» (ذاریات، ۴). پس همان‌طور که برای ملائک ثابت است، برای فردی از افراد بشر که اکمل خلاق باشد نیز ثابت است. زیرا پیامبر اکرم و

ائمه از ملائک افضل اند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱ب، صص ۴۲-۴۳) و آنها به امر خدای تعالی و تقدیر او، فیوضش را به دیگران می‌رسانند و واسطه در ایصال‌اند؛ یعنی اراده خداوند و مشیت الهی بر این تعلق گرفته است که فیض او از این مجاری به دیگران برسد و تصرفات عادی آنان، از مسیر تقدیر و قضا و قدر الهی خارج نیست.

با عنایت به مطالب بالا ولایت تکوینی این شد که ولایت و استقلال و اختیار رتق و فتق و تدبیر کائنات، امر خلق، رزق، میراندن، زنده کردن، امساک و حفظ کرات، آسمان و زمین و اداره شئون وجودی عالم امکان و سازمان ممکنات مخصوص ذات بی‌زوال خداوند یگانه سبحان است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱ب، ص ۸۹).

۸. ولایت تشریحی

آیت‌الله صافی ولایت تشریحی را به دو قسم یا به دو معنا می‌گیرد: ۱. ولایت تشریحی یعنی ولایتی که اشاره به اختصاص حق تشریح احکام و جعل قوانین و نظامات عبادی، معاملات، مالی، اقتصادی، سیاسی، قضایی، کیفری و اجتماعی به ذات بی‌زوال حضرت حق (عزّ اسمه) دارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱الف، ص ۸۹). ۲. ولایت تشریحی (شرعیه یا تشریحیه) یعنی کسی بر حسب تشریح و حکم خدا، بر چیزی یا شخص یا اشخاصی ولایت داشته باشد برخی از مصادیق این نوع ولایت را می‌توان اینگونه ذکر کرد: الف) ولایت شخص بر نفس خود (مثلاً خود را اجیر دیگری کند)؛ ب) ولایت شخص بر اموال خود؛ ج) ولایت پدر و جد پدری بر فرزندان صغار خود؛ د) ولایت قاضی و امیر و والی شرعی بر حکم و قضا و رتق و فتق امور (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، صص ۱۳۵-۱۳۶).

آیت‌الله صافی بعد از اینکه ولایت تشریحی را با انواع و اقسامش تعریف کرد و نام برد، اعلام می‌کند اصل وجوب اطاعت زمامدار و ولایت او را چه تشریحیه بنامیم یا شرعیه، همه قبول دارند و شیعه این ولایت تشریحیه یا همان شرعیه را که از شعب ولایت و حکومت و سلطنت الهی است و از عصر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیش از آن تا به حال باقی و برقرار است، مستمر و غیرمنقطع دانسته است. هم اکنون نیز خود را تحت این نظام و حکومت ولایت تشریحی می‌داند و در هر زمان و هر کجا باشد، باید مطیع این نظام باشد

و اطاعت از این نظام (نظام امامت) را فاضل‌ترین وسیله تقرب به خدا می‌شناسد و خروج از این ولایت و دخول در ولایت و حکومت دیگران را خروج از ولایت و حکومت خدا و دخول در ولایت غیرخدا می‌داند و آن را باطل، فاسد و امتناع از اطاعت آن را واجب می‌شمارد. ایشان تأکید می‌کند شیعه در عصر غیبت (عصر حاضر) اطاعت از اوامر حکام شرع و فقهای عادل و علمای عامل را واجب و اطاعت آنان را رمز تشیع و نشانه ولایت و تسلیم و ایمان خود به نظام امامت و بیزاری از نظامات دیگر می‌داند و تخطی از این نظام و مخالفت احکام فقها را سبک‌شمردن حکم خدا می‌شمارد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، صص ۱۳۷-۱۳۸). آیت‌الله صافی ولایت بر اموال و نفوس و امور مردم و ریاست بر جمیع شئون عمومی دین و دنیا از جانب خدا را از آن پیامبر ﷺ دانسته است و بعد از ایشان ولایت را براساس آیات ۳۶ سوره احزاب و آیه ۵۵ سوره مائده و آیه ۵۹ سوره نساء به ائمه اختصاص داده است؛ زیرا وی تفسیر «اولی الامر» را از آن ائمه می‌داند و می‌گوید کسانی که «اولی الامر» در آیه را به فقها تفسیر می‌کنند، تفسیری نادرست و تفسیر به رأی دارند؛ بنابراین اگر سؤال شود پس چگونه آیت‌الله صافی نظام امامت را در عصر حاضر و به فقها تعمیم می‌دهد، پاسخ این است که وی بر این باور است که به حکم آیه شریفه اطاعت امام در عصر غیبت نیز همچون عصر حضور واجب است و فقهای عادل نواب عام آن حضرت و از جانب او مأذون و برای رتق و فتق امور معین شده‌اند و مرجع مردم هستند و اگر کسی مخالفت حکم آنها را بنماید، چون امام حکم به اطاعت از آنها فرموده است، مخالفت حکم آنها در حکم مخالفت حکم امام است که در این آیه اطاعت از آن واجب شده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، صص ۱۳۹-۱۴۱)؛ بر همین اساس است که آیت‌الله صافی می‌گوید یکی از ابعاد ولایت تشریحیه ولایت فقیه است که از ولایت امام مایه می‌گیرد.

خلاصه کلام اینکه ولایت تشریحی ولایتی است که استمرار دارد و هیچ زمانی از بین نمی‌رود یا ولایتی و نظامی است الهی و انقطاع‌ناپذیر است و دوره فترت ندارد و در هر زمان و هر عصر وجود دارد. از عصر حضرت رسول اعظم تا حال تشکیل گردیده و برقرار بوده و هست و تا دنیا باقی است، برقرار خواهد ماند. بر هر کس واجب است که

«نظام امامت» را بشناسد و به آن ایمان داشته باشد و در هر زمان و هر مکان، فقط مردم باید از این نظام اطاعت کنند و هر کس، در هر کجا و هر نقطه‌ای از دنیا که باشد و هر شغل و هر کاری داشته باشد - لشکری باشد یا کشوری، بازرگان باشد یا پیشه‌ور، دانشمند باشد یا دانشجو - باید مطیع این رژیم و فرمان‌بر این نظام و برنامه‌های آن باشد؛ تفاوت نمی‌کند که این نظام بر اوضاع مسلط باشد یا نباشد و حکومت‌های غاصب در امور، مداخله داشته باشند یا نداشته باشند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، ص ۸). ایشان معتقد است نظام امامت، رژیم دائم و مستمر است. همیشه و در تمام شرایط، تابعیت حکومت شرعی یک فریضه اساسی و عمده است. حکومت، مخصوص ذات خدا است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، ص ۱۱) که در دوران معصومان به پیامبر و ائمه یا دوازده فرزند ایشان تعلق دارد و در عصر ما نیز حکومت شرعی بر این اساس برقرار است و هیچ کس در ترک اطاعت آن و قبول نظامات دیگر معذور نیست و عقیده به وجود امام عصر و حیات آن حضرت، معنایش اعتقاد به وجود حکومت شرعی و لزوم اطاعت از اوامر و پیشنهادها و دستورهای فقهای جامع‌الشرایط است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، صص ۱۲-۱۳).

۹. آیت‌الله صافی، شکل‌ها و انواع حکومت اسلامی

آیت‌الله صافی اعلام می‌کند: ما حکومت و اسم‌های شریفی مانند «الحاکم» و «الولی» و امثال اینها را از اختصاصات خداوند متعال می‌دانیم و حکومتی را مشروع تلقی می‌کنیم که منشعب و مقتبس از این حکومت باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۱۳؛ سایت عصراسلام، ۱۴۰۰/۱۱/۱۲). تنها حکومتی مورد قبول ایشان است که حکومت امامت است که تا عصر حاضر یعنی در دوران غیبت از جانب فقها ادامه یافته است؛ بنابراین می‌توان گفت حکومت‌های انتخابی، شورایی، اکثریتی و هر نوع حکومتی که از جانب خداوند نباشد، از نظر ایشان مطرود است.

نوع دولتی که مرحوم آیت‌الله صافی در نظر دارد، دولتی است که «خط فرمانی» است و به تعبیر ایشان مرز، منطقه و کشور نمی‌شناسد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، ص ۱۲)؛ چراکه وی معتقد است مسلمانی که در فلان کشور غیراسلامی هست، باید از قوانین و

دستورالعمل اسلامی و حکومت اسلامی تبعیت کند. بر اساس همین دیدگاه است که اعلام می‌کند: اگر یک فرد مسلمان در دورترین نقاط چین یا اروپا یا امریکا یا هر منطقه دیگر باشد که حکومت‌های غیرشرعی قدرت سیاسی و اداره امور را در دست داشته باشند، همان یک فرد باید مطیع نظام الهی امامت باشد تا در نظام حکومت خدا باشد و باید دستورالعمل و برنامه کارش را از طریق نظام امامت تعیین کند، حتی اگر در منطقه تحت حکومت رسمی کفار، زندگی می‌کند و کارمند مؤسسات و وزارتخانه‌ها و ادارات آنها نیز باشد، باز هم باید فرمان‌بر نظام امامت باشد و از آن نظام دستور بگیرد و تابعیت آن را داشته باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، صص ۹-۱۰). ایشان برای تقویت و تأیید این نظریه خود که مسلمان باید تابعیت از حکومت اسلامی (حکومت خدایی) داشته باشد و از حکومت طاغوت اجتناب کند، عمل افرادی نظیر ابوذر، سلمان، مقداد و عمار همچنین افرادی امثال علی بن یقظین و محمد بن اسماعیل بن بزیع را در حکومت بنی‌عباس شاهد می‌آورد. اینان با اینکه در نظام طاغوتی زندگی می‌کردند، ولی از نظام امامت اطاعت می‌کردند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، صص ۹-۱۰).

یادآوری این نکته هم خالی از لطف نخواهد بود که حکومت یا دولت مبتنی بر امامت در نگاه مرحوم صافی، شناوری و سیالیت خاصی دارد؛ چراکه حکومت امامت گاهی به اندازه‌ای قلمرو و وسعتش کوچک می‌شود که یک فتوا یا حکم حکومتی از یک مجتهد را در بر می‌گیرد، آنجا که به جنبش تنباکو اشاره دارد و می‌گوید: حکومت و نظام امامت بود که در واقعه تحریم تنباکو، حکومت انگلستان را به زانو درآورد و رشته استبداد ناصرالدین شاه را قطع کرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳، ب، صص ۹-۱۲) و گاهی هم شامل یک کشور می‌شود، مانند حکومت اسلامی ایران و گاهی هم وسعتش به وسعت جهان است که همان حکومت واحد جهانی امام مهدی عج است؛ بنابراین اگر سؤال شود نظام امامت چگونه نظامی است، آیا نظام سلطنتی موروثی است یا نظام آریستوکراسی، یا نظام موناشرشی یا الیگارشی و بالاخره انتصابی است یا انتخابی، پاسخ آیت‌الله صافی این چنین است که نظام امامت نظامی است که مالک همه و حاکم و سلطان بر همه و صاحب اختیار واقعی و حقیقی همه در همه چیز خدا است. حکومت

مختص او است و قانون و شریعت و برنامه دولت و حکومت، همه از جانب او باید تعیین شود. هیچ کس بدون اذن او حق حکومت ندارد و حتی در منطقه وجود خودش نیز در حدود اذن او اختیار و حق مداخله دارد. این نظام سلطه یافتن و سلطه داشتن و زیاده جویی و توسعه طلبی و جاه طلبی و تأمین منافع یک فرد یا حزب یا یک ملت و تصرف بازارهای دیگران نیست، فقط فایده و غرض و فلسفه‌ای که در این نظام از حکومت منظور است، اقامه دین، اجرای برنامه‌های اسلام و عدالت و امر به معروف و نهی از منکر و ترقی و رشد فکری و تهذیب و تربیت نفوس و تکمیل افراد در معارف و علم و عمل و عمران زمین و تأمین رفاه و آسایش تمام بندگان خدا و متحد کردن مردم است. برنامه این نظام، شرعی و الهی است و ماهیت و حقیقتش با آن حکومت‌ها فرق بسیار دارد. حقیقتش خلافة الله و برنامه‌اش احکام الله است (صافی گلپایگانی، الف، صص ۳۴-۳۶).

بنابراین در نظام امامت، وقتی از جانب ولی امر، خواه شخص امام یا کسانی که از جانب او منصوب و معین شده‌اند، یا هریک از فقها که در عصر غیبت نیابت عاقله دارند، امری صادر گردد، باید اطاعت شود و مخالفت آن، در حکم رد حکم خدا و شرک به خدا است (صافی گلپایگانی، الف، صص ۲۹-۳۰). آیت الله صافی حاکم و رهبر جامعه را به ۱. حاکم یا نظام مدینه در عصر رسول اکرم ﷺ، ۲. نظام کوفه در عصر امیرالمؤمنین علی علیه السلام و شش ماه حکومت امام حسن علیه السلام، ۳. نظام یا حاکم، رهبر و پیشوای کل نظام موعود جهانی، ۴. نظام اسلامی در عصر غیبت تقسیم می‌کند و می‌گوید نظام‌های سیاسی در عصر معصومان با این دو ویژگی اساسی یعنی الف) عادل بودن و عدالت رهبر، ب) عصمت رهبر شناخته می‌شوند؛ یعنی رهبر باید عادل و معصوم از گناه و خطا و عمل به هوای نفسانی باشد و به عبارتی دیگر رهبر باید نمونه در پرهیزکاری و رعایت حق و عدالت، در تصمیمات، عزل و نصب و تصرف در بیت‌المال باشد؛ البته وی نه تنها بر این باور است که مقام امامت که اعظم مناصب و خلافت الله است، باید به کسی اعطا شود که از همه صالح‌تر، عالم‌تر و پاک‌تر باشد، بلکه برای مقامات پایین نیز همین اصل صلاحیت علمی و عملی و قدرت بر اداره و حسن تدبیر را معیار می‌داند؛ بنابراین معتقد است با وجود اصلح و الیق و اعلم، به صالح و لایق و عالم، مقامی اعطا نمی‌شود (صافی گلپایگانی، الف، صص ۲۲).

۱۰. چیستی و چگونگی اعمال کارویژه‌های دولت اسلامی در جامعه منتظر از دیدگاه آیت‌الله صافی گلپایگانی

گفته شد که نظام امامت، نظامی است که هیچ چیزی (نه زمان، نه مکان و نه حاکمان) توان این را ندارد آن را دچار فترت و انقطاع کند و نظامی است که به شکل‌های مختلف ظهور و بروز داشته است؛ برای مثال مرحوم «سیدمحمد مجاهد» و سایر علما به‌عنوان رهبر این نظام از جانب امام عصر علیه السلام فرمان جهاد با روس را صادر کردند و خود شخصاً در آن شرکت کردند. مرحوم «حاج میرزا مسیح تهرانی» در واقعه شورش علیه نفوذ روسیه در ایران و قتل «گری بایدوف» سفیر مقتدر و مطلق‌العنان روسیه، موضعش اتکا به این نظام بود. در مسئله تحریم تنباکو که حکم قاطع «الیوم استعمال تنباکو در حکم محاربه با امام زمان علیه السلام است» دماغ حکومت جبار انگلیس را به خاک مالید، نمونه‌ای و شکلی از قدرت نظام امامت بود و «آیت‌الله میرزای شیرازی» از موضع نیابت عامه حضرت ولی عصر علیه السلام این حکم تاریخی را صادر کرد. در انقلاب مشروطه، قیام علما علیه استبداد شاه که از عصر ناصرالدین شاه شروع شد، همه به استناد استمرار نظام امامت و نیابت عامه فقها بود. مجاهدات شخصیت‌هایی مثل «سیدشرف‌الدین» با استعمار فرانسه در سوریه و لبنان و انقلاب مرحوم «آقا میرزاتقی شیرازی» علیه استعمار انگلیس در عراق که به یک جهاد تمام‌عیار با انگلیس تبدیل شد و موضع‌گیری‌های «کاشف‌الغطا» بر ضد سیاست استعماری انگلیس و «سیدمحمدسعید حبیبی» و «آیت‌الله حکیم» علیه نظام مزدور عبدالسلام،... و بالاخره انقلاب اسلامی ایران به رهبری علما و فقها و مراجع بزرگ، به‌خصوص امام خمینی، همه وجود این نظام و بقا و نفوذ آن را نشان می‌دهد و گواه این است که این نظام هیچ‌گاه منقطع نشده است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ الف، صص ۱۰۸۹).

با نظر داشت مطالب بالا بحث این است که چنین حکومتی دارای چه کارویژه‌ای است. پاسخ اجمالی این است که از آنجایی که حکومت مورد نظر آیت‌الله صافی مرز، کشور و منطقه نمی‌شناسد، همچنین به عده و عُده در انجام احکام اسلامی توجهی

ندارد، از این رو کارویژه حکومت منتظر، همانند هر فرد جامعه منتظر، تعظیم شعایر و اعلاهی کلمه الله و احیای معالم مذهب و آثار اهل بیت علیهم السلام است؛ همچنین اعانت ضعفا، قضای حوایج و امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با بدع و پاسداری از احکام شرع است که منتظر حقیقی ظهور (اعم از نهاد یا شخص) باید به آن ملتزم و متعهد باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، ص ۳۳)؛ پس کارویژه‌های حکومت در جامعه منتظر در نگاه آیت الله صافی می‌تواند متعدد باشد که در ادامه به تشریح برخی از آنها مانند «تحصیل قرب الهی»، «اقامه عدالت» و «ایجاد رفاه و آرامش» می‌پردازیم.

۱۱. تحصیل قرب الهی در امتداد دفاع از دین خدا و در پرتو صیانت و اجرای قوانین و احکام اسلامی

یکی از کارویژه‌های دولت مورد نظر آیت الله صافی رسیدن و رساندن به قرب الهی است؛ زیرا غایت در اندیشه ایشان «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶) است؛ غایتی که دولت اسلامی برای رسیدن انسان به کمالات و تربیت انسان کامل، باید در امتداد آن حرکت کند و نقش آفرینی خود را معنا بخشد؛ بنابراین ایشان به همه از جمله جوانان توصیه می‌کند در جامعه منتظر در برابر همه دشمنانی که می‌خواهند به اسلام ضربه بزنند و در برابر همه هجوم فرهنگی و الحادی و اسلام‌زدایی، باید از اسلام دفاع کرد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ الف، ص ۵۱). ایشان معتقد است اسلام دین قانون است و حکومت در اسلام حکومت قانون است. حقوق بشر و حقوق انسان‌ها و مرد و زن همان است که خدای بشر، خدای زن و مرد، معین فرموده است. غیر از آن، همه ضلالت، گمراهی، فساد و تباهی و سیر به سوی زندگی حیوانی است (صافی، ۱۳۹۳، ص ۴۴). منشأ قانون در نگاه ایشان شرع مقدس است. ایشان اعلام می‌کند قوانین حاکم بر این نظام و اجتماع، قوانین اسلام است که به وسیله وحی اعلام شده و احدی نمی‌تواند چیزی بر آن بیفزاید یا چیزی از آن کم کند؛ بنابراین باید همگان به خصوص هیئت حاکم در این خط مستقیم، با احساس مسئولیت و تعهد قدم بردارند (صافی، ۱۳۹۴، ص ۱۹).

۱۲. اقامه عدالت

یکی از مباحثی که روشنگر بحث وظیفه و کارویژه دولت در نگاه آیت‌الله صافی است، طرح و تشریح عدالت و انواع آن است که در ادامه پیگیری خواهد شد. او معتقد است حاکمان (از پیامبر تا فقیه) همه ملزم به رعایت عدل و قسط هستند و برای برقراری عدالت، موظف به اجرای قوانین اند، البته نه قانون تدوین شده بشری. ایشان کسی را که قانون تدوین شده بشری را اجرا کند، عادل نمی‌داند و این فرمول را ارائه می‌دهد که عدل حاکم منوط به عدل قانون است؛ همان‌طوری که عدل قانون منوط به عدل مجری است؛ بنابراین در نگاه ایشان عادل آن کسی است که هوای نفس، او را از حق منحرف نمی‌کند که حکم به جور بدهد؛ از این رو به مردم توصیه می‌کند از عدل‌های عامیانه و عوام‌پسند پرهیز کنند و آنها را عدل نشمارند و حاکمی که با زور و قدرت شخصی، حکومت را به دست گرفت و خود را بر مردم تحمیل کرد، اگرچه در حلّ و فصل امور براساس عدل و قسط حکومت کند، ظالم بدانند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۴۱۱)؛ البته باید توجه داشت که آیت‌الله صافی عدالت را در چهار بُعد دنبال کرده است:

۱. عدالت سیاسی یا عدل حاکم (مراد از بُعد سیاسی عدل یا همان عدل حاکم این است که حکومت مشروع باشد و براساس زور و استبداد و به منظور فرمانرانی و تسلط بر مردم و تحمیل بر خلق‌الله و ملاحظه هوا و هوس و غرض و منافع شخصی خود و اشخاص معین و طبقه و حزب و گروه و جمعیت خاص و تبعیض نباشد و حاکم بر مبانی نادرست، برگزیده نشده باشد و فقط تقوا میزان انتخاب باشد) (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۸۴)؛ ۲.

عدل قانون (مراد وی از عدل قانون یا همان بُعد قانونی عدل این است که در قوانین، مصالح و منافع همگان، واقع و حقیقت نیازمندی‌های افراد جامعه و خواسته‌های حقیقی و فطری و گرایش بشر منظور شده باشد و برای فرد و طبقه و صنف خاصی در شرایط متساوی امتیازی نباشد و بر قانون فطرت بشر تحمیل نباشد. اگر سؤال شود عدالت برحسب چه چیزی مطرح می‌شود، آیا برحسب لیاقت است یا برابری، می‌توان گفت عدل قانونی در نگاه آیت‌الله صافی به‌مثابه رعایت تناسب، استحقاق و شایستگی‌ها است نه به‌مثابه مساوات و برابری؛ زیرا می‌گوید عدل این است که هرکسی و هر چیزی سهم خود و آنچه را که

لازم دارند و حقشان است، ببرند، نه اینکه همه مقدار واحد و به اندازه واحد ببرند؛ بنابراین وقتی این طور شد و چنین چیزی در زندگی انسان‌ها و معاش و تولید و توزیع نعمت‌ها اجرا شد، عدل و نصیب به عدل، استحقاق و سهام صحیح و متعادل برقرار می‌گردد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، صص ۱۸۶)؛ ۳. عدل اقتصادی (بعدها اقتصادی عدل یا عدل اقتصادی عبارت از این است که براساس قانونی بودن حق مالکیت اختصاصی، قوانین اقتصادی و مالی، کار و نظامات مشاغل به قسط، نصیب به عدل، تنظیم سهام و جلوگیری از تورم، تراکم بی‌رویه و غیرمتعارف سرمایه‌ها، منع احتکار و ترتیب تولید، مطابق کردن عرضه و تقاضا، توزیع عادلانه و صحیح محصولات، متعادل ساختن قیمت‌ها و دستمزدها به طوری که هر کس بتواند با دادن آنچه دارد، از کار یا مزد کار، نیازمندی‌های متعارف خود را بگیرد، نظر داشته باشد. حکومت نیز براساس معیارهای دقیق و صحیح، صلاحیت و اختیار قانونی داشته باشد که عدالت را بدون اینکه به حق کسی تجاوز نماید، برقرار کند. مسئول و متعهد باشد که با تمام قوا، عدل اقتصادی، مبارزه با فقر و محرومیت از معاش متوسط و متناسب را در رأس برنامه‌های حکومتی خود قرار دهد و جامعه و افراد را از فقر و ورشکستگی نجات دهد) (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، صص ۱۸۷)؛ ۴. عدل اجتماعی (یا بعدها اجتماعی عدل)؛ یعنی به کارگیری قوانین صحیح (قوانینی که روابط افراد را با یکدیگر و روابط آنها با حکومت براساس منزه از استکبار و استضعاف مقرر کرده باشد) در همه رشته‌های مختلف. پس یکی از کارویژه‌های دولت منتظر، در نگاه آیت‌الله صافی، گسترش عدالت با تحفظ ابعاد آن در محدوده توانش است.

۱۳. ایجاد رفاه و آرامش

اگر بگوییم یکی از کارویژه‌های دولت اسلامی در نگاه آیت‌الله صافی تأمین آرامش و رفاه است. این سؤال مطرح خواهد شد که آرامش و رفاه به چه معنایی است و شاخص‌های آن دو کدام‌اند. آرامش یعنی تعادل روحی و نبود تشویش و اضطراب که نتیجه آن تعامل صحیح با مسائل و گرفتاری‌ها است (فرانکن، ۱۳۸۸، ج ۲، صص ۴۶۰)؛ البته آرامش، هم می‌تواند طریق و روش باشد و هم هدف و به فردی و اجتماعی تقسیم

گردد و آرامش اجتماعی نیز با نشانه‌ها و شاخص‌هایی چون امنیت (اعم از امنیت راه‌ها، امنیت روانی و امنیت جانی) شناخته می‌شوند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۷۶)؛ اما رفاه به معنای فراخ و آسان‌شدن زندگی (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۶۵) یا به معنای برخورداری از امکانات است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۶۴۵) و با نشانه‌هایی نظیر مرکب (وسایل نقلیه مانند وسایل آبی، زمینی، هوایی، زیرزمینی)، انعام (غذا)، باغ، ثروت، زمین، گنج، پوشاک و مسکن در قرآن قابل شناسایی است؛ اما چگونه می‌شود این مباحث را در اندیشه آیت‌الله صافی دنبال کرد؟ پاسخ این است که همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، جامعه منتظر جامعه‌ای است که در راستای جامعه مهدوی حرکت کند و به دنبال اجرا و بسترسازی برای آن جامعه باشد؛ بنابراین از آنجایی که در جامعه مهدوی امنیت، صلح واقعی و آرامش و رفاه یکی از ویژگی‌های دولت مهدوی است، دولت جامعه منتظر نیز باید یکی از کارویژه‌های خود را تحقق آرامش و رفاه مردمان جامعه منتظر بداند و برای تحقق آن تلاش کند. همان‌طور که دولت غوث اعظم و عدل قرآن، به نفی تجمل‌گرایی و افراط در مصرف، پوشاک، مرکب و مسکن می‌پردازد، دولت جامعه منتظر نیز باید در همان راستا به مبارزه با تجمل‌گرایی پردازد و برای بهبود وضع اقتصاد عمومی تلاش کند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، صص ۴۶-۴۸). خلاصه اینکه چون آیت‌الله صافی یکی از وظایف حکومت را تأمین معاش، رفاه و آسایش مردم می‌داند، اعلام می‌کند: بر حکومت لازم می‌شود برای جلوگیری از این ناچاری‌ها، عرضه را در هر مکان و زمان طوری قرار دهد که وضع غیرعادی پیش نیاید؛ مثلاً در راه‌ها و مسیر مسافران، همه جا وسایل مورد نیاز در اختیار مردم باشد و برای متعادل‌ماندن قیمت‌ها تدابیری اتخاذ کند که هم قانونی باشد و هم احترام مالکیت و آزادی افراد برقرار باشد؛ مثلاً برای کنترل قیمت کرایه وسایل نقلیه، اگر خارج از حد متعارف و موجب عسر و حرج باشد، وسایل دولتی را نیز در کنار آنها بگذارد که به قیمت متعادل، حمل و نقل را عهده‌دار باشند یا بیمارستان و دارو و پزشکی در اختیار مردم بگذارد که کسی از راه ناچاری، مال یا عمل خود را به کمتر از قیمت متعارف نفروشد. همچنین با اجرای قانون منع احتکار، شرایط غیرعادی را از بین ببرد یا از افرادی که بازار سیاه می‌سازند و با خرید

اجناس و اتلاف آنها و انحصار آن به خودشان قیمت را بالا می‌برند، جلوگیری نماید و مانع از اسراف و تبذیر گردد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۹۴).

نتیجه‌گیری

دیدگاه آیت‌الله صافی درباره حکومت این است که اگر هر کس به عقل خودبنیاد تکیه و ادعای خودکفایی یا استقلال (استغنا، استکبار) در امر حاکمیت کند، گویی خواستار سهمی در الوهیت شده و مشرک خواهد بود؛ بنابراین حکومت و ولایت از آن خداوند سبحان است و حکومت و اسم‌هایی مانند «الحاکم» و «الولی» و امثال آن از اختصاصات خداوند متعال است و حکومتی مشروع تلقی می‌شود که منشعب و مقتبس از این حکومت باشد و چون حکومت پیامبر، امام علی، امام حسن تا امام مهدی علیهم‌السلام ولایت تشریحیه است و اینان هستند که حق حکومت را دارند و چون حکومت امامت فترت و انقطاع ندارد، در عصر غیبت یا در جامعه منتظر شأن حکومت از جانب امام معصوم به فقها می‌رسد و کارویژه تمامی حکومت‌های اسلامی از حکومت در مقیاس حکم حکومتی میرزای شیرازی گرفته تا حکومت واحد جهانی امام زمان علیه‌السلام اقامه دین و اجرای احکام اسلامی است و این کارویژه بر کارویژه‌های دیگر دولت از قبیل تأمین معاش، رفاه و آسایش و آرامش، امنیت و صیانت از قوانین سایه انداخته است.

فهرست منابع

* قرآن مجید.

۱. ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۸۴). مبانی سیاست (ج ۱، چاپ دهم). تهران: انتشارات توس.
۲. انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
۳. ایسنا، سایت خبرگزاری دانشجویان ایران. (۱۳۸۵). آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، وجود فرهنگسراها باعث حزن امام زمان علیه السلام می‌شود. بازبینی شده در: ۸ اردیبهشت ۱۳۸۵، https://b2n.ir/z01707_047479
۴. چاندوک، نیرا. (۱۳۷۷). جامعه مدنی و دولت، کاوش‌هایی در نظریه سیاسی (مترجم: فریدون فاطمی و وحید بزرگی). تهران: نشر مرکز.
۵. خبرنگار گویا، خبرگزاری بین‌المللی قرآن. (۱۳۸۸). آیت‌الله صافی گلپایگانی، هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای زنان ارزش قائل نشده است. بازبینی شده در تاریخ: ۲۳ مهر ۱۳۸۸ <https://b2n.ir/k29454>
۶. خیری، حسن. (۱۳۸۹). مقایسه پارادایم دینی (اسلامی) با پارادایم‌های اثباتی، تفسیری و انتقادی. فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، (۲)، صص ۷-۱۳.
۷. تابناک تاریخ انتشار ۵ مرداد ۱۳۹۱ انتقاد آیت‌الله صافی از همایش عرفان ملی. بازبینی شده در تاریخ: سه‌شنبه، پنجم مرداد، ۱۳۹۱. <https://www.tabnak.ir/fa/news/261872/>
۸. سایت عصر اسلام. (۱۴۰۰). نظر آیت‌الله صافی گلپایگانی درباره ولایت فقیه. بازبینی شده در تاریخ: ۱۲ بهمن ۱۴۰۰، <https://b2n.ir/z50852.29110>
۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۰). امام خمینی و حکومت اسلامی (مصاحبه‌های علمی) (ج ۱۰، نظر آیت‌الله صافی گلپایگانی درباره ولایت فقیه). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۱ الف). ولایت تکوینی و ولایت تشریحی. قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.

۱۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۱ب). سلسله مباحث امامت و مهدویت (۴جلدی). قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲الف). نظام امامت و رهبری، امامت حضرت بقیه‌الله و نقش سازنده عقیده به امامت آن حضرت. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲ب). تجلی توحید در نظام امامت. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲ج). عقیده نجات‌بخش: پیرامون عقیده به ظهور و حکومت مهدی عج. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳الف). پیام‌های مهدوی (مجموعه پیام‌های آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی). قم: دفتر تنظیم و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳ب). پاسخ به ده پرسش (پیرامون امامت، خصائص و اوصاف حضرت مهدی عج). قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳ج). پیرامون معرفت امام. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۴). به سوی دولت کریمه. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۷). سلسله مباحث امامت و مهدویت (۳): ولایت تکوینی و ولایت تشریحی. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۲۰. فرانکن، رابرت. ای. (۱۳۸۸). انگیزش و هیجان (مترجمان: حسن شمس اسفندآباد، غلامرضا محمودی و سوزان امامی‌پور، ج ۲، چاپ دوم). تهران: نشر نی.

۲۱. مدرسی، فرید. (۱۳۸۸). روابط دولت نهم و دهم با حوزه و پیامد هفتگانه آن، دوشنبه ۲۶ بهمن. <http://www.faridmod.blogfa.com/post/396>
۲۲. منوچهری، عباس. (۱۳۹۴). اندیشه سیاسی به مثابه دانشی میان‌رشته‌ای: روایتی دلالتی-پارادایمی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، (۲۶)، صص ۱-۲۲.
۲۳. مهرپور، حسین. (۱۳۸۸). دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی (چاپ سوم). تهران: اطلاعات.
۲۴. هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن (ج ۴). قم: بوستان کتاب.
۲۵. هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۶). فرهنگ قرآن (ج ۱۵). قم: بوستان کتاب.
۲۶. داریوش، جهان‌بین. (۱۳۷۹). گفتگو با حسین بشیریه؛ دولت، جامعه مدنی و گفتمان‌های جامعه‌شناسی سیاسی، کتاب ماه علوم اجتماعی، اسفند و فروردین، ص ۴.
۲۷. سایت خبرگزاری مهر. (۱۳۹۸). در اولین نشست از سلسله نشست‌های روایت حجره بررسی شد؛ زندگی، فعالیت‌ها و دیدگاه‌های آیت الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه، کد خبر <https://www.mehrnews.com/news/4845510>

References

1. Abolhamd, A. (1384 AP). *Basics of politics* (Vol. 1, 10th ed.). Tehran: Tous Publications. [In Persian]
2. Anvari, H. (1381 AP). *The Great Dictionary of Sokhan*. Tehran, Sokhan. [In Persian]
3. Asre Islam site. (1400 AP). *Ayatollah Safi Golpayegani's opinion about the religious authority*. Revised on: 12 Bahman 1400, 29110. <https://b2n.ir/z50852>.
4. Chanduk, N. (1377 AP). *Civil society and the state, explorations in political theory* (Fatemi, F., & Bozorgi, V, Trans.). Tehran: Nahr-e-Markaz. [In Persian]
5. Daryush, J. (1379 AP). *Conversation with Hossein Bashiriyeh; Government, civil society and discourses of political sociology*. Book of the month of social sciences, March and April, p. 4. [In Persian]
6. Franken, R. (1388 AP). *Motivation and excitement* (Shams Esfandabad, H., & Mahmoudi, Q. R., & Emamipour, S, Trans. (vol.2, 2nd ed.). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
7. Goya News, International Quran News Agency. (1388 AP). *Ayatollah Safi Golpayegani, no school has valued women as much as Islam*. Revised on: 23 Mehr 1388 AP, from: <https://b2n.ir/k29454>. [In Persian]
8. Hashemi Rafsanjani, A., & the researchers of the Quran Culture and Education Center. (1383 AP). *Dictionary of the Qur'an* (Vol. 4). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
9. Hashemi Rafsanjani, A., & the researchers of the Quran Culture and Education Center. (1386 AP). *Dictionary of the Qur'an* (Vol. 15). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
10. Isna, the website of Iran's student news agency. (1385 AP). *Ayatollah Safi Golpayegani, the existence of cultural centers makes Imam Zaman sad*. Revised on: May 8, 2006, 047479 <https://b2n.ir/z01707>. [In Persian]
11. Kheiri, H. (1389 AP). Comparison of religious (Islamic) paradigm with proof, interpretation and critical paradigms. *Social Cultural Knowledge*, (2), pp. 7-13. [In Persian]

12. Manouchehri, A. (1394 AP). Political thought as an interdisciplinary knowledge: a symbolic-paradigmatic narrative. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, (26), pp. 1-22. [In Persian]
13. Mehr News Agency website. (1398 AP). *In the first meeting of the series of meetings on the narrative of the house was examined; Life, activities and views of Ayatollah Safi Golpayegani*. From: <https://www.mehrnews.com/news/4845510>. [In Persian]
14. Mehrpour, H. (1388 AP). *New Perspectives on Legal Issues* (3rd ed.). Tehran: Etela'at. [In Persian]
15. Modaresi, F. (1388 AP). *The relations of the 9th and 10th governments of Iran with their seven spheres and consequences*. Monday, February 26. From: <http://www.faridmod.blogfa.com/post/396>. [In Persian]
16. Safi Golpayegani, L. (1380 AP). *Imam Khomeini and the Islamic government (academic interviews)* (Vol.10: Ayatollah Safi Golpayegani's opinion about the Wilayat Faqih). Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. [In Persian]
17. Safi Golpayegani, L. (1391 AP). *A series of discussions on Imamate and Mahdism* (4 Vols.). Qom: Office for editing and publishing the works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
18. Safi Golpayegani, L. (1391 AP). *Formative Wilayat and legislative Wilayat*. Qom: Hazrat Mahdi Mowoud Cultural Foundation. [In Persian]
19. Safi Golpayegani, L. (1392 AP). *Redemptive Belief: About the Belief in the Appearance and Rule of the Mahdi*. Qom: Editing and publishing office of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
20. Safi Golpayegani, L. (1392 AP). *The manifestation of monotheism in the Imamate system*. Qom: Office for editing and publishing the works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani.
21. Safi Golpayegani, L. (1392 AP). *The system of Imamate and leadership, the Imamate of Hazrat Baqiyatollah and the role of creating belief in his Imamate*. Qom: Editing and Publishing Office of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]

22. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *About Imam's knowledge*. Qom: Editing and Publishing Office of Hazrat Ayatollah Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
23. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *Answers to ten questions (about Imamate, characteristics and attributes of Hazrat Mahdi)*. Qom: Editing and Publishing Office of Hazrat Ayatollah Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
24. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *Mahdavi's messages (a collection of Ayatollah Azami Safi Golpayegani's messages)*. Qom: Editing and Publishing Office of Hazrat Ayatollah Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
25. Safi Golpayegani, L. (1394 AP). *Towards the government of Karimah*. Qom: Editing and Publishing Office of Hazrat Ayatollah Grand Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
26. Safi Golpayegani, L. (1397 AP). *A series of discussions on Imamate and Mahdism (3): Formative and legislative Wilayat*. Qom: Office for editing and publishing the works of Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
27. Tabnak (05/05/1391 AP). *Ayatollah Safi's criticism of the national mysticism conference*. Revised on: Tuesday, August 5, 2012. From: <https://www.tabnak.ir/fa/news/261872/>. [In Persian]



An Analytical Bibliography of *Muntakhab al-Athar fi al-Imam al-Thani Ashar*

Mohammad Hadi Mansouri¹

Received: 18/01/2023

Accepted: 21/02/2023

Abstract



The book *Muntakhab al-Athar fi al-Imam al-Thani Ashar* authored by Ayatollah Lotfollah Safi, which contains Mahdavi topics, is known as one of the important sources of Mahdavi narratives due to its characteristics. The present study via a descriptive-analytical method tries to explain the author's style, why and method of authoring and analyzing the systematic style of the book, and its characteristics. The findings suggest that the author, by carefully selecting the narratives and examining their meaning, categorized them in a new way, and collected the narratives of each topic by mentioning the document from the previous sources, and then through paying attention to the spiritual frequency, he proved that the Mahdavi narratives are rooted in authentic narrative sources and they are close to the era of The Fourteen Infallibles. Therefore, this book has a theological-historical orientation. The most important features of *Muntakhab al-Athar* are fluent writing, order and innovative style, abundance of narrations, comprehensiveness, the author's extensive examination, considering spiritual frequency, attention to the principle of unity and proximity of religions, avoidance of repetition, jurisprudential selection of narratives

1 . Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Studies, University of Islamic Studies, Qom, Iran. mansouri@maaref.ac.ir.

* Mansouri, M. H. (1400 AP). An Analytical Bibliography of *Muntakhab al-Athar fi al-Imam al-Thani Ashar*. *Journal of Mahdavi Society*, 3(5), pp. 176-206. DOI: 10.22081/JM.2023.65741.1060.

and paying attention to the verses of Mahdiism which lead this book to be introduced to the scientific community as a distinguished work compared to other Mahdavi works.

Keywords

Muntakhab al-Athar, numbering of Hadiths, Jurisprudential selection of narratives, Ayatollah Safi, Mahdiism Works.



کتاب‌شناسی تحلیلی «منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر»

محمدهادی منصورى^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

چکیده



کتاب **مُتَّخَبُ الْأَثَرِ فِي الْأَمَامِ الثَّانِي عَشَرَ** نوشته آیت‌الله لطف‌الله صافی که مشتمل بر مباحث مهدوی است، به سبب ویژگی‌هایش، به‌عنوان یکی از منابع مهم روایات مهدوی شناخته می‌شود. پژوهش پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی تلاش دارد ضمن تبیین شیوه مؤلف، چرایی و روش تألیف و تحلیل سبک نظام‌مند اثر، ویژگی‌های آن را تبیین نماید. یافته‌ها حاکی است مؤلف با انتخاب دقیق روایات و بررسی دلالتشان از لحاظ موضوعی آنها را به شیوه‌ای نو دسته‌بندی کرده و روایات هر موضوع را با ذکر سند از مصادر متقدم گردآوری و با اهتمام به تواتر معنوی، اثبات نموده روایات مهدوی ریشه در مصادر معتبر روایی و نزدیک به عصر معصومان دارند؛ از این رو این کتاب، گرایش کلامی - تاریخی دارد. مهم‌ترین ویژگی‌های **منتخب الأثر**، قلم روان، نظم و شیوه مبتکرانه، فراوانی روایات، جامعیت، تتبع گسترده مؤلف، اهتمام به تواتر معنوی، توجه به اصل وحدت و تقریب مذاهب، پرهیز از تکرار، گزینش فقیهانه روایات و توجه به آیات مهدویت است که موجب شده این اثر نسبت به دیگر تراث مهدویتی به‌عنوان اثری ممتاز به جامعه علمی معرفی شود.

کلیدواژه‌ها

منتخب الأثر، شماره‌گذاری احادیث، گزینش فقیهانه روایات، آیت‌الله صافی رحمته‌الله علیه، تراث مهدویت.

مقدمه

یکی از نام‌آورترین علمایی که عمر خود را وقف تبیین و تبلیغ معارف امامت به‌ویژه مهدویت کرد، مرحوم آیت‌الله صافی گلپایگانی است. کتاب *مُنْتَخَبُ الْأَثَرِ فِي الْأَمَامِ الثَّانِي عَشَرَ* دانشنامه‌ای روایی به زبان عربی با موضوع امام عصر است. اهتمام به جمع‌آوری روایات همواره یکی از دغدغه‌های علما و بزرگان دین اسلام در طول زمان بوده است. این کتاب از مهم‌ترین و جامع‌ترین کتاب‌های جهان تشیع در حوزه احادیث مهدویت است؛ از این جهت شناخت آن بر مهدوی‌پژوهان لازم است. از منظر آقابزرگ تهرانی در الذریعه، کتاب *منتخب الاثر* در نیکوترین اسلوب و زیباترین ترتیب نوشته شده است: «رتبه علی عشرة فصول، کل فصل علی أبواب کل باب علی أحادیث فی المهدی کلها نقلا عن - کتب العامة و بعض الخاصة مثل المحجة للسید هاشم البحرانی، بأحسن أسلوب و ترتیب» (تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۲، ص ۳۶۷). شهید مطهری مطالعه این اثر را به همگان توصیه می‌کند (ر.ک: مطهری، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۱۶۹). نویسنده این اثر، در کتاب *فخر دوران* اشاره می‌کند که کتاب را به پیشنهاد آیت‌الله بروجردی نوشته است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، ص ۹۶). *منتخب الاثر* در سه جلد و یازده فصل تألیف شده است. اسلوب خلاقانه این موسوعه توجه مخاطبان را به سوی خود جلب کرده است. کتاب *منتخب الاثر* اولین کتابی است که با اسلوبی ابتکاری روایات مهدویت را ثبت و ضبط کرده است.

۱. پیشینه

معرفی و تحلیل کمی و کیفی کتاب‌های علمی و تخصصی، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده و سبب آشنایی بیشتر و دستیابی سریع و مؤثر به منابع شده است. پژوهش‌های متعددی در قالب مقالات و سایت‌ها^۲ به معرفی اجمالی کتاب *مُنْتَخَبُ الْأَثَرِ*

۲. *منتخب الاثر* <https://fa.wikishia.net/view/>، *منتخب الاثر* <https://fa.wikifeqh.ir/>

فی الامام الثانی عشرَ پرداخته‌اند. همچنین در مجله گلستان قرآن، شماره ۳۳، مقاله‌ای با عنوان «منتخب الاثر، اثری ماندگار درباره حضرت مهدی (عج)» در آبان ۱۳۷۹، به قلم خود مؤلف درباره این اثر چاپ شده است. مقاله‌ای نیز با عنوان «پیش‌فرض‌ها و مبانی اعتبارسنجی روایات مهدوی در کتاب شریف منتخب الاثر» نوشته فاطمه دانشی و احمد کریمی در مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۵۰، شهریور سال ۱۴۰۰ ش چاپ شده است؛ در عین حال ویژگی‌های این کتاب و روش مؤلف در پژوهشی تحلیلی و بررسی نشده است؛ بنابراین پژوهش پیش رو تلاش دارد ضمن معرفی مؤلف و مترجم، ویژگی‌ها و امتیازات کتاب منتخب الاثر را توصیف و تحلیل کند.

۱-۱. پیشینه چاپ نسخه‌های کتاب

این کتاب به زبان عربی با تلاش‌های نویسنده در خردادماه ۱۳۳۳ به پایان رسیده و در همان سال به کوشش «مطبعه الحیدری» در تهران چاپ شده است. پس از آن مرکز نشر مکتبه الصدر در تهران و مراکز نشر دیگر از جمله آستان مقدس حضرت معصومه سال ۱۳۷۷، مرکز نشر آثار آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۸، انتشارات دارالمرتضی و مؤسسه الوفاء و انتشارات کتاب جمکران این اثر را منتشر کردند. در ابتدا کتاب دارای یک جلد بوده است. پس از آن مؤلف باب اول را به یک جلد می‌رساند و با بازنگری جلد دوم و سوم را نیز تکمیل می‌کند و بحث‌های روایی درباره موضوعات مربوط به امام دوازدهم را به آخر کتاب سوم با عنوان «ملحقات» اضافه می‌کند. متن عربی و سه‌جلدی این کتاب در نرم‌افزارهای نور «سیره معصومان»، «کتابخانه مهدویت» و «مجموعه آثار آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی» موجود است. همچنین پی‌دی‌اف آن از کتابخانه قائمیه قابل دانلود است. این کتاب در سال ۱۳۹۳ ش با سرپرستی «محسن احمدی» به فارسی ترجمه و در انتشارات منیر در شش جلد منتشر شد. افزون بر این، منتخب الاثر به زبان‌های

مختلف از جمله اردو^۱ و انگلیسی^۲ هم ترجمه شده است. ترجمه و تلخیص فارسی آن نیز به کوشش لطیف راشدی و سعید راشدی در انتشارات کتاب جمکران منتشر شده است.

۲. آشنایی با مؤلف

مؤلف کتاب، آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی مرجعی آگاه به زمان، فقیه و حدیث‌شناس بود که حدود هفتاد سال پیش بدون در دسترس داشتن منابع و مصادر با تحمل سختی بسیار این کتاب را گردآوری کرد. مدتی در گلپایگان، قم و نجف حضور داشت. سیدمحمدتقی خوانساری، سیدمحمد حجّت کوه‌کمره‌ای و محمدکاظم شیرازی برخی از استادان او بودند؛ اما استادی که بیش از همه اثر سازنده‌ای در وجود علمی‌اش داشت و صافی مدت هفده سال از ایشان بهره برد، آیت‌الله العظمی بروجردی بود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۵ش، صص ۲۳-۲۴). کتاب منتخب الاثر به پیشنهاد آیت‌الله بروجردی نوشته شد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۴، ص ۹۶).

۳. انگیزه و هدف مؤلف

مؤلف در مقدمه جلد اول پس از حمد و ثنای الهی و اشاره به اینکه احادیث شریف معصومان دربردارنده همه نیازهای انسان است، یک بررسی تاریخی از سرگذشت جامعه مسلمانان ارائه می‌دهد:

۱. منع از نگارش سنت پیامبر پس از رسول خدا و در پی آن رواج اسرائیلیات؛
۲. تعارض سیاست‌های حاکم بر جامعه توسط مجریان این سیاست‌ها با قوانین اسلام؛
۳. ظهور مکاتب فلاسفه و فلسفه یونانی در جامعه و اختلافات زیاد مکتب توحیدی و مکاتب فلسفه؛

۱. کتاب با عنوان جمال منتظر و ترجمه نثاراحمد زین‌پوری، در انتشارات «امام‌المنتظر» در سال ۱۳۸۳ش در تهران چاپ شده است.

۲. کتاب به قلم شیب رضوی ترجمه و به همت انتشارات نبأ تهران، در سال ۱۳۸۲ش چاپ شده است.

۴. تقدیر از علمای علم حدیث و مفسران و متخصصان علوم دینی در حفظ کردن مکتب اسلام؛

۵. دوران معاصر و گرفتاری مسلمانان در فلسفه‌های ضد دین غربی یا الحادی شرقی و روشنفکرانی که به تأویل اصول اسلامی بر اصول مادی و حتی مارکسیستی الحادی روی آوردند (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، صص ۱۱۵).

با توجه به مواردی که مؤلف ذکر کرده، مهم‌ترین انگیزه و هدف وی از تألیف منتخب الاثر تمییز مکتب اسلام واقعی با اسلام ساختگی و جلوگیری از انحرافات است، به‌خصوص ادعاهایی که درباره مهدویت صورت می‌گیرد. در واقع جلوگیری از به‌وجود آمدن شبهات و پاسخ به افرادی است که در زمان غیبت امام عصر ادعای مهدویت و امامت کرده‌اند؛ همچنین کسانی که تحت تأثیر چنین افرادی قرار می‌گیرند. با مطالعه این کتاب به‌روشنی می‌توان ویژگی‌های امام مهدی را شناخت و مورد فریب و اغوای مدعیان دروغین قرار نگرفت. نویسنده در مقدمه جلد دوم به‌طور مستقیم به این مطلب اشاره می‌کند: آنچه موجب شد ما این کتاب را به خوانندگان گرامی تقدیم کنیم، نشان دادن ادعای پوچ مدعیان مهدویت و امامت در دوران غیبت به‌ویژه در قرون اخیر است و این حرکت به دست استعمارگرانی صورت گرفته که برای تفرقه‌افکنی میان مسلمانان در برخی از کشورها بعضی افراد پست و ریاست‌طلب و سطح پایین را تحریک نموده تا ادعای مهدویت کنند؛ درحالی که ویژگی‌ها و نشانه‌های مصلح جهانی آن‌قدر دقیق و متنوع است که امکان تحقق آن جز در یک شخص معین امکان ندارد (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۳). نقدهای مؤلف بر کتاب الأخبار الدخیلة که در پایان جلد سوم مطرح شده است نیز مؤید این مطلب است؛ بنابراین مطالعه کتاب، فرد را با عقاید مهدویت به‌طور کامل آشنا می‌کند و مؤلف را به هدف خویش از نوشتن کتاب که حل شبهات است، می‌رساند؛ چنان که مترجم در مقدمه این کتاب می‌نویسد: «اگر کسی با انصاف و به دور از لجاجت و تعصب کور آن را مطالعه کند، هیچ تردیدی در مسئله امام زمان برایش باقی نمی‌ماند و به وجود شریف حضرت مهدی با تمام ویژگی‌ها و خصوصیاتش که پیامبر خدا برای آن حضرت ترسیم فرموده است، یقین خواهد نمود و هرگز در این مسئله که روایات آن

فوق حد تواتر است، به اشتباه و کجروی نخواهد افتاد» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳ش، ج ۱، مقدمه).

۴. آشنایی با ترجمه فارسی کتاب

این کتاب را گروهی به سرپرستی محسن احمدی و ویراستاری محسن استادولی ترجمه کرده‌اند و در سال ۱۳۹۳ش به چاپ رسیده است.

۵. رابطه کتاب با سایر کتاب‌های نویسنده

مؤلف در زمینه‌های فقه، اصول، مباحث تربیتی و مهدویت دارای ۸۳ عنوان کتاب است؛ البته ایشان به‌عنوان مرجع مهدوی شناخته شده و بیش از بیست کتاب به زبان فارسی در عرصه مهدویت تألیف کرده است. از جمله این کتاب‌ها می‌توان این موارد را نام برد: پیام‌های مهدوی، نوید امن و امان، به سوی دولت کریمه، پاسخ ده پرسش، پیرامون معرفت امام، گفتمان مهدویت، فروغ ولایت در دعای ندبه، ولایت تکوینی و ولایت تشریحی، نظام امامت و رهبری، انتظار عامل مقاومت، عقیده نجات‌بخش، وابستگی جهان به امام زمان، اصالت مهدویت، معرفت حجت خدا، باورداشت مهدویت.

۶. عبارات کلیدی و نقشه مفهومی کتاب

از منظر مؤلف مهم‌ترین بحث، احادیث متواتری است که بر تعداد خلفا و کسانی که عهده‌دار امت‌اند، تصریح دارد؛ چرا که صدور این احادیث از پیامبر اکرم صرفاً گزارشی از آینده نبوده، بلکه مسئله‌ای دینی است که شناخت و اعتقاد به آن لازم و ضروری است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۲)؛ پس به دلیل بزرگداشت مسئله خلافت و جایگاه رفیع ولایت و امامت جلد یکم را به این امر اختصاص داده است؛ بنابراین مؤلف روایاتی را با این موضوع در باب یکم ذکر کرده (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، صص ۱۷-۱۰۰) و در باب دوم نیز روایاتی در تفسیر آن احادیث ضمیمه نموده است (صافی گلپایگانی،

۱۴۲۲ق، ج ۱، صص ۱۰۱-۲۵۴). در نهایت پس از ذکر ۳۰۹ روایت، در ملحقات باب دوم به دو سؤال کیستی خلفای دوازده‌گانه و تعیین کسانی که این احادیث بر ایشان منطبق است، مواردی را تبیین کرده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، صص ۲۵۵-۳۰۲). پس از آن نویسنده در جلد دوم و سوم ذکر احادیث، سیری تاریخی پیش می‌گیرد. این سیر تاریخی به خواننده کمک می‌کند تا با مؤلف همراه شود و ارتباط عمیقی با کتاب برقرار نماید. مؤلف در باب سوم احادیثی را ذکر می‌کند که به «نام‌ها، اوصاف، ویژگی‌ها، شمایل و بشارت به آمدن حضرت» اشاره دارد^۱ (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۱۹-۳۶۶). در باب چهارم به احادیث ولادت و چگونگی ولادت و تاریخ آن و حالات مادر بزرگوار آن حضرت و معجزات آن حضرت و کسانی که در زمان حیات پدر بزرگوارشان ایشان را زیارت کرده‌اند، اشاره شده (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۳۶۷-۴۳۶) و در باب پنجم، روایاتی در حالات و معجزات حضرت در غیبت صغری آمده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۴۳۷-۵۲۲). در باب ششم، روایات دال بر حالات و معجزات حضرت در غیبت کبری (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۵۲۳-۵۶۳) و در باب هفتم علائم ظهور آن حضرت و حوادث پیش از ظهور و هنگام ظهور آمده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، صص ۵-۱۳۰). در باب هشتم به حوادث پس از خروج آن حضرت (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، صص ۱۳۱-۱۷۴) و در باب نهم به حالات اصحاب و یاران حضرت اشاره شده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، صص ۱۷۵-۱۸۱). در باب دهم درباره مدت حکومت بعد از ظهور و کیفیت زندگی ایشان میان مردم احادیثی بیان شده (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، صص ۱۸۳-۱۹۵) و در باب آخر احادیثی در نکوهش منکران حضرت و فضیلت انتظار فرج و برخی از وظایف شیعیان نسبت به ایشان ذکر شده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، صص ۱۹۷-۲۵۹).

۱. شایان ذکر است علاوه بر ۴۷۵ روایتی که آیت‌الله صافی در این قسمت آورده، به ۴۷۶۹ مورد از فرازهای دیگر روایات آدرس داده است.

شماره باب	موضوع	تعداد روایات بدون تکرار	تعداد آدرس داده شده (تکراری)
اول و دوم	تعداد امامان معصوم (دوازده گانه بودن)	۳۰۹	۵۲
سوم	روایات دال بر ظهور مهدی □	۴۷۵	۴۷۶۹
چهارم	ولادت حضرت مهدی، برخی حالات مادر بزرگوار آن حضرت، نام او، معجزات در زمان حیات پدر و کسانی که در زمان حیات پدر بزرگوارش او را زیارت کرده‌اند	۳۵	۴۲۱
پنجم	حالات و معجزات حضرت در زمان غیبت صغری پس از وفات پدر بزرگوارش و ذکر کسانی که در غیبت صغری مشرف به مقام سفارت حضرتش شدند و نیز کسانی که در آن دوران توفیق زیارتش را یافتند	۶۰	۲۴
ششم	حالات و معجزات حضرت در غیبت کبری و ذکر برخی از کسانی که به زیارت او مشرف شده‌اند	۱۹	۹
باب هفتم	علائم ظهور و حوادث پیش از ظهور و هنگام ظهور	۲۲۰	۱۵۰
باب هشتم	حوادث پس از خروج حضرت	۶۸	۲۶۲
باب نهم	حالات اصحاب و یاران آن حضرت	۸	۱۹
باب دهم	مدت حکومت حضرت پس از ظهور و کیفیت زندگی او میان مردم و آنچه انجام می‌دهد و به آن دعوت می‌کند	۲۰	۲۴
باب یازدهم	نکوهش منکران حضرت و فضیلت انتظار فرج و برخی وظایف شیعیان در برابر آن بزرگوار و مطالب دیگر	۷۳	۷۷

۷. شیوه نگارش

در این کتاب، صافی گلپایگانی، ۱۲۸۷ روایت مهدوی را جمع‌آوری و سپس آنها را دسته‌بندی موضوعی کرده است و به این نتیجه رسیده که یازده موضوع اصلی و ۹۴ موضوع فرعی درباره حضرت مهدی مطرح شده است. افزون بر این، مؤلف بیان می‌کند برخی از احادیث گردآوری شده به دو یا چند موضوع اشاره دارد. با خلاقیتی بدیع روایات را شماره‌گذاری کرده و برای عدم تکرار روایات و تقطیع نکردن آنها، در پایان هر باب شماره‌های بقیه روایاتی را که به آن باب یا فصل مربوط است، ذکر کرده است. بدین ترتیب تعداد روایاتی که به آنها اشاره کرده و به علاوه روایاتی که متن آنها را آورده، چندین برابر روایات اصلی است.^۱ با این سبک نگارش، منتخب الاثر دارای امتیازهای خاصی شده است؛ از جمله خلاصه بودن و پرهیز از تکرار احادیث و ... که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۱-۷. روش شماره‌گذاری احادیث

هر حدیث دو شماره در آغاز خود دارد. شماره اول شماره پیاپی احادیث کتاب و شماره دوم که در میان دو پرانتز قرار دارد شماره فصل است. این روش

۱. مجموع شمارش کل روایات (۱۲۸۷) به علاوه تعداد آدرس‌های ارجاع داده‌شده به همین روایات به ۷۰۹۴ مورد می‌رسد. مؤلف با توجه به دلالت مطابقی، التزامی یا تفسیر روایات هر باب، به تعدادی از احادیث قبلی و بعدی آورده‌شده، ارجاع می‌دهد؛ از این رو است که گاهی به شماره یک روایت چندین بار ارجاع داده شده است؛ برای نمونه ذیل باب سوم، فصل دهم پس از ذکر متن روایات مربوط به این فصل که فقط دو روایت است، می‌نویسد: «و یدلّ علیه أيضا الروایات: ۲۴۲ الی ۳۰۸، ۵۵۸ الی ۵۷۱، ۶۰۸، ۶۴۱، ۷۸۶ الی ۸۰۷، ۸۵۹، ۱۲۳۰».

در همین باب، فصل یازدهم نیز پس از ذکر متن ۸ روایت می‌نویسد: «و یدلّ علیه أيضا الروایات: ۲۴۲ الی ۳۰۸، ۵۵۹، ۵۶۸ الی ۵۶۷، ۶۰۸، ۶۴۱، ۷۸۶ الی ۸۰۷، ۸۵۹، ۱۱۶۶، ۱۲۳۰» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۰۱).

در همین باب، ذیل فصل دوازدهم پس از آوردن متن چهار روایت می‌نویسد: «و یدلّ علیه أيضا الروایات: ۲۴۲ الی ۳۰۸، ۵۵۸، ۵۶۷، ۶۰۸، ۶۴۱، ۷۸۶ الی ۸۰۷، ۸۵۹، ۱۱۶۶، ۱۲۳۰» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۰۸). با دقت در این سه نقل قول مشاهده می‌شود روایات ۲۴۲ تا ۳۰۸، ۵۵۹، ۵۵۸، ۶۰۸، ۶۴۱، ۷۸۶ تا ۸۰۷، ۸۵۹ و ۱۲۳۰ در هر سه ارجاع تکرار شده‌اند؛ یعنی این روایات سه بار شمارش شده‌اند. این روش بیانگر تسلط و دقت علمی مؤلف نسبت به جمع روایات کتاب است.

شماره‌گذاری سبب تسهیل در یافتن احادیث ارجاع داده شده در پایان باب‌ها و فصل‌ها است.

۲-۷. روش ارجاع به منابع

مؤلف قبل از بیان روایت فقط نام کتاب را آورده است و بعد سند و متن روایت را درج کرده است. در انتها به آدرس دقیق در پاورقی اشاره شده است.

۸. ویژگی‌ها و امتیازات کتاب

منتخب‌الانثر در اولین دوره کتاب سال ولایت، اثر برگزیده شد و در اولین دوره کتاب سال مهدویت، اثر برتر نام گرفت.^۱ یکی از دلایل اصلی راز ماندگاری و اهمیت این کتاب امتیازات و ویژگی‌های آن است. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۸. اسلوب ابتکاری

مهم‌ترین امتیاز این اثر، اسلوب و ساختار ابتکاری آن است. به‌طور معمول هر یک از احادیث، دارای فرازهای مختلفی هستند که به موضوعات مختلفی اشاره می‌کند و دلالت‌های متفاوتی دارند. مؤلف با توجه به این نکته هنگام نقل یک حدیث، تمام بندهای آن را بررسی کرده است؛ سپس دلالتی را که گویاتر و مهم‌تر بوده، تشخیص داده و متن کامل روایت را همراه با منبع و سند در بابتی که رابطه‌ای نزدیک‌تر با محتوای بخش برگزیده داشته، درج کرده است؛ سپس با توجه به دلالت‌های دیگر فرازهای حدیث، در پایان هر بابتی با ارائه شماره حدیث، تذکر می‌دهد که روایات یادشده در فصل‌های دیگر و باب‌های دیگر نیز بر این موضوع دلالت می‌کنند. این اسلوب دارای فواید بسیاری از جمله عدم تقطیع احادیث، عدم تکرار و ... است.

۱. ر.ک: <https://ketabejamkaran.ir>

برای نمونه روایت شماره ۱۲۱۷، در باب یازدهم، با عنوان «علائم ظهور آن حضرت و حوادث پیش از ظهور و هنگام آن» قرار دارد که سومین حدیث از فصل اول با موضوع «درباره کسی که حضرت قائم را انکار و تکذیب کند» آمده است. طبق فرموده پیامبر، قائم از فرزندان او است، نام او نام پیامبر و کنیه او کنیه پیامبر و شکل و شمایل او شکل و شمایل پیامبر و سنت او سنت پیامبر است. مردم را بر دین و شریعت پیامبر برپا می‌دارد و آنان را به سوی کتاب پروردگار بزرگ من دعوت می‌کند. هر که او را اطاعت کند، پیامبر را اطاعت کرده است و هر که او را نافرمانی کند، پیامبر را نافرمانی کرده و هر که او را در زمان غیبتش انکار کند، پیامبر را انکار کرده و هر که او را تکذیب کند، پیامبر را تکذیب کرده و هر که او را تصدیق کند، پیامبر خدا را تصدیق کرده است... در ادامه پیامبر می‌فرماید: «من از کسانی که مرا در امر او تکذیب می‌کنند و گفتارم را در شأن او انکار می‌کنند و امتم را از راه او منحرف می‌کنند، به خدا شکایت می‌کنم و کسانی که ستم کرده‌اند، به زودی می‌دانند که چگونه باز خواهند گشت» (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۰۱).

ذیل سه فصل دیگر شماره این روایت (۱۲۱۷) آورده شده است:

اولین مورد، فصل پنجم «فی شمائله» از باب سوم است، از روایاتی که بر ظهور حضرت و اسمائش و اوصاف و خصائص و شمائلش دلالت دارد. مؤلف در ابتدا اشاره می‌کند ۲۹ حدیث بر این مطلب دلالت دارد که ۱۰ متن روایت را می‌آورد و بقیه روایات چون در فصل‌ها و باب‌های دیگر آمده‌اند، فقط به ذکر شماره آنها اکتفا می‌نماید و می‌نویسد: «و يدلّ علیه الأحادیث: ۳۶۰، ۳۶۶، ۳۷۴، ۳۷۸، ۴۱۴، ۴۲۸، ۴۳۱، ۴۸۴، ۵۱۸، ۵۷۷، ۶۹۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۱۱۹۸، ۱۲۱۷، ۱۲۴۶» که روایت ۱۲۱۷ نیز جزئی از این دسته است (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۱۳۶-۱۴۰).

۲. ذیل روایات فصل چهل و چهارم با عنوان «در شدت عدالت مهدی و گسترش عدل و امنیت در دولت آن حضرت» نیز این روایت آمده است. نویسنده در این فصل به ۱۷ حدیث اشاره کرده، فقط متن کامل سه روایت را آورده و ۱۴ حدیث دیگر چون تکراری هستند، فقط شماره آنها را ذکر نموده است.

۳. مورد سوم، در باب دهم، فصل سوم با عنوان «فیما یدعو إلیه و یعمل به» است. مؤلف در ابتدای بحث اشاره کرده ۸ حدیث بر این مطلب دلالت دارد، سه حدیث آن را به‌طور کامل آورده است و ۵ حدیث دیگر شماره‌های احادیثی است که در فصل‌های قبلی یا بعدی آمده‌اند؛ برای نمونه در روایت دوم از این پنج روایت امام باقر علیه السلام به حفظ کردن اطاعت از حضرت و اطاعت از رسول خدا توصیه کرده‌اند که در روایت ۱۲۱۷ نیز آمده بود.^۱

با توجه به متن روایات و موضوعاتی که بررسی شده، می‌توان دریافت شماره روایات ذکر شده در هر فصل از لحاظ معنایی کاملاً منطبق بر موضوع است و روایت ۱۲۱۷ دارای فزاهایی است که با موضوعات فصل‌هایی که در آن قرار گرفته، کاملاً منطبق است.

۲-۸. استفاده از منابع اصلی و رجوع به نسخه‌های خطی

مؤلف در ابتدای کتاب، نام منابعی از شیعیان و اهل سنت را آورده که با بررسی تاریخی آنها می‌توان دریافت این منابع از مصادر اصلی هستند. نمونه استفاده از این منابع را می‌توان در اثبات ولادت حضرت مهدی از منظر کتب اهل سنت در پاورقی مشاهده کرد. مؤلف با معرفی کتاب‌های تاریخی اهل سنت و نویسندگان آنها از کتاب خود اهل سنت مطالب و روایاتی را ذکر می‌کند که بیانگر ولادت حضرت است، کتاب‌هایی مانند الصواعق هیمی، روضة الأحاب، فصول المهمة فی معرفة أحوال الأئمة ابن صباغ و تاریخ کبیر ابن جوزی و... (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۳۷۰-۳۹۴).

با توجه به بیانات مؤلف دریافت می‌شود وی در نسخه‌های مختلف کتاب‌ها تتبع کرده و از نسخه‌هایی استفاده کرده که قدیمی‌ترین باشد؛ مثلاً در نسخه چاپی عقد الدرر،

۱. برای نمونه نگارنده پس از ذکر روایت ۱۲۱۳- «۲»- الفتن: حدَّثنا سعید بن عثمان، عن جابر، عن أبي جعفر علیه السلام قال: ثمَّ يظهر المهدي علیه السلام بمكة عند العشاء و معه رایة رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، و قمیصه، و سیفه، و علامات، و نور، و بیان ... می‌نویسد: «و يدلُّ علیه أيضا الأحادیث: ۴۹۹، ۶۷۷، ۹۰۴، ۱۱۱۵، ۱۲۱۷» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۹۵).

نسخه‌ای را که تاریخ کتابت آن ۹۱۰ است و در کتابخانه برلین به شماره ۲۷۲۳ موجود است، اصل قرار داده است (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۹۸).

مؤلف تا جایی که توانسته به نسخه‌های خطی نیز رجوع کرده است؛ برای نمونه حدیث شماره ۱۰۶۳ را از نسخه خطی البرهان که تاریخ کتابت آن ۹۷۹ ق است و در کتابخانه مسجد اعظم نگهداری می‌شود، آورده است. مؤلف این حدیث را به دلیل دخالت نویسنده و اجتهادش در حدیث از نسخه چاپی ذکر نکرده است (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۰۱).

۳-۸. جلوگیری از آسیب‌های تقطیع

یکی از امتیازها و ویژگی‌های این کتاب، قطع نکردن احادیث و ذکر کامل آنها است. «تقطیع حدیث» به معنای نقل بخشی از حدیث است، چه در الفاظ حدیث، چه در مضمون. این کار به دلیل جداکردن قرینه‌ها، گاهی مانعی برای فهم حدیث است. مؤلف در جلد سوم، تقطیع حدیث را منشأ تعارض روایات می‌داند و بیان می‌کند تقطیع در برخی موارد به دلالت کلام بر مدلول آسیب وارد می‌کند و در برخی موارد به مدلول‌های دیگر؛ یعنی ممکن است تقطیع ضرری به استفاده تقطیع‌کننده از کلام نرساند، اما به استفاده دیگران آسیب برساند یا موجب شود اموری که در صورت عدم تقطیع از کلام استفاده می‌شد، دیگر از کلام تقطیع‌شده استفاده نشود (ر.ک: همان، ج ۳، ص ۲۶۶). از این رو است که مؤلف با ابداع این روش از تقطیع روایات جلوگیری کرده و روایات را به‌طور کامل آورده است.

۴-۸. تتبع گسترده مؤلف

مؤلف به منابع و مصادر بسیاری رجوع داشته است و در کتاب دیدارها و رهنمودها به این مطلب اشاره می‌کند: «در آن زمان من خیلی روی این کتاب زحمت کشیدم. آن وقت کتاب کم بود. اگر در تمام قم می‌گشتید کتاب‌هایی که ممکن بود مصدر کتابی مثل منتخب الاثر شود، به قدر همین کتابخانه‌ای که بنده الآن دارم که خیلی جزئی و مختصر است، کتاب نبود. بعضی کتاب‌ها را با زحمت پیدا می‌کردم. برای

پیدا کردن بعضی کتاب‌ها به تهران می‌رفتم یا جاهای دیگر. در آن زمان وسایل مثل امروز نبود. تاریخ بغداد چهارده جلد است. من تمام آن را دیدم از اول تا آخر، تا چند روایت پیدا کنم. یک صفحه نبود که ندیده باشم یا مسند احمد و کتاب‌های دیگر که در مقدمه نوشته‌ام، تمام اینها را با زحمت دیده‌ام» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸)؛ «البته اگر روایتی از کتابی نقل می‌شد، مجدداً آن را از کتاب دیگری نقل نمی‌کردم». در مجموع در جلد اول کتاب از حدود ۶۵ منبع اهل سنت و ۹۵ منبع شیعه استفاده شده است. <https://saafi.com/news/98> پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی). همچنین برای جلد سوم از ۳۹۰ منبع استفاده شده است (صافی گلپایگانی، ج ۱۴۲۲، صص ۴۴۹-۴۷۴). علاوه بر این مؤلف در ذکر روایات نیز به یک کتاب بسنده نکرده و نسخه‌های متعدد کتاب‌های بسیاری را برای یافتن یک روایت جستجو کرده است؛ برای نمونه مؤلف در پاورقی، از اختلاف الفاظ یک روایت در نسخه‌های موجود در نزد علامه مجلسی و الأملی‌ای که نزد محدث عاملی بوده و در اثبات الهداة از آن نقل کرده و نسخه‌های الأملی در چاپ جدید گزارش می‌دهد و دوباره گزارشی از همین روایت در کتاب‌های ینابیع المودة، مناقب خوارزمی، الطرائف و كشف الغمه نقل می‌کند (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۱۵۰).

۵-۸. جامعیت

این کتاب از آن جهت که روایات اهل سنت را نیز به آن اضافه کرده، نسبت به برخی کتاب‌های روایی قبلی که فقط احادیث را از منابع شیعه جمع‌آوری کرده‌اند، جامع‌تر است؛ همچنین با توجه به بیان ۹۴ موضوع در زمینه مهدویت می‌توان دریافت در گستره موضوعات و مسائل نیز دارای جامعیت است. این کتاب در مقایسه با بحار الأنوار که به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع روایی شیعه مطرح است، ۱۲۸۷ روایت را ذکر کرده، اما بحار الأنوار در جلد ۵۲ و ۵۳ که مربوط به موضوع امام عصر است، حدود ۱۱۲۰ روایت را آورده است.^۱ همچنین با جمع روایات تکراری در موضوعات دیگر، مؤلف به

۱. فقط روایاتی که شماره داشته‌اند، حساب شده‌اند.

۷۰۹۴ روایت اشاره می‌کند؛ از این رو است که آیت‌الله سبحانی در وصف این کتاب می‌نویسد: «مدح و ثنای این کتاب منحصر به علمای شیعه نیست، بلکه جمعی از علمای اهل سنت و برخی از مستشرقان نیز از او تجلیل کردند. از این رو، این کتاب مرجع و منبعی شده است برای همه کسانی که بخواهند درباره حضرت مهدی موعود صلوات‌الله علیه و آله و سلم بنویسند. این توجه به خاطر این است که مؤلف بزرگ همه احادیث و روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام را در آن جمع کرده و آن را به بهترین نحو سامان داده و به خوبی نظم بخشیده است» (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۴). علاوه بر این می‌توان این کتاب را هم‌سطح با کتاب جامع احادیث شیعه قرار داد؛ در حالی که کتاب منتخب الاثر فقط به دست یک نفر نوشته شده است؛ اما کتاب جامع احادیث شیعه به سرپرستی آیت‌الله بروجردی و به کوشش بیست تن از شاگردان ایشان تألیف شده است. این دو کتاب از لحاظ جامعیت در موضوع مشابه یکدیگر هستند. تبویب دقیق احادیث فقهی در جامع احادیث شیعه و تبویب دقیق احادیث مهدوی در کتاب منتخب الاثر یکی از امتیازات این دو کتاب است. البته کتاب جامع احادیث شیعه برخی دیگر از امتیازات منتخب الاثر را نیز دارا است، مانند عدم تقطیع روایات، نقل عین سند و متن حدیث و رجوع به نسخ خطی و دقت در نقل روایات. (ر.ک: تبریزی، ۱۳۸۷ش).

۶-۸. اهتمام به اثبات تواتر معنوی

روش مؤلف و تعداد روایات ذکرشده، خواننده و متخصص رجال را از پیگیری سند روایت بی‌نیاز می‌کند و خواننده می‌تواند به تواتر معنوی روایت پی‌برد؛ برای مثال ۱۴۸ روایت در این کتاب در زمینه اثبات حضور امام مهدی برای برپایی قسط و عدل آورده شده است که این تعدد روایت، تواتر آن را ثابت می‌کند و نیازی به رجوع به سندها ندارد. از منظر مؤلف در ارزش و اعتبار خبر متواتر صحت سند شرط نیست. شهرت مفاد این روایات در میان مسلمانان و اینکه بیشتر راویان از پیشوایان اسلام و بزرگان و علما و استادان فن حدیث‌اند، موجب قطع به مضمون آنها است. همچنین ضعف سند برخی از این احادیث به دیگر احادیثی که در حد اعلای صحت سند و

متانت و استحکام متن قرار دارند، ضرر نمی‌زند؛ چراکه لازمه آن بی‌اعتنایی به همه احادیث صحیح و عدم پذیرش آنها به دلیل وجود چند خبر ضعیف در آن رابطه است.

۷-۸. گزینش فقیهانه روایات

مؤلف با اینکه قصد نداشته تمام روایات یک موضوع را ذکر کند، در مواردی که سند حدیث ضعیف بوده، با انتخاب روایات دقیق تواتر معنوی روایات آن موضوع را اثبات می‌کند. برخی بیانات مؤلف در پاورقی نیز بیانگر دقت در انتخاب روایات است، از جمله «لا یخفی عليك غرابة صدر حدیث الاستیعاب و اسد الغابة، و قریب منه فی الغرابة ذیل حدیث اسد الغابة بل و شدوذهما، فلا یعتمد علیهما، و الاعتماد علی قوله: "یخرج المهدی من أهل بیتی، أو رجل من أهل بیتی یملاً الأرض عدلاً کما ملئت جوراً" الذی له شواهد کثیرة متواترة؛ پوشیده نیست که در صدر احادیث استیعاب و اسد الغابه و ذیل حدیث اسد الغابه مطلب غریب بلکه نادری آمده که به همین دلیل قابل اعتماد نیست؛ لذا تنها بر آن قسمت از این دو نقل که شواهد فراوان متواتری دارد اعتماد می‌کنیم» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۸۲). نمونه‌ای دیگر انتخاب روایات در موضوع فتنه دجال است. مؤلف در پاورقی اشاره می‌کند همه این روایات را نیاورده است؛ زیرا از آنجا که متن این روایات عجیب و غریب است و معمولاً سند ضعیفی دارند و به معصوم نمی‌رسند، باید با اخبار صحیح مورد قبول که هیچ نقطه ضعفی در آنها وجود ندارد، مورد سنجش قرار گیرند. البته از نظر مؤلف تواتر اجمالی یا معنوی این روایات را نمی‌توان نادیده گرفت (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۴۹).

۸-۸. توضیح برخی نکات لغوی، ادبی، رجالی، تفسیری، کلامی در پاورقی

سبک کتاب به گونه‌ای است که با توجه به باب‌ها و فصل‌ها روایات پشت سر یکدیگر قرار گرفته‌اند؛ اما مؤلف در پاورقی و مقدمه نیز به نکاتی بسیار مهم اشاره کرده که باعث تکمیل کتاب شده است. در ادامه به برخی از نکات اشاره می‌شود:

۱. بیان نکات تفسیری: ذیل آیه ۳ سوره بقره در پاورقی معنای غیب و

- چگونگی تفسیر آیه به حضرت مهدی علیه السلام تبیین شده است (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۱). ذیل آیه ۵۵ سوره نور، در پاورقی نکاتی تفسیری درباره مخاطب بودن همه امت اسلام و عمومیت ارض و جهانی بودن حادثه توسط مؤلف بیان شده است.
۲. تصریح جمعی از بزرگان اهل سنت به مشهور بودن و تواتر اخبار ظهور حضرت و اتفاق و اجتماع دانشمندان بر آن: مؤلف در پاورقی یک به یک به بیان برخی از بزرگان اهل سنت مانند ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، صبان در اسعاف الراغیین، شبلنجی در نور الابصار، ابن حجر در صواعق، سیداحمد بن سیدزینی دحلان در الفتوحات الاسلامیه و ... در رابطه با اعتراف ایشان درباره تواتر این روایات با آدرس دقیق کتاب اشاره می کند (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۹).
۳. نقد رساله «المهدی و المهدویه» دکتر احمد امین مصری (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۳).
۴. مؤلف در پاورقی، ذیل حدیثی که از کتاب صحیح بخاری ذکر کرده، سخن افرادی را که می گویند حدیثی راجع به حضرت مهدی در دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم نیامده، نقد می کند (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۶۰).
۵. مؤلف برای فهم روایات به تبیین برخی لغات دشوار حدیث اشاره می کند، مانند واژه «قرع» (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۹)، عبارت «أجلی الجبهه أقتی الأنف» (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۵۲)، واژه «جران» (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۹۲)، «ثبج و فیج» (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۸۰)، «یوم الکره» (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۲۰).
۶. تبیین فلسفه و فواید و مصالح غیبت (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، صص ۲۶۱-۲۶۶).
۷. معرفی سفیانی، یمانی و نفس زکیه با توجه به روایات (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۸۸).
۸. فلسفه وقوع غیبت صغری (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۳۹).
۹. معرفی کتاب «تاریخ الأئمه» یا تاریخ آل الرسول یا تواریخ الأئمه یا الموالید (ر.ک:

صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۹۹، و معرفی کتاب مکیال المکارم و توصیه به مطالعه آن (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، صص ۲۲۸-۲۲۹).

۱۰. نکات رجالی: بررسی حال راوی «محمد بن علی بن شاذان نیشابوری» (ر.ک: صافی

گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۸۴) و بررسی حال راوی «محمد بن عباس بن علی بن مروان بن ماهیار» (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۳۴).

۱۱. نکاتی دقیق درباره مفهوم انتظار و فضیلت و درجات آن (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، صص ۲۱۷-۲۱۶).

۱۲. تکالیف شیعیان نسبت به امام عصر (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، صص ۲۲۰-۲۱۹).

۱۳. ذکر منزلت ۴ تن از نواب امام زمان در غیبت صغری (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۵۰۶).

۱۴. راهکارهای حل تعارض میان روایات (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۶۳):

مؤلف قبل از بیان راهکارها به نکاتی مهم اشاره می‌کند. ابتدا اخبار را به دو دسته اعتقادات و احکام تقسیم می‌کند و درباره حجیت خبر واحد می‌نویسد: «در تکالیف عملی مفاد دلیل حجیت خبر واحد آن است که مکلف در عمل بنا را بر مضمون خبر بگذارد و بر اساس آن عمل کند و این امری تعبدی است که از سوی شارع امکان دارد؛ ولی در باب اعتقادات چنین تعبدی امکان‌پذیر نیست. فرقی هم نمی‌کند که خبر واحد ظنی الصدور یا ظنی الدلاله معارض نداشته باشد و یا معارض داشته باشد و در این صورت خواه تعارض آن را از راه جمع عرفی یا ترجیح به برخی از مرجحات رفع کنیم یا تعارض آن مستقر و غیر قابل علاج باشد» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۶۴). مؤلف پس از آن به این مطلب اشاره کرده که تعارض میان دو خبر مستلزم علم به مخالفت همه مضامین یکی از آن دو خبر با واقع نیست، بلکه تنها در مورد تعارض، تساقط می‌کنند و در غیر مورد تعارض هر دو حجت هستند. سپس منشأ تعارض را در هفت مورد از جمله «عدم دقت برخی راویان حدیث و اختلاف شرایط آنها در هنگام اخذ و فراگیری حدیث از استاد، نقل به مضمون، عدم نقل برخی قرائن الیه و مقالیه و...»

برمی‌شمارد (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، صص ۲۶۴-۲۶۷). پس از آن برای حل تعارض روایات می‌نویسد: «در هر موردی تعارض میان دو خبر به شکل تباینی بود، باید بر اساس قواعدی که در باب تعادل و ترجیح ذکر شده، مرجحات سندی و جهتی و دلالی را ملاحظه نمود» (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۲۶۷). در آخر با مثال این مطالب را توضیح می‌دهد.

۹. پیشگیری از تکرار و هم‌پوشی مطالب

از آن‌جا که بسیاری از احادیث به مطالب مختلفی اشاره دارند، کتاب‌های حدیثی آن احادیث را در باب‌های مختلفی ذکر کرده‌اند. همین امر موجب شده است کتاب‌های حدیث شیعه و سنی دچار تکرار یا تقطیع حدیث شوند؛ اما بنابر سبک نگارش مبتکرانه مؤلف که توضیح آن گذشت، از تکرار روایات جلوگیری شده است. مؤلف خود به این مطلب اذعان دارد: «اگر این کتاب را به سبک کتاب‌های قبل از آن می‌نوشتم، شاید ده جلد کتاب می‌شد. سعی کردم در هر باب به روایت‌هایی که در ابواب دیگر آمده است، اشاره کنم و تواتر عناوین روایات را بیان کنم و این کاری ابتکاری بود که سابقه نداشت. چنین کاری خیلی فکر و تأمل می‌خواهد؛ آدم باید تأمل کند و دلالت هر روایتی را ببیند که به چه موضوعی اشاره دارد» (<https://saafi.com/news/98>) پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی).

۱۰. پاسخ به شبهات نوپدید

با توجه به ازدیاد فرقه «بهائیت» در گلپایگان و مدعیان دروغینی مانند «علی محمد باب»، این کتاب به‌طور دقیق منطبق با عصر خویش نوشته شده است. هفته‌نامه افق حوزه از فرزند آیت‌الله صافی چنین نقل می‌کند: «در زمان آیت‌الله بروجردی فعالیت این فرقه خیلی زیاد شد و حکومت پهلوی هم از ایشان پشتیبانی می‌کرد و حتی برخی از آنها وارد دربار شده بودند که مثلاً پزشک مخصوص شاه بهایی بود» (<https://www.hawzahnews.com>). در واقع این کتاب بنابر شبهات موجود در جامعه نوشته شده

است؛ بنابراین مؤلف بنابر ارتباط با موضوع در برخی پاورقی‌ها نیز به بعضی از شبهات مطرح شده پاسخ می‌دهد؛ شبهاتی مانند:

۱. فایده دعا برای تعجیل فرج در حالی که وقت ظهور نزد خدا معلوم است (ر.ک:

صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۲۸)؛

۲. درباره چگونگی طول عمر حضرت مهدی (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، صص

۲۷۲-۲۸۲)؛

۳. نسخ شریعت توسط امام زمان (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۴۳)؛

۴. تبیین شبهه افسانه سرداب و پاسخ به آن (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۵۶)؛

۵. تبیین تشبیه از کتاب سید رضی (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۱۲)؛

۶. تبیین وجه شبه در تشبیه امام به خورشید پشت ابر از دیدگاه علامه مجلسی (ر.ک:

صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۶۹)؛

۷. بررسی اثبات ولادت و زنده‌بودن حضرت مهدی با استناد به ۶۷ کتب اهل سنت

همراه با ذکر نویسنده و تاریخ کتاب (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۷۱).

۱.۱. توجه به اصل وحدت و تقریب مذاهب

مؤلف در این کتاب همان‌گونه که از کتاب‌های شیعیان استفاده کرده، در ذکر احادیث از کتاب‌های اصیل اهل سنت همچون صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن الترمذی، سنن ابن ماجه، سنن ابی داوود و... نیز بهره گرفته است. این در حالی است که کتاب‌های روایی موجود مانند الغیبه نعمانی و کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد شیخ مفید فقط به نقل روایات شیعیان پرداخته‌اند. از این جهت کتاب منتخب الأثر گامی فراتر نهاده است. مؤلف در مقدمه به این مطلب اشاره می‌کند. از منظر وی اعتقاد شیعه در عصر غیبت به وجود امام مهدی و ظهور آن حضرت در آخرالزمان، با اتفاق و وحدت کلمه مسلمانان و کنار گذاشتن اختلافاتی که موجب آسیب عزت آنها می‌شود، هیچ منافاتی ندارد؛ چراکه این عقیده خالص از این بشارت‌ها نشئت گرفته و مخالفتی با مبانی اسلام یا با صریح قرآن و سنت قطعی یا ظاهر

آنها ندارد، بلکه عقیده‌ای است که از اعتقاد به صدق و راستگویی پیامبر اسلام یعنی صاحب این بشارت‌ها ناشی شده است؛ بنابراین وی اهل سنت را ملزم می‌داند با این مسئله همان‌طور برخورد کنند که با مسائل دیگری که میان دانشمندانشان درباره آنها اختلاف نظر دارند و در این مسئله هم مانند مسائل دیگر دنبال کشف حقیقت باشند (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۶). افزون بر این، بی‌طرفانه بودن مؤلف و ذکر روایات باعث شده است این کتاب مورد توجه علمای اهل سنت قرار گیرد.

۱۲. نظم و دقت در تبویب

کتاب از نظم و شیوه ویژه‌ای برخوردار است. تعداد روایات و شمارش آنها بسیار دقیق است. علاوه بر اینکه همه روایات شماره دارند، روایات هر فصل شماره‌ای جداگانه نیز دارند. شماره‌های ارجاع‌شده، بسیار دقیق‌اند و با اینکه مؤلف در زمانی این کتاب را تألیف کرده که ابزارهای پژوهش در اختیار نداشته، اشتباهی در آنها صورت نگرفته است.

۱۳. دفاع از تراث شیعی در عرصه مهدویت

نویسنده در جلد سوم، کتاب اخبار الدخیله را به جهت جعلی دانستن برخی روایات شیخ صدوق، شیخ طوسی و محدث نوری نقد می‌کند و از پنج کتاب الغیبه، کمال‌الدین، دلائل الامامه، کشف الاستار و جنه‌المأوی دفاع می‌کند. از نظر مؤلف، حمله کردن به کتابهایی چون کمال‌الدین صدوق و الغیبه شیخ طوسی که مؤلفان آنها از پیشوایان فن حدیث و خبرگان به نقاط ضعف و قوت حدیث هستند و ردیف کردن اشکالات فراوان در روایات این کتب فایده‌ای جز افشاندن بذر سوءظن در دل‌های نادانان ندارد و شایسته نویسنده کتاب نیست (ر.ک: صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۳۱)؛ بنابراین مؤلف پس از ذکر برخی روایات از این کتاب‌ها، برای دفاع از ایشان یک به یک معیارهای شیخ صدوق و شیخ طوسی را در ذکر حدیث تبیین می‌کند؛ برای نمونه مؤلف اخبار الدخیله دو روایت از کتاب کمال‌الدین شیخ صدوق و یک روایت از الغیبه شیخ طوسی نقل

می‌کند (همان، صص ۳۷۷-۳۹۳) و ده اشکال وارد می‌کند و این احادیث را جعلی می‌داند؛ روایاتی که هر سه آنها درباره ملاقات با امام زمان است. صافی گلپایگانی روایتی با مضمون همین سه روایت از دلائل الامامه نیز ضمیمه این روایات می‌کند. یکی از اشکال‌های صاحب اخبار الدخیله اشکال ضعف سند و عدم وجود خارجی علی بن ابراهیم بن مهزیار است. مؤلف منتخب الأثر چنین پاسخ می‌دهد که ضعف سند دلیل بر جعلی بودن نیست، بلکه در صورت ضعف با دیگر اخبار سنجیده می‌شود. همچنین نمی‌توان حکم کرد علی بن ابراهیم بن مهزیار وجود خارجی نداشته است. اگر منظور ذکر نشدن نام وی در کتاب‌های رجالی است، در این صورت او مجهول است؛ با این حال ممکن است با استناد به احادیثی که افرادی مثل شیخ صدوق و شیخ طوسی و صاحب دلائل الامامه نقل کرده‌اند، چنین استنتاج کرد که وی مجهول هم نیست، بلکه آنها او را می‌شناختند و بر او اعتماد داشتند و در ادامه در دفاع از شیخ صدوق می‌نویسد: «اگر کسی این احادیث را به سبب ضعف سند و جهالت راوی تضعیف کند، سندی را که به ابراهیم بن مهزیار می‌رسد، نمی‌تواند تضعیف کند؛ زیرا شیخ صدوق آن را از استاد خود (محمد بن موسی بن متوکل) که از اساتیدی است که وی بسیار از او روایت کرده و همواره نام او را با دعای (رضی الله عنه) همراه نموده، نقل می‌کند (ر.ک: همان، صص ۳۹۴-۳۹۵).

۱۴. استفاده از فرازهای مختلف روایات

چنان‌که در نحوه اسلوب ابتکاری مؤلف تبیین شد، مؤلف یک روایت را فقط مختص باب خاصی نمی‌داند؛ چراکه بندهای روایت موضوعات بسیاری را در بر دارد؛ بنابراین یک روایت ممکن است در چند باب ذکر شده باشد؛ البته اشاره شد که متن و سند روایت فقط در موضوع اصلی آمده است و در دیگر باب‌ها و فصل‌ها فقط به شماره روایت اکتفا شده است. در نتیجه مؤلف برای ترک تکرار، چنین چاره‌ای اندیشیده است؛ برای نمونه در باب سوم، فصل ۴۲، روایات دال بر ظهور مهدی و نام‌ها و اوصاف و ویژگی‌ها و شمایل و بشارت به آمدن آن حضرت، روایاتی درباره سیره حضرت مهدی آمده است. روایت شماره ۷۰۰، از رسول خدا است که می‌فرماید: «همانا او

گنج‌ها را بیرون می‌آورد و اموال را تقسیم می‌کند و اسلام استقرار می‌یابد» (همان، ج ۲، ص ۳۲۱) و ذیل فصل ۴۶ با عنوان روایات دال بر جود و بخشش حضرت مهدی، شماره این روایت آمده است. با توجه به موضوع دو فصل، ارتباط دو روایت و علت ذکر شماره روایت ۷۰۰ ذیل فصل ۴۶ روشن می‌شود.

۱۵. معیارمندبودن انتخاب روایت

مؤلف ملاک‌های بسیاری در انتخاب روایت دارد، از جمله موارد ذیل:

۱. وی جز در مواردی اندک احادیثی را انتخاب کرده است که اتصال سندی آن به اهل بیت به‌ویژه پیامبر برسد؛ برای نمونه در باب هفتم، فصل سوم، روایتی از علی بن عبدالله بن عباس ذکر کرده که «مهدی خروج نمی‌کند تا آنکه خورشید معجزه‌وار طلوع کند» و در پاورقی توضیح می‌دهد این روایت مقطوع است و به خودی خود حجیت ندارد؛ به این بیان که چنین مطلبی که عقلی نیست، جز از طریق خبر پیامبر راهی برای آگاهی از آن وجود ندارد. تنها از طریق نقل معتبر از پیامبر برای گوینده آن ثابت شده است، وگرنه هر کس چنین خبری را از او می‌شنید، آن را رد می‌کرد. از منظر مؤلف از این دست اخبار مقطوع در موضوع امام زمان بسیار زیاد در کتاب‌های شیعه و سنی ذکر شده است؛ ولی مؤلف درصدد نقل این گونه اخبار و اعتماد بر آنها نبوده است. از نظر مؤلف به دو صورت می‌توان به این روایات اعتماد کرد: الف) شاهی از احادیث معتبر که سند آنها به معصوم که همسنگ قرآن است، داشته باشد؛ ب) اگر شاهی نداریم بدانیم که گوینده تنها از راه نقل از پیامبر به چنین مطلبی دست یافته و با قرائنی خاص به صحت مضمون آن دست یابیم (ر.ک: همان، ج ۳، ص ۵۱-۵۲).
۲. مؤلف علاوه بر سند، متن روایت را بررسی نیز بررسی کرده و با ضعف سندی روایت را کنار نگذاشته است. در صورت ضعف سند، اگر متن روایت و مضمون آن با روایات صحیح و بدون اشکال دیگر هم‌خوانی داشت باشد، آن را ذکر می‌کند و بدین وسیله تواتر اجمالی یا معنوی روایات را اثبات می‌نماید.

۳. مؤلف در برخی فصل‌ها همه روایات مورد بحث را نیاورده است؛ زیرا از منظر او نیازی نبوده و کتاب با ذکر همان تعداد روایت به هدف خود دست یافته است؛ برای نمونه مؤلف ذیل روایات فتنه دجال به فراوانی روایات در این موضوع اشاره و به آوردن چند مورد اکتفا می‌کند (ر.ک: همان، ج ۳، ص ۴۹).

۴. مؤلف این نکته را گوشزد می‌کند که رد حدیث تنها به دلیل عجیب و غریب بودن متن روایت جایز نیست؛ زیرا در قرآن کریم در باب معجزات پیامبران به‌ویژه پیامبر ما، اموری شگفت‌انگیزتر از آنچه در این روایات آمده، ذکر شده است (ر.ک: همان، ج ۲، ص ۵۰).

۵. دقت مؤلف در انتخاب روایت تا جایی است که اگر نویسنده‌ای اجتهاد خود را در حدیث وارد کرده باشد، مؤلف آن را ذکر نکرده و به منبع اصلی مراجعه کرده است. طبق نظر وی احادیث را باید دقیقاً مطابق با نسخه‌هایی که در دست هست نقل کرد و اگر اشتباهی در نقل حدیث به ذهن رسید، باید آن را در حاشیه ذکر کرد، نه اینکه آن را وارد روایت کرد و اصل حدیث را تحریف کرد (همان، ج ۳، ص ۱۰۱).

۱۶. توجه به آیات مهدویت

مؤلف افزون بر اینکه در فصل‌های مختلف از روایاتی که در آنها آیات مهدویت تبیین شده است، استفاده کرده، در فصل اول از باب سوم، به‌طور اختصاصی به ۲۸ آیه و ۸۳ روایات ذیل آن اشاره کرده است. آیاتی که به ظهور حضرت اشاره دارند، بسیار فراوانند و بر اساس شمارش برخی تا ۱۳۰ آیه نیز می‌رسند؛ اما مؤلف می‌نویسد فقط به نمونه‌هایی از این آیات اشاره خواهد کرد و همه آیات را نمی‌آورد. وی به آیاتی مانند ۳ بقره، ۵ قصص، ۶۱ زخرف، ۳۳ توبه، ۹ صف، ۵۵ نور، ۲۳ زاریات، ۱۴۸ بقره و برخی روایات ذیل آن و گاهی تفسیر آنها در پارقی اشاره می‌کند (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۰) و در آخر برای مطالعه آیات بیشتر در این زمینه به کتاب المحجة فیما نزل فی القائم المحجة ارجاع می‌دهد.

نتیجه‌گیری

کتاب *مُتَخَبُ الْأَثَرِ فِي الْأَمَامِ الثَّانِي عَشَرَ مِنْبَعِي مَهْم* از مجموعه روایات مهدویتی در عصر معاصر است. این کتاب جامع و مهم در حوزه مهدویت، دارای شیوه‌ای مبتکرانه است. مؤلف با توجه به موضوع اصلی روایت، متن آن را در باب خاصی ذکر کرده و با توجه به موضوعات فرعی روایت و ارتباط موضوعی آن روایت با فصل‌های دیگر، شماره آن را در برخی فصل‌ها نیز آورده است. استفاده از این سبک نگارش باعث شده است کتاب دارای امتیازات خاصی نسبت به دیگر کتاب‌های روایی هم‌عصر خویش باشد. جامعیت، تتبع گسترده مؤلف، توجه به تواتر معنوی روایات، پاسخ به شبهات نوپدید، توجه به اصل وحدت و تقریب مذاهب، گزینش فقیهانه روایات، ترک تکرار، خلاصه‌بودن، نظم، دفاع از تراث شیعی و جلوگیری از آسیب‌های انقطاع حدیث امتیازات و ویژگی‌هایی است که کتاب را خاص کرده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. تبریزی، محمد. (۱۳۸۷). جامع احادیث شیعه امتیازها و ضعف‌ها و روش استفاده از آن. فصلنامه فقه، ۵۶، صص ۱۳۸-۱۹۵.
۲. تهرانی، آقا بزرگ. (۱۴۰۸ ق). الذریعة إلى تصانیف الشيعة. قم: اسماعیلیان.
۳. دانشی، فاطمه؛ کریمی، احمد. (۱۴۰۰). پیش‌فرض‌ها و مبانی اعتبارسنجی روایات مهدوی در کتاب شریف منتخب الاثر. مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۵۰، صص ۱۵۷-۱۷۹.
۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۶۲). وابستگی جهان به امام زمان. تهران: بنیاد بعثت، مؤسسه الامام المهدی علیه السلام.
۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۶۵). انتظار عامل مقاومت و حرکت. تهران: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی.
۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۷۷). گفت‌مان مهدویت. قم: مسجد مقدس جمکران.
۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۷۹). «منتخب الاثر» اثری ماندگار درباره حضرت مهدی علیه السلام. گلستان قرآن، ۳۳، صص ۴۲-۴۳.
۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۰). منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر (ع)، قم: مکتبه آیت‌الله الصافی گلپایگانی علیه السلام، وحدة النشر العالمية.
۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۲). منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر علیه السلام انگلیسی (مترجم: شیب رضوی). تهران: نیا.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). جمال منتظر (ترجمه منتخب الاثر به زبان اردو) (مترجم: نثار احمد زین پوری). تهران: انتشارات امام المنتظر علیه السلام.
۱۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۸). منتخب الاثر فی الامام الثاني عشر علیه السلام. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی علیه السلام.

۱۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۹). به سوی دولت کریمه. قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۹). عقیده نجات‌بخش (اعتقاد به ظهور منجی). قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۹). معرفت حجت خدا (شرح دعای اللهم عرفنی نفسک). قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۰). اصالت مهدویت در اسلام از دیدگاه اهل تسنن. قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۰). پیرامون معرفت امام. قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۰). نوید امن و امان. قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲). فروغ ولایت در دعای ندبه. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۱۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲). نظام امامت و رهبری (امامت حضرت بقیة الله و نقش سازنده عقیده به امامت آن حضرت علیه‌السلام). قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۲۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۲). ولایت تکوینی و ولایت تشریعی. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۲۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). منتخب الاثر (مترجم: محسن احمدی). قم: منیر.
۲۲. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). پاسخ ده پرسش پیرامون امامت، خصائص و اوصاف حضرت مهدی. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۲۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۳). پیام‌های مهدوی. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.
۲۴. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۴). فخر دوران. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله‌علیه.

۲۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۵). دیدارها و رهنمودها، سخنان مرجع عالیقدر حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی مدظله‌الشریف در دیدار با طبقات مختلف مردم. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی.
۲۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۹۷). لمحات فی الکتاب و الحدیث و المذهب. قم، دفتر تنظیم و نشر آثار حاج شیخ آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۲۷. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۴۱۷ق). باورداشت مهدویت. قم: انتشارات حضرت معصومه.
۲۸. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۴۲۲ق). منتخب الاثر. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله.
۲۹. طباطبایی بروجردی، حسین. (۱۳۸۰ق). جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه. تهران: مطبعه المساحة.
۳۰. کورانی، علی. (۱۴۱۱ق). معجم احادیث الإمام المهدي عجته. قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة.
۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. مطهری، مرتضی. (بی‌تا). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
33. translated by Shabeeb Rizvi, Muntakhab ul-asar/ Luftullah Saafi
GolpayganiTehran: Naba, -1382 = 2003
34. <https://ketabejamkaran.ir>
35. <https://saafi.com/news/98>
36. <https://www.hawzahnews.com>
37. <https://fa.wikifeqh.ir/>
38. <https://fa.wikishia.net/>

References

* The Holy Quran.

1. Daneshi, F., & Karimi, A. (1400 AP). Presuppositions and basics of validating Mahdavi narrations in the book Muntakhab al-Athar. *Quran and Hadith Research Journal*, (50), pp. 179-157. [In Persian]
2. Kurani, A. (1411 AH). *Mujam Ahadith al-Imam al-Mahdi*. Qom: Mu'asisah al-Ma'arif al-Islamiya. [In Arabic]
3. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
4. Motahari, M. (n.d.). *Collection of works*. Tehran: Sadra.
5. Safi Golpayegani L. (1393 AP). *Muntakhab al-Athar* (Ahmadi, M. Trans.). Qom: Munir. [In Persian]
6. Safi Golpayegani, L. (1362 AP). *The dependence of the world on Imam Zaman*. Tehran: Bethat Foundation, Al-Imam Al-Mahdi Institute. [In Persian]
7. Safi Golpayegani, L. (1365 AP). *Waiting for resistance factor and movement*. Tehran: Bethat Foundation, Islamic Research Unit. [In Persian]
8. Safi Golpayegani, L. (1377 AP). *The discourse of Mahdism*. Qom: Jamkaran Holy Mosque. [In Persian]
9. Safi Golpayegani, L. (1379 AP). "Muntakhab al-Athar" is a lasting work about Hazrat Mahdi. *Golestan Qur'an*, (33) pp. 42-43. [In Persian]
10. Safi Golpayegani, L. (1380 AP). *Muntakhab al-Athar fi al-Imam al-Thani al-Ashar*. Qom: Library of Ayatollah Al-Safi Al-Golpaygani, Vahdah al-Nashr al-Alamiya. [In Persian]
11. Safi Golpayegani, L. (1382 AP). *Muntakhab al-Athar fi al-Imam al-Thani al-Ashar, English* (Razavi, Sh, Trans.). Tehran: Naba. [In Persian]
12. Safi Golpayegani, L. (1389 AP). *Salvation belief (belief in the reappearance of a savior)*. Qom: Jamkaran Holy Mosque.
13. Safi Golpayegani, L. (1389 AP). *The knowledge of Hozjat of God*. Qom: Jamkaran Holy Mosque. [In Persian]
14. Safi Golpayegani, L. (1389 AP). *Toward the government of Karimeh*. Qom: Jamkaran Holy Mosque. [In Persian]

15. Safi Golpayegani, L. (1390 AP). *About Imam's knowledge*. Qom: Jamkaran Holy Mosque. [In Persian]
16. Safi Golpayegani, L. (1390 AP). *Promise of safety*. Qom: Jamkaran Holy Mosque. [In Persian]
17. Safi Golpayegani, L. (1390 AP). *The originality of Mahdism in Islam from the point of view of Sunnis*. Qom: Jamkaran Holy Mosque. [In Persian]
18. Safi Golpayegani, L. (1392 AP). *Formative Wilayat and legislative Wilayat*. Qom: Editing and Publishing Office of Ayatollah Haj Sheikh Lotfollah Safi Golpayegani. [In Persian]
19. Safi Golpayegani, L. (1392 AP). *Forough Velayat in Du'a Nodbeh*. Qom: Editing and Publishing Office of Ayatollah Haj Sheikh Lotfollah Safi Golpayegani. [In Persian]
20. Safi Golpayegani, L. (1392 AP). *The system of Imamate and leadership (the Imamate of Imam Mahdi and the role of creating belief in his Imamate)*. Qom: Editing and Publishing Office of Ayatollah Haj Sheikh Lotfollah Safi Golpayegani. [In Persian]
21. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *Answer ten questions about Imamate, characteristics and attributes of Hazrat Mahdi*. Qom: Editing and Publishing Office of Ayatollah Lotfollah Safi Golpayegani. [In Persian]
22. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *Jamal Montazer (translation of the book Muntakhab al-Athar in Urdu)* (Zeinpuri, N. A. Trans.). Tehran: Imam al-Montazar Publications. [In Persian]
23. Safi Golpayegani, L. (1393 AP). *Mahdavi's messages*. Qom: Editing and Publishing Office of Ayatollah Haj Sheikh Lotfollah Safi Golpayegani. [In Persian]
24. Safi Golpayegani, L. (1394 AP). *Fakhr Duran*. Qom: Editing and Publishing Office of Haj Sheikh Lotfollah Safi Golpaigani's Works. [In Persian]
25. Safi Golpayegani, L. (1395 AP). *Meetings and guidelines, the words of the supreme authority, Hazrat Ayatollah Safi Golpayegani, in meeting with different classes of people*. Qom: Editing and Publishing Office of Ayatollah Haj Sheikh Lotfollah Safi Golpayegani. [In Persian]

26. Safi Golpayegani, L. (1397 AP). *Lumhat fi al-Kitab va al-Hadith va al-Madhab*. Qom: Editing and Publishing Office of Ayatollah Safi Golpayegani. [In Persian]
27. Safi Golpayegani, L. (1417 AH). *Belief in Mahdism*. Qom: Hazrat Masoumeh Publications. [In Arabic]
28. Safi Golpayegani, L. (1422 AH). *Muntakhab al-Athar*. Qom: Editing and Publishing Office of Grand Ayatollah Haj Sheikh Lotfollah Safi Golpayegani. [In Persian]
29. Safi Golpayegani, Lotfollah. (1388 AP). *Muntakhab al-Athar fi al-Imam al-Thani al-Ashar*. Qom: Editing and Publishing Office of Ayatollah Lotfollah Safi Golpayegani.
30. Safi Golpayegani, L. (2003). *Muntakhab al-Athar*. (Razavi, Sh, Trans.). Tehran: Naba.
31. Tabatabaei Boroujerdi, H. (1380 AH). *Jame' Ahadith al-Shia fi Ahkam al-Shariah*. Tehran: Matba'ah al-Masahah. [In Arabic]
32. Tabrizi, M. (1387 AP). Comprehensive Shia hadiths, points and weaknesses and how to use it. *Journal of Fiqh*, (56), pp. 195-138. [In Persian]
33. Tehrani, A. (1408 AH). *Al-Dhari'a ila Tasanif Al-Shi'a*. Qom: Esmailian. [In Arabic]
34. <https://fa.wikifeqh.ir/>
35. <https://fa.wikishia.net/>
36. <https://ketabjamkaran.ir>
37. <https://saafi.com/news/98>
38. <https://www.hawzahnews.com>

Editorial Board
(Persian Alphabetical Order)

Seyed Majid Emami

Associate Professor of Imam Sadegh University

Hossein Elahi Nejad

Associate Professor, Islamic Sciences and Culture Academy

Gholamreza Behrozi Lak

Professor of Baqir Al-Olum University

Seyed Masoud Poor Seyed Aghaei

Professor of Islamic Seminary of Qom

Nematullah Safari Foroushani

Professor of the al-Mustafa International University

Najaf Lakzaie

Professor of Baqir Al-Olum University

Seyed Razi Mousavi Gilani

Associate Professor, University of Religions and Denominations

Mohammad Hadi Homayoun

Professor of Imam Sadegh University

Hassan Yousefian

Associate Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute

Mahdi Yousefian

Assistant Professor, Specialized Center of Mahdism, Islamic Seminary of Qom



Reviewers of this Volume

Hossein Elahi Nejad, Gholam Reza Behrouzi Lak, Khodamorad Salimian,
Muhammad Shahbazian, Reza Isa Nia Qasem Abad, Ghanbar Fath Shahbazi,
Ahmad Reza Yazdani Moghadam, Muslim Kamyab, Mahmoud Maleki Rad.



**The Quarterly Journal of
Mahdavi Society**

Vol. 3, No. 1, Spring and Summer, 2022

5

Islamic Sciences and Culture Academy

Research Center for Mahdiism and Future Studies (Futurology)

www.isca.ac.ir

Manager in Charge:

Najaf Lakzaei

Editor in Chief:

Hossein Elahi Nejad

Secretary of the Board:

Muslim Kamyab

Tel.:+ 98 25 31156909 • P.O. Box.: 37185/3688

Jm.isca.ac.ir

راهنمای اشتراک مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



ضمن تشکر از حسن انتخاب شما

مرکز توزیع مجلات تخصصی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم عهده دار توزیع و اشتراک مجلات ذیل می باشد. لطفاً پس از انتخاب مجله مورد نظر، فرم ذیل را تکمیل کرده و به نشانی ارسال فرمایید.

فرم اشتراک

حوزه	فقه	نقد و نظر	آینه پژوهش	جستارهای فقهی و اصولی
یک سال اشتراک ریال ۸۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۱/۴۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۱/۴۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۹۶۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۸۰۰/۰۰۰
پژوهشهای قرآنی	اسلام و مطالعات اجتماعی	علوم سیاسی	تاریخ اسلام	آیین حکمت
یک سال اشتراک ریال ۱/۴۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۱/۴۰۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳۲۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳۲۰/۰۰۰	یک سال اشتراک ریال ۳۲۰/۰۰۰

نام پدر:	نام و نام خانوادگی:
میزان تحصیلات:	تاریخ تولد:

نشانی:	استان:	کد پستی:	کد اشتراک قبل:
شهرستان:	شهرستان:	صندوق پستی:	پیش شماره:
خیابان:	خیابان:	رایانامه:	تلفن ثابت:
کوچه:	کوچه:		تلفن همراه:
پلاک:	پلاک:		

هزینه های بسته بندی و ارسال به عنوان تخفیف محاسبه شده است.

قم، چهارراه شهدا، ابتدای خیابان معلم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
 کد پستی: ۳۷۱۵۶-۱۶۴۳۹ تلفن: ۰۲۵-۳۷۱۶۶۶۷
 شماره پیامک: ۳۰۰۲۷۰۲۵۰۰۰۰ رایانامه: magazine@isca.ac.ir

شماره حساب سیببازانک ملی ۰۱۰۹۱۴۶۰۶۱۰۰۵ نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی